

انجیل متی

پیشگفتار

استاد و آموزگار بود و همچنان بوسیله شاگردان پیروانش این نقش را ادامه خواهد داد، با قدرتی کامل که نه از شیطان بلکه از خدا دریافت کرده است (۱۰:۴) زیرا خدای پدر همه چیز را به او عطا نموده است (۱۱:۲۷). یادآوری این نکته به انجیل متی جنبه اخلاقی می دهد که از اختصاصات این انجیل است.

بر طبق نوشه های مقدس، یهودیان یسوع را طرد کرده اورا نپذیرفتند و بدین گونه مژده به مشرکان ابلاغ گردید و این موضوع به اختصار در سرآغاز انجیل نشان داده می شود زیرا سرآغاز انجیل کمتر به منظور نشان دادن وقایع دوران کودکی یسوع است و بیشتر برای آن است که از روی روایات کهن معنی و مفهوم سرنوشت زمینی کسی بیان شود که از میان مردگان برخاسته است. گرچه یوسف کودکی را که بوسیله روح القدس بارور و از مریم عذرزا زده شده است به نام اسرائیل و به عنوان اولاد و نسل داود می پذیرد و سپس مغان یعنی نمونه مشرکانی که انجیل آنها را به نجات دعوت می نماید از او دیدار می کنند با این همه اورشلیم، کاهنان اعظم و هیرودیس پادشاه وجود او را انکار می نمایند و او را طرد کرده به شکنجه می کشند. هیرودیس به جای اینکه او را پرستش کند می خواهد وی را با کودکان بیت اللحم به قتل برساند ولی یسوع از مهلکه جسته و به جلیل که نماد سرزمنی مشرکان است پناه

آغاز و پایان انجیل

متی به جای مقدمه ای که لوقا به انجیل خود افزوده، پیش از آغاز انجیل، منظور و مفهوم اثر خود را ذکر کرده و در طی آن روایت زندگی آشکار یسوع را می نگارد (۱:۲۰-۲:۱۶) همچنان که در پایان انجیل نیز در جریان تنها موردی که یسوع پس از رستاخیز پدیدار می شود مفهوم اثر خود را بیان می کند (۲:۱۶-۲۸): «قدرت کامل در آسمان و بزرگی می باشد از عطا شده است. پس بروید و از میان همه ملت ها مردم را جزو پیروان درآورید و به نام پدر، پسر و روح القدس آنان را تعمید داده آنچه را به شما سفارش کرده ام به ایشان تعلیم دهید و من هر روز تا پایان روزگار با شما خواهم بود.» در این «بیانیه» که یسوع پس از برخاستن از مرگ اظهار می کند بردو نکته مهم تأکید شده است، یکی افتخار مسیح و دیگری نقش شاگردان او.

۱- انجیل متی نظری انجیلهای دیگر، بیانگر زندگی و آموزش‌های یسوع است ولی متی به شیوه مخصوص خود و بیشتر از دیگران مسیح‌شناسی ساده و ابتدایی را توضیح داده و مفهوم آن را بیان می کند. در آغاز، تولد عمانوئیل - به معنی «خدا با ماست» - به یوسف اعلام می شود (۱:۲۳) و او کسی است که تا پایان روزگار به عنوان «استاد و آموزگار» برای ایمانداران حاضر خواهد بود (۲۸:۲۰) چنانکه در زندگی بر روی زمین هم

نظر متی کمتر به این معنی می‌باشد زیرا متی این کلمات را پس از مرگ یسوع بکار برده و بنابراین انتظار نداشته چنین روایایی تحقق یابد.

به نظر متی اصطلاح «ملکوت آسمانها» معنی خاص و فنی داشته و به مفهوم تسلط و نفوذ خدا بر قوم خود می‌باشد و وقتی که یسوع «رازهای ملکوت» را اعلام می‌نماید (۱۱:۱۳) آن را به صورت کلی و مطلق بکار می‌برد. در موارد دیگر در انجیلهای لوقا یا یوحنا این اصطلاح مجددأ تعبیر و تفسیر شده و به معنی زندگی جاودان و آسمان آمده است. بدین سبب در انجیل متی این اصطلاح مبهم است و بایستی معمولأ به واژه «سلطنت» برگردانده شود ولی گاه به علت استثناهای قواعد دستور زبان یونانی (۲:۳ توضیح g) بایستی به کلمه «ملکوت» ترجمه شود. بدین گونه منظور از ملکوت آسمانها فقط مربوط به آینده نیست بلکه شامل زمان حاضر هم می‌شود. مثل هایی که در باب ۱۳ درباره ملکوت آمده مختصات آن را به این ترتیب تعیین می‌کنند: ملکوت که با عمل بذرافشان آغاز شده، علی رغم عدم موقوفیت‌هایی که با آنها مواجه می‌شود بایستی به طرقی اسرارآمیز تا برداشت محصول نهایی ثمر بدهد. به دلیل این منظره که توصیف پایان روزگار است ملکوت خدا را نمی‌توان با کلیسا یکی دانست حتی اگر کلمه «کلیسا» (۱۶:۱۸؛ ۱۸:۱۸) به مفهوم جامعه پیروانی باشد که ملکوت را بشارت داده نشانه‌های آن را اعلام می‌نمایند. ضایعه این جامعه خدمت متقابل است (۱۸:۱۲؛ ۱۴) و این جامعه همراه پطرس کلیدهای ملکوت را در دست دارد (۱۶:۱۸؛ ۱۹:۱۹) و با اینکه افراد این جامعه می‌دانند ملکوت آغاز شده باز هم همواره دعا می‌کنند: «ملکوت تو بیاید!» (۶:۱۰).

می‌برد. این سرگذشت غم انگیز که بالآخره منجر به اعلام انجیل به مشرکان می‌شود علام و مشخصات مرگ و رستاخیز آینده او را دارد.

بنابراین یسوع مسیح تاریخ قوم اسرائیل را به تحقق می‌رساند ولی متی به طریق دیگری یعنی بوسیله نوشته‌های مقدس هم این موضوع را اظهار نموده است: بدین معنی که در سرتاسر نوشته‌خود به طور پراکنده مطالبی از کتاب مقدس نقل کرده تا نشان دهد که طرز رفتار یسوع همواره بوسیله نوشته‌های مقدس روشن می‌شود و سپس می‌نویسد: «به این ترتیب پیام خدا که پیامبر اعلام کرده بود بایستی تحقق می‌یافت» (۱:۲۲) توضیح K). کسانی که یسوع را نپذیرفته بودند درباره شخصیت او اشتباه می‌کردند: یسوع واقعاً همان مسیح موعودی است که یهودیان انتظار می‌کشیدند.

-۲- همین یسوع با قدرت و اقتدار یازده نفر را مأمور می‌کند که مژده را اعلام کنند و همه ملت‌ها را پیرو سازند. این مژده بر طبق اصطلاحی که مختص نخستین انجیل است بدواً اعلام «ملکوت آسمانها» است، اصطلاحی که در روایات یهود «ملکوت خدا» ثبت شده است. زیرا خدا فرمانروایی است که در میان ملت خود حضور دارد و در لحظات معینی در جریان تاریخ با قدرت دخالت می‌نماید. این طرز سخن گفتن درباره خدا بدون شک تا اندازه‌ای از شیوه حکومت اسرائیل در طی قرون ناشی می‌شود زیرا یهودیان همواره آرزوی فرمانروایی و دخالت قاطع خدا را داشتند و بر اثر اشغال رومیان امید و انتظارشان تشدید شده بود. بسیاری از یهودیان آن دوران به سادگی می‌گفتند: «فقط خدا پادشاه ما است!» اگرچه یسوع اصطلاح «ملکوت آسمانها» را بکار برده اما منظور او از این کلمات آزادی سیاسی نیست و به

نگارش ادبی

خواننده به کمک آنها در برابر سرنوشتی تاریخی قرار می‌گیرد. درواقع این اطلاعات فقط مجموعه‌ای از وقایع و شرح و تفصیل آنها نیستند. متی علاقمند است یک کلمه را در آغاز روایت یا حکمت و اندرزی آورده و همان کلمه را در پایان آن تکرار نماید. این شیوه ادبی را در زبان فارسی و ادخال (به معنی داخل کردن) می‌گویند (۱۹:۶ و ۲۱:۶؛ ۲۱:۷ و ۲۰:۷؛ ۱۶:۷ و ۱۶:۶ و ۱۲:۱۶). وی کلمات مترادف یا نظریات مختلف و متضاد را با یکدیگر و در برابر یکدیگر به شیوه ادبی لف و نشر (به معنی درهم پیچیدن و گستردن) بکار می‌برد (۲۵:۱۶). متی ابایی ندارد که عبارتهایی را مرتبًا تکرار کند (۱۲:۸؛ ۱۳:۲۲؛ ۱۳:۲۵؛ ۳۰:۲۵) یا اینکه برای بیان یک واقعیت همواره ترکیب کلام معینی بکار ببرد (۲:۸ و ۲:۹ و ۴:۹ و ۲۵:۱۲ و ۲۵:۱۱). ایجاز و اختصار از سخن معینی را از زبان گویندگان مختلفی ذکر نماید (۲:۳؛ ۱۷:۴؛ ۱۷:۱۰). ایجاز و اختصار از مختصات روایت‌های متی است: روش نگارش مرقس که به صورت داستان نویسی است در انجیل مخصوصاً برای خود را به روش آموزش مذهبی داده و حتی جنبه تقدس دارد (روایت‌های مربوط به شفا دادن مادر زن پطرس را در مت ۸:۱۴ و ۱۵-۱۶ با یکدیگر مقایسه کنید).

متی بسیار علاقمند است که با کاربرد برخی اعداد ترکیب‌هایی ایجاد کند (در این مورد اعداد ۷، ۳ یا ۲ جایگاه خاصی دارند) یا بوسیله واژه‌هایی قلاب مانند، مطالب را به یکدیگر پیوند داده و ترکیب‌هایی بوجود آورد (مثلاً ۱۸:۴-۶). در حالی که مرقس و لوقا مطالبی را که از منابع مختلف هستند در کنار یکدیگر ذکر می‌نمایند متی این گونه گفتارها و روایت‌ها را ترکیب نموده و یکجا جمع می‌کند (مثلاً موضوع مربوط به ۵:۸-۵:۷ را با لو ۱۰-۱۱:۱۳ و ۲۸-۲۹:۱۳ مقایسه

متی در نگارش انجیل خود از همان مدارک و مأخذی استفاده کرده که مرقس و لوقا در دست داشته‌اند، ولی با وجود این تشابه کلی، روایتی که متی ارائه می‌کند با روایت مرقس تفاوت بسیار دارد. این تفاوت از نظر تعداد مطالب و شرح و تفصیل آنها در انجیل متی است که مختص به این انجیل می‌باشد (مثلاً ۲-۱: ۷-۵؛ ۱۱: ۱-۳؛ ۳۰-۳۱: ۲۸؛ ۳۵-۳۶؛ ۹-۱۰: ۱۸؛ ۴-۵: ۲۴-۳۰). به علاوه متی نکاتی را که در انجیل مرقس و متی مشترک هستند با آزادی بیشتری بکار می‌برد (مثلاً این موارد را با یکدیگر مقایسه کنید: مت ۱۱-۱۲: ۴-۳۵؛ ۲۷-۲۳: ۸-۱۳؛ ۲۱-۱۳: ۶-۹؛ ۱۳-۱۲: ۱-۱۳؛ ۱۷-۱۳: ۲-۱۴؛ مت ۱۴-۱۳: ۶-۲۲؛ ۲۰-۱۳: ۱۶-۱۷؛ ۸-۲۷؛ ۳۰-۳۱: ۴-۴۴؛ ۲۱-۱۸: ۱۹-۱۸؛ ۱۲-۱۱: ۱۲-۱۱؛ ۱-۲۴: ۳۶-۱-۲۴؛ ۱۳-۱۱: ۴-۳۷). بالاخره متی سلسله مطالبی را روایت می‌کند که ظاهرآ منبع و مأخذ آنها مجموعه‌ای از گفتارهای یسوع بوده و لوقا هم از آن مجموعه استفاده کرده است (مثلاً ۷: ۷-۱۰؛ ۱۱-۱۷: ۳-۳). مشکل بتوان گفت منابع و مأخذ مورد استفاده متی قبلًا تا چه اندازه به صورت مجموعه‌های بزرگتری وجود داشته است ولی اگر انجیل متی با انجیلهای مرقس و لوقا مقایسه شود می‌توان دریافت که روش انشا و نگارش متی چه بوده است.

۱- در ذکر وقایعی که روایت شده بجز در مورد ۱۷:۴ و ۲۱:۱۶ معمولاً ارتباط و پیوستگی‌های زمانی فاقد ارزش است (ر.ک. ۳: ۱ توضیح). اطلاعات جغرافیایی نسبتاً مبهم هستند و با این اطلاعات نمی‌توان خط سیر مشخص و دقیقی را تعیین نمود، با این همه

بزرگی ایجاد و تحمیل گردد. با این همه منتقادان سه نوع تقسیم بندی پیشنهاد کرده اند که «طرح های» متی نامیده می شوند.

الف) ساده ترین طرح ظاهراً طرح جغرافیایی و نظری طرحی است که در انجیل مرقس وجود دارد و شامل رسالت عیسوی در جلیل (۱۲:۴-۱۳:۵)، فعالیت یسوع در نواحی پیرامون جلیل و سپس در راه به سوی اورشلیم (۱۴:۲۰-۲۰:۳۴) و بالاخره آموخت، رنجها، مرگ و رستاخیز یسوع در اورشلیم (۲۱:۲۱-۲۸:۲۰) می باشد. اشکالی که در پیشنهاد این طرح وجود دارد این است که کسی نتوانسته نشان دهد که متی در ذکر این محلهای جغرافیایی قصد و نیت مخصوصی از نظر الهیاتی داشته است، بنابراین ممکن است ذکر محلهای جمع آوری مطالب باشند.

ب) نویسنده‌گان دیگری طرح انجیل متی را بر مبنای پنج «خطابه» تدوین و تنظیم می کنند، خطابه‌هایی که متی آنها را با عبارتهای پایانی مشابهی از یکدیگر مشخص و جدا کرده است که قبلًا ذکر گردید. زیرا در حقیقت قسمت اساسی آموزش‌های یسوع در پنج گروه مطالب جمع شده است. آیا می توان این مطالب را به صورت یک رشته متناوب از روایت و خطابه طبقه بندی کرد؟ چنین ارتباطی را علی رغم تصور کسانی که معتقد به وجود آن هستند نمی توان به آسانی نشان داد مگر در مورد باب‌های ۱۱-۱۲ و باب ۱۳. آیا ممکن است باب‌های ۱۱-۱۲ را روایت به شمار آورد و حال آنکه از یک رشته گفتارهای کوتاه تشکیل شده اند و زمان و مکان آنها مبهم و نامشخص است؟ و اما در مورد گروه بندی‌های دیگر، نمی توان رابطه نزدیکی بین باب‌های ۳-۴ با باب‌های ۵-۷ و نیز بین باب‌های ۱۴-۱۷ با

نمایید) تا معنی و مفهوم عمیق تری داشته باشند. متی همچنین آموزش‌های یسوع را که مشابه یکدیگر هستند دسته بندی می کند مثلاً دعای «ای پدر ما» را در مجموعه ای از مطالب که قبلًا ترتیب یافته است جای می دهد (۶:۷-۱۵ در داخل ۱۶:۱-۱۸)، وی «خطابه‌هایی» تأليف و انشاء می کند تا به آنها جبهه تمامیت و کمال بدهد (مثلاً ۱۰:۱۰-۱۳:۱۳؛ ۲۵:۳۵-۳۵:۵۳؛ ۴۲:۱۳-۱۷) به مجموعه معجزاتی که در ۱۷:۱-۸ ذکر شده دو مجموعه معجزه دیگر می افزاید (۸:۹-۲۳ و ۹:۱۸-۳۴). در مورد سرنوشت پسر انسان که سه بار اعلام شده است شرح و توضیحاتی می افزاید تا دامنه آموزش‌های یسوع وسیع تر گردد (مثلاً ۱۸:۱۸-۵:۳۵؛ ۱۹:۱-۱۶:۲۰).

بالاخره از لحاظ ترتیب انشای ادبی، در این اثر پنج مجموعه به نظر می رسد که آنها را به سبب فقدان نامی بهتر، «خطابه‌های» یسوع می نامند که بافت کلی انجیل را تشکیل می دهند. این خطابه‌ها مجموعه ای از گفتارها و سخنان یسوع هستند که در پایان هر مجموعه این عبارت می آید: «باری، هنگامی که یسوع به این آموزشها پایان داد» (ر. ک ۷:۲۸ توضیح ز). خطابه‌های مذکور به ترتیب عبارتند از: «عدالت ملکوت» (۵-۷)، «کارگزاران ملکوت» (۱۰)، «رازهای ملکوت» (۱۳)، «فرزندان ملکوت» (۱۸)، «هوشیاری و وفاداری لازم در انتظار ظهور نهایی ملکوت» (۲۴-۲۵).

۲- خواننده‌پس از ملاحظه ویژگی‌های بارز روش و شیوه نگارش انجیل متی، در صدد بر می آید که انجیل را به مجموعه‌ها و بخش‌های بزرگتری تقسیم کند. البته این گروه بندی خواست متی نبوده و پیشنهاد خود خواننده است و به همین سبب در این ترجمه سعی نشده در انجیل تقسیمات

(۱۳). بالاخره بستگان یسوع او را طرد می نمایند
(۸۵-۵۳:۱۳).

در بخش دوم (۲۸-۱۴) یسوع قدم در راهی می گذارد که او را به وسیله صلیب به شکوه رستاخیز می رساند. در این روایت دو حرکت وجود دارد که آن را روایتی زنده ساخته اند: حرکت اول بر مبنای جغرافیایی (۱۶-۱:۱۶) و سپس بر مبنای آموزه ای است (۲۱:۲۰-۲۰) و این امکان را فراهم می سازد که یسوع تعلیمات مخصوصی به جامعه خود بدهد. حرکت دیگر در اورشلیم می گذرد که یسوع با جلال و شکوه به آنجا وارد شده معبد را بدست می گیرد (۲۱:۲۱)؛ سپس با دشمنان خود روبرو می شود: با ذکر سه مثل اراده و مشیت خدا را آشکار می کند (۲۱:۲۱-۲۸:۲۲)، از بحث و مجادله با دشمنان و از دامهایی که گسترده اند پیروز بیرون می آید (۲۲:۲۱-۱۵) و ریاکاری کتابخان و فریسان را بر ملا می سازد (۲۳)؛ سپس یسوع داوری همه دنیا را اعلام کرده (۲۴-۲۵) و می گذارد آدمیان او را داوری نموده محکوم سازند (۲۶-۲۷). بالاخره خدا او را از مرگ برمی خیزاند (۲۸).

بدین ترتیب منی واقعه ای مهیج و غم انگیز را شرح می دهد. یسوع قوم یهود را ملزم می کرد بدون هیچ قید و شرطی به شخص او بگردوند و پذیرفته شدن غیریهودیان در مملکوت آسمانها را اعلام می کرد. این ملاقات که می باشد موجب تحقق و تمامیت هدف قوم خدا گردد بر اثر امتناع قوم اسرائیل به جدایی و گسیختگی منجر می شود. از آن پس شاگردان و پیروانی که به آموزش یسوع برخاسته از مرگ و فادر مانندند قوم واقعی خدا به حساب می آمدند که از تسلط کارگزاران یا غیر رها شده بودند و بایستی ثمرات مورد انتظار خدا را بوجود آورند (۲۱:۲۳).

باب ۱۸ برقرار کرد. بالاخره برای این که باب های ۹-۸ با باب ۱۰ و باب های ۲۳-۱۹ با باب های ۲۴-۲۵ پیوند داده شود باستی در متن آنها تغییرات کلی ایجاد نمود. لازم به یادآوری است که انجیل متی جزو آموزش دینی نیست که بوسیله شواهد و مثالهایی تشریح و تفسیر شده باشد بلکه بیانگر وجودی تاریخی است که از نظر آموزه ای اهمیت دارد.

ج) کسان دیگری تصور کرده اند که متی خواسته است زندگی غم انگیز یسوع را بر روی بافت جغرافیایی بنگارد ولی با توجه به قسمتهای مشروحه زیر می توان مجموعه این اثر را به دو بخش مهم تقسیم کرد: مطالبی که بطور «چکیده و مختصر» ذکر شده است (۱۲:۱۲-۱۵:۱۲، ۲۱-۲۴:۱۲-۱۵:۱۲...)، تسلسل مطالب و پیوستگی آنها (۱۵:۱۲-۲۱:۱۱، ۱۲-۱۳:۳ و ۵۰:۱۲-۱۱:۱۷-۱۳:۳)، نکات واضح و روشن درباره سرزمین (۱۸:۹-۳۴:۹)، ۲۰:۲۰-۲۸:۲۰ (۲۰:۱۶-۱:۱۴) یا نکاتی که وضوح کمتری دارند (۱۱:۱۱-۱۲:۵۰)، ۱۱:۱۱-۱۲:۵۰ (۲۰:۲۰-۲۸:۲۰)، تنوع شنووندگان، ویژگی جمعیت (۱:۸-۹:۳۴)، ویژگی دشمنان (۱۱:۱۱-۱۲:۵۰)، ویژگی شاگردان (۱۴:۱-۲۱:۲۳)، ویژگی شاگردان (۲۰:۲۰-۲۴:۱)، ۲۵:۱-۲۴:۳)، ۲۵:۱-۲۶:۱)، ۱۳:۱-۱۳:۵۸) یسوع خود را

معرفی می کند ولی قوم یهود از ایمان آوردن به او امتناع می ورزند. یسوع که در اعمال و سخنان خود قدرت کامل دارد (۱۲:۴-۹:۳۴) شاگردان خود را می فرستد تا مژده را اعلام نمایند (۹:۳۵-۱۰:۴۲)، آنگاه اختیار داده می شود که موافق یا مخالف یسوع باشند بدین معنی که از شنووندگان دعوت می شود تا آنچه را به هنگام معجزه های قبلی روی داده (۱۱-۱۲) یا آموزش جدیدی را که به صورت مثل ها ارائه می شود درک کنند

جایگاه منحصر به فردی در تدارک مکاففه الهی دارد: بدین معنی که ایشان انبیا، حکیمان و کاتبان شریعت جدید به شمار می‌آیند (۱۳:۵۲؛ ۱۳:۲۳) ولی گرچه متی تصویر شاگردان را از نظر تاریخی کم رنگ‌تر جلوه می‌دهد سعی کرده آنان را افرادی ثابت و پایدار نشان دهد، کسانی که رفتارشان حتی موقعی که همانند مردمان کم ایمان ظاهر می‌شوند در خور شاگردان آینده باشد (۸:۲۶؛ ۱۶:۳۱؛ ۱۴:۳۱).

۳- بالاخره تصویری که در این انجیل از مسیح ترسیم شده تحت تأثیر جامعه مسیحیان وابسته به متی است. قبلًا نشان دادیم که چگونه یسوع نوشه‌های مقدس را به تحقق رسانید و بدین وسیله نقشے خدا را توجیه کرده دفاعیه مسیحیت را پایه‌گذاری نمود. به علاوه متی با تأکیدی که مختص به اوست یسوع را همچون استاد و آموزگاری والا معرفی می‌کند (۵:۲؛ ۷:۲۹؛ ۹:۲۱؛ ۴:۲۳؛ ۲۲:۱۶؛ ۴:۳۵؛ ۹:۳۵؛ وغیره). در انجیل مرقس کلمه «استاد» به همان مفهوم کلی که در دنیای کهن داشته بکار رفته است: در انجیل لوقا مشاهده می‌شود که یسوع به شاگردان خود طرز دعا کردن را می‌آموزد (۱۱:۱۰)، در انجیل یوحنا آموزش یسوع بویژه درباره شخص خودش می‌باشد (۲۸:۲۰، ۲۸:۲۸). در انجیل متی استاد «عدالتی تو» (۱۰:۸) یعنی وفاداری جدید به قانون خدا را تعلیم می‌دهد (۵:۱۹-۲۰؛ ۷:۲۹؛ ۱۵:۹؛ ۲۸:۲۰)، او مفسر «آخرت شناسی» است، «اقتدار» نهایی خدا دست اوست تا شنوندگان خود را از «آداب و رسوم انسانی»، از «سنن بشری» که کتابان نگهبان آنها هستند جدا ساخته (۱۵:۹) به آنان کمال و فضیلت جدیدی بیاموزد (۵:۲۸؛ ۱۹:۲۱).

از همان آغاز انجیل اعلام شده که یسوع مسیح است، پسر داود و پسر خدا. ضمناً وی به عنوان پسر

جامعه وابسته به متی

مطلوبی که برای نگارش انجیل متی انتخاب شده و نیز ترتیب آنها نشان می‌دهد که اندیشه و اشتغال خاطر محافل و کسانی که این انجیل در میان آنان بوجود آمده چه بوده است. در این مورد می‌توان به سه نکته اشاره کرد:

۱- متی انجیل نگاری است که بیش از هر چیز بر شریعت، نوشته‌های مقدس و آداب و رسوم یهود تأکید می‌کند، مثلاً سه فریضه بزرگ آینه یهود را (یعنی صدقه دادن، دعا کردن و روزه گرفتن) می‌پذیرد، تفاوتی که در اینجا با مطالب انجیل مرقس به نظر می‌رسد (۷:۳-۴) این است که متی نیازی نمی‌بیند این آداب و رسوم را توضیح دهد. بالاخره در این انجیل خطاب یسوع در ابتدا ترجیحاً به قوم خود است (۱۰:۱۵؛ ۱۵:۶) ولی تأکید و اصرار در این مورد با یادآوری نکته دیگری ترمیم و تصحیح شده است بدین معنی که تأکید می‌شود قوانین یهود بایستی تحقق پذیرد و نوشته‌های مقدس در شخصیت یسوع تجلی یابد. سرانجام یادآوری می‌شود که سنت‌ها و روایات فریسیان موجب افراط و سوءاستفاده گشته است. در این انجیل همه چیز مجدد و بطور اصولی تفسیر می‌شود چنانکه در موضعه یسوع بر روی کوه (باب ۵) مشاهده می‌شود و مطالبی در مقابل و متضاد آنها ارائه می‌گردد. متی بر انتقال و اعلام مژده به مشرکان اصرار می‌ورزد و علامه‌مند است که انجیل در بعد از جهانی انتشار یابد و می‌گوید که همه آدمیان را پسر انسان داوری خواهد کرد (۲۵:۲۱-۴۶) و از همه ملت‌ها دعوت می‌شود که آموزش عیسی را پذیرند (۲۸:۱۹).

۲- تفاوت دیگری که انجیل متی با مرقس دارد این است که در متی شاگردان یسوع نه تنها بی‌ بصیرت و ناتوان از درک مطالب نیستند بلکه

آن فلسطین است. معمولاً تصور می کنند در سوریه و احتمالاً در انتاکیه (ایگناتیوس در حدود اوایل قرن دوم میلادی این انجیل را به انتاکیه مربوط می داند) یا در فینیقیه نگارش یافته است زیرا در این مناطق تعداد زیادی از یهودیان می زیسته اند. بالاخره در این انجیل آثاری از بحث و مجادله با یهودیان وابسته به کنایس و بنیادگرایان فریسی دیده می شود، همان گونه که در مجمع کنیسه ها در جامنیا در حدود سالهای ۸۰ میلادی این بحث و مجادله ها در گرفت. با توجه به این موضوع تعداد زیادی از نویسنده‌گان، تاریخ نگارش نخستین انجیل را سالهای ۸۰ یا ۹۰ میلادی و حتی زودتر از آن تعیین کرده اند ولی به هر صورت در این مورد نمی توان با اطمینان کامل نتیجه گیری نمود.

در این انجیل چیزی درباره نویسنده آن گفته نشده است. قدیمی ترین روایت کلیسا (پاپیاس اسقف هیراپولیس در نیمه قرن دوم میلادی) آن را منسوب به متی - لاوی رسول می داند و تعدادی از پدران کلیسا (اوریجن، زروم و اپیفان) نیز به همین عقیده اند و بعضی از نویسنده‌گان چنین نتیجه گرفته اند که متی انجیل خود را به همین صورت انجیل یونانی که در دست داریم در ابتدا به زبان آرامی یا عبری نوشته است ولی بررسی انجیل بدون اینکه این فرضیه را به کلی رد کند آن را تأیید نمی نماید. به هر صورت نام نویسنده انجیل بطور قطعی مشخص نیست و باقیستی به آثار و شواهد چندی که در خود انجیل وجود دارد اکتفا کنیم: از محتوای انجیل چنین برمی آید که نویسنده در موضوع نوشته های مقدس و روایات یهود وارد و زبردست است، رؤسای مذهبی قوم خود را به خوبی می شناخته و برای آنان احترام قائل بوده ولی آنان را به شدت مورد استیضاح قرار داده است، در فن آموزش و «تفهیم» یسوع به

خدا و مسیح، مفسر نهایی مشیت خدا و «آموزگار سخنان خدا» است. بدین سبب به خوبی می توان دریافت که چرا شاگرد یسوع بمانند فردی مسیحی او را «خداوند» می نامد و چرا متی از ذکر حالات نفسانی او خودداری نموده در صورتی که مرقس خشم یسوع ، هیجان یا رفت قلب او را توصیف می کند. در اینجا مسیح با وقاری بیشتر و مناعتنی محکم تر از آنچه در انجیل مرقس نشان داده شده پدیدار می شود (مت ۱۳:۳۵ و مر ۳:۶؛ نیز مت ۱۵:۳۳ و مر ۴:۸ ... را با هم مقایسه کنید).

مقصد و مخاطبان، تاریخ نگارش و نویسنده انجیل

در نظر پدران کهن کلیسا موضوع ساده بود: نخستین انجیل را رسولی به نام متی برای «ایمان دارانی که قبلًا یهودی بودند» نوشته است (اوریجن). عده زیادی هنوز چنین تصویری دارند در صورتی که منتقدان جدید به پیچیدگی این مسئله بیشتر توجه کرده اند، عوامل متعددی وجود دارد که بوسیله آنها می توان محل نگارش نخستین انجیل را تعیین نمود. در ظاهر به روشنی پیداست که متن کنونی انجیل انعکاسی از روایات آرامی یا عبری می باشد: کلماتی که بکار برده شده از نوع کلمات فلسطینی است (پیوند دادن و گشودن ۱۶:۱؛ تحمل یوغ؛ ملکوت آسمانها...). اصطلاحاتی وجود دارد که متی توضیح و تشریح آنها را برای خوانندگان خود لازم نمی بیند و نیز آداب و رسوم مختلفی که ذکر شده است (۲۳:۵؛ ۲۳:۱۲؛ ۵:۲۳، ۱۵، ۲۳:۵). از سوی دیگر چنین به نظر می رسد که این انجیل فقط ترجمه ساده ای از اصل آرامی نیست بلکه نشانه هایی از طرز انشاء یونانی دارد و با این که مملو از روایات یهودی است نمی توان گفت مبدأ و محل اصلی نگارش

شود مشاهده می شود که متی خیلی خوب به صورت فرد مسیحی امروزی سخن می گوید.
متی که انجیل خود را به عنوان تحقیق قوم اسرائیل بوسیله یسوع اعلام کرده نشان می دهد که ریشه کلیسا در روابایات و سنت اولیه و اصلی است، کلیسا یک «اسرائیل جدید» نیست بلکه «اسرائیل واقعی» است. جانشین اسرائیل نشده بلکه به قوم اسرائیل که به یسوع نگرویده نشان می دهد در چه طریقی پیش برودتا به تحقق و تمامیت بررسد و متقابلاً کلیسا بایستی در این اسرائیل اصل و ریشه خود را کشف نماید.

متی کلیسا را با ملکوت آسمانها یکی نمی داند اما به کلیسا امروزی چهره واقعیش را یادآوری می کند. شکی نیست که وجود سازمان کلیسا ضرورت دارد تا جامعه یسوع به زندگی ادامه دهد ولی این سازمان موقتی است؛ فقط ملکوت خداست که به کلیسا مفهوم واقعی داده محل و موقعیت آن را نسبت به خدا و یسوع مسیح که در تاریخ آدمیان دخالت دارد تعیین می نماید.

متی از فرد مسیحی امروزی دعوت می کند هیئت و رفتار پیروان و شاگردان یسوع را داشته باشد زیرا با شاگردان یسوع می تواند خداوند قادر مطلق خود را بشناسد و حتی صدای او را بشنود که به سبب بی ایمانی ملامتش می کند، همچنین مأموریت اعلام نوید را به دورترین نقاط دنیا دریافت کند.

در دنیایی که در تغییر و تحول است آن که از میان مردگان برخاسته، همواره حضور خود را نشان می دهد و از ایمانداران دعوت می کند مدام به آموزشها یکی که در دوران زندگی زمینی خود داده است روی آورند: یکی بودن هویت مسیح برخاسته از مرگ و یسوع ناصری که در انجیل آمده روح و معنای شهادت متی است.

شنوندگان خود مهارت داشته و همواره درباره نتایج عملی آموزش خود اصرار ورزیده است. با توجه به این اطلاعات مختصات نویسنده انجیل با مشخصات فرد یهودی دانشمند و با سوادی که مسیحی شده باشد تطبیق می کند، کسی که بمانند «ارباب خانه ای از گنجینه خود چیزهای نو و کهنه بیرون می آورد» (۵۲:۱۳).

ارزش و اهمیت کنوی انجیل اول

از قرن دوم میلادی به بعد انجیل متی به عنوان انجیل کلیسا به شمار می آمد، شاید به علت روایاتی که درباره «کلیسا» دربردارد (۱۸:۱۶؛ ۱۸:۱۸) ولی بیشتر محتمل است به دلیل غنای مطالب و ترتیب زیبای مدارک مربوطه باشد. حتی امروز هم می توان آن را انجیل کلیسا نامید مشروط بر این که در این انجیل در پی اطلاعات و مطالبی نباشیم که نمی خواهد و نمی تواند به ما بدهد. متی هنگامی که به کلیسا خود خطاب می کند پردازی ندارد که عیناً همان لحن دوران یسوع را بکار برد. ولی به اندازه ای با صدای کلیسای خود یکی می شود و با آن کلیسا هم آهنگ و هم آواز است که به دشواری می توان صدای خودش را که «شاهد عینی» بوده است تشخیص داد. بنا بر این هرگاه بخواهند تاریخ دوران گذشته را بازسازی کنند به جای مراجعة به او بایستی اطلاعات مربوطه را در انجیل جامعه و کلیسای متی بخوانند و بهترین طرز شنیدن سخنان او آن است که هیئت و رفتار ایمانداری را بگیرند که متی توصیف کرده است. خواننده نباید از روش نگارش متی که جنبه سامی دارد شگفت زده شود، مثلاً تأسف بخورد از اینکه در کارگاه پر پیچ و خَ نقل قولهایی از نوشته های مقدس فرو رفته است. آنگاه در صورتی که این نکات و ملاحظات در نظر گرفته

انجیل متی

روت: ۲۲-۱۷:۴
۱- توا: ۲۱-۱۳:۲
۶ و یسا داود پادشاه را آورد،
و داود سلیمان را از زن اوریا آورد،
۷ سلیمان رحیم را آورد،
و رحیم ابیا را آورد،
۸ و آسا یهوشافاط را آورد،
یهوشافاط یورام را آورد،
یورام عزیزا را آورد،
عزیزا یوتام را آورد،
یوتام آحاز را آورد،
آحاز حرقیا را آورد،
۹ حرقیا منسی را آورد،
و منسی عاموس را آورد،
و عاموس یوشیا را آورد،
۱۰ یوشیا یکنیا و برادرانش را
در دوران تبعید بابل آورد،
ار: ۲۰-۳۶:۲
۲- توا: ۱۰:۳۶
۱- توا: ۱۵-۱۵:۳
۱- عز: ۱:۳۲
(یونانی)
۱- مقدمة انجل متی پس از شجره نامه یسوع (۱۰:۱-۱۷) شامل بینج صحنه است که به ترتیب درباره رؤیاهای یوسف (۱۱:۱-۱۸) و دخالت‌های هیرودیس (۱۲:۱-۱۶) و هیرودیس (۱۳:۲-۱۵) می‌باشد و چنین به نظر می‌رسد که دو روایت مذکور، یکی درباره هیرودیس و دیگری درباره یوسف از نظر روش نگارش، ترکیب جملات و فحوای مطالب کاملاً از یکدیگر مجزا و متمایز هستند.

a- مقدمه انجل متی پس از شجره نامه یسوع (۱۰:۱-۱۷) شامل بینج صحنه است که به ترتیب درباره رؤیاهای یوسف (۱۱:۱-۱۸) و دخالت‌های هیرودیس (۱۲:۱-۱۶) و هیرودیس (۱۳:۲-۱۵) می‌باشد و چنین به نظر می‌رسد که دو روایت مذکور، یکی درباره هیرودیس و دیگری درباره یوسف از نظر روش نگارش، ترکیب جملات و فحوای مطالب کاملاً از یکدیگر مجزا و متمایز هستند.

b- کتاب پیدایش یعنی شجره نامه. متی این عنوان را از روایتی گرفته که آغاز نسل اولین انسان را نقل می‌کند (اینک کتاب پیدایش آدم: پید:۱-۵) تا بگوید که یسوع با گشودن کتاب پیدایش جدید، جای آدم را می‌گیرد (ر. ک لو:۳-۳۸). با این همه در اینجا نه از اولاد یسوع بلکه از اجداد و نیاکان او صحبت می‌شود: تاریخ دوران گذشته قوم اسرائیل در یسوع معنی و مفهوم خود را می‌یابد. در مورد مقایسه شجره نامه‌ای که متی نوشت و آن که لوقا آورد، ر. ک لو:۳-۲۳ توضیح f.

c- فعلی که در متن یونانی به کار رفته [و می‌توان آوردن یا فرزند آوردن ترجمه نمود] به مفهوم انتقال تصویر خود، تصویر خدا است (پید:۳-۱:۵). این عمل یا از طریق خون و وراثت (یعنی به طریق معمولی و مستقیم پدر فرزندی، پید:۱-۱:۱-۱:۵-۲۹) یا به وسیله فرزند خوانندگی انجام می‌گردد (ر. ک پید:۱۰). متی برای ارائه اصل و نسب کسی که از مرگ برخاسته و تا پایان روزگار در کلیسای خود حاضر است (مت:۲۸:۲۰-۱۶:۲۸) روشنی به کار برده که همان نگارش ادبی شجره نامه‌های کتاب مقدس است تا نشان دهد که اصل و ریشه یسوع در قوم برگزیده می‌باشد. ضمناً در این شجره نامه از چهار زن نام برده شده است: تامار، راحاب، راعوت و زوجه اوریا که متی سه تن از آنان را که بیگانه می‌باشد به رخ می‌کشد (درسی در باب جهان‌گرایی). این زنان در اوضاع و شرایطی کاملاً نامشروع فرزند آورده‌اند (درس و شانه‌ای از لطف و مرحمت خدا).

شجره نامه عیسی مسیح (لوقا: ۳۸-۲۳)

۱- کتاب پیدایش یسوع مسیح^b، پسر^a
۱- توا: ۱۱:۱۷
پید: ۲-۲۱:۱۸
۱- توا: ۱۸:۲۲
پید: ۲-۲۱:۱۲، ۳:۲۱
۱- توا: ۲۶:۲۵
پید: ۲-۲۹:۳۵
۱- توا: ۳۴:۱
پید: ۳-۳۰:۳۸
۱- توا: ۴:۳-۹
پید: ۴-۱۲:۱۲
۱- توا: ۱۸-۱۹:۵-۹
پید: ۴-۱۷:۱۳
۱- توا: ۱۰:۲۲-۱۰
پید: ۱-۱۸:۱۲

^{۱۷} پس جمعاً از ابراهیم تا داود چهارده^d
نسل و از داود تا تبعید بابل چهارده نسل و
از تبعید بابل تا مسیح چهارده نسل
می باشد.

بشارت به یوسف

^{۱۸} اینک پیدایش یسوع مسیح چنین
بود.^e مادرش مریم که در عقد یوسف بود
پیش از آنکه زندگی مشترک آغاز کنند از
روح القدس باردار شد.^{۱۹} شوهرش^f یوسف
که مردی عادل می بود^g و نمی خواست او را
رسوا کند تصمیم گرفت وی را مخفیانه
طلاق دهد.^h چون به آن فکر می کرد

^{۱۲} پس از نفی بلد بابل،
یکنیا سألتیلیل را آورد،ⁱ
۱- توان ۱۷:۳-۱۹،
۲- عز:۳ سألتیلیل زربابل را آورد،
^{۱۳} زربابل ایبهود را آورد،
ایبهود ایلیاقیم را آورد،
^{۱۴} عازور صادوق را آورد،
صادوق یاکین را آورد،
یاکین ایلیهود را آورد،
^{۱۵} ایلیهود ایلعازر را آورد،
ایلعازر متان را آورد،
متان یعقوب را آورد،
^{۱۶} یعقوب، یوسف شوهر مریم را آورد که از
او یسوع موسوم به مسیح زاده شده است.
۲۲، ۱۷:۲۷

- در مورد عدد چهارده که در اینجا سه بار آمده چندین توضیح بیشنهاد شده است: ۱- ممکن است این رقم جمع حروف کلمه^d داود به حساب ابجد باشد زیرا در زبان عبری داود را با سه حرف دال، واو و دال می نویسد که به حساب ابجد چهارده می شود (۴+۶+۴=۱۴) ولی معلوم نیست نام داود را در آن دوران چگونه می نوشته اند، به علاوه اینکه متن اهمیت بیشتری برای ابراهیم قائل است. ۲- طبق تقویم های مکافشه ای که در آن ایام وجود داشته، با توجه به اینکه تاریخ مقدس با ابراهیم آغاز می شود عیسی در پایان هفته ششم تاریخ مقدس می آید (۲۲×۳=۶×۷=۴۲) و با آمدن یسوع فرارسیدن پری روزگار تحقق می یابد. ولی این توضیح به طور مصوبعی بر مبنای عاد^۷ «می باشد که متن آن را ذکر نکرده است. ۳- توضیح ساده تر این است که متنی متوسطه شده در شجره نامه کتاب روت^{۴:۱۰-۲۲} (که در ۱-۲۰:۱۳-۱۰-۲۲:۴) مجددًا ذکر شدهⁱ ده نام وجود دارد که از فارص شروع شده به داود می رسد و هرگاه نام پدر فارص و آن سه پدر قوم به آن افزوده شود از ابراهیم تا داود چهارده نسل می شود. متن این رقم را به عنوان مبنای برای دو دران دیگر پذیرفته تا شجره نامه اش شکل و قالبی کتاب مقدسی داشته باشد حتی اگر مجبور شود نام سه تن از پادشاهان بین بھoram و عزرا را حذف نماید.

- تحتاللفظی: «باری درباره یسوع مسیح چنین بود پیدایش وی» (ر. ک. ۱:۱). [کلمه یونانی که «پیدایش» ترجمه شده می توان به مفاهیم تحتاللفظی «به وجود آمدن، متولد شدن، زاده شدن» به کار برد.] واقعه تولد مشروع یسوع که در شجره نامه ذکر شده موضوع و مضمن روایت است که می گوید: یوسف، پسر داود، یسوع را در سلاله خود می پذیرد. به احتمال قوی این روایت نتیجه بررسی و نوشته های طولانی است و احتمال دارد که متن نکته را از روایتی دفاعی که قبل از وجود داشته گرفته و مطرح نموده باشد (یک رؤیا: ر. ک. ۱۳:۲-۱۹). در روایت مذکور خدا در بین اختراض های یوسف افتراهای مربوط به تولد عذرایی را ذکر می نماید و متن با استفاده از نقل قول اش ۱۴:۷ که ضمناً بیان ایمان کلیسا درباره بارداری مریم عذررا است این روایت را از نظر علم الهی مطرح می کند (ر. ک. لو ۱:۲۶-۳۸) و بدین گونه به سوالی که در شجره نامه پیش می آید پاسخ داده می شود یعنی «چگونه یسوع که فرزند دختری باکره است پسر داده می باشد؟» f- جوانانی که نامزد می شدند حتی پیش از آن که زندگی مشترک خود را آغاز کنند زن و شوهر به حساب می آمدند و این رابطه پس از متارکه و طلاق قانونی قطع می شد.

g- ای یوسف با مراتعات قوانین یهود که طلاق را فقط در مورد زنا مجاز می دانست عادل به شمار می آید؟ یا به سبب اینکه این وضعیت را پذیرفته و تحمل کرده است؟ یا به این دلیل که نسبت به زنی بی گناه رعایت عدالت و انصاف را نموده یا به سبب این که نمی خواهد خود را بدر فرزند الهی معرفی نماید؟ یا سخن قطعی به این مطالب داده نشده و این سوالها همواره مطرح هستند. h- در هیچ یک از نوشته های عهد عتیق نکته ای نمی توان یافت که مکتوم نگهداشت این متارکه و طلاق را توجیه نماید بلکه بر عکس برای اینکه طلاق شرعی و قانونی باشد بایستی به وسیله گواهی رسمی ثبت گردد (تث ۱:۲۴). بدین سبب زرور قدیس می پرسد: «چگونه می توان یوسف را مردی عادل به شمار آورد در صورتی که جرم همسرش را مخفی می کند؟» پاسخ این سوال به ترجمه و تفسیر آیات ۱۸ و ۲۱ مربوط می شود. برای این که یوسف عمل عادلانه ای انجام دهد بایستی در مورد اصل و نسب کودک نظریه ای پیدا کرده و مطمئن شده باشد که این کودک، الهی است و نه ثمرة عمل زنا.

گذاشت» یعنی «خدا با ما». ^{۲۴} یوسف چون از خواب قیام نمود همان کرد که فرشته خداوند به او امر کرده بود و همسرش را نزد خود نگاه داشت. ^{۲۵} و او را نشناخت تا پسری زائید ^m و نامش را یسوع گذاشت. ^{۲۶:۱}
لو۱:۳۱:۲ و تو نامش را یسوع خواهی گذاشت زیرا هم ^{۲۶:۱}

اینک فرشته خداوند ^۱ در خواب بر او پدیدار شد و گفت: «ای یوسف، پسر داود، از گرفتن همسرت مریم نزد خود مترس زیرا آنچه در او به وجود آمده از روح القدس است، ^{۲۱} او پسری خواهد زائید ^{۲۵:۱} لو۱:۲ و تو نامش را یسوع خواهی گذاشت زیرا هم ^{۲۱:۳} او است که قوم را از گناهانش نجات آورد ^{۲۴} خواهد داد!» ^{۲۲} همه اینها فرا رسید تا آنچه خداوند به وسیله پیامبر گفته بود تحقق یابد ^k وقتی می گوید: ^{۲۳} «اینک اش:۸:۸ دوشیزه باردار خواهد شد و پسری خواهد ^{۲۰} آورد و نامش را عمانوئیل ^۱ خواهد

دیدار مغان
۲ ^۱ چون یسوع به روزگار هیرودیس ⁿ لو۱:۳-۵:۱ پادشاه در بیت لحم یهودیه زاده شد، لو۷-۴:۲ اینک معانی ^۰ از شرق در اورشلیم پیش آمدند. ^۳ در حالی که می گفتند: «پادشاه یهودیان که متولد شده کجاست؟ زیرا

۱- فرشته خداوند نامی است که در عهد عتیق نیز به کار برده شده و نشان می دهد که خود خدا دخالت می کند (پید ۱۶:۱-۷:۱۳).
۲- خروج (۲:۳). نایید «فرشته خداوند» را با فرشتگان اشتباہ کرد.
۳- از نظر لغوی نام یسوع (یسوع) یعنی «خداوند نجات می دهد» (ر.ک یو ۶:۱ توضیح i). ضمناً می توان پیام فرشته را به دو گونه فقسیز کرد: ۱- فرشته باردار شدن عذرای مریم را به یوسف اظهار کرده و به او مأموریت می دهد که نام یسوع را بر کودک بگذارد. ۲- فرشته اظهار می دارد گرچه باردار شدن مریم از روح القدس می باشد با این همه یوسف نقشی بر جسته بر عهده دارد به این معنی که با نام نهادن بر کودک، فرزندی خواهد دارد را به او می دهد.
۴- اولین نقل قول متی درباره «تحقیق یافتن» که به وسیله آن واقع مهم زندگی یسوع را تفسیر می کند (۱:۲۲-۲:۱۵، ۲:۱۷، ۲:۲۳). تمام این نقل قول ها به صورتی یکنواخت اورde شده اند: «تا آنچه پیامبر گفته است تحقیق یابد». در مورد فعل تحقیق یافتن ر. ک ۵:۱۰ توضیح o.

۱- این نقل قول از متن یونانی اش ^{۷:۱} گرفته شده به استثنای عبارت «نامش خواهی گذاشت» که متی «نامش خواهند گذاشت» ترجمه کرده و احتمالاً برای تطبیق دادن نقل قول با متن عبارت می باشد. در حقیقت نام عمانوئیل را یوسف به یسمی نداده است. توضیح دیگر این که متی از روایتی از اش ^{۷:۱} استفاده کرده که با مدارک مکشوفه در قلمران تطبیق می نماید و در آن مدارک «او را خواهند نامید» آمده است. در آیه ۲۴ فعل «برخاست» به صورت تحت الفظی «قیام کرد» می باشد.

m- در زبان کتاب مقدس فعل «شناختن» ممکن است به مفهوم روابط جنسی باشد (پید ۱:۱۷، ۱:۲۷ ر.ک ۱:۳۴ توضیح j). منظور متی از «پسری زایید» آن است که یادآوری و تأکید نماید مریم به همگام تولد یسوع باکره بوده است. در این مورد می توان به باد آورد که در عهد عتیق چگونه خدا بارداری سارا و رفقه را تا تولد اسحاق و یعقوب، بدران قوم برگزیده، محافظت نمود (پید ۲:۲۰-۲:۲۶). ضمناً از طباطب این نوشته نمی توان نتیجه گرفت که مریم بعداً بیووف روابط زناشویی داشته است.

n- هیرودیس کبیر متولد حدود سال ^{۷۳} قبل از میلاد، پسر آنتیپاتر رئیس دربار هیرکان دوم بود (۴۰ تا ۶۳ ق.م). وی در سال ^{۴۷} ق.م به سمت فرمانده نظامی جليل و سپس فرمادن نظامی قسمی از سوریه تعیین گردید. در سال ^{۴۱} ق.م فرماندار ناجیه یهودا شد و در همان سال از طرف سنای رم به عنوان پادشاه یهودیه منصوب شد. در سال ^{۳۷} ق.م اورشلیم را نصرف کرد و سلسه و خاندان هاسمونیان را برانداخت و از سوی اغسطسوس امپراتور رم حکمرانی نوی تراخونیتس، بتانیه و حورانیه را دریافت کرد. هیرودیس کبیر سیاستمداری زیردست به شماری رفت و شهرهای زیادی به سبک یونانی بنا نهاد و در ضمن از پشتیبانی فرقه فریسان برخوردار بود. وی در سال ^۴ ق.م درگذشت ولی تاریخ تولد واقعی یسوع دو سال پیش از درگذشت هیرودیس می باشد. متی هیرودیس پادشاه را در برای یسوع ذکر نموده تا اختلاف و برخورد بین پادشاه واقعی و نجات بخش قوم خود را با مقامات رسمی اعلام نماید (۱:۲۱-۲:۲). تکه دیگر این که متی نشان می دهد کسی را که رؤسای قوم برگزیده نفی کرده و نذیر فته اند ملت های مشرک و نمایندگان آنان که مغان هستند ستایش و پرستش می نماید.

۰- مغان. کلمه یونانی magos مفاهیم مختلفی دارد از جمله: پیشوای مذهبی ایرانیان، ساحر، مبلغ مذهبی، حقه باز... وغیره. در ترجمه یونانی کتاب مقدس این کلمه فقط در دان ^{۱۰-۲:۲} آمده است. در اینجا ممکن است منظور ستاره شناسانی باشد که از ناجیه بین النهرین آمده و احتمالاً از نظریات یهودیان در مورد آمدن مسیح موعود اطلاع داشته اند. به هر صورت دلیل در دست نیست که افراد مذکور پادشاه بوده باشند.

می رفت تا بر فراز جایی که کودک می بود ایستاد.^{۱۰} آنان به دیدن ستاره با شادی بزرگی شادمان شدند.^{۱۱} و به خانه وارد شده کودک را با مادرش مریم دیدند و [به لو ۱۶:۲، مز ۷۲، ۱۰:۷، ۱۱:۱۵، ۱۱] افتاده او را سجده کردند و خزانه ای از خاک^{۱۲} خود را گشوده به او زر، کندر و مر^{۱۳} به عنوان هدیه تقدیم کردند.^{۱۴} و چون در خواب خبر یافتند که به سوی هیرودیس ۲۲:۲ برنگردند از راه دیگری به سرزمین خود بازگشتند.

فرار به مصر

^{۱۳} چون ایشان بازگشتند اینک فرشته خداوند در خواب به یوسف^{۱۵} پدیدار شد و ^{۱۹:۲} گفت: «قیام کن! کودک و مادرش را با خود برگیر و به مصر فرار کن و در آنجا بمان تا به تو بگویم، زیرا هیرودیس برای هلاکت طفل به جستجوی او خواهد پرداخت.»^{۱۶} او قیام کرده، شبانگاه کودک و مادرش را با خود برداشته به

اعده ۱۷:۲۴ ستاره او را در شرق^p دیده ایم و آمده ایم تا او را سجده کنیم.»^{۱۷} با این سخنان، هیرودیس پادشاه و همه اورشلیم با او پریشان شدند.^{۱۸} و تمام کاهنان اعظم و کاتبان قوم^{۱۹} را گردآورده از آنان تحقیق کرد کجا باید مسیح زاده شود.^{۲۰} به او گفتند: «در بیت لحم یهودیه، زیرا به وسیله پیامبری چنین نوشته شده است:^{۲۱} و تو ای بیت لحم سرزمین یهودیه مسلمًا در بین بزرگان یهودیه، کمترین آنها نیستی، زیرا از ۱-تو آن رهبر بیرون خواهد آمد که قوم من اسرائیل را شبانی خواهد کرد.^r»^{۲۲} آنگاه هیرودیس مخفیانه معان را فراخوانده از آنان زمان دقیق پدیدار شدن ستاره را پرسید.^{۲۳} و آنان را به بیت لحم فرستاده گفت: «بروید درباره کودک دقیقاً پرسید، به محض اینکه یافتید به من نوید دهید تا من نیز بیایم و او را سجده کنم.»^{۲۴} ایشان با ۲:۲ این سخنان پادشاه رفتند و اینک ستاره ای که در شرق^s دیده بودند در برابر شان پیش

p- در شرق. گاهی آن را «در طلوع آن» ترجمه کرده اند، همچنین در ۹:۲.

q- هیرودیس کسانی را گرد می اورد که رسمًا مسئول زندگی مذهبی قوم هستند از جمله کاهنان اعظم که اعضای خانواده های بزرگ کهانت اورشلیم بودند و کاتبان که مفسر رسمی شریعت به شمار می آمدند. به طوری که در ۱۵:۲۱ ذکر شده این دو گروه بر ضد یسوع متحده می شوند. متی اکثراً کاهنان اعظم و مشایخ قوم را شریک یکدیگر معرفی می کند (۴:۷، ۳:۲۶؛ ۱:۱؛ وغیره) و به هر صورت در هر دو مورد مفهوم آن است که مسئول واقعی این فاجعه سران قوم می باشد.

r- این نقل قول از میک ۱:۵ که به طرز بدیعی با ۲-سمو ۲:۵ ترکیب و تلفیق شده با متن عبری عهد عتیق یا ترجمه یونانی آن به طور کامل تطبیق نمی نماید. بر طبق این نقل قول مشاوران هیرودیس درباره بیت لحم پیشگویی کرده اند و متی اهمیت آن را یادآوری نموده است.

s- در مورد اصطلاح «در شرق» ر. ک ۲:۲ توضیح p. این ستاره با ستاره هایی که طبق نظریات کهن اکثراً سرنوشت قهرمانان را تعیین می کرده اند تطبیق نمی نماید بلکه ستاره ای است از سوی خدا که یسوع را به عنوان پادشاه و مسیح موعود جهت پرستش مغان معرفی می کند (همچنین ر. ک اعد ۲:۲۴).

t- کندر و مر چیزهای گرانبها و عطربیات معموله در عربستان می باشند. یهودیان در انتظار مسیح موعود امیدوار بودند همه ملت ها مسیح پادشاه را احترام و ستایش کرده به او هدایایی تقدیم نمایند (ر. ک اش ۶:۶).

u- این روایت از نظر کلمات و روش نگارش شبیه به روایات کهن الوهیستی است که در آنها خدا به نام الوهیم ذکر شده است مانند روایت رؤیا های ای ملک (بید ۳:۲۰-۷)، رؤیای لایان (۲۴:۳۱) و مخصوصاً رؤیای مربوط به یعقوب در شی که می خواست به سوی مصر رهسپار شود (۴:۴۶). این روایت ها به طور کلی به صورت صدور دستور و اجرای آن می باشد (ر. ک ۱۸:۱ توضیح e)، بدین معنی که خدا قوم خود را هدایت می نماید و در رؤیا دستورات او دریافت می شود. همین طرز تفکر در اعمال رسولان آمده (۱۶:۹؛ ۱۸:۹؛ ۲۲:۳) بدون این که در اینجا بمانند رؤیا های پولس جنبه تشویق داشته باشد.

بازگشت از مصر، سکونت در ناصره

^{۱۹} چون هیرودیس مُرد اینک فرسته

خداآوند در مصر در خواب به یوسف پدیدار ^{۲۰:۱}
^{۱۳،۱۲:۲}

شد. ^{۲۰} و گفت: «قیام کن! کودک و

مادرش را با خود بردار و به سرزمین خروج ^{۱۹:۴}

اسرائیل بروزیرا آنان که قصد جان کودک

را داشتند مرده‌اند.» ^{۲۱} او قیام کرده،

کودک و مادرش را با خود برداشت و به

سرزمین اسرائیل وارد شد.^{۲۲} ولی چون

شنید ارکلائوس^a به جای پدرش هیرودیس

بر یهودیه فرمانروائی می‌کند ترسید به آنجا

برود و در خواب خبردار شده به ناحیه جلیل ^{۱۲:۲}

رفت. ^{۲۳} و رفته در شهری به نام ناصره ^{۹:۱}
^{۲۶:۱}

سکونت گزید تا آنچه توسط پیامبران اعلام

شده بود تحقق یابد که او ناصری^b خوانده

خواهد شد.

مصر^۷ رفت. ^{۱۵} و تا مرگ هیرودیس در آنجا بود تا آنچه خداوند به وسیله پیامبری اعلام کرده بود تحقق یابد وقتی می‌گوید: «از مصر پرم را فراخواندم^W.»

قتل عام کودکان بیت لحم

^{۱۶} پس هیرودیس چون دید که به وسیله مغان به تمسمخر گرفته شده است سخت غضبناک شد و فرستاد تا همه کودکان بیت لحم و سراسر قلمرو آن از دو ساله به پائین را طبق زمانی که مغان دقیقاً تعیین کرده بودند بکشند.^X آنگاه آنچه توسط ارمیای نبی اعلام شده بود به تحقق پیوست وقتی می‌گوید:

^{۱۸} «صدایی در رامه شنیده شد، گریه‌ها و ندبه بسیار. راحیل است که بر فرزندانش می‌گزید و نمی‌خواهد تسلی یابد زیرا دیگر نیستند^Y.»

- انشاء و طرز ترکیب این عبارات نظیر روایت‌های مربوط به فرار بعقوب (پید:۱۹:۴-۲۷)، فرار لوط (پید:۱۵:۱-۴) و فرار موسی (خروج:۲:۱۵) می‌باشد. در این مورد مخصوصاً روایت به بریعام را که به مصر فرار می‌کرد بخوانید (۱-۴:۱۱).

-W- این جمله ترجمه متن عبری هو ۱:۱۱ است و متن به درستی مفهوم محلی آن را حفظ کرده (ر.ک هو ۱۴:۱۲). منظور متنی آن نیست که هدف مسافرت را توجیه نماید بلکه تا یادآوری خروج، تبعید یسوع را بر مبنای پیشگویی اعلام نماید.

-X- این روایت احتمالاً قبل از متنی وجود داشته است. روش نگارش و جمله بندهی آن نظری متن ۷:۲۲ می‌باشد. امکان دارد متنی به علت نقل قولی که در ۱۸:۲ اورده آن را تغییرداده و عبارت «بیت لحم و سراسر قلمرو آن» را افزوده باشد. این روایت با ذکر کلمه «مغان» با مجموعه مطالب تطبیق داده شده و البته لام به یادآوری است که از نظر تاریخی با روحیه و عادات هیرودیس تطبیق می‌نماید.

-y- این نقل قول ترجمه آزاد از متن عبری ار ۱۵:۳۱ با یادآوری نکاتی از یونانی آن می‌باشد. راحیل که مادر یهودیان شمالی است بر فرزندان خود [اسرائیل]^z که اسیر و تبعید شده‌اند می‌گزید. بیت لحم بر طبق روایات، مدفن راحیل است و رامه محل تجمع اسراییل بوده که به تبعد فرستاده می‌شدند (ار ۱۴:۰).

-Z- در این متن مسلمان روایت مربوط به تبعید موسی به مدیان تاثیر گذاشته است (خروج:۴:۲۳-۱۹:۴).

-a- ارکلاوس بین سالهای چهارم ق.م و ششم، از طرف رومیان حکمران یهودیه، سامره و ادومیه بوده است. وی بنا به تقاضای نمایندگان اهالی یهودیه و سامر، به دستور اعسططوس امپراتور رم از کار برکنار شد و به شهر وین در سرزمین گل (فرانسه امروزی) تبعید گردید. ضمناً حوزهٔ مأموریت او به یک حکمران رومی واگذار شد.

-b- Nazoreen. یسوع در اعمال رسولان نیز چنین نامیده شده است (اع:۲:۲۶)، ولی نمی‌توان دقیقاً تعیین نمود متنی به کدام نوشته پیامبران اشاره می‌نماید. وانگهی این کلمه نه با Nazareen (اهل ناصره) و نه با Nazorenien که عضو فرقهٔ خاصی است مطابقت نمی‌کند. به نظر متنی این کلمه همان طور که در ۷۱:۲۶ به کار رفته به مفهوم «اهل جلیل» می‌باشد (۶۹:۲۶) و می‌توان آن را «کسی که از ناصره است» درک نمود (۱۱:۲۱؛ ر.ک یو:۴:۴۵؛ اع:۱۰:۳۸). ضمناً امکان دارد متنی خواسته از کلمه Nazireen که به معنی «قدوس خاص خدا» است (داور:۱۳:۵؛ ر.ک ۱۷:۱۶) یاد کند. بعضی معتقدند که این کلمه با واژه‌های عبری nazir و nazireat ارتباط دارد که ریشهٔ کلمات نذر و نذرکردن (مانند مثال شمشون) در زبانهای عربی و فارسی است.

یوحنا تعمید دهنده

(مرقس ۱:۶-۲:۱؛ لوقا ۳:۱-۶؛

یوحنا ۱:۱۹-۲۳)

۳

باری در آن روزها^c یوحنا تعمید

دهنده پیش می‌آید که در صحرای

یهودیه^e ندا داده می‌گفت: ^d «توبه کنید» مر:۱۵زیرا فرمانروائی آسمانها^g خیلی نزدیکاست!»^h درواقع او همان کسی است که

توسط اشعیای پیامبر اعلام شده وقتی

می‌گوید: «صدای آن کس که در صحراء ندا

۳:۴۰ اش

۴- «در آن روزها» اصطلاحی است که در زبان یونانی معمولاً برای آغاز واقعه دیگری می‌آید و از نظر ترتیب زمانی با آنچه قبل^a گفته شده چندان ارتباطی ندارد. ضمناً این اصطلاح در عهد عتیق زیاد به کار برده شده است.مقده روایت زندگی یسوع در بین مردم در این انجیل و انجیل مرقس و لوقا در سه قسمت ارائه می‌شود که عبارتند از: موعظه^b یوحنا (۳:۱-۱۲)، تعمید یسوع (۱۳:۳، ۱۷:۱) و تجریه یسوع (۱۴:۱-۱۱). (در مورد نام یوحنا ر.ک. یو:۱ توضیحⁱ).۵- ندا دادن ترجمه فعل یونانی *ssein* است که ا اسم به معنی «اولين اعلام» از آن مشتق شده است. کاربرد معمول این کلمه، و اعلام فرمان یادشاه به وسیله جارچی (ر.ک. پید:۴۳:۴-۲:۴۳) و سپس در موارد مذهبی بکار رفت (اعلام کردن و ندا دادن به نام خدا ر.ک. یو:۲). در اینجا کلمه ندا دادن ابتدا در مورد موعظه یوحنا تعمید دهنده به کار رفته و سپس در مورد موعظه یسوع (۴:۱۷) و شاگردانش (۱۰:۷، ۲۷:۷) و در مورد کلیسای اولیه به کار خواهد رفت (اع:۸:۵). در انجیل متی محتوای مطالبی که اعلام می‌شود (به استثنای ۱۱:۱) به طور خلاصه ذکر می‌گردد (۳:۲-۲:۳، ۵:۴-۲:۱۰، ۱۷:۴-۳:۲، ۱۷:۴-۳:۵). و یا در اصطلاح «انجیل ملکوت» (۴:۲۳-۳:۵، ۹:۲۴-۱۴:۲۴) و یا در کلمه «انجیل» خلاصه می‌شود (۲۶:۲۳-۱۳:۲۶). لازم به یادآوری است که افعال ندا دادن و نوید دادن در ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتاد تنان) تقریباً مترادف می‌باشند (ر.ک. ۲-سمو:۲۰؛ اش:۴۰).

۶- یهودیه کلمه‌ای مختص انجیل متی و فقط در اینجا آمده است. این کلمه به ناحیه‌ای اطلاق می‌شود که به خوبی مشخص نیست و در فاصله بین سلسله کوههایی که از اورشلیم تا حبرون امتداد دارد و بحرالله یا قسمت سفلای اردن فرار دارد (ر.ک. ۳:۶) که در آنجا محل فعالیت یوحنا بطور دقیق تری مشخص شده است. به طوری که از آیه ۳ برمه آید متی بیش از آن که موقعیت دقیق جغرافیایی را در نظر داشته باشد به معنی و مفهومی که کلمه صحراء در کتاب مقدس دارد توجه نموده است (ر.ک. ۴:۱۱؛ ۷:۱۱؛ ۱۳:۲۴؛ ۲۶:۲۶). این موضع در آن دوران کم جمعیت بوده ولی البته به مفهوم امروزی به طور کامل غیرمسکون و بیانی نبوده است. از سال ۱۹۴۷ در این منطقه بقايا و آثار تأسیسات و نوشته‌هایی به دست آمد که آنها را نوشته‌های بحرالله [قمران] می‌نامند. ر.ک. ۱-مک:۲۹:۲-۱۳:۱۴:۱۳:۱۴؛ «عدای از مردمان که اندیشناک و در قید عدالت بودند به صحراء رهسپار شدند تا در آنجا اقامت گرینند».

۷- توبه کنید. این فعل و کلمه توبه در انجیل متی در جملات و عباراتی به کار برده شده‌اند که اهمیت زیادی دارند (۴:۳-۲:۳؛ ۱۷:۴-۱۱؛ ۲۰:۱۲؛ ۱۲:۱۱). این کلمه گرچه از نظر لغوی در زبان یونانی به معنی تغییر روحیه است ولی بایستی به مفهوم تغییر سمت و بازگشت بی قید و شرط به سوی خدای عهد تعمیر شود چنانکه در عهد عتیق و مخصوصاً از زمان ارمیای نبی موضوع مهم و اساسی به شمار می‌رفته است. متی موضعه و گفتارهای یوحنا تعمید دهنده و یسوع را به یکدیگر تشبیه نموده (۳:۲-۴:۲؛ ۱۷:۴-۲:۳) ولی در مورد منظور و هدف نهایی تعمید، رسالت آنان را از یکدیگر متمایز می‌سازد (۱۱:۳): توبه‌ای که بایستی به وسیله رفتار و اعمال تأیید و تثبیت شود (۵:۸-۸:۳ توضیح^j) یا امتناع یهودیان از توبه کردن است (۱۱:۱۱-۲:۲۱، ۲۰:۲۱؛ ر.ک. ۱۲:۵-۳:۲؛ ۱۵:۴؛ ر.ک. ۱۲:۱۵).

۸- بر طبق روبه و عادت یهودیان که همواره از بر زبان آوردن نام خدا احتراز می‌کردند متی بجای فرمانروائی خدا، فرمانروائی آسمانها می‌آورد (فقط مت ۱۲:۱۲؛ ۲۸:۲۸؛ ۲۱:۲۲؛ ۱۹:۲۴؛ ۳۱:۲۱). ولی کلمه آسمانها بدان معنی نیست که این فرمانروائی آسمانی است بلکه خدایی که در آسمانها است بر سراسر جهان فرمانروایی دارد (۴:۵-۴:۸؛ ۵:۴-۶:۹؛ ۷:۲۱). متی که از مکتب عهد عتیق می‌باشد به خوبی می‌داند که فرمانروایی همواره از آن خداوند بوده است (مز:۲۲-۲۹؛ ۳:۱۰-۱۰:۱؛ ۱۵:۵-۱۱:۱۳؛ وغیره) ولی می‌خواهد اعلام کند که این فرمانروایی ابدی در شخص یسوع به آدمیان نزدیک شده است. ضمناً ترجمه ملکوت فقط در مواردی مناسب است که سیاق جمله و عبارات، مفهوم ممکن را دربرداشته باشد (مثلاً ورود به...؛ ۵:۲۰؛ ۷:۲۱؛ ۱۸:۳؛ ۹:۲۳) و در جاهای دیگر بهتر است به کلمه «فرمانروایی» ترجمه شود.

۹- نزدیک است یا نزدیک شده است. همین اصطلاح در ۴:۱۷ (و همین فعل در ۲:۲۱، ۳:۴؛ ۲۶:۱۰-۷:۷) بکار رفته است. این کلمات امروزه چنین تفسیر می‌شوند: ۱- فرمانروایی خدا نزدیک است یا خیلی نزدیک است (یسوع فرا رسیدن یا رسیدن ناگهانی، قریب الوقوع و جهانی این فرمانروایی را اعلام می‌نماید). ۲- فرمانروایی حاضر و موجود است (ر.ک. ۱۲:۱۲-۲:۲۸) که با فعل دیگری ذکر شده و به معنی «هم اکنون به شما رسیده است» می‌باشد. ولی این حضور را می‌توان به طرق مختلفی درک کرد: یا فرمانروایی در حال حاضر کاملاً تحقق یافته یا مخفیانه در وجود شخصیت و فعالیت یسوع آغاز گردیده ولی به زودی بر همه آشکار خواهد شد. به هر صورت فرا رسیدن فرمانروایی خدا مستلزم توبه است.

^۸ پس میوه ای شایسته توبه^۰ بیاورید، ^۹ و روم:۱:۱۸؛^{۹:۵} پس میوه ای شایسته توبه^۰ بیاورید، ^۹ و روم:۱:۱۸؛^{۹:۵} مپندارید در خود بگویید: ما ابراهیم را افس:۵:۲ کنکل:۳:۶؛ همچون پدر داریم، زیرا به شما می گویم که مکاع:۱۶:۱۷، خدا قادر است از همین سنگها فرزندانی بیو:۸:۳۳، برای ابراهیم قائم سازد.^۱ هم اکنون تیشه روم:۱:۱۲؛^{۱۲:۴} بر ریشه درختان نهاده شده است^p. پس هر لوم:۳:۷؛^{۷:۷} درختی که میوه نیکو نیاورد بزیده شده در بیو:۱۵:۶ آتش افکنده می شود.

تعمید آب و تعمید آتش (مرقس ۱:۸-۷؛ لوقا ۱۵:۳-۱۸)

ر.ک. یوحنا ۱:۲۴-۲۸

^{۱۱} من برای توبه شما را در آب^۹ تعمید بیو:۱:۳۳؛^{۳۱} می دهم ولی آن که پس از من می آید از من اع:۱:۱۱؛^{۱۶:۱} تواناتر^a است و من شایسته آن نیستم^{۲:۴؛۱۳:۶}

می دهد: راه خداوند را آماده سازید، کوره راههای او را راست گردانید.^۱ ^۴ همین یحیی لباسی از پشم شتر و لنگی چرمین بر کمر داشت. خوراکش ملح و عسل و حشی^۱ می بود. ^۵ آنگاه اورشلیم و همچنین سراسر یهودیه و تمام مرز و بوم اردن نزد او بیرون آمده^۶ و با اعتراف به گناهان^۱ خود به وسیله او در نهر اردن تعمید^k می یافتدند.

دعوت یوحنا به توبه

(لوقا ۳:۹-۷)

^۷ چون بسیاری از فریسیان و صدوقيان^m را دید که برای تعمید می آمدند به آنان ^{۳۴:۱۲} می گفت: «ای افعی زادگان چه کسی گریز ^{۳۳:۲۳} لوم:۲۱؛^{۲۳:۲۳} از خشمⁿ آینده را به شما نشان داده است؟

^۱- انجیل نظیر [متی، مرقس و لوقا] ترجمه یونانی اش:۳:۴۰ را نقل کرده اند که در آن «در صحراء» به «صدرا» مربوط می باشد در صورتی که در متن عبری ارتباط آن با «آماده کنید» است. در این انجیلها به جای راههای خدای ما، راههای او آمده است و به این وسیله انتباط متن به شخص یوسف مقدور می گردد.

^۲- یحیی پوشاک معموی بیامیران را بر تن دارد (زک ۴:۱۳)، مخصوصاً الیاس (۲-پاد:۸) که در شخص یوحنا تعمید دهنده بازگشته است (ر.ک مت ۹:۱۷؛ ملا:۳:۳؛^{۳:۶}).

^۳- تعمید دادن، تعمیدی که یوحنا می دهد با شست و شوهای مذهبی فرقه اسپیان به کلی متفاوت است زیرا تعمید یوحنا فقط یک بار و به همگان داده می شد در صورتی که شست و شوی اسپیان هر روز انجام می گرفت. همچنین ارتقاطی با تعمید کسانی که به آینین یهود می گرویدند ندارد زیرا آنان تعمید می یافتدند تا «ظهور شده» بتوانند با یهودیان تماس بگیرند: ر.ک مر ۴:۴-۵. توضیح h. تعمید یوحنا که با توبه ارتباط دارد افراد آورده اند که یوسوف می آورد آماده می سازد (مت ۱۱:۳).

^۴- ر.ک مر ۱:۵ توضیح j. نهر اردن که ۳۹۲ متر پائین تر از سطح دریاست، پست ترین رود جهان به شمار می رود. ^m متن در اینجا و در ۱:۱۶، ۱:۶، ۱:۱۲، ۱:۱۱؛ صدوقيان و فریسیان را با هم ذکر کرده و در ۳۴:۲۲ در موقعیت و معنی دیگری آنها را با هم آورده است. در جایی فریسیان و کاتیان را با هم ذکر کرده است (باب ۲۳). لوقا در روایتی مواری فقط از آنبوه جمعیت نام برده است (لوم:۹-۷). این تفاوت را می توان به این گونه توضیح داد که انجیل نگاران مطالب خود را به جوامع مختلفی خطاب می کردند.

^۵- در این داوری که فرارسیدنش اعلام شده، خشم عبارت از واکنش خدای قدوس در برابر گناه می باشد (ر.ک اش ۳۰:۳-۲۷). یوحنا فرا رسیدن قریب الوقوع داوری نهایی را اعلام می کند در صورتی که یوسوف چون خادمی مهریان و فروتن نمایان می شود (۲۱-۲۱:۱۲) و کسی است که بنا به نوشتة بولس، از خشم نجات می بخشد (۱-تسا:۱۰:۱).

^۶- تحت اللقطی: «میوه ای در خور تویه شما». همین توصیف در مت ۱:۱۰؛^{۱۱} ۲:۲۲؛^{۳۸،۳۷،۱۳،۱۱} آمده است. کلمه شمره که به صورت مفرد آمده به معنی مجموعه اعمال و رفتار ادمی است و منحصر به ابراز و نشان دادن مورد بخصوصی از تقوا یا اخلاق نیست. توبه ای که حاصل می شود ثمرة موظله یوحنا تعیید دهنده نیست، خواه یوحنا ملزم کند توبه حقیقی در اعمال و طرز رفتار ظاهر گردد و خواه آشکار سازد که توبه شوندگان بیهوده و فاقد ارزش واقعی است. تفسیر اخیر از ۹:۱۰-۱۰:۹ استنباط می شود.

^۷- تحت اللقطی: بر ضد ریشه گذاشته شده است.

^۸- ترجمه دیگر: با اب و با روح القدس. ^۹- برخلاف آنچه در ترتیب حرکت ملتمنین رکاب رسمی معمول است در اینجا مهمترین شخصیت در رده دوم می آید. فقط در اینجا و در ۱۲:۲۹ یسوع با صفت «توانایی» توصیف شده است در صورتی که این صفت در عهد عتیق مختص خدا بوده است (دان ۹:۴؛ ار ۱۸:۳۲). در دوران یسوع نیز این صفت را در مورد مسیح موعود به کار می بردند (ر.ک مزمیر سلیمان). متی کلمه «اقدار» را بر «توانایی» ترجیح می دهد (۱۸:۲۸، ۶:۹، ۷:۲۹).

می خواست وی را مانع شود و می گفت: «من که نیاز دارم به وسیله تو تعمید یابم و تو نزد من می آیی!»^{۱۵} یسوع در پاسخ به او گفت: «فعلاً بگذار [چنین کنیم] بدین گونه مناسب است تمام عدالت^x را به تحقق برسانیم.» پس او را واگذاشت.^{۱۶} همین که یسوع تعمید یافت همان دم از آب درآمد و اینک آسمانها گشوده شدند^y و روح خدا را دید که چون کبوتری^z نازل شده بر او آمد.^{۱۷} و اینک صدایی از آسمانها آمده می گفت: «این است پسر من و آن محبوب^a که از او خوشنودم.»^b

- ^{۱۵}: بید ۲۲:۲؛ متن ۱۸:۱۲؛ متن ۵:۷
- پای پوشاهای او را بردارم^۵: او شما را در برو: ۳۳:۱۶؛ آن: ۱۱:۱۶ او چارشاخ در دست دارد و خرمنگاه خود را پاک کرده گندم را در انبار جمع خواهد کرد اما کاه را در آتشی خاموش نشدنی خواهد سوزانید.^{۱۱}.
- ### تعمید یسوع
- (مرقس ۱: ۹-۱۱؛ لوقا ۳: ۲۱-۲۲؛ ر.ک یوحنا ۱: ۲۹-۴۴)
- ^{۱۱}: آنگاه یسوع از جلیل به اردن نزد یوحنا بیش آمد تا به وسیله او تعمید یابد.^۷ او در اینجا منتظر به پا کردن پای پوشاهای او نبود بلکه مظور درآوردن آنها است. این عمل وظیفه برگان بوده است.
- ^{۱۲}- بخلاف آب که برای تصفیه و طهارت ظاهیری به کار می رود آتش به طرز پوشیده تری نماد عمل خدا است که تصفیه و تطهیر می کند (مل ۳: ۲؛ زک ۹: ۱۳؛ ر.ک ۱-پطر ۷: ۷). بنابراین معنی جمله را می توان چنین استنباط کرد: «روح القدس به مانند آتش تصفیه می کند» (حروف عطف «و» می تواند جنبه توضیحی داشته باشد). اما چنین می نماید که مفهوم آتش از یه ۱۱ تا ۱۲ تغییر نمی کند زیرا در مورد اخیر کیفر و مجازات به شمار می آید؛ بنابراین آتش نشانه و نماد خشم است (ر.ک ۷: ۳ توضیح m) و ارتباط بین این دو برای مشارکت و سهیم شدن در قدوسیت خدا لازم است (ر.ک روم ۱۶: ۱-۱۸) (در این تفسیر حرف عطف «و» اختلاف معنی را مختصراً می افزاید).
- ^{۱۳}: در عهد عتیق و عهد جدید برداشت محصول تصویری از داوری نهایی در زمان آخر است زیرا در آن موقع بذر خوب (یا قسمت خوب گندم) از قسمت بد جدا خواهد شد (بول ۴: ۱۲-۱۳؛ اش ۲۷: ۱۲-۱۳؛ مکا ۴: ۱۶-۱۷؛ ر.ک مت ۱۳: ۳۰ توضیح ۵).
- ^{۱۴}: آنگاه یسوع از جلیل به اردن نزد یوحنا بیش آمد تا به وسیله او تعمید یابد.^۷
- ^{۱۵}- در اینجا مفترض است که یسوع در میان گناهکاران تعمید یافته از یک سخن پیامبرانه یاد می کنند (۱۷: ۳): یسوع که خود را در ردیف گناهکاران قرار داد در حقیقت پسر خدا می باشد.
- ^{۱۶}- اعتراض یوحنا تعمید دهنده برتری یسوع را بادآوری و تأیید می نماید. چنان که قبلاً در گفتار خود برتری تعمید آینده را نسبت به تعمید با آب نشان داده بود (ر.ک یو ۳: ۲۳-۳۰).
- ^{۱۷}- در انجیل متی کلمه عدالت، وفاداری اصولی و جدید به اراده خدا است (۵: ۶؛ ۱۰: ۱؛ ۱۶: ۳؛ ۳۳: ۲۱؛ ۳۲: ۲۱). یوحنا تعمید دهنده و یسوع، با هم از اراده خدا تبعیت می کنند، اراده ای که مفهوم آن به وسیله تمام انجیل آشکار خواهد شد. در اینجا یا یسوع خود را با گناهکاران شریک می سازد تا آنان را نجات دهد یا اینکه این تعمید با فروتنی کامل به عنوان نخستین اعتراض علني یسوع بر ضد تصور و رؤیای یهودیان است که خواهان مسیح موعود پیروزمند بودند (ر.ک ۱۱: ۴-۱: ۱۱؛ ۶: ۲-۱؛ ۱۶: ۱۳-۱۶).
- ^{۱۸}- در بعضی نسخه های خطی: «برای او گشوده شدند»، اصطلاحی که به معنی اتحاد زمین و آسمان است (ر.ک ۷: ۱۷؛ ۱: ۱۱-۱۶؛ ۱: ۱۹؛ ۱: ۵۱) و مکافهای آسمانی می باشد (اش ۱: ۱۹؛ ۶: ۳؛ ۱: ۱۹؛ ۱: ۱۱؛ ۱: ۱۶).
- ^{۱۹}- کبوتر. هچگونه تفسیر قطعی درباره این نماد نشده است. احتمالاً اشاره به کبوتری نیست که به کشتی نوح برگشته بود (بید ۸: ۸-۱۲). بعضی از مفسران با توجه به روایات یهود کبوتر را نمادی از اسرائیل می شمارند و در نظر بعضی دیگر نشانه محبت خدا است (ر.ک غزل ۲: ۲-۵) که بر روی زمین فرود می آید. بالاخره مفسران دیگری بر برخی روایات که روح خدا را به صورت کبوتری می دینند که بر روی آبها در پرواز بوده است (بید ۱: ۲) تصور می کنند از پیدایش و آفرینش نوینی باد شده که در تعمید یسوع روی داده است.
- ^{۲۰}- این کلمات مخلوطی از اصطلاحات مز ۷: ۲ است که با پیشگویی کهن ناقان در ۲-سمو ۷: ۱۴ (تو پسر من هستی...) و پیشگویی اش ۴: ۱ (من که از برگزیدن او خوشنودم) تلفیق شده است. در عبارت اخیر هنوز سخنی از خدمتگزار رنجیده در اش ۵: ۳ نیست بلکه سخن از خدمتگزاری است که صدای خود را بلند نمی کند (ر.ک ۴: ۲؛ ۲: ۲؛ ر.ک مت ۱۲: ۱۸-۲۱) و مترزل کرده است: چهره پسر پادشاه و چهره خدمتگزار.
- ^{۲۱}- خوشنودی، دلخواه و بدون دلیل نیست بلکه انتخاب و برگزیدگی می باشد.

شهر مقدس می برد و او را بر کنگره معبد قرار داده^۶ و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی خودت را به زیر افکن، زیرا

نوشته شده است: به خاطر تو به فرشتگانش فرمان خواهد داد و آنها تو را بر روی دستهایشان خواهند برد مبادا پایت^۷ به سنگی بخورد!»^۸ یسوع به او فرمود: «باز هم نوشته شده است: خداوند خدای^۹ قرن^{۱۰} خود را تجربه نخواهی کرد!»^{۱۱} باز ابلیس او را به کوهی بسیار بلند برگرفت و تمام ممالک جهان و شکوه آنها را به او نشان داده به او گفت: «اگر در برابر من افتاده

^{۱۲}- این روایت از سنتی اقتباس شده که قسمت اعظم آن مربوط به دوران یسوع می باشد (ر.ک مر^{۱۳:۱۲}) زیرا نکته اصلی این روایت امتناع یسوع از پدیرفتن مسیح گرامی دنیوی است و این نکته مربوط به دوران پیش از واقعه رستاخیز یسوع است. ضمناً مبارزه با شیطان نیز با مرگ و رستاخیز یسوع بایان یافته است. متی و لوقا این موضوع را به روش مبایشه و جدل ذکر کرده اند تا برتری یسوع را بر رقبیش نشان دهند. به طوری که از نقل قولهای صریح و دقیق کتاب تثنیه برمی آید^{۱۴:۸}؛^{۱۵:۶} در اینجا یسوع به عنوان اسرائیل جدید نشان داده شده که در صحرا مورد تجربه قرار می گیرد. یسوع نمی خواهد نیروهای معنوی و روحانی را به منظور نیل به هدفهای دنیوی به کار برد، به علاوه قصد ندارد خدا را وادر کند تا او را با معجزه های شکفت انگیز نجات دهد و نیز نمی خواهد به تابعیت شیطان درآمده از نظر سیاسی بر جهان تسلط باید. یسوع پرخلاف قوم برگزیده در زمان صحرا از این مبارزه پیروز بیرون می آید به این معنی که اجازه نمی دهد شیطان او را از خدا جدا کند. متی در این متن یسوع را به صورت نموه ای از اسرائیل جدید و موسایی جدید معرفی می کند که به این وسیله موضوع تجربه های یسوع را مسیحیاتی جلوه می دهد. صحنه و سوسه یسوع که متعلق به وقایع تعمید یافتن او ذکر گردیده ممکن است بیانگر معنی و مفهوم زندگی هر فرد مسیحی نیز باشد به این معنی که اصولاً تک تک فرزندان خدا بر شیطان پیروز شده اند.

^d- عدد چهل (تعداد سالهای عمر یک نسل) زمانی نسبتاً طولانی است و مدت واقعی آن معلوم نیست (پید^{۱۷:۴}: خروج^{۱۸:۲۴}). در اینجا ممکن است یادآور مدت زمانی باشد که موسی بر روی کوه گذرانیده بود (خروج^{۲۸:۳۴}: تث^{۱۸,۹:۹}) و احتمالاً نماد چهل سالی است که قوم اسرائیل از صحراء عبرو می کرد (اعد^{۳۴:۱۴}) چنانکه چهل شبانه روز راه پیمایی الیاس نیز با آن تطبیق می کند (۱۱-پاد^{۸:۱۹}).

^e- «تجربه کننده». تعداد تجربه کننده گانی که در مدت زندگی یسوع بر او ظاهر شدن زیاد بوده اند (۱۶:۱۱:۱۶)

^f- تکرار گفتار آسمانی که در هنگام تعمید یسوع گفته شده بود (۱۷:۳) و به این معنی است: «زیرا چنانچه تو پسر خدا هستی...»

^g- متی در اینجا ترجمه یونانی تث^{۸:۳} را نقل کرده است. متن عبری به این صراحت نیست: «... به هر چه از دهان خداوند بیرون می آید».

^h- معادل کنگره در زبان یونانی به معنی زاویه بیرونی ساختمان است که در اینجا می تواند اشاره به سر در یکی از بزرگترین دروازه های معبد باشد که شیطان به یسوع گفت خود را از آنجا پرتاپ کند تا مسیح بودن خود را به انبیه مردمانی که در آن محل ازدحام می کردند ثابت نماید.

ⁱ- ر.ک مز^{۱۱:۹-۱۲}، این عبارت از متن یونانی نقل شده است. مطالع مزمور^۹ نظیر مطالع تث^{۸:۳} اختصاصاً دریاره مسیح نیست بلکه مربوط به هر فرد اسرائیلی با ایمانی است که فقط از جانب خدا انتظار کمک دارد. هنگامی که شیطان نوشته های مقدس را کلمه به کلمه نقل می کند یسوع مفهوم اساسی آنها را جدا کرده پاسخ می دهد.

^j- تث^{۱۶:۱۶}، تجربه کردن یا آزمودن و به ازماش گذاشتن خدا موضوعی معمولی و عادی در عهد عتیق است (خرج^{۷:۲-۲:۱۶}؛ اعد^{۲۲:۶-۲۲}؛ تث^{۱۶:۶-۱۶}؛ مز^{۱۸:۷۸}؛ وغیره) و به دو معنی به کار رفته که مکمل یکدیگرند: یکی این که از خدا اطاعت نکنند تا بیینند صبر و حوصله او تا کجاست و مفهوم دوم که در اینجا بکار رفته این است که از لطف و مرحمت خدا برای استفاده شخصی بهره برداری کنند.

تجربه شدن یسوع^c

(مرقس ۱:۱۲-۱۳؛ لوقا ۴:۱-۱۳)

^d

آنگاه یسوع توسط روح [القدس]
به صحرا برده شد تا به وسیله ابلیس
تجربه شود. و پس از چهل روز و چهل
شب روزه گرفتن^d، سرانجام گرسنه شد.
^e و تجربه کننده^e نزدیک شده به او گفت:
«اگر تو پسر خدا هستی^f بگو تا این سنگها
نان شوند.»^۸ در پاسخ گفت: «نوشته شده
است: آدمی فقط به نان زندگی نخواهد
کرد بلکه به هر کلامی که از دهان خدا
برمی آید^۹.»^{۱۰} آنگاه ابلیس او را با خود به

عبر^{۱۸:۲}

^c- این روایت از سنتی اقتباس شده که قسمت اعظم آن مربوط به دوران یسوع می باشد (ر.ک مر^{۱۳:۱۲}) زیرا نکته اصلی

ضممنا مبارزه با شیطان نیز با مرگ و رستاخیز یسوع بایان یافته است. متی و لوقا این موضوع را به روش مبایشه و جدل ذکر

کرده اند تا برتری یسوع را بر رقبیش نشان دهند. به طوری که از نقل قولهای صریح و دقیق کتاب تثنیه برمی آید^{۱۴:۸}؛

^{۱۳:۶} در اینجا یسوع به عنوان اسرائیل جدید نشان داده شده که در صحرا مورد تجربه قرار می گیرد. یسوع

نمی خواهد نیروهای معنوی و روحانی را به منظور نیل به هدفهای دنیوی به کار برد، به علاوه قصد ندارد خدا را وادر کند تا او

را با معجزه های شکفت انگیز نجات دهد و نیز نمی خواهد به تابعیت شیطان درآمده از نظر سیاسی بر جهان تسلط باید. یسوع

پرخلاف قوم برگزیده در زمان صحرا از این مبارزه پیروز بیرون می آید به این معنی که اجازه نمی دهد شیطان او را از خدا جدا

کند. متی در این متن یسوع را به صورت نموه ای از اسرائیل جدید و موسایی جدید معرفی می کند که به این وسیله موضوع

تجربه های یسوع را مسیحیاتی جلوه می دهد. صحنه و سوسه یسوع که متعلق به وقایع تعمید یافتن او ذکر گردیده ممکن است

بیانگر معنی و مفهوم زندگی هر فرد مسیحی نیز باشد به این معنی که اصولاً تک فرزندان خدا بر شیطان پیروز شده اند.

^d- عدد چهل (تعداد سالهای عمر یک نسل) زمانی نسبتاً طولانی است و مدت واقعی آن معلوم نیست (پید^{۱۷:۴}: خروج^{۱۸:۲۴}).

در اینجا ممکن است یادآور مدت زمانی باشد که موسی بر روی کوه گذرانیده بود (خرج^{۲۸:۳۴}: تث^{۱۸,۹:۹}) و احتمالاً

نماد چهل سالی است که قوم اسرائیل از صحراء عبرو می کرد (اعد^{۳۴:۱۴}) چنانکه چهل شبانه روز راه پیمایی الیاس نیز با آن

تطبیق می کند (۱۱-پاد^{۸:۱۹}).

^e- «تجربه کننده». تعداد تجربه کننده گانی که در مدت زندگی یسوع بر او ظاهر شدن زیاد بوده اند (۱۶:۱۱:۱۶)

^f- تکرار گفتار آسمانی که در هنگام تعمید یسوع گفته شده بود (۱۷:۳) و به این معنی است: «زیرا چنانچه تو پسر خدا

هستی...»

^g- متی در اینجا ترجمه یونانی تث^{۸:۳} را نقل کرده است. متن عبری به این صراحت نیست: «... به هر چه از دهان خداوند

بیرون می آید».

^h- معادل کنگره در زبان یونانی به معنی زاویه بیرونی ساختمان است که در اینجا می تواند اشاره به سر در یکی از بزرگترین

دروازه های معبد باشد که شیطان به یسوع گفت خود را از آنجا پرتاپ کند تا مسیح بودن خود را به انبیه مردمانی که در آن

محل ازدحام می کردند ثابت نماید.

ⁱ- ر.ک مز^{۱۱:۹-۱۲}، این عبارت از متن یونانی نقل شده است. مطالع مزمور^۹ نظیر مطالع تث^{۸:۳} اختصاصاً دریاره مسیح

نیست بلکه مربوط به هر فرد اسرائیلی با ایمانی است که فقط از جانب خدا انتظار کمک دارد. هنگامی که شیطان نوشته های

مفهوم را کلمه به کلمه نقل می کند یسوع مفهوم اساسی آنها را جدا کرده پاسخ می دهد.

^j- تث^{۱۶:۱۶}، تجربه کردن یا آزمودن و به ازماش گذاشتن خدا موضوعی معمولی و عادی در عهد عتیق است (خرج^{۷:۲-۲:۱۶}؛

اعد^{۲۲:۱۴}؛ تث^{۱۶:۶-۱۶}؛ مز^{۱۸:۷۸}؛ وغیره) و به دو معنی به کار رفته که مکمل یکدیگرند: یکی این که از خدا اطاعت نکنند

تا بیینند صبر و حوصله او تا کجاست و مفهوم دوم که در اینجا بکار رفته این است که از لطف و مرحمت خدا برای استفاده

شخصی بهره برداری کنند.

نواحی زبولون^{۱۴} و نفتالیم است اقامت گزید. یو:۲:۱۲
تا آنچه به وسیله اشیعیای پیامبر اعلام شده بود به تحقق رسد وقتی که گفت:
سرزمین زبولون و نفتالیم،^{۱۵}
راه دریا، ماوراء اردن،
جلیل ملت ها،^{۱۶}
قومی که در تاریکی نشسته می بود،
نوری بزرگ دید

۱۶ قومی که در تاریکی نشسته می بود،
نوری بزرگ دید
و برای کسانی که در سرزمین تاریک
مرگ نشسته بودند
نوری طلوع کرده است.^۵
۱۷ از آن پس آغاز به ندادن و گفتن
کرد: «توبه کنید! زیرا فرمانروای آسمانها

سجده کنی همه اینها را به تو خواهم داد.^۱ آنگاه یسوع به او گفت: «برو! ای شیطان!^۲ زیرا نوشته شده است: تو خداوند خدای خود را سجده خواهی کرد و فقط او را عبادت خواهی نمود.^۳» آنگاه ابلیس او را ترک می کند و اینک فرشتگان پیش آمده او را خدمت می کردن.^۴

بازگشت پسوند به جلیل

(مرقس ١: ١٥-١٤: ١٥-١٤: ٦؛ لوقا ٤: ١٥-١٤: ١٥)

۱۲ چون شنید یوحنا را تسليم کرده اند^۰ به
مردم^{۱۳}: جلیل بازگشت^{p.} ۱۴ و ناصره^{q.} را ترک
کرده آمد در کفرناحوم که در کنار دریا در

k- تحت الفظي: «اگر [به پاهای من] افتاده مرا برسیش کنی». در اینجا مفهوم برسیش کردن اطاعت محض با نتایج عملی و فوری مربوط به آن می باشد (ر. ک ۲:۲؛ ۲:۸؛ ۱۸:۹؛ پید ۳:۷۷-۱۰). ضمناً در ۱۸:۲۷ نیز به همین معنی به کار برده شده است.

l- در ۱۶:۲۳ نیز همین دستور صریح به پطرس خطاب می شود به اضافه دعوت به این که به دنبال او برود (در بعضی نسخه های خطی در این آیه هم این دعوت وجود دارد).

n- فعل «خدمت کردن» در اینجا به معنی خدمت بر سر سفره و غذا دادن می باشد (ر. ک ۱۵:۸). بسیو از فرشتگان یعنی از جانب خدا به وسیله بیام آروانش غذایی دریافت می نماید که قبل از شیطان پیشنهاد کرده و او از بذیرفت آن امتناع ورزیده بود. بعد اها بسیو به شاگردان خود تعلیم خواهد داد که آن را از پدر خود درخواست کرده و بذیرند (۱۱:۶).

o- «تسلیم کرده اند» به معنی بازداشت و زندانی کردن است (ر. ک لو ۲۰:۲۰) چنانکه در مورد بیو نیز گفته شده است (۱۷:۲۲؛ ۲۶:۲۶). انتخاب این کلمه و به کار بردن فعل به صورت مجھول که فاعل آن مشخص نیست چنین می نماید که گرچه آدمیان این فاجعه را انجام می دهند ولی خدا است که بر طبق تدبیر خود آن را هدایت می کند (ر. ک ۲۸:۴).

p- فعلی که در این سورد به کار رفته و «بازگشتن» ترجیمه شده متى در مورد بنای گرفتن در مقابل خطر به کار می برد (۱۲:۲، ۱۳:۱۴، ۱۵:۱۲، ۲۲:۱۴، ۱۳:۱۵، ۲۱:۱۳، ۱۴:۱۳ توضیح g).

-q- نام این شهر معمولاً ناصره Nazareth نوشته می شود ولی دراینجا ذکر شده که به ندرت به این صورت نوشته می شود. از مطالب این آیه چنین برمی آید که خانواده یسوع در این محل اقامت داشتند (۲:۳۲) و پیامبر ناصری (ر.ک ۱۱:۲۱) زادگاه خود را ترک کرده همچنان که دشمنان خود (۱۶:۴) و اورشلیم را ترک می گوید (۲۱:۱۷).

-۱- منظور دریاچه چنیسارت است (ر.ک لو ۸:۲۲). محل کفرناحوم را به طور کلی در شمال غربی دریاچه، در جایی که امروزه «تا حم» نامیده می شود تعبیه می کنند.

۸- متنی نه فقط به منظور تعیین محل اقامت یسوع بلکه به این سبب که مأموریت نبوی او را مشخص سازد آیات ۸:۲۳-۹:۱۰ از کتاب اشیاع را نقل نموده است. این نقل قول منحصر به انجیل متن بوده و انجیل نگار آن را تا حدودی تغییر داده است. سخنان زیر از مختصات مجموعه انجیل متن است: یسوع در جلیل سخنان خود را به قبایلی از قوم یهود خطاب کی کد کی بش از دیگران مورد تهدید «تاریکی» امتها بودند به همان گونه که پادشاهی شمالی از سوی اشوریان تهدیدی مگردید. پس این رسالت «با تمام ملت‌ها» تماس می‌گیرد (۹:۲۸؛ ۱:۱۰ توضیح n)، در حالی که دیگران به صحراء بینه برده (مثل فرقه قمران یا یوحنا تعمید دهند) یا فعالیت خود را به اورشلم محدود ساخته بودند، یسوع که اشیعیا بیامیر او را عماونیل اعلام نموده است (اش ۱۴:۸؛ ۸:۱۰) جانب «جلیل ملت‌ها» را بر می‌گزیند و متن این نکته را در سراسر انجیل خود ذکر می‌کند (ک. ۱:۲۸؛ ۲:۲۲؛ ۳:۱۰؛ ۴:۲۸؛ ۵:۲۸؛ ۶:۲۸؛ ۷:۱۰؛ ۸:۲۲).

خیلی نزدیک است.^u »

رفتند.

یسوع و جمعیت‌ها

(مرقس ۳۹:۱؛ لوقا ۴۴:۴؛
۱۸-۱۷:۶)

۲۳ و در سراسر جلیل می‌گشت د رحالی
که در کنیسه‌های ایشان آموزش داده، مژده
فرمانروائی^y را ندا می‌داد و هر بیماری و^{۳۵:۹}
ناتوانی را در قوم شفا می‌بخشید.^z ۲۴ و^{۳۹:۱}
شهرتش در سراسر سوریه پیچید و همه
مریضانی که ناتوانی‌ها و عذاب‌های
گوناگون داشتند، دیوانگان، ماهزادگان و^{۴۶-۵۵:۶}
مفلوجان را نزد وی آوردند و آنان را شفا
داد.^{۲۵} و جمعیت‌های زیادی که از جلیل و
از دیکایولیس و از اورشلیم و از یهودیه و از^{۸-۷:۳}
ماوراء اردن آمده بودند به دنبال او رفتند.

موعظه روی کوه

فراخواندن نخستین شاگردان

(مرقس ۱:۱۶-۲۰؛ لوقا ۵:۱۱-۱۶)

^{۱۸} چون بر کناره دریای جلیل راه
یو۱،۴۰:۴۱ می‌رفت، دو برادر، شمعون مشهور به
بطرس و برادرش آندریاس را دید که تور
به دریا می‌افکنند زیرا ایشان صیاد بودند.^{۱۹}
و به آنان گفت: « به دنبال من بیاید^v و
من شما را صیاد^w انسانها خواهم کرد. »^{۲۰}
همان دم ایشان تورها را رها کرده به
دنبال او رفتند.^x ۲۱ و چند قدم دورتر، دو
برادر دیگر، یعقوب [پسر]^z زبدی و
برادرش یوحنا را با پدرشان در قایق دید
که در حال مرتب کردن تورهای خود بودند
و آنان را فراخواند.^{۲۲} همان دم ایشان
قایق و پدرشان را ترک کرده به دنبال او

t- عبارت «از آن پس» که فقط یک بار دیگر در ۱۶:۲۱ آمده فقط به همین مفهوم ساده نیست که یسوع «شروع به... کرد» بلکه
بطور رسمی شروع رسالت و موعظه او را اعلام می‌کند بدین معنی که یسوع خود را به وسیله سخنان (۱:۵-۷:۲۹) و اعمال
(۳۴:۹-۱:۸) معرفی خواهد کرد.

h-. ر. ک ۲:۳ توضیح .u-

v- تحت اللفظی: «عقب من بیاید» و اصطلاح مشابه در ۱۶:۲۳-۲۴.

w- در مورد اصطلاح «سیاد انسانها» ر. ک مر ۱:۱۷ توضیح .c-

x- فعلی که در این مورد به کار رفته و « به دنبال کسی رفتن» ترجیم شده در بین یهودیان سده اول میلادی معمولاً به مفهوم احترام
و اطاعتی بود که شاگردان نسبت به استادان خود داشتند و خدمات مختلف بیشماری برای آنان انجام می‌دادند. در اینجا متی
این فعل را در مورد یسوع و شاگردانش به کار برد و مفهوم آن را از چند نظر تغییر داده است: ۱- در اینجا دیگر شاگرد نیست
که استاد خود را انتخاب می‌کند بلکه دعوت از جانب یسوع بوده و به طور کلی با اطاعت فوری پاسخ داده می‌شد^{۲:۴}؛
۲- شاگردان نه فقط به مانند شنونده به دنبال یسوع می‌روند بلکه همکاران، شاهدان ملکوت خدا و کارگران برداشت
محصول آن هستند (۲۷:۱-۱۰) و این شاگردان مانند افراد فرقهٔ غیوران نه تنها به آموزش استاد خود علاقمند می‌باشند بلکه
به شخص او وابستگی دارند؛ ۳- متی غالباً یادآوری می‌کند که انبیه مردمان به دنبال یسوع می‌آیند و بدین وسیله نشان
می‌دهد که مردم به طور مبهم در وجود او استادی را جستجو می‌کنند که در بین استادان رسمی و عنوان دار کنیسه، نیافته اند
(۲:۸؛ ۲۵:۴؛ ۱۱:۱۲؛ ۱۵:۱۴؛ ۱۳:۱۴؛ وغیره)؛ ۴- در مرحلهٔ دیگری یسوع از این «دنبالهٔ روی» انتقاد کرده و نشان می‌دهد که
مفهوم این عمل خیلی وسیع تر از آن است که شاگردان و انبیه مردمان در ابتدا تصور کرده بودند. به دنبال یسوع رفتن چیزی
کمتر از آن نیست که صلیب خود را به دوش بکشند (۲۴:۱۶).

y- «انجیل فرمانروائی» اصطلاحی مختص متی می‌باشد (۳۵:۹) و دارای دو معنی است: یا اعلام فرا رسیدن ملکوت
یا فرمانروایی خدا (ر. ک ۲:۳ توضیح .g) یا به مفهوم خود این نوبت می‌باشد همراه با تمام تعالیم یسوع که متی آن را به مژده
ملکوت ارتباط می‌دهد، یعنی تمام انجیل متی.

z- شفا دادن‌ها علاوه بر اعلام انجیل به این معنی است که فرمانروائی خدا در فعالیت است (ر. ک ۱۰:۱۰؛ ۸:۸-۷، ۱۱:۵ توضیح
z). متی با به کار بردن کلمهٔ «هر»، جنبهٔ جهانی رفتار یسوع را نشان می‌دهد و شاید اشاره به اشن ۴:۵-۳ می‌نماید که در
مت ۸:۸ نقل شده است.

(لوقا ۶: ۲۰-۲۶)

^۳ «خوش^d بر بینوایان در روح^e زیرا ملکوت آسمانها از آن ایشان است.

^۴ خوش^f بر نرم خوبیان^f زیرا وارث زمین^g خواهند شد.

^۵ خوش^h بر ماتمیان^h زیرا تسلی خواهند یافت.

^۶ خوشⁱ بر گرسنگان و تشنگان برای

(مرقس ۳: ۱۲؛ لوقا ۶: ۱۲-۱۳)

^۱ یسوع با دیدن انبوه مردم به کوه بالا رفت و چون نشست شاگردانش نزد او **۵** آمدند.^a ^۲ و دهان گشوده^b به آنان آموزش داده می گفت:^c

خوشⁱ بر حالها

-a در تنظیم و نگارش این قسمت از انجیل، متی از مطالبی استفاده کرده که اکثرآ نظری همان مطالبی است که لوقا (۴۹-۲۰: ۶) به کار برده است. متی جملات یسوع را دسته بنده نموده و به صورت خطابه ای افتتاحیه در آوردده که بیانگر عدالت جدید مسیحی است. در ابتدا موضوع خوشبختی به عنوان مقدمه می آید (۱۲-۳: ۵)، سپس مطالبی درباره موضوعات زیر گفته می شود: -۱- عدالت کامل (کلیات ۱۳: ۵) ۲- در بی آن پیچ نکته (۴۸-۲۱: ۵) ۳- اعمال نیکو (کلیات ۱: ۶ و در بی آن سه نکته (۱۸-۲: ۶)، ۳- سه هشدار که هر یک نکته ای به دنبال دارد (۷: ۱-۱۱؛ ۷: ۱۲-۱۳؛ ۷: ۲۰-۲۷-۲۱: ۷). موقعه یسوع بر فراز کوه را نمی توان در انجیل به عنوان اساس آیین مسیحیت به شمار آورد زیرا فاقد مطالبی از جمله صلیب، آیین سپاسگزاری، کلیسا و روح القدس می باشد. این موقعه خطاب یسوع به کسانی است که می خواهند از او پیروی کنند.

-b اصطلاح «دهان گشودن» مقدمه ای بر بینایه ای مهم است، ر. ک اع: ۳۴: ۳؛ آیوب ۱: ۳؛ ۲۰: ۳۲؛ دان ۱۶: ۱۰.

-c آموزش می داد. متی موقعه روی کوه را چون تعیینی ارائه نموده که پیش از معرفی ملکوت اعلام شده است.

-d خوشⁱ بر. این طرز گفتار در کتاب مقدس معمول است و برای تهیت گفتن به کسی که از موهبتی برخوردار است (مت ۱۳: ۱۶) یا چهت اعلام خوشبختی طبقه ای از مردمان به کار می رود (مت ۱۱: ۶؛ لو ۶: ۶؛ ۲۸: ۱۱؛ ر. ک لو ۲۰: ۲۰ توضیح m). یسوع با این طرز گفتار اعلام می کند که چه کسانی در وضعیت مساعدتری جهت دریافت ملکوت خدا فرار دارند. متی و لوقا مشده های سعادت را در دو گروه طبقه بندی کرده اند: گروه اول (مت ۳: ۵) درباره بینوایی و طرز گفتار انسان و گروه دوم (۱۲-۱۰: ۵) که درباره جفا می باشد، ممکن است در شرایط دیگری و احتمالاً در واپسین یخش از زندگی یسوع بیان شده باشد. این دو گروه که متی و لوقا تدوین کرده اند ممکن است به دوران پیامبری که دوران شخص یسوع بود اطلاق شود. در این مرحله یسوع نمی گوید برای ورود به ملکوت چه فضایی ضروری است. او خود را به عنوان مسیح موعود معرفی می کند که برای بینوایان فرستاده شده است، یعنی کسانی که بیشتر محبو خدا هستند (ر. ک مت ۵: ۱۱) کسانی که در این دنیا مورد توجه نبوده و فقط به خدا توکل دارند. لوقا بینوایان را در برابر شرتومندان می آورد، چنان که آسمان آینده را در مقابل زمین کنونی قرار می دهد در صورتی که متی نشان می دهد که بینوایی درونی شرط لازم برای ورود به ملکوت می باشد. این دو تفسیر معنی و مفهوم واقعی خود را نمی بیند مگر در صورتی که مربوط به یسوع باشد که سخن می گوید و خود را فدا می کند.

-e «بینوا بیان در روح»: در اینجا منظور از روح نه روح القدس است و نه هوش و درایت بلکه به مانند دل که در آیه ۸ آمده منظور مرکز و تمام وجود شخص است. «خداآنده به شکسته دلان نزدیک است و کسانی را که روحی درمانده دارند نجات می بخشد» (مز ۳: ۳-۴). این بینوایان جزو خانواده بزرگی هستند که بلایای مادی و معنوی در آنان به طوری اثر کرده که جز کمک خدا چشم امید به چیز دیگری ندارند: «من بیچاره و بینوا هستم ولی خدا به فکر من است» (مز ۴: ۴۰) (۱۸: ۴۰). یسوع به فرستادگان یوحنای تمیید دهنده علاوه بر معجزات، بشارت انجیل به بینوایان را به عنوان نشانه ارائه کرد تا بداند که او مسیح موعود است (مت ۱۱: ۵).

-f در بعضی از نسخه های خطی ترتیب آیات ۴ و ۵ بر عکس می باشد. همان گونه که در مورد بینوایان گفته شد نرم خوبیان نیز بیش از جنبه روحی، به سبب مشکلات اجتماعی و مذهبی خود نرم و مهربان هستند. یسوع خود را چنین معرفی و توصیف می کند (مت ۱۱: ۵: ۲۱؛ ۲۹: ۵: ۲۱) و شاگرد مسیح نیز بایستی چنین باشد (۲- قرن ۱: ۱۰؛ غل ۵: ۵؛ ۲۳: ۲: ۱- تیط ۳: ۲- پطر ۳: ۱۶).

-g یعنی سرمیان موعود که اصطلاح دیگری برای ملکوت آسمانها می باشد، چنان که در مز ۷: ۱۱ آمده است: «فروتنان مالک سرمیان خواهند بود».

-h منظور از ماتمیان نه کسانی است که معمولاً مهزون و اندوهگین هستند یا کسانی که دستخوش فشار اجتماعی بوده و به جیران آن در زندگی دیگر، مسیح را درمی باند (لوقا)، بلکه کسانی که در انتظار تسلی قطعی به سر می برند (لو ۲: ۲۵)، تسلی که آدمیان را از غم و اندوه نجات خواهد داد (ر. ک اش ۲: ۶۱).

فک و نور
 (مرقس ۹:۹؛ ۵:۰؛ ۴:۲۱)؛
 لوقا ۱۴:۱۴؛ ۳۵-۳۴:۸؛ ۱۶:۱۱؛ (۳۳:۱۱)
 ۱۳ شما نمک زمین هستید^۱ اما اگر نمک
 بی مزه شود با چه چیزی نمکین خواهد شد؟
 دیگر به درد نمی خورد مگر اینکه دور
 افکنده شود و پایمال مردم گردد.
 ۱۴ شما نور جهان هستید. شهری که بر
 فراز کوهی قرار دارد نمی توان پنهان کرد.
 ۱۵ هم چنین چراغی را نمی افروزند تا آن را
 زیر پیمانه بگذارند بلکه بر روی چراغدان،
 و برای تمام کسانی که در خانه^m هستند
 می درخشند. ۱۶ به این گونه نور شما در اینⁿ
 برابر انسانها بدرخشد تا کارهای نیکⁿ
 شما را دیده شکوه پدر شما را که در
 آسمانها است بستایند.

یسوع و شریعت
 ۱۷ «خيال نکنيد که من آمده ام تا تورات
 و [كتابهای] پیامبران را نابود کنم. من

۳:۴۲ عدالت^۱ زیرا سیر خواهند شد.
 ۷ خوشابر رحم کنندگان زیرا بر آنان رحم
 خواهد شد.
 ۸ خوشابر پاک دلان^۲ زیرا خدا را خواهند
 دید.
 ۹ خوشابر آرامش دهنگان زیرا پسران خدا
 نامیده خواهند شد.
 ۱۰ خوشابر شکنجه شدگان به خاطر
 عدالت، زیرا ملکوت آسمانها از آن
 ایشان است.
 ۱۱ خوشحال باشید هنگامی که به خاطر من
 شما را ناسزا گویند، شکنجه کنند و
 علیه شما به دروغ هرگونه بدی گویند.
 ۱۲ شادی کنید و خرم باشید زیرا اجر
 شما در آسمانها بزرگ است، چون به
 این گونه پیامبران پیش از شما را
 شکنجه کرده اند.^k

- ۱- «عدالت»: در اینجا به احتمال قوی منظور عدالت خدا نیست (یعنی عدالت نجات بخش روز آخر، زیرا یسوع هرگز در این مورد به غیر از انتظار هوشیارانه تعییس نداده است)، همچنین منظور عدالت اجتماعی بر روی زمین نمی باشد بلکه عدالت در اعمال و رفتار زندگی مسیحی است که همواره بایستی کامل ترشده و منشأ عدالت بین ادمیان باشد (ر. ک ۵: ۲۰ توضیح ۸).
- ۲- نظیر بیتوایی که در آیه ۳ ذکر شده این پاکی مربوط به درون شخص می باشد که در آیه ۳ با کلمه روح توصیف شده است. ضمناً در اینجا مظظر کمال اخلاقی نیست بلکه راستی و درستی شخصی است (ر. ک ۲۲:۶-۷ توضیح m و ۱:۱۵ توضیح ۵) که انجیل نگران آن را با کلمه سادگی توصیف کرده اند. در مورد مفهوم کلمه دل یا قلب در کتاب مقدس ر. ک لو ۱:۶۶ توضیح ۵.
- ۳- پس از اعلام خوشبختی کسانی که به طور کلی مورد حفا می باشند (آیه ۱۰ که بدون فعل و با کلمه «خوشابر» آغاز شده) وضع شاگردان را با آنان اطبقاً داده (آیه ۱۱ «خوشحال باشید» و آیه ۱۲ «باشید») و از جفای دوران گذشته باد کرده، یعنی پیامبران که شاگردان یسوع راه آنان را ادامه می دهند (ر. ک مت ۱:۱۰-۱۱؛ ۱۷:۱۳؛ ۴:۱؛ ۲۳:۲۳؛ ۳۴:۲۳).
- ۴- نمک غذاها را لذید می کند (ایوب ۶:۶) و چون خاصیت نگهداری غذاها را دارد (بار ۶:۶-۷) می توان آن را در توصیف ارزش قراردادی که با دوام است به کار برد مثلاً پیمان نمک (اعداد ۱۸:۱۸-۱۹) یا قرارداد مدام (۲-توا ۵:۵). متی گفتار بسوع را تفسیر نموده (لو ۱۴:۳۴؛ مر ۹:۵۰) و می گوید که شخص ایماندار در پیمانی که با خدا دارد بایستی دنیای ادمیان را حفظ نموده آن را مطبوع و ذلت بخش سازد و گرنه به هیچ درد نمی خورد و سزاوار آن است که دور افکنده شود (ر. ک لو ۱:۳۵).
- ۵- در مشرق زمین، خانه مردمان عادی منحصر به یک اطاق بوده است.
- ۶- کارهای نیک یعنی همان کارهایی که در موضعه روی کوه نمونه هایی از آنها نشان داده می شود.

نگیرد به ملکوت آسمانها وارد نخواهد شد.

جنایت و آشتی
(مرقس ۱۱: ۲۵؛ لوقا ۱۲: ۵۷-۵۹)

۲۱ شنیده اید که به پیشینیان^t گفته شده است: قتل نکن؛ کسی که قتل^u کند روم ۹: ۱۳؛ و متومن موازی؛^v ۱۱: ۴؛ بع ۱۰: ۳؛ بع ۱۵: ۳-۱ یو ۱-۲ متن ۱۸: ۱۹؛ و متومن موازی؛^w ۱۱: ۴؛ بع ۱۰: ۲ و من به مستوجب محکومیت است.^x آن کس که بگوید:

۰- تحقق بخشیدن ترجمه فعل یونانی pleroun ممکن است به معنی تحقق یافتن (مثلًا تحقق یافتن یک پیشگویی؛ ۲۲: ۱) یا به معنی بُر شدن باشد (مثلًا پُر شدن تور صیادی؛ ۱۳: ۱۳ یا پُر شدن پیمانه؛ ۳۲: ۲۳). طرز ترکیب عبارتی که در موعظه روی کوه آمده ایجاب می نماید که در اینجا مفهوم اخیر را پیذیرم. یسوع در نظر ندارد فقط پیامبری را به تحقق برساند بلکه می خواهد آن را به کمال برساند و به قواعد زندگی مذهبی که به صورت قوانین در آمده بود مفهوم واقعی بخشد و بدین سان آن را به حد کمال اصلی رسانده سادگی او لیه را به آن بازگرداند (ر. ک. ۵: ۵).^y

۱- بوتا یکی از کوچکترین حروف الفبای یونانی است. در زبان عبری yod کوچکترین حرف الفبای آن زبان می باشد. خط کوچکی که در اینجا ذکر شده ممکن است علامت کوچکی باشد که دو حرف از الفبای عبری را از یکدیگر مشخص می سازد [مثل نقطه یا علامت کوچکی که ت را از ث یا کاف را از گاف متایز می کند]. به هر صورت مفهوم عبارت این است که هیچ کدام از جزئیات شریعت نبایستی فرو گذار شود [همانطور که در فارسی می گوییم حتی یک واهم نباید پس و پیش شود یا بیفتند].

۲- این عبارت دشوار است و اختنالاً منظور این نیست: «تا اینکه من همه چیز را بر روی صلیب به تحقق رسانده باشم» و نه «تا اینکه تمام فرمانها به وسیله شاگردان به تحقق پیوسته باشد» بلکه «تا پایان جهان». تورات که این چنین توسط یسوع به ارزش‌های نوین تحقق یافته دارای همان اعتبار ذاتی است.

۳- کلمات «کوچکترین... بزرگتر» بیانگر وجود سلسله مراتبی در ملکوت نیست بلکه ربی‌های یهود به وسیله این اصطلاح رفتار مختلف مردمان را تأیید یا تقبیح می کردند.

۴- چنان که در ۶: ۵، ۱۰ آمده منظور از این عدالت، وفاداری شاگردان به قانون خدا می باشد و یسوع به وسیله تفسیر مستندی (۲۹: ۷) که از قانون می نماید این وفاداری را مقدور و ضروری می سازد. همین کلمه با همین مفهوم در ۳: ۱۰؛ ۵: ۶؛ ۱: ۶؛ ۳۳: ۳۲؛ ۲۱: ۱: ۶ آمده است.

۵- پیشینیان. کلمه یونانی archaioi که متن در اینجا به صورت جمع به کار برده کسانی هستند که قبل از ما بوده اند، یعنی اجدادی که منشأ سنت می باشند (ر. ک. لو ۸: ۹؛ ۱۹) و این کلمه را نبایستی با کلمه presbyteroi [که مشایخ ترجمه کرده ایم] (ر. ک. مت ۱۶: ۲۱؛ ۲۱: ۲۱؛ ۲۳: ۲۱؛ وغیره) و به معنی بزرگان قوم می باشد، اشتباه کرد.

۶- منظور قتل عدم نظر انتقام شخصی است که در ده فرمان منع شده است (خروج ۱۳: ۲۰- ۱۷: ۵).

۷- باید در دادگاه پاسخگو باشد. یسوع کیفرهایی را که در شریعت تعیین شده به طور خلاصه بیان می کند بدون اینکه آنها را کلمه به کلمه ذکر نماید (خروج ۱۲: ۲۱؛ لا ۱۷: ۲۴؛ اعد ۱۶: ۳۵؛ ۱۸: ۲۴؛ ۱۷: ۱۲؛ اعد ۱۶: ۳۵؛ ۱۸: ۱۷؛ تث ۸: ۱۷؛ ۱۷: ۸- ۱۸: ۱۷) در واقع یسوع نمی گوید چنین شخصی مستوجب مرگ است بلکه اعلام می کند که قضاؤت و اعلام محکومیت دراز آن خدا می باشد (ر. ک. روم ۳۲: ۱).

۸- ابله. کلمه راقا (raka) که در اینجا آمده احتمالاً اوانویسی ناسزاپی است که در تلمود به کار برده شده و در زبان عبری به صورت «ریقاد» می باشد که در اینجا یعنی بی مغز و بی شعور.

۹- سانهدرین بزرگ [شورای عالی شرع یهود] دادگاهی بوده مرکب از هفتاد و یک عضو که مقر آن در اورشلیم بود. در مقابل دادگاههای عادی (ر. ک. ۵: ۲۱- ۲۲) که بیست و سه عضو داشته و در سراسر کشور پراکنده بودند (ر. ک. ۱۰: ۱۷) توضیح ا).

۱۰- زیرا آمین به شما می گویم پیش از آن که زمین و آسمان درگذرد یک یوتا یا حتی

نقشه‌ای کوچک^P از تورات نخواهد افتاد که همه انجام شده باشد.^q ۱۹ پس هر که

بع ۱۰: ۲ تنها یکی از کوچکترین این احکام را نابود کند و به مردمان چنین تعلیم دهد، در

ملکوت آسمانها کوچکترین نامیده خواهد شد ولی کسی که عمل کرده و تعلیم دهد

در ملکوت آسمانها او بزرگ^r نامیده خواهد شد.^{۲۰} زیرا به شما می گویم اگر عدالت شما

بر [عدالت]^s کاتبان و فریسیان فزو نی

زنا و لغزش

(متی ۱۸:۹-۸؛ مرقس ۹:۴۳ و ۴۷-۴۸)

^{۲۷} «شنیده اید که گفته شده است: «**زنا** متن ۱۸:۱۹ و متن موازی نکن».^c ^{۲۸} و من به شما می‌گویم: هر که به طریق تمنا به زنی نگاه کند^d همانا در قلب خود با او زنا کرده باشد. ^{۲۹} اگر چشم روم ۱۳:۹-۱۱ را راستت تورا به لغزش وامی دارد^e آن را برکن و از خود دور انداز^f زیرا به سود تو است که یکی از اعضایت از بین برود و تمام بدنست به جهنم افکنده نشود.^{۳۰} و اگر دست راستت تورا به لغزش وامی دارد آن ۱۸:۸-۹؛ مر ۹:۴۳-۴۷ را قطع کن و از خود دور انداز، زیرا به سود تو است که یکی از اعضایت از بین برود و تمام بدنست به جهنم نرود.

ابله^۶! مستوجب جهنم^۷ آتشین باشد.

^{۲۳} پس اگر قربانی خود را به قربانگاه پیشکش می‌کنی و در آنجا به یاد می‌آوری که برادرت چیزی علیه تو دارد، ^{۲۴} قربانی خود را در آنجا در برابر قربانگاه بگذار و اول برو و با برادرت آشتب کن و آنگاه بیا و قربانی خود را پیشکش کن!^{۲۵} با مدعی خود در مدتی که با او در راه هستی زود مصالحه کن^۸ مبادا مدعی تو را به قاضی و قاضی به زندانیان تسلیم کند و به زندان ۳۵-۳۴:۱۸ افکنده شوی.^{۲۶} آمین به تو می‌گویم که از آنجا خارج نخواهی شد تا اینکه آخرین پشیز^b را بپردازی.

۷- دیوانه کلمه ناسازی نسبتاً عادی است ولی چنین به نظر می‌رسد که احیاناً در نظر یهودیان مفهوم شدیدتری داشته و در مورد عصیان در برابر خدا به کار می‌رفته است (بر. ک تث ۶:۳۲-۱:۶-۱۰:۴).

۸- عبارت gehlēnom نام مسیل عمیقی در اروشیم بوده که در آنجا بت پرستان برای رب النوع خود مولک، کودکان را به عنوان قربانی سوختنی می‌گذرانیدند (۲-توات ۳:۲۸؛ ۳:۳۳؛ ۶:۳۶). یوشیا این محل را نجس اعلام کرد (۲-پاد ۱۰:۲۳-۲۵) و احتمالاً به صورت زباله‌دانی عمومی درآمد. به هر صورت نماد لعنت گردید (ار ۳۱:۶؛ ۱۹:۳۱) و حتی در ادبیات مکافشه‌ای به معنی لعنت ابدی به کار برده شده است. در عهد جدید این کلمه به مفهوم اخیر آمده است (در انجیل متی ده بار به کار برده شده است).

a- در اینجا متی تمثیلی را که در باره زمان آخر است (لو ۱۲:۵۷-۵۹) برای آموزش مذهبی به کار می‌برد. تمثیل مذکور نشان می‌دهد پیش از آن که دیر شود لازم است توبه کنند: منظور متی آن است که بفهماند هنگامی که آدمی در برابر خدای داور حاضر می‌شود نبایستی نسبت به کسی خشمگین باشد زیرا به لعنت ابدی دچار خواهد شد.

b- تحت اللفظی: quadrant که به معنی یک چهارم واحد پول رومی (فلس) می‌باشد. فلس مبلغ ناچیزی بوده و با آن می‌توانستند دو پرنده کوچک خریداری نمایند (بر. ک مت ۱۰:۲۹).

c- خروج ۲۰:۲۰؛ تث ۱۳:۱۴.

d- منظور نگاه کردن به زنی شوهردار یا دختری در عقد برای ریودن او از کس دیگری است. این کلمه در مت ۱:۲۰؛ ۲۰:۵؛ ۳۱:۵؛ ۳۱:۱۴ به همین معنی می‌باشد. یسوع تمایل مرد را نسبت به زن محکوم نمی‌سازد بلکه طمع بستن فالانه برای تصاحب زوجه شخص دیگری را محکوم می‌کند.

e- طبق کتاب مقدس کلمه scandal که در اینجا به کار رفته نه سرمتشق بدی است و نه واقعه‌ای ارزنجار برانگیز، بلکه از نظر لغوی مانع و نله (مز ۱۲:۷) یا سنجگی می‌باشد که بر سر راه بوده و موجب سقوط و لغزش گردد (اش ۸:۸؛ روم ۱۴:۱۵؛ ۳۳:۹؛ ۱:۱۵-۱۴؛ ۱-بطری ۸:۲). ضمناً امکان سقوط و موجب سقوط خیلی زیاد است: ابتدا یسوع (مت ۱۱:۶؛ ۱۳:۱۵؛ ۵۷:۱۳؛ ۱۷:۱۲؛ ۲۷:۱۷؛ ۲:۱۶؛ ۱۸:۲۳؛ ۱۶:۲۹؛ ۵:۲۹؛ ۱۸:۶-۹). همچنین دنیا (۷:۱۸؛ ۴۱:۱۳؛ ۱۳:۱۱؛ ۱۳:۲۶) یا جفا (۱۰:۲۴؛ ۲۱:۱۳) ممکن است موجب سقوط گردد.

f- مسلمان خوبی و بدی در قلب جای دارند (مت ۱۲:۳۱) یعنی در باطن آدمی و نه در اعضای بدن که به چشم دیده می‌شوند. ولی در اینجا یسوع موردی را در نظر دارد که این اعضاء فقط ابزار و وسیله ارتکاب گناه باشند.

پای او است، نه به اورشلیم زیرا که شهر مز ۴۸:۳ پادشاه بزرگ است.^{۳۶} به سرت هم قسم مخور زیرا قدرت نداری حتی یک مو را سفید یا سیاه کنی.^{۳۷} سخن شما آری آری ۲-۱۷:۱-۲ قرن ۲۰-

قصاص (الوقاية: ٦ - ٢٩ - ٣٠)

^{۳۸} شنیده اید که گفته شده است: «چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان^k ». ^{۳۹} من به شما می گویم: در برابر شیر پایداری نکنید^l بلکه اگر کسی بر گونه راست تو سیلی زند دیگری را نیز به سوی او برگردان.^{۴۰} و به کسی که می خواهد تو را به دادگاه بکشد و ردای تو را بگیرد جامه را نیز به او ^۱- قرن ۶^m. ^{۴۱} و کسی که تو را به یک واگزار

۸- در اینجا نیز مانند ۹:۱۹ منظور جدایی و مatarکه زن و شوهر به مفهوم جدید کلمه نیست بلکه حقی است که شهر داشته و می توانسته زوجه خود را طلاق داده از خانه خود بیرون کند. نقل قول از ثبت ۱:۲۴۳.

-**h- تحلیل لفظی:** غیر از بی عقایتی. کلمه یونانی که در اینجا و در ۹:۱۹ آمده و به وصلت غیر قانونی، فحشا، روپیگری ترجمه می شود ممکن است به سه مفهوم مختلف تعبیر گردد: ۱- چیزی شرم آور (ر.ک ترجمه یونانی ثبت ۱:۲۴۰ که با مباحثات روبی ها تطبیق می نماید). در این مورد متن بالا طلاق زوجه را به دلایلی که در اینجا تصریح نشده مجاز می کند. ۲- زنا یعنی عدم وفاداری زن سبیت به شوهر که در این صورت متن این آیه طلاق دادن زانیه را اجازه می دهد. ۳- وصلت و زناشویی غیر شرعی مخصوصاً بر طبق قانونی که در لاو ۶-۱۸ ذکر شده و احتمالاً مفهوم آن را در اع ۱:۱۵ می توان یافت. در این مورد یسوع هرگونه طلاقی را معنی نماید مگر در موارد وصلت غیر قانونی که در لاو ۱۸ پیش یینی گردیده است. در این مورد که به «استثنای متأله» مشهور است احتمالاً انجیل نگار سخن یسوع درباره منع هر نوع طلاق را با وضعیت جدیدی شیوه آیجه در ۱- قرن باب ۷ فرض شده تطبیق داده است. به هر صورت، تازگی این متن در آن است که فسخ ناپذیری اصولی زناشویی را یادآوری می کند. ضمناً برداشت کلیساي ارتودکس از این متن زمینه اي برای امکان طلاق در مورد زنا استنباط می نماید.

برابر روایت دیگری که در پنج:۱۲ آمده است: «آری شما آری باشد و نه شما نه، بدین سان به زیر ضربه داوری نخواهید افتاد»، معنی این عبارت آن است که زیان چیزی را ادا کند که در دل وجود دارد؛ ولی با توجه به اصطلاحات شرقی بهتر است مفهوم نوشته متن را چنین تعبیر نمود: «گفتار تو باید جنان راست باشد که نیازی به سوگند نداشته باشی» و آنچه مورد نظر سواع است گفتار می باشد به اینکه در بعضی موارد سوگند کار برده شود.

٢١:٦٩ توضیح: لاؤ٢٤:٢١ خروج - ک

- در اینجا منظور ان نیست که در برابر بدی به میچ و وجه مقاومتی به عمل نیاید. فعلی که در زبان یونانی به کار برده شده «مقاآمت کردن» به معنی «پاسخ دادن، مقابله به مثل فوری و شخصی» یا عکس العمل به صورت مراجعة به دادگاه است. همین فعل با همین معنی در ۱۵:۲۱؛ ۱۴:۳؛ ۸:۱؛ ۲:۱۳؛ ۱۰:۲؛ ۲:۱۱؛ ۲:۸؛ ۷:۴؛ ۱-۵: پطر: ۵: آمده است.

m- ردا، لیاس زیر و پوشکی ضروری است و آن را از تن کسی بیرون نمی آورند مگر اینکه آن شخص می بایست به عنوان برد فروخته شود (ر. ک پید ۲۳:۳۷). پنابراین توقع طرف مقابل گزار و خارج از حد است، با این همه یوسو مگوید بگذارید توقع طرف مقابل به غایت برسد و قبای خود را هم که پوشک رواست به او بدهید، حال آنکه قبای برای پوشش در شب لازم بدد و به این دلایل شیعت احاجه نمی داده آن، اتابا غوب سیست نگه داردند (خ ۲:۲۵؛ ۲:۲۶؛ تث ۲:۲۳).

طلاق

(متى ۱۹:۷-۹؛ مارقس ۱۰:۴-۵،
لوقا ۱۶:۱۰-۱۲)

۳۱ گفته شده بود: «هر کس زنش را
طلاق می دهد به او طلاق نامه ای بدهد.^g

۳۲ و من به شما می گویم: هر کس زنش را،
غیر از دلیل روسپی گری^h طلاق دهد او را
وادر به زنا می کند و کسی که با مطلقه
ازدواج کند مرتکب زنا می شود.

سو گند

۳۳ باز شنیده اید که به پیشینیان گفته
شده است: «سوگند دروغ یاد مکن بلکه
در برابر خداوند به سوگندهاست وفا
کن^۱». ^{۳۴} و من به شما می گویم: هرگز
قسم محورید، نه به آسمان زیرا که تخت
خدا است^۲: ^{۳۵} نه به زمین زیرا که پله زیر
ایع^۳: ^{۴۲:۲۳} اش^۴: ^{۶۶:۱} میت^۵: ^{۴۹:۷}

g- در اینجا نیز مانند ۹:۱۶ منظور جدایی و متارکه زن و شوهر به معنی توanstه زوجه خود را طلاق داده از خانه خود بپرion کند. نقا قول ا

-h- تحت اللفظي: غير از بی عنقی. کلمه یونانی که در آیینجا و در ۹:۱۹ می شود ممکن است به سه مفهوم مختلف تعبیر گردد: ۱- چیزی شرم از تطبیق می نماید). در این مورد متن بالا طلاق زوجه را به دلایلی که، وفاداری زن نسبت به شوهر که در این صورت متن این آیه طلاق دادن مخصوصاً بر طبق قانونی که در لاو ۱۸:۶-۱۸ ذکر شده و احتمالاً مفهوم یسوع هرگونه طلاقی را معنی نماید مگر در موارد وصلت این آیه «استثنای متأنی» مشهور است احتمالاً انجیل نگار سخن یسوع درباره قرن باب ۷ فرض شده تطبیق داده است. به هر صورت، تازگی این یادآوری می کند. ضمناً برداشت کلیسای ارتودکس از این متن زمینه اند. ا. ک. لاو ۱۲:۹؛ اعد ۳:۳؛ ثبت ۲۲:۲۳.

ج- برابر روایت دیگری که در بعدها آمده است: «آری شما آری باش افتاد.» معنی این عبارت آن است که زیان چیزی را ادا کند که در دل

مفهوم نوشته متى را چنین تعبير نمود: «گفتار تو باید چنان راست با سوء است گفتار م، باشد نه اينکه در بعض موادر سوگند به کار بردم.

k- خروج ٢٤:٢١ توضیح: لا و ٢٤:٢٠؛ تث ١٩:٢١.

- در اینجا متنظر ان نیست که در برابر بدی به هیچ وجه مقاومتی به «مقاآمت کردن» به مفهوم «پاسخ دادن، مقابله به مثل فوری و سخن همین فعل با همین معنی در ۱۵:۲۱؛ ۱۴:۱۵؛ ۱۳:۸؛ روم ۱۲:۲؛ غالا ۱:۱۱؛ m- رد، لایس زیر و پوشکاری ضروری است و آن را از تن کسی بیرون نز فروخته شود (ر.ک پید ۷۳:۲۳) بنابراین توقع طرف مقابل گراف و توقع طرف مقابل به غایت برسد و قبای خود را هم که پوشکار رو اند بهده و به این دلایل شیعث احازه نمی داده آن آتاباغ و عرب بشیت نگاه د

تو چون دعا می کنی به خلوتگاه^x خود وارد اش:
۲۰:۲۶ پاد-۲
۳۳:۴ پاد-۲
شو، در را ببند و به پدر خود که در جای پنهان [حاضر] است دعا کن و پدر تو که آنچه پنهان است می بینند آن را به تو باز پس خواهد داد.^۷ چون دعا می کنید تکرار بیهوده نکنید^y به مانند ملتها که می پندارند به زور سخنان بسیار^z مستجاب خواهند شد.^۸ پس چون آنان نباشید زیرا پدر شما پیش از آن که از او بخواهید^۹
۳۲:۶ لولو ۱۲:۳۰
می داند به چه چیزی احتیاج دارید.

نیایش «ای پدر ما» (لوقا ۱۱:۲-۴)

^{a۹} پس شما چنین نیایش کنید:

کنیسه ها و کوچه ها می کنند تا انسانها آنان را تجلیل نمایند. آمین به شما می گویم که ایشان اجر خود را دریافت کرده اند.^۳ اما تو چون صدقه می دهی دست چپ تو نداند آنچه دست راست تو می کند؛ ^۴ تا صدقه تو پنهان بماند و پدر تو که آنچه پنهان است می نگرد آن را به تو باز پس خواهد داد.

دعا

^۵ و چون دعا می کنید همچون ریا کاران نباشید که دوست دارند ایستاده در کنیسه ها و در گوشة میدانها دعا کنند تا خود را به انسانها بنمایانند^w. آمین به شما می گویم که ایشان اجر خود را دریافت کرده اند.^۶ اما

^w- چون دعا کردن می بایست در ساعت معینی انجام گیرد، ریا کاران فرصت می یافتهند تا خود را به دیگران نشان دهند.

^x- منظور از خلوتگاه جای پنهانی و احتمالاً انبار اذوفه می باشد.

^y- فعل یونانی battalogein که در اینجا بیهوده تکرار کردن ترجمه شده به معانی مختلفی تفسیر می شود. بعضی آن را چیزهای بیهوده گفتن ترجمه می کنند، کسان دیگری از اوراق پاییوس سحرانگیز که بر روی آنها عبارات عجیب و تکراری نوشته می شد تا نظر لطف الوهیت را جلب نمایند، یاد می کنند و بالاخره گاهی عیناً می نویسند: مگویید... (یعنی کلمه بی معنی) بلکه: ای پدر ما.

^z- اشتباه این گونه دعا کردن (یعنی دعای مشرکان: ر. ک ۱-پاد ۲۷:۱۸ و گاهی دعای یهودیان: ر. ک اش ۱:۱۵؛ بنسی ۷:۱۴) در آن نیست که دعا طولای است بلکه اشتباه در آن است که تصور می کنند به سبب طولانی شدن دعا بر الوهیت فشار می آورند.
^a- دعای شاگردان یسوع از نظر محبتوا و شکل، نظیر دعاهای یهودیان مخصوصاً «دعای هیچده درخواست» می باشد که تا امروز هنوز هم یهودیان ذکر می کنند. از سوی دیگر به سبب سادگی شکرفا و روش آزادانه ای که به خدا توصل جسته می شود از دعاهای یهودیان متمایز می باشد. ترتیب درخواست ها نیز بدین و از مختصات روش آموزش یسوع است. دعا با سه درخواست آغاز می شود که خواستار عمل خدا برای فرا رسیدن فرمانروائی او است. در این دعا به هیچ وجه پیروزی سیاسی یا مذهبی مطرح نیست. پس سلسه درخواست هایی می آید که بیانگر نیازمندی های اساسی شاگردان می باشد. در این قسمت دوم همانند قسمت اول که خطاب دعا به خداست، ضمیر اول شخص جمع (ما) به کار رفته و به این ترتیب ایمانداران را در مشارکت و نیایش جمع می کند.

این دعا راتی و لوقا به دو صورت مختلف آورده اند. نوشتة لوقا مختصرتر و شامل پنج درخواست می باشد، در حالی که نوشتة متی هفت درخواست دارد. ضمناً در قسمتهای مشترک دعاهای لوقا و متی دو سه اختلاف جزئی وجود دارد اما نمی توان به طور قطعی تشخیص داد که کدام دعا قدیمی تر است. از سوی دیگر در این دو متن نشانه هایی از تطابق استفاده این دعا در محیط های خاص دیده می شود. بنا بر این می توان دریافت که جمعیت های اویله از اشکال مختلف دعا استفاده می کرده اند.

ترجمه این دعا به زبانهای معاصر مشکلات مخصوصی دربردارد. متن یونانی دعا اثراتی از متن اصلی سامی دارد بنا بر این درک بعضی از اصطلاحات مستلزم اطلاعات کافی از مهد عتیق و یهودیت کهن می باشد تا توان آن را بطور شایسته تفسیر نمود. حتی متخصصان هم در معنی و مفهوم یک کلمه (ر. ک آیه ۱۱) یا یک عبارت (ر. ک آیه ۱۳) موافق نیستند و بنا بر این به آسانی می توان دریافت به چه سبب مترجمان قدیمی اکثراً ترجیح می دادند متن یونانی را کلمه به کلمه برگردانند ولی اتخاذ این راه حل که نخواهند احتمال هیچ گونه اشتباه یا گسراهی را بیزیرند عملاً استفاده کنند گان را در برابر ابهام و تاریکی هایی قرار می دهد که ارتباطی با متن اصلی ندارد. به این سبب لازم آمد ترجمه ای پیشنهاد گردد که بدون در نظر گرفتن آئین نیایشی، به کمک توضیحات، مفهوم صحیح این متن مهم را مقدور سازد.

ارادهٔ تو چنان که در آسمان
بر زمین نیز انجام شود!^e
نان روزانه ما را امروز به ما بده!^g

ای پدر ما که در آسمانهای^f،
مزدیس شود نام تو!^c

۲۳:۳۶ تقدیس شود نام تو!^c

۱۰ فرارسد فرمانروائی تو!^d

b- تحتاللفظی: «ای پدر ما، آن که در آسمانها»، شاگردان بدین گونه پدر مشترک خود را که یکتا است خطاب می نمایند (۹:۲۳). اصطلاح «در آسمانها» به این معنی نیست که مکان پدر در آسمانها می باشد بلکه نوعی ترکیب کلام در زبانهای سامی است و بیان می کند که خدا بر سرتاسر زمین مسلط می باشد (در آسمانها) و ضمناً با محبت پدر راهه خود کاملاً به آدمیان نزدیک است (پدر ما). ارزش واقعی و وسعت معنی این عبارت را می توان به خوبی در ترجمه «ای پدر آسمانی، ای پدر ما» منعکس نمود. گاهی متی آن را کلمه به کلمه «پدر من، آن که در آسمانها» آورده (۷: ۲۱؛ ۳۲: ۲۰؛ ۵۰: ۱۲؛ ۷: ۱۶؛ ۱۸: ۱۰؛ ۱۹) و گاهی «پدر شما، آن که در آسمانها» بیان نموده است (۱۶: ۵؛ ۴۵: ۶؛ ۱۱: ۷؛ ۱۴: ۱۲؛ ۶: ۳۲، ۲۶، ۱۴؛ ۹: ۲۳؛ ۱۳: ۱۵). به علت وجود عبارت اختیر در مر ۱۱: ۲۵ (ر.ک. لو ۱۱: ۱۳) سیاری از مفسران میل دارند آن را به خود بیسوس بدانند (گرچه در متن متوازی لو ۱۱: ۲: وجود ندارد). متی گاهی آن را با صفت «آسمانی» آورده خواه به جای «پدر شما، آن آسمانی» (۴: ۴؛ ۴: ۵) خواه به جای «پدر من، آن آسمانی» (۳۵: ۱۸).

c- نام خدا کلمه ای است که در کتاب مقدس به کار می رود تا وجود خدا به طرز احترام آمیز مشخص شود مخصوصاً در نوشته هایی که برای انجام آئین نیایشی تهیه شده اند. تقدیس خدا و نام او اصطلاحی معمولی در کتاب مقدس و در آئین یهود می باشد. ضمناً خدا به حد اعلی مقدس است، بنا بر این تقدیس او چیزی به قدوسیت او نبی افزاید ولی نشان می دهد که او را همان طوری که هست شناخته اعلام می نمایند و جلال او را یاد می کنند (چنان که در یو ۲۸: ۱۲ که برابر همین درخواست می باشد).

d- در کتاب مقدس و در آئین یهود خدا یا نام او را به دو نوع تقدیس می کنند. ربی ها و کاهنان یهود در موعظه های خود اینسانداران را تشویق می کنند به وسیله اطاعت فرامین خدا و ارا تقدیس نمایند و به این ترتیب نفوذ و اقتدار او را بر خود پذیرند (لاو ۳۴: ۲۲؛ اعد ۴: ۲۷؛ ثت ۳۲: ۵؛ اش ۸: ۱۳؛ ۲۹). بیام بران در الاهامات خود درباره فرا رسیدن نجات اعلام می کنند که خدا همچون داور عادل و نجات دهنده در نظر تمام ملت ها تجلی نموده و بدین وسیله تقدیس خواهد شد (اش ۱۶: ۵ و مخصوصاً حرق ۲۰: ۴؛ ۲۳: ۳۶؛ ۲۵: ۲۲؛ ۲۸: ۱۶؛ ۳۸: ۲۳؛ ۲۲: ۳۶؛ ۲۵: ۲۲؛ ۲۸: ۱۱؛ ۱۰: ۴؛ ۲۷: ۳۹).

e- در این دعا در کتاب درخواست فرا رسیدن ملکوت خدا که فقط به وسیله او تأمین خواهد شد، موضوع دخالت نجات بخش او مطرح می باشد (ترکیب جمله با فعل مجهول مقدس باد معمولاً در ادبیات یهود به کار برده می شود تا عمل خدا را نشان دهدن بدون اینکه نام او را ادا نماید (ر.ک. مت ۵: ۶، ۷؛ ۱: ۷؛ ۲، ۷، ۸...). فقط خدا می تواند در قدرت و جلال و عدالت و لطف خود این چنین ظهور و تجلی نماید. در نظر بیسوس همچنان که در نظر حرقیال، این ظهور و تجلی برای همه آدمیان است.

f- ر.ک ۲: ۳ توضیح g و h. این فرمانروایی به وسیله بیسوس فرا رسیده یا آغاز شده است. در دعا «ای پدر ما» درخواست می شود که فرمانروایی به زودی ظاهر شده و کاملاً در سراسر زمین شناخته شود.

g- این درخواست، یا دعا یسوع در جتیسمانی دعاهایی دایر بر تسلیم نیستند (مت ۴: ۲۶؛ لو ۴: ۲۲؛ ۲۶: ۴۲) بلکه تدابی خطاب به خدا می باشد تا چنان کنند که مشیت او انجام گردد. بدین سبب می توان جمله را این طور ترجمه کرد: «اراده خود را به انجام رسان» که خدا فاعل می باشد. ضمناً فعلی که بکار رفته متضمن تحقق یافتن کامل تا آخر است و این امر فقط نتیجه عمل خداست. ارتباط این درخواست با دو درخواست قبلی نشان می دهد که قبل از هر چیز موضع، تحقق یافتن مشیت او است تا فرمانروایی خود را بیاورد (ر.ک اش ۴: ۲۸؛ ۱۱: ۴۶؛ ۱۰: ۵؛ افس ۱: ۵؛ ۹؛ ۱۴: ۴۸؛ ۱۱: ۱۰). ولی این مشیت مربوط به آدمیان بوده و بدون پذیرش آنان انجام بذیر نیست و تنها در زمان آخر و با تواافق کامل اراده آدمیان با اراده او واقع می شود (ر.ک ار ۳۱: ۳۱؛ حرق ۲۷: ۳۶) و از هم اکنون نیز به وسیله اجرای فرمانهای او که در انجیل متی اکثراً لزوم آنها تأیید گردیده (۵: ۲۱؛ ۲۷: ۳۳؛ ۶: ۲۰-۱۷: ۵) امکان پذیر می شود.

f- در ترجمه معمولی «بر روی زمین همچنان که در آسمان» این اشکال وجود دارد که منضم مفهوم جمع هر دو است یعنی هم بر روی زمین و علاوه بر آن همچینین در آسمان. در صورتی که درخواست می شود بر روی زمین تحقق پذیرد آنچه هم اکنون در آسمان وجود دارد و نیز در طرح مکاشفه است (ر.ک دان ۴: ۳۲؛ ۱-۳: ۶۰-۳: ۱-۱-۴). آسمان به گونه ای است که فرمانروائی خدا کاملاً تحقق یافته و زمین نیز الزاماً باید به همان صورت درآید. این عبارت را می توان مشروحاً چنین توضیح داد: برای این که زمین چنان باشد که تو می خواهی و چنان که باید باشد. وانگهی احتمال بسیار دارد که این عبارت نه فقط مربوط به آخرین کلمات بلکه به مجموعه سه درخواست متصل باشد که در این صورت ممکن است نوعی نتیجه گیری بوده و در برابر هر کلمه استدعا کلمه ای آمده باشد: بدین صورت این کلمه به صورت نتیجه ای درمی آید و در مقابل «پدر که در آسمان است» در اینجا آسمان در مقابل زمین قرار دارد.

g- دشواری تفسیر این قسمت در کلمه ای یونانی است که نان درخواستی را توصیف می نماید و آن کلمه را «نان روزانه» ترجمه کرده ایم. معنی این کلمه در خارج از دعا «ای پدر ما» به روشی تعیین نشده و لذا مجبوریم به ریشه لغوی کلمه مراجعه نماییم

۱۱ و دیون ما را بیخش
۱۳ و ما را در وسوسه میاورⁱ

چنانکه ما نیز مديونان خود را بخشیده ايم .^h

۳۳:۱
لو ۲۲:۴۰

که ما را به دو مفهوم راهنمایی می‌کند: یکی مفهوم امروز و دیگری فردا. با توجه به مفاهیم مذکور این عبارت را می‌توان به چند شکل ترجیح و تفسیر کرد:

۱- «نان روزی که می آید»: این معنی از اصطلاحی مشتق شده که در مورد روزی که آغاز می شود به کار می رود ولی به نظر می رسد اگر امروز نان فردا درخواست شود چندان با تعليمات یسوع تطبیق نمی نماید (ر.ک مت ۶:۳۴). به هر صورت ممکن است منظور از فردا آینده دور و دراز بوده و این درخواست نظری درخواست های قبلي جنبه آخرت شناسی داشته و منظور نان آینده و نان ضیافت در دنیا آینده باشد.

۲- «نان امروز»: در حقیقت گاهی همین اصطلاح یونانی برای تعیین روز حاضر و شب روزی که شروع می شود در برابر روز آینده به کار رفته است (امث ۲۷:۱؛ اع ۷:۲۶). هرگاه این موضوع به «من» مربوط باشد که فقط فردای روزی که می افتاد فاسد می شد (خروج ۴:۱۶) پیشنهاد شده است تا این عبارت «نان تا فردا» ترجمه شود.

۳- «نان لازم برای معاش»: این ترجمه از نظر ریشهٔ لغوی امکان دارد ولی کمتر محتمل می‌باشد. تفسیر کهن دیگری که ارتباطی با ریشهٔ لغوی ندارد و اکثراً پذیرفته شده، اشاره‌ای به «شام آخر» و حتی اشاره به سخن خدا دارد. اگر نتوان از این واژه ترجمه مسلسلی به عمل آورد روشن است که این درخواست، درخواست تأسی برای آینده نیست. یسوع بپروران خود را دعوت می‌کند تا روز آن را درخواست کنند به مانند «من» در صحراء که روزانه جمع آوری می‌شد. (خروج ۱۶).

- مفهوم «دین» در کتاب مقدس و در زبان معمولی عبارت از الزام حقوقی و تجاري بین آدمیان است و این امر در دنیاگیری کهنه اهمیت زیادی داشته زیرا ممکن بود منجر به سلب آزادی بدگاهار شود (ر.ک مت ۱۸: ۲۳-۳۵). مقایسه و تشیبه وضعیت انسان در برابر خدا به بدگاهاری که عاجز از پرداخت باشد در عهد عتیق نیامده ولی در آیین یهود در مورد فرد گناهکار به کار برده شده است (ر.ک مشابهت بین لو ۱: ۲ و ۴)، در دنیاگیر جدید که معمولاً مردم از وام و اعتیار استفاده می‌کنند ترجمه این کلمه به وام این تشیبه را سست و بی ارزش خواهد کرد در صورتی که کلمه دین، گستاخی نسبت به خدا و بدیختی آدم گناهکار را بهتر نشان می‌دهد. با این دعا از خدا درخواست می‌کنیم دین هائی را که به او داریم ببخشند و این امر منتهای فیض رایگان اوست زیرا قادر نیستیم گناهان خود را جبران کیم.

یسوع وظایف ما را نسبت به خدا با وظایف نسبت به برادرانمان کاملاً مربوط ساخته و برابر «عهدی» که در کتاب مقدس آمده (چنانکه در بنیس ۱:۲۸-۵:۲۸ گفته شده) بارها اعلام کرده برای اینکه خدا بخشایش خود را نسبت به ما مبذول دارد از ما می خواهد که برادران خود را ببعشیم (مت ۷:۵؛ ۱۴:۶؛ ۱۵:۱۵؛ ۲۳:۱۸؛ ۳۵:۲۳؛ مر ۱:۱۱؛ ۲۵:۲۵). این گذشت و بخشایش برادرانه به معنی خردباری بخشایش ما بینوده و استحقاق و ارزش آن را هم ندارد ولی گواه بر آن است که درخواست ما صادقانه می باشد (و متی این نکته را با ذکر جمله در زمان گذشته نشان داده است).

۱- مک ۵:۲ مک ۴:۴ بنسی ۲:۰ یوبیل ۱:۷ عبر ۱:۱۶ ۱:۸ ۱:۱۷ یا قوم او را به تحریره گذاشته بود (خروج ۱:۱۶ ۱:۱۵ ۱:۲۵) بلکه مانند اکثر مواردی است که در عهد جدید ذکر شده است: به این معنی که شیطان کسی را وسوسه می کند تا بدان وسیله سعی در هلاک او نماید (۱-قرن ۷:۵ ۱-تسا ۳:۵ ۱-پطر ۵:۹ ۱-مک ۱:۱۰ ۱-مک ۵:۱ ۱-مک ۲:۲). بدین سبب هرگز در عهد جدید گفته نمی شود که خدا وسوسه می کند و در بیع ۱:۱۳ هم این موضوع صریحاً نماید است (ر.ک بنسی ۱:۱۱ ۱:۱۲؛ ضمناً ترجمه «ما را در وسوسه می باور» در این مورد امکان سوءتفاهم دربردارد). با این همه هچ چیز حتی وسوسه با قدرت شیطان از حیطه اقتدار خدا بیرون نمیست. به همین سبب ترجمه «ما را در وسوسه می باور» متنضم آن است که خدا افعاله دخالت می نماید. البته مسئله این نمیست که خدا آدمی را در وسوسه وارد کرده یا وادار به ورود در وسوسه نماید مثل تله ای که آدم را در آن گیر بیندازد، ولی می تواند کسی را به وضعیت بحرانی وسوسه هدایت کند چنانکه روح القدس یسوع را به صحراء برده بود تا به وسیله شیطان وسوسه شود (مت ۴:۱۰ توضیح ۵). بروطیق این تفسیر، پیرو یسوع نماید درخواستش از خدا این باشد که مورد وسوسه قرار نگیرد (ر.ک مت ۲:۶ توضیح ۴) بلکه درخواست نماید تا او را از وسوسه ای که به احتیال زیاد نمی تواند تحمل نماید دور نگه دارد (۱-قرن ۱:۱۰ ۱:۱۳). تفسیر دیگر در موردی است که فاعل جمله کسی را وادار به اجرای فعل می کند، در این صورت با توجه به طرز بیان در زبانهای سامی نماید ترجمه کرد: «ما را وادار به ورود در وسوسه مکن» بلکه «چنان کن که ما در وسوسه وارد نشویم» یعنی ما را از ورود در اهداف وسوسه گر و پیمان بستن با او حفظ کن با برای اصطلاح، که در ۱-تیمو ۶:۹ ذکر شده ما را از افتادن در وسوسه حراست نما.

گنج آسمانی (لوقا ۱۲: ۳۴-۳۳)

^{۱۹} بر روی زمین گنج‌ها نیندوزید که موریانه و کرم از بین می‌برد و دزدان سوراخ بع^{۲،۲:۵} کرده می‌دزدند.^{۲۰} در آسمان گنج‌ها بینسی^{۱۱:۲۹} بینندوزید که در آن نه موریانه و نه کرم از مت^{۲۱:۹} بین می‌برد و نه دزدان دیوارها^۱ را سوراخ کو^{۲۲:۸} لوه^{۲۲:۱} کرده و نه می‌دزدند.^{۲۱} زیرا جایی که گنج توست قلب تو نیز آنجا خواهد بود.

چراغ بدن (لوقا ۱۱: ۳۶-۳۴)

^{۲۲} چشم، چراغ بدن است. پس اگر چشم تو سالم^m است جسم تو درخشان خواهد بود.^{۲۳} ولی اگر چشم تو بد است تمام بدن مت^{۱۵:۲} تو تاریک خواهد بود. پس اگر نوری که در توست تاریکی باشد، چه تاریکی!

بلکه از شریر ما را رهایی ده!^{۲۴} زیرا اگر شما به انسانها خطاهای ایشان را ببخشید، پدر شما نیز به شما خواهد بخشید.^{۲۵} ولی اگر به انسانها نبخشید پدر شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

روزه

^{۱۶} چون روزه می‌گیرید^k ترشو نباشد به مانند ریاکارانی که چهره خود را تغییر می‌دهد تا در نظر انسانها روزه دار نمایند. آمین به شما می‌گویم که آنان اجر خود را دریافت کرده‌اند.^{۱۷} اما تو چون روزه می‌گیری سرت را معطر کن و صورت را بشوی؛^{۱۸} تا خود را برای انسانها روزه دار ننمایی بلکه برای پدرت که در نهان [حاضر] است و پدر تو که آنچه نهان است می‌بیند آن را به تو باز خواهدداد.

ـ ما را از شریر رهایی بخشن، منظور رهایی از شیطان است. در انجیل متی هر دو مفهوم کلمه (بدی یا شریر) را می‌توان استبانت نمود (معنی اولی در ۱۱:۵:۶:۲۳:۶:... و معنی دومی در ۱۹:۱۳:۳۷:۵:۲۷:۵). همچنین در ۲-تسا^{۳:۳} و یو^{۱۷:۱} مفهوم شخصی کلمه (شریر) ترجیح دارد در صورتی که در ۲-تیمو^{۴:۱۸} مفهوم غیر شخصی کلمه (بدی) تصریح شده است. به هر صورت به طوری که برمی‌آید در اینجا شریر با قدرتی بدخواهانه ارتباط دارد که شیطان است (ر. ک مت ۱-تسا^{۳:۵}). در اینجا این درخواست با درخواست قبلی ارتباط مستقیم دارد و شریر به عنوان وسوسه‌گر معرفی می‌شود. در نسخه‌های خطی متعدد، در اینجا عبارتی به شرح زیر آمده که از آین نیایش کهن مسیحی می‌باشد: «زیرا فرمانروایی، قدرت و جلال همواره از آن تو است.»

^k- یهودیان بر طبق آداب مذهبی در بعضی از روزها موظف به روزه گرفتن بودند (لاو^{۱۶:۱:۲۹:۲۹:۲۳:۲۷:۲۳}). ولی یهودیان پارسا علاوه بر روزهای مذکور روزه‌های اختباری هم می‌گرفتند که در اینجا سخن از روزه‌های مذکور است. با این که پیام امپیت زیادی برای این روزه گرفتن قائل نیست (ر. ک مت ۱۷-۱۴:۹) ولی به این عمل ایراد نمی‌گیرد بلکه به مانند پیامبران (ر. ک بول^{۶:۷}: زک^{۵:۷}) ایراد او در این است که روزه گرفتن مفهوم خود را از دست داده است: زیرا روزه باستی گشاش اساسی به سوی خدا باشد که انتظار همه چیز از او است (ر. ک خروج^{۲:۲۸:۳۴}: دان^{۹:۳}: مت^{۲:۴}: اع^{۲:۲-۳:۳}: ع^{۲:۱۳}: ۲۳:۱۴).

ـ اشاره به دیوارهای کاهگلی خانه‌های رستمی در فلسطین است که سوراخی در پای دیوار می‌کنند تا از طریق آن به خانه وارد شوند (ر. ک ایوب^{۱۶:۲۴}: مت^{۲:۲۴}: ۴۳:۲۴).

^m- تحتالفظی: ساده. این صفت فقط در اینجا و در لو^{۱:۳۴} آمده است. این کلمه که در برابر صفت بد (۲۳:۶) به کار رفته درستکاری کسی را توصیف می‌نماید که نگاهش فقط به سوی خدا و شربت او دوخته شده است. همین کلمه در کتاب مقدس به مفهوم سادگی آمده و با مطلب متعددی در عهدتینق و نوشته‌های ربی‌های یهود بستگی دارد و در نوشته‌های پولس نیز ذکر شده است (ر. ک روم^{۱۲:۸}: قرن^{۹:۱۱}: ۱۳:۱۱:۳:۱۱:۵:۶: کو^{۳:۲۲}: بع^{۱:۵}).

می تواند به سن خود یک ذراع بیفزاید؟ⁿ
 ۲۸ و برای پوشاسک چرا نگرانید؟ به
 سوسن های^۹ کشتزارها نگاه کنید. چگونه
 رشد می کنند: نه به خود زحمت می دهند و
 نه می بافند.^{۲۹} باری به شما می گوییم که
 حتی سلیمان با تمام شکوهش^{۱۰} به مانند
 یکی از آنها پوشیده نشد.^{۱۱} اگر علف
 کشتزارها که امروز هست و فردا به تنور^{۱۲}
 افکنده خواهد شد، خدا به این گونه آن را
 می پوشاند، آیا برای شما، ای کم ایمانان^{۱۳}
 خیلی بیشتر خواهد کرد؟^{۱۴} پس نگران
 نباشید و نگویید چه بخوریم؟ یا چه
 بنوشیم؟ یا چه بپوشیم؟^{۱۵} در واقع همه
 اینها را ملتها جستجو می کنند- زیرا پدر^{۱۶}
 آسمانی شما می داند که به همه اینها
 احتیاج دارید.^{۱۷} اول در جستجوی ملکوت^{۱۸}
 و عدالت آن^{۱۹} باشید و همه اینها برای شما
 افزوده خواهد شد.^{۲۰} پس نگران فردا
 نباشید زیرا فردا نگرانی خود را دارد، و خروج^{۲۱}
 برای هر روز، بدیش^{۲۲} کافی است.

یا خدا یا پول (لوقا ۱۳:۱۶)

۲۴ هیچ کس نمی تواند در خدمت دو
 ارباب باشد. درواقع یا از یکی نفرت داشته
 دیگری را محبت خواهد نمود یا به یکی
 توجه داشته دیگری را خوار خواهد شمرد.
 شما نمی توانید در خدمت خدا و مومونا^{۲۳}
 باشید.

نگرانی ها

(لوقا ۱۲:۲۱-۲۲)

۲۵ به این سبب به شما می گوییم برای جان
 خود نگران نباشید^{۲۴} که چه خواهید خورد و
 نه برای بدن خود که با چه آن را خواهید
 پوشانید. آیا جان برتر از خوراک و بدن
 برتر از پوشاسک نیست؟^{۲۵} به پرندگان
 مز سلیمان آسمان بنگرید، نه بذر می افشارند، نه درو
 می کنند و نه در انبارها جمع می کنند و پدر
 آسمانی شما به آنها روزی می رساند. آیا
 شما خیلی بیشتر از آنها ارزش ندارید؟^{۲۶}
 ۲۷ کدام یک از شما به زور نگرانیها

n- کلمه mamon تصویر پول می باشد که به صورت قدرتی دنیا را اسیر و مطیع خود می کند (ر.ک لو ۹:۱۶ توضیح k).

o- یسوع مردم را نه به بی خیالی (ر.ک لو ۵:۲۲؛ ۵:۳۲) بلکه به اعتماد توصیه می نماید که با دعا کردن به درگاه خدا بیان می گردد (مت ۶:۷-۱۱؛ ۷:۱۱-۱۷؛ ۱:۱۱) همان پدر آسمانی که از گرفتاریها نجات می بخشد (مت ۱۶:۵-۱۲؛ ر.ک ۱-۵:۷؛ مر ۱۵:۱۳) بیان می گردد.

p- ر.ک لو ۱۲:۲۵؛ توضیح W. ذراع تقریباً برابر نیم متر.

q- این واژه فقط بیانگر گل سوسن به معنی خاص کلمه نیست (هو ۶:۱۴) بلکه به صورت اسم جمع به مفهوم گلهای وحشی گوناگونی می باشد که در مزارع می رویند مانند گل میتا، یاسمن و غیره.

r- شکوه: به عبری، کابود، ر.ک روم ۳:۲۳ توضیح v.

s- این اصطلاح قبل از متی وجود داشته (ر.ک لو ۲۸:۱۲) ولی متی که آن را می پسندد زیاد به کار برده است (ر.ک ۲۶:۸ توضیح h: ۱۶:۳؛ ۱۴:۳؛ ۱۶:۱۴؛ ۲۰:۲۰).

t- منظور عدالت ملکوت نیست زیرا در زبان یونانی ضمیری که به کار برده شده مذکور است در صورتی که کلمه ملکوت مؤنث می باشد، بنا بر این به احتمال قوی منظور عدالت خدا است، هر چند در متن تصریح نشده است.

u- این عبارت، ضرب المثلی است که از امثال و حکم مردم عادی اقتباس شده است.

و بر شما گشوده خواهد شد.^۸ زیرا هر که درخواست کند دریافت می کند و هر که جستجو کند می یابد و بر کسی که می کوبد گشوده خواهد شد.^۹ یا در بین شما کدام انسانی است که پرسش از او نان درخواست کند و او سنگی دهد؟^{۱۰} یا باز اگر ماهی درخواست کند به او ماری دهد؟^{۱۱} پس اگر شما که شریر هستید می دانید چیزهای نیکو به فرزند انتان بدھید، پدر شما که در بع
آسمانها است چقدر بیشتر چیزهای نیکو به کسانی خواهد داد که از او درخواست می کنند.^{۱۲}

قانون طلایی (لوقا ۶:۳۱)

^{۱۲} پس هر چه می خواهید انسانها برای شما بگذارند به همین گونه شما نیز برای روم ۱۳:۸-۱۰ ایشان انجام دهید زیرا این است تورات و پیامبران.^{۱۳}

دو راه (لوقا ۱۳:۲۳-۲۴)

^{۱۳} از در تنگ وارد شوید زیرا فراخ است آن در وسیع است آن راه که به هلاکت می رساند و بسیاری از آن وارد می شوند.
^{۱۴} چه تنگ است آن در و چه باریک است اع ۱۴:۲۲

- در اینجا یسوع قضاوت بی طرفانه درباره رفتار خوب یا بد انسانها را منع نمی کند، بلکه منظور محکوم ساختن دیگران است، زیرا بدین گونه غصب کردن اقتدار انحصاری خدا به عنوان داور جهان می باشد. « خدا داور است... » (مز ۶:۵).

- مقدس، ر. ک خروج ۲۹:۳-۳۴:۳. این عبارت مبهم بوده و ممکن است منظور هدیه های نذری باشد که در عهد عتیق ذکر شده یا به طوری که از ترکیب عبارت بر می آید تعليمات مخصوص یسوع باشد که در بابهای ۵ تا ۷ آمده یا بطور کلی منظور انجیل است. احتمالاً این گفتار با توجه به مفاد مت ۱۰:۱۶ توصیه ای برای هشدار می باشد، ر. ک امث ۷:۹.

- ترجمه دیگر: که اورا نیایش می کنند، ر. ک مز ۵:۵؛ بع ۱۷:۱۷. - دنبای کهن این «قانون طلایی» را می شناخت و یسوع این دو نکته آن را تجدید می کند: یکی این که خوبی کردن برای آن نیست که در عرض خوبی دریافت شود بلکه در خوبی کردن بایستی پیشقدم شد بدون این که انتظار عرض باشد. دوم اینکه این قانون به عنوان خلاصه افکار کتاب مقدس یعنی تورات و کتابهای پیامبران ارائه شده است (ر. ک ۱۷:۵؛ ۴۰:۲۲).

کاه و تیر چوبی

(لوقا ۶:۳۷-۴۱، ۲۸:۶)

^۱ داوری نکنید^۷ تا داوری نشوید.
^۲ زیرا با همان داوری که شما داوری می کنید داوری خواهید شد و با همان پیمانه ای که می پیمایید برای شما پیموده خواهد شد.^۳ چرا پر کاهی را که در چشم برادرت هست نگاه می کنی و تیر چوبی را که در چشم تو هست ملاحظه نمی کنی؟^۴ یا چگونه به برادرت خواهی گفت: بگذار پر کاه را از چشم بیرون آورم و اینک تیر چوبی در چشم تو است؟^۵ ای ریاکار^۶! اول تیر چوبی را از چشم بیرون آور آنگاه بهتر خواهی نگریست تا پر کاه را از چشم برادرت بیرون آوری.

مروارید پیش خوکان

^۶ آنچه مقدس است^x به سگان ندهید و مرواریدهای خود را پیش خوکان میندازید، مبادا آنها را زیر پاهاشان پایمال کنند و بازگشته شما را بدرند.

نیایش به درگاه پدر آسمانی

(لوقا ۱۱:۹-۱۱:۱۲)

^۷ درخواست کنید و به شما داده خواهد شد. جستجو کنید و خواهید یافت. بکویید

^{۱۱:۱۱-۱۲:۱۴}
^{۱۳:۱۴-۱۴:۱۶}
^{۱۵:۱۶-۱۶:۷}
^{۱۵:۱۷-۱۷:۱۵}
^{۱۷:۱۸-۱۸:۱۵}
^{۱۹:۱۹-۲۰:۱۵}
^{۲۱:۱۵-۲۲:۱۵}
^{۲۳:۱۵-۲۴:۱۵}

- ر. ک ۲:۶ توضیح ۷.

شاگردان واقعی (لوقا ۶:۴۶؛ ۱۳:۲۷)

۲۱ نه همه کسانی که مرا خداوندا،
خداوندا می گویند به ملکوت آسمانها وارد
خواهند شد بلکه آن کس که اراده پدرم را
که در آسمانها است انجام دهد.^d ۲۲ چه بع-
بسیاری در آن روز^e به من خواهند گفت:
خداوندا، خداوندا! مگر به نام تو پیامبری از
نکرده ایم؟ و به نام تو دیوهارا بیرون^f
نرانده ایم؟ و به نام تو [اعمال] مقتدرانه^g
بسیار نکرده ایم؟^{۲۳} و آنگاه به آنان خواهم
گفت: هرگز شما را نشناخته ام. از من دور
شوید! شما که بی قانونی می کنید!^f

بنا کردن بر روی صخره (لوقا ۶:۴۷-۴۹)

۲۴ «پس هر که سخنان مرا می شنود و
آنها را انجام می دهد^g به مرد هوشیاری بع-
۲۳، ۲۲:۱

آن راهی که به زندگی هدایت می کند و چه
اند کند کسانی که آن را می یابند!^a

چنین درختی، چنین میوه هائی (متی ۱۲:۳۳؛ لوقا ۶:۴۴-۴۳)

۱۵ برحذر باشید از پیامبران دروغین^b که
در لباس گوسفند به سوی شما می آیند و از
درون گرگهای درنده هستند. آنان را از
میوه هایشان^c خواهید شناخت. آیا از خار
انگور برمی چینندید یا از خس انجیر؟^d
۱۷ بدین سان هر درخت خوب میوه های
خوب می آورد و درخت بد میوه های بد
میوه های بد به بار آورد و نه درخت بد
میوه های خوب به بار آورد.^e ۱۹ هر درختی که
میوه خوب نیاورد بربده شده در آتش
افکنده می شود.^f ۲۰ پس بنابراین آنها را از
میوه هایشان خواهید شناخت.

a- در اینجا یسوع طرح قدیمی وجود دوراه را ذکر کرده که یک روز آدمی باید یکی از آنها را انتخاب کند (ر. ک کتب حکمت کتاب مقدس و نوشته های قمران: ر. ک ثث:۲۹-۱۵:۲۰). در تنگ ممکن است اشاره به تکالیف اساسی باشد که موضعه روی کوه در بردارد یا موجب تسریع در پیروی از یسوع است، همراه با خطرات و مشقاتی که این امر با خود دارد.

b- موضوع پیامبران و نبوت ها نقش بزرگی در جوامع مسیحیان اولیه داشته است (ر. ک ۱-قرن ۱۲ و ۱۴)، ضمناً پیامبران دروغینی بودند که اختلالاتی هم ایجاد می کردند که اکنtra به آنها اشاره شده است (مت ۲۴:۱۱، ۲۴:۶؛ ر. ک اع-۲-۴:۲۱-۲۱؛ مکا ۱۳:۱۶؛ ۲۰:۱۹؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۰:۲۰-۱۰:۱۹).

c- تشبیه وضع انسان به درخت میوه در عهد عتیق و مخصوصاً در روایات حکمت، موضوعی آشنا است (ر. ک امث:۳:۹؛ ۹:۶؛ ۱۰:۱۶). این تصویر در انجیل متی اهمیت دارد (ر. ک ۸:۳؛ ۱۰:۱؛ ۱۲:۳؛ ۳۳:۱۲؛ ۱۰:۳؛ ۴۳:۲۱). تصویر میوه که به صورت مفرد و به معنی مجموعه میوه ها یا به صورت جمع به کار برده شود نشان دهنده رفتار واقعی انسان اعم از اعمال یا سخنان او است، رفتاری که به وسیله آن می توان صحت اعمال پیامبران را تشخیص داد و آن را شناخت (همین فعل در ۱۱:۱۱؛ ۱۴:۲۷؛ ۱۴:۳۵؛ ۱۷:۱۲ آمده است).

d- گفتن «خداوندا... خداوندا» به خودی خود کار بدی نیست و حتی شاید لازم باشد ولی کافی نیست؛ به هنگام اعتراض کردن آنچه از زبان برمی آید بایستی با زندگی واقعی تطبیق نماید. اصطلاح اراده پدر در انجیل متی دو مفهوم مکمل گرفته است: یکی مشیت خدا جهت بجات و دیگری مجموعه وظایفی که برای اداره امور روزانه مقرر کرده و در اینجا اصطلاح اراده پدر به مفهوم اخیر بکار رفته است (ر. ک ۱۰:۶؛ ۱۲:۱۰؛ ۱۸:۱۴؛ ۲۱:۳۱....).

e- در آن روز، منظور روز داوری آخر است (مت ۳۶:۲۴) که شکوه و جلال خدا متجلی خواهد شد (اش:۲:۱۱) و برای آدمی کیفر (اش:۳:۱۰) یا نجات (اش:۸:۴۹) در برخواهد داشت.

f- مز:۶:۹.

g- فعلی که در این جمله آمده در انجیل متی فراوان به چشم می خورد و آن را می توان کردن یا انجام دادن ترجمه کرد. کلمه ساده ای نیست (ر. ک ۱۲:۷؛ ۴۶:۷؛ ۲۴:۱؛ ۱۹:۵) زیرا نه به معنی رفتار ظاهری آدمی و نه احساسات درونی او بلکه اعمالی است که آدمی را کاملاً متعهد و درگیر سازد.

یک جذامی^۱ پیش آمده در برابر او سجده کرده می گفت: «خداؤندا! اگر بخواهی می توانی مرا پاک گردانی.»^۲ و او دست خود را دراز کرده وی را لمس نموده گفت: «می خواهم. پاک شو!» و همان دم جدام او پاک شد.^۳ و یسوع به او گفت: «مواظب باش این را به کسی نگویی بلکه برو خود را به کاهن نشان بده و قربانی را که موسی امر^۴ مزبور^۵ کرده^۶ به عنوان شهادتی^۷ برای آنان تقدیم کن.»^۸

ایمان سنتوریون

(لوقا ۱۰:۱؛ رک یوحنا ۴:۴۶-۵۴)

^۹ چون به کفرناحوم وارد شد یک سنتوریون^{۱۰} به طرف او پیش آمده از او درخواست کرده گفت: «خداؤندا! خدمتگزارم در خانه من بستری است، فلچ شده و به سختی عذاب می کشد.»^{۱۱} به او گفت: «من می آیم تا او را شفا دهم.»^{۱۲} سنتوریون پاسخ داده گفت: «خداؤندا! درخور آن نیستم که تو به زیر سقف من وارد شوی ولی فقط یک سخن بگو و خدمتگزار

می ماند که خانه خود را بر روی صخره بنا نماید.^{۱۳} و باران باریده و سیل ها^{۱۴} آمد و بادها وزیده و بر این خانه زده اند و فرو نزیخته زیرا بر روی صخره پی افکنده شده بود.^{۱۵} و هر که سخنان مرا می شنود و آنها را انجام نمی دهد به ابله می ماند که خانه خود را بر روی شن بنا نماید.^{۱۶} و باران باریده و سیل ها آمده و بادها وزیده و این حرق^{۱۷} خانه را در هم کوبیده و فرو افتاده است و افتادنش عظیم بوده است.»

اقتدار یسوع

(مرقس ۱:۲۲؛ لوقا ۴:۳۲)

^{۱۸} ۱:۷ باری^{۱۹} چون یسوع این سخنان^{۲۰} را تمام کرد انبوه مردمان از آموزش او متغیر بودند.^{۲۱} زیرا به مانند کسی که اقتدار^{۲۲} دارد به آنان آموزش می داد، نه مانند کاتبانشان.

شفای یک جذامی

(مرقس ۱:۴۰-۴۴؛ لوقا ۵:۴-۱۲)

^{۲۳} چون از کوه فرود آمد، انبوه بسیاری به دنبال او آمدند.^{۲۴} و اینک

- h- در فلسطین پس از بارندگی و رگبار شدید، ناگهان سیلاب جاری می شود.
- i- تحت اللقطی: چینن روی داد که.
- j- سخنان (جمع کلمه یونانی logos)، به مفهوم مجموعه سخنان و دستورها برای زندگی است. در انجیل متی این عبارت به عنوان پایان مجموعه سخنان یسوع آمده است، مت ۲:۷؛ ۱:۱۱؛ ۱:۱۹؛ ۱:۲۶؛ ۵:۳؛ ۱۳:۱؛ ۱:۱۹؛ ۱:۲۶. بنا بر این انجیل متی مشکل از خطابه است که روایت ترکیب انجیل متی نظری کتاب تثنیه است که در آن ۵ خطابه موسی آمده و از این رو متی، یسوع را به عنوان موسای جدید معرفی می کند (ر. ک یو:۱۰؛ ۵:۲۱؛ ۷:۲۵؛ ۷:۱۱؛ ۶:۲۶).
- k- کاتبان یهودی (ر. ک ۳۰:۵) مفسر روایات کهن بودند و تقاویت یسوع با ایشان در این است که او مظہر اقتداری بود که فقط به خدا تعلق دارد (ر. ک مر:۱؛ ۲:۲؛ لوقا ۳:۳۲).

- l- وقتی که یسوع یک جذامی را شفا می دهد بر یک ناپاکی مسری پیروزی می یابد که حد اعلای مجازات الهی به شمار می آمد (ر. ک تث:۲۷؛ ۲:۲۷، ۳۵) و نشانه^{۲۶} گناهی بود که جذامی را از اجتماع طرد می کرد (ر. ک لاو:۱۳-۱۴). یسوع با از بین بردن مرز بین پاک و ناپاک نشانه ای از مأموریت خود را ارائه می دهد (۱۱:۵؛ ر. ک ۱۰:۸؛ ر. ک مر:۱۰ توضیح t).

- m- قربانی مقرر: ر. ک لاو:۱۴-۲:۲-۳:۲.
- n- در مورد اصطلاح شهادت ر. ک یو:۵-۱۴ توضیح k.
- o- صاحب منصب. سنتوریون (centurion) افسری است که در روم قدیم به یک صد سرباز فرمان می داد. به طوری که از فحوای عبارت برمی آید افسر مذکور غیر یهودی است ولی الزاماً رومی نمی باشد. هیرودیس آنتیپاس نظامیان خود را از تمام نواحی اطراف استخدام می کرد.

- p- ترجمه^{۲۷} دیگری که از ترکیب عبارت می توان استنباط کرد (۸:۱۷): «آری او را شفا خواهی داد.»

همان گونه که ایمان داری برایت انجام ۲۸:۱۵:۲۹:۶
شود!» و خدمتگزار در همان ساعت شفا ۵۱:۵۰:۴ یو:

شفای مادر زن پطرس

(مرقس ١: ٢٩-٣٨؛ لوقا ٤: ٣٩-٤٠)

۱۳ و یسوع که به خانه پطرس رفته بود^{۱۴}
مادر زن او را دید که دراز کشیده تب دارد. ۱-قرن:۹

۱۵ و دست او را لمس نمود و تب او را
ترک کرد^۷ و قیام کرد و او را خدمت
نمی کرد.^۸

شفا و سروز داندن دیوهای

(مقسی ۱: ۳۲-۳۴؛ لوقا ۴: ۴۰-۴۱)

^{۱۶} شامگاه فرا رسیده دیوانگان^x زیادی را به حضورش آوردند و او ارواح را با یک

من شفا خواهد یافت.^۹ زیرا من هم که یک مرئوس هستم به زیر دست خود سربازانی دارم و به یکی می‌گویم: برو! و او می‌رود و به دیگری: بیا! و می‌آید و به برده‌ام: این کار را بکن! و آن را می‌کند.^{۱۰} با شنیدن این، یسوع به حال تحسین در آمد و به کسانی که به دنبال او می‌آمدند گفت: «آمین، به شما می‌گویم: در اسرائیل نزد هیچ کس چنین ایمانی نیافته‌ام.^۹ ۱۱ به شما می‌گویم بسیاری از مشرق و مغرب خواهند ملکوت آسمانها بر سر سفره خواهند آمد و با ابراهیم و اسحاق و یعقوب در میان ۱۰:۳۳؛ ۱۳:۲۹ لور

نشست.^{۱۲} در حالی که پسران ملکوت^a در بیرون به ظلمت^b افکنده خواهند شد. در آنجا گریه ها و فشردن دندانها^c خواهد بود.^d ^{۱۳} و یوسوپ به سنتوریون گفت: «برو،

۵- ایمان سنتوریون تنها بدان سبب نیست که معتقد است یسوع می تواند بیمار را از فاصله دور شفا دهد (آنچه در آن دوران موجب تعجب عمومی بوده است)، همچنان به این دلیل نیست که یسوع قدرت مخصوصی بر روی بیماری دارد (ر.ک ۲:۸) ولی احتمالاً بدان سبب که احساس می کند یسوع نیز از اقتداری تبعیت می نماید و همان گونه که سخن سنتوریون از امپراتور منبعث می شود گفخار یسوع نیز از سوی خدا می آید.

۱- یعنی وارثان ملکوت (همچنین ۱۳:۳۸) یعنی کسانی که حقاً ملکوت به ایشان تعلق دارد و منظور یهودیان هستند. (ر.ک پسران چهنم: ۱۵:۲۳) پسران شیطان: ۲۸:۱۳). در مورد معرفی ملکوت ر.ک لوح ۲۸:۲۸ توضیح لا.

۵- کلمه ظلمت‌ها جایی را تعین می‌کند که در آنجا کافران مجازات خواهد شد. این محل معمولاً در اعماق زمین تصور می‌شود و در اینجا خارج از دنیا زندگان تعیین شده است (ر.ک ۱۳:۲۲؛ ۲۵:۳۰)، چنانکه کافران یعنی «آنان که در خارج» هستند (مر.۴:۱۱؛ ۱-قرن ۵:۱۲-۱۳؛ ۱-تساری ۱۲:۱).

- اصطلاحی که در کتاب مقدس به کار رفته و به فهوم کینه و خشم کافران در برای خوشبختی عادلان است (ر.ک. ایوب: ۹:۱۶)؛ مز: ۳۰:۲۵؛ مرا: ۱:۱۱؛ ۱:۱۰؛ ۲:۱؛ ۳:۲؛ ۴:۴-۴:۳، ۵:۵؛ ۴:۲-۴:۳، ۲:۲۲؛ ۱:۱۳؛ ۴:۱؛ ۳:۱؛ ۱:۱۶؛ ۳:۵).

۷- تب یا به قول ربی‌ها «آتش استخوانها» که منشاء آن را غیر طبیعی تصور می‌کردند (ر. ک لاو ۲۶:۱۶؛ تث ۲۲:۲۸) و بر این

^W- منی این صحنه را ساده‌تر توصیف کرده و حضور شاگردان را ذکر ننموده است (مر ۱: ۲۹)، ضمناً برای فعلیت بخشیدن به باور بودند که به وسیله دعا می‌توان آن را بطریق درد (بوق ۵۲: ۸۷) بخوبی.

X- انجیلها به مانند یهودیان آن دوران در این باره با چهار اصطلاح آشنا بی‌داشتند که عبارتند از: دیوانه (تحت‌اللفظی): کسی که موضوع، شمعون را پطرس نامیده است. برابر روایت متنی، یوسوپ موهبت شعای بیمار را داشته و هدافت این روایت با اجیلهای مرقس و لوقا این است که در اینجا زن فقط بی‌سوغ خدمت می‌نماید. به نظر متنی این معجزه نماد عمل خادم خدا است (۱۷:۸): همین نکته برای مسیحیان اولیه ایمان به رستاخیز را یادواری می‌کرد: یوسوپ با قائم ساختن بیمار او را برمی‌خیزاند (مت ۹:۲۵؛ ۱۶:۲۱؛ ۱۷:۲۳؛ ۲۰:۱۹؛ ۲۶:۳۲؛ ۲۷:۶؛ ۲۷:۹؛ ۱۳:۱۵؛ ۱۳:۳۷؛ ۱:۱۵؛ قرن ۲:۱۵).

گرفتار دیوها است)، دیوهای ارواح و ارواح ناپاک. در اقدامی که بیسوع برای بیرون راندن ارواح ناپاک می‌کرد، نظری این مورد نقش گفتار و بیان او والا و حکمفرماست و مخصوصاً نکته جالب توجه این است که طرز عمل بیسوع با اقدامات پیچیده‌ای که در آن دوران کسان دیگری برای راندن ارواح می‌کردند مغایر و به کلی متفاوت است. ضمناً ارتباط روشنی با مندرجات عهدتیق دارد که شفاذانه‌های بیسوع به عنوان نشانه‌های دخالت قطعی خدا برای شفاذان آدمیان ارائه می‌شود.

آسمان را آشیانه‌ها است، ولی پسرانسان^c را جایی برای سر نهادن ۲-قرن ۹:۸ نیست.»^{۲۱} یکی دیگر از شاگردان به او گفت: «خداؤندا! اجازه بده اول بروم و ۱-پاد ۲۰:۱۶ پدرم را دفن کنم.»^{۲۲} و یسوع به او گفت: «به دنبال من بیا و بگذار مردگان مردگان خود را دفن کنند.^d»^{۲۳} ۹:۹ یو:۱۶ ۱۹:۲۱

فرو نشاندن طوفان

(مرقس ۴: ۳۱-۴۱؛ لوقا ۸: ۲۳-۴۱)

۲۳ و چون در قایق سوار شده بود شاگردانش به دنبال او آمدند.^e و ناگهان دریا به شدت زلزله^f شد چنان که

سخن^۷ راند و تمام کسانی را که مريض بودند شفا داد.^{۱۷} تا پيشگوئي اشعیای نبی تحقق یابد وقتی می‌گويد: «بیماریهای ما را برگرفت و ناتوانی های ما را برداشت.^۷

شرایط پیروی از یسوع (لوقا ۵۷: ۹-۶۰)

۱۸ یسوع با دیدن انبوهی^a در اطراف خود، دستور داد به کرانه دیگر^b روند.^{۱۹} و ۲۲:۸-۳۵:۴ کاتبی پيش آمده به او گفت: «استاد! به هر جا روی به دنبال تو خواهم آمد.»^{۲۰} و یسوع به او گفت: «روباهان را لانه و پرندهان

y- همان گونه که کلام خدا مؤثر و فعل است (۱-تسا:۱۳؛ عبر:۴؛ ۱۲:۱) سخن یسوع آنچه را می‌گوید ایجاد می‌کند (ر.ک. مت:۸؛ مر:۲؛ ۱:۱؛ لو:۴؛ ۳۶).

Z- برابراش ۴:۵-۶ «گناهان ما را با خود حمل می‌کشد.» متى در این عبارت به جای «حمل می‌کند» «برمی‌گیرد» گذاشت و بجای «گناهان» «ناتوانی ها» به کار برده تا نشان دهد که یسوع فقط خدمتگزار مضروب خدا نیست که رنج می‌برد تا گناهان مردم را فدیه دهد (ر.ک. ۱-پطر:۲۴) بلکه علاوه بر این کسی است که با شفا دادن بیماران خود را به عنوان نجات دهنده‌ای که باید گناهکاران را با خود می‌کند مکشوف می‌سازد.

a- در بعضی از نسخ خطی کلمه انبوه به صورت مفرد آمده و چون متى مفرد این کلمه را نیز بکار برده تصحیح جمع به مفرد غیر ممکن نیست.

b- ر. ک لو:۸-۲۲ توضیح p: به کرانه دیگر.

c- عنوان «پسر انسان» که از اصطلاحی سامی گرفته شده غیر از اع:۷-۵ و مکا:۱۳؛ ۱۴:۱۴ فقط در انجیلها آمده و از زبان یسوع نقل شده است. جامعه مسیحیان اولیه این کلمه را به عنوان یکی از عناوین خاص یسوع ناصri می‌شناخته و خود او این عنوان را بر عناوین دیگری که برای او قائل می‌شدند (خداؤندا، مسیح، پسر خدا) ترجیح می‌داد. در بعضی موارد چنین می‌نماید که یسوع خود را با پسر انسان یکی نمی‌داند (۱۶: ۲۷؛ ۲۷: ۲۴؛ ۳۰: ۲۴) و در موارد دیگر خود را بهوضوح چنین می‌نامد (۲۰: ۸؛ ۱۶: ۱۹؛ ۱۱: ۲۰). برخی معتقدان میل دارند این اصطلاح را با آنچه حرقیال گفته است: انسانی که من هستم (حرق: ۱:۲) یکی بدانند اما بیشتر مفسران آن را به روایات مکاشفه‌ای ارتباط می‌دهند (دان ۱۳:۷ و ۱۰:۱) و کتاب خنوخ، به توضیح مربوط به دان ۷ توجه نمایید. برای این روایات پسر انسان در آخرین روز خواهد آمد تا گناهکاران را داوری کرده عادلان را نجات بخشید. جامعه مسیحیان اولیه که یسوع را به این عنوان می‌نامید چیز تازه‌ای ابراز کرده که می‌توان به یسوع منسوب نمود. به این معنی که یسوع کسی است که پیشاپریش داوری نهایی را با اقتدار انجام می‌دهد، گناهکاران را نجات می‌بخشد (مت: ۹:۶) و دوران مسیحیایی را آغاز می‌نماید (۱۲: ۸). عنوان پسر انسان که با توصیف و پیشگوی درباره خدمتگزار خدا ارتباط دارد (مر: ۸: ۳؛ مت: ۱۷: ۹؛ ۲۲-۲۳: ۹؛ ۲۰: ۲۶؛ ۱۸: ۲۰؛ ۴۵) نسبت به آینین یهود مفهوم تازه‌ای می‌گیرد زیرا به شیوه‌ای شگفت صلیب را شکوهمند می‌گرداند.

d- به دنبال مسیح رفتن وظایف و تشریفات تشییع جنازه را در درجه دوم فرار می‌دهد (ر.ک. ۱۰: ۳۷). منظور از مردگان کسانی هستند که زندگی ملکوت را نیافرنه اند (۱۰: ۱۶-۲۵؛ ۳۸: ۱۰).

e- عبارت «به دنبال او رفتن» (۸: ۲۲-۲۳) کلید این مطالب است و متى به وسیله این عبارت و نیز وارد کردن واقعه قبلی که درباره «شاگردان بود» (۲۱: ۸) و موضوع رفتن است (۸: ۱۸-۱۹)، نشان می‌دهد که این واقعه درباره مسیحیان و مربوط به آنان ذکر شده است که باستی تعهد خود را در پیروی از یسوع عمیق سازند.

f- این پدیده به همراه وقایعی نظرپرداز گشتن خدا در صحرای سینا (خرس: ۱۹: ۱۸؛ پاد ۱۱: ۱۱)، ظهور و تجلی به ایوب (ایوب ۴: ۲۸؛ ۶: ۴۰) مرگ و رستاخیز یسوع (مت: ۲۷: ۵؛ ۵: ۵۴؛ ۲: ۲۸؛ ۳: ۲۶) روی می‌دهد و یکی از آثار معمولی در توصیف وقایع مکاشفه‌ای زمان آخر است (۷: ۲۴). در مورد طوفان ر.ک مر: ۴ ۳۷: ۳۷ توضیح g.

اندازه‌ای وحشی می‌بودند که کسی نمی‌توانست از آن راه بگذرد.^{۲۹} و اینک شروع به فریاد کردند: «از ما چه می‌خواهی^m ای پسر خدا؟ آیا به اینجا آمدید ای که پیش از زمان مارا عذاب دهیⁿ؟»^{۳۰} دور از آنان گله‌ای از خوکان^۵ بسیار در حال چرا بودند.^{۳۱} دیوها از او درخواست کرده می‌گفتند: «اگر ما را بیرون می‌کنی مارا به گله خوکان بفرست.»^{۳۲} و به آنان گفت: «بروید!» آنان چون بیرون شدند به داخل خوکان رفته‌ند و اینک تمام گله از فراز پرتوگاه به دریا پریده در آبها مردن.^{۳۳} خوک چرانان فرار کردند و به شهر رفته همه چیز از جمله موضوع دیوانگان^p را اعلام کردند.^{۳۴} و اینک تمام شهر نزد یسوع خارج شدند و

قایق از امواج پوشیده می‌شد.^۴ با این همه او می‌خوابید.^۵ و به سوی او پیش آمده او را قائم ساخته گفتند: «خداؤند! ما را نجات بده که هلاک می‌شویم.»^۶ و به آنان گفت: «چرا هراسان هستید ای کم ایمانان^h؟» آنگاه قیام کرده بادها و دریا را نهیب زد^۷ و آرامش بزرگی پدید آمد.^{۲۷} انسانهاⁱ به حال تحسین درآمدند می‌گفتند: «این کیست که حتی بادها و دریا از او اطاعت می‌کنند؟»

دو دیوانه در سرزمین جرجسیان

(مرقس ۱:۵؛ ۲۰-۲۶:۸؛ لوقا ۳۹-۴۶:۸)

^{۲۸} و چون به کرانه دیگر رسید در سرزمین جرجسیان^k دو دیوانه از قبرها بیرون شده^۱ نزد وی آمدند. آنان به

g- برخلاف روایت مرقس به نظر می‌رسد این روایت از سوی کسی که خارج از قایق تماساچی بوده نگاشته شده است.

h- متی اصطلاحی را که ظاهراً از روایتی کهن اقتباس شده (لو ۲۸:۱۲=مت ۶:۳۰) به کار می‌برد تا نشان دهد که چگونه شاگردانی که به دنبال عیسی می‌آیند به علت شک و ناباوری تهدید و دستخوش ترس یا اضطراب می‌شوند (مت ۱۴:۳۱؛ ۱۶:۸؛ ۲۰:۱۷). شاگرد کم ایمان برطبق روشنایی ایمان خود زندگی نمی‌کند (ر.ک مر ۴:۳۰ توضیح m).

i- نهیب زد. یسوع در این مورد نظیر موقعی که ارواح ناپاک را می‌راند رفتار می‌نماید (مر ۲۵:۶؛ ۲۵:۹؛ ر.ک لو ۳۹:۴) ولی در این مورد هدف او نیروهای طبیعت است و به عنوان خداوند فرمان می‌دهد (یه ۹:۶). ضمناً دریا همچون مأمن نیروهای شریر بشمار می‌رفت (ر.ک اش ۵:۱؛ دان ۷:۲-۷؛ مز ۶:۵-۷؛ مز ۹:۳-۹؛ ۱۰:۸:۹). ولی مسیح با رستاخیز خود کاملاً بر آنها پیروز خواهد شد.

j- متی معمولاً کلمه انسانها را درباره بی ایمانان می‌آورد (مت ۱۳:۵؛ ۱۷:۱۰، ۱۷:۳۲-۳۳؛ ۱۶:۵؛ ۱۶:۱۹؛ ۲:۲؛ وغیره) و آنکه از یسوع به طوری سخن می‌گویند که گویی در خارج هستند (۱۳:۱۶) یا حتی مثل این است که چیزی درباره خدا نمی‌دانند.

k- جرجسیان. چدره شهری یونانی نشین در مواراء اردن که به فاصله ده کیلومتری جنوب شرقی دریاچه جنیسارت در دیکاپولیس قرار داشته است. بطوری که از مندرجات این آید برمی‌آید سرزمین این شهر تا دریاچه جنیسارت ادامه دارد ولی این نکته قابل بحث می‌باشد. مر ۵:۱ ولو ۸:۲۶ در این مورد جرازنیان و جرجزنشیان اورده اند ولی نه جرازا و نه جرجزا با این روایت تطبیق نمی‌نماید. در هر صورت، یسوع با شاگردانش در ادامه مأموریت خود بیرون از سرزمین موعود رفته به فلمسرو امته را رسیدند.

l- ر.ک مر ۵:۲ توضیح m.

m- ر.ک مر ۱:۲۴ توضیح i.

n- کلمات «اینجا» و «پیش از زمان» که در این روایت آمده مختص انجیل متی است. به احتمال زیاد این کلمات اشاره به زمان داوری نهایی است که در آن وقت شیاطین عاجز و ناتوان می‌شوند. عمل یسوع در راندن ارواح ناپاک، شفا دادن نهایی پیش از موعده به شمار می‌آید. کلمه اینجا یادآوری می‌کند که یسوع در سرزمین امته عمل می‌نماید و همچنین نجات و آزادی همه ملت‌ها را اعلام می‌کند. این دو کلمه ممکن است یادآور مسیحیانی باشد که اصلاً غیریهودی و اعضای کلیسا ای باشند که مورد خطاب متی است.

o- ر.ک مر ۵:۱۱ توضیح □.

p- «موضوع دیوانگان». این عبارت تأیید می‌نماید که واقعه خوکها جنبه فرعی دارد و موضوع اصلی پیروزی یسوع بر شیطان است.

روی زمین اقتدار بخشیدن گناهان را دارد^۷
- آنگاه به مفلوج گفت: «قیام کن! بستر خود را بردار و به خانه ات برو.»^۸ و او قیام کرده به خانه خود رفت.^۹ با دیدن این، جماعت را ترس فرا گرفت و خدا را تجلیل کردند که چنین اقتداری به انسانها داده است.^{۱۰}

فرا خواندن متی (مرقس ۲:۱۷-۱۳؛ لوقا ۵:۲۷-۳۲)

و یسوع جلوتر رفته انسانی مسمی به متی^x را در باجگاه نشسته دید و به او گفت: «به دنبال من بیا» و او برخاسته به دنبال او رفت.^{۱۱} باری چون در خانه^y او بر سر سفره بود اینک سپاری از خراج‌گیران و گناهکاران^z آمده با یسوع و شاگردانش بر سر سفره نشستند.^{۱۲} و فریسان دیده به شاگردانش می گفتند: «چرا استاد شما با

چون او را دیدند از او درخواست کردند که قلمرو ایشان را ترک کند.

شفای یک مفلوج

(مرقس ۲:۱۲-۱:۲؛ لوقا ۵:۲۷-۱۷)

^۱ و به قایقی سوار شده عبور کرد و به شهر خود^۹ آمد.^۲ و اینک مفلوج شهربادیه بر بستری را به حضورش می آوردند و یسوع با مشاهده ایمان^{۱۰} آنان به مفلوج گفت: «فرزنند^۵، اعتماد داشته باش، گناهانت بخشیده شده است.^۳ و اینک چند نفر از کاتبان با خود گفتند: «این یکی کفر می گوید.^۴ و یسوع با دانستن افکارشان گفت: «چرا این افکار بد در قلب‌های شما است؟^۵ زیرا کدام یکی آسانتر است: گفتن اینکه گناهانت بخشیده شده یا گفتن اینکه قیام کن و راه برو؟^۶ پس برای اینکه بدانید پسر انسان^۷ بر

^۹- برابر مر ۲:۱ منظور شهر کفرناحوم می باشد که در اینجا «شهر خود» ذکر شده و احتمالاً بدان سبب که یسوع در آن شهر مالیات می برداخته است (ر. ک ۲۷:۲-۲۴).

^{۱۰}- چنین بنظر می رسد که در اینجا ایمان به معنی روی آوردن بیمار و حاملان او به سوی یسوع می باشد (ر. ک مر ۴:۲؛ لوقا ۱۸:۵-۱۹).

^{۱۱}- فرزند، ر. ک ۲۱:۲؛ مر ۲:۵؛ ۱۰:۲؛ لوقا ۴:۸. «اعتماد»: تحت الفظی «شجاعت» و نیز ۹:۲۲.

^t- در مورد «کفر گفتن» ر. ک ۲۶:۶ توضیح p.

^{۱۲}- ر. ک ۸:۲۰ توضیح c.

^۷- یسوع که مرد مفلوجی را شفا داده و اورا به راه رفتن واداشته نشان می دهد که اقتدار بخشایش گناهان را دارد و در این مورد اتهام کفر به معنی معمولی یا به معنی حقیقی که شاید مسیحیان تعبر کنند (۳:۹؛ ۲۶:۶۵) پایه و اساسی ندارد و بنابراین درباره شخص او این سوال مطرح شده و باقی مانده که او کیست.

^w- این جمله پایانی مایه تججب است (که در آن کلمه جمع به جای مفرد آمده) شاید مربوط به محافل مذهبی می باشد که در آنچه انجیل متی نوشته شده است: بدین گونه قدرت بخشایش گناهان که در کلیسا به بعضی ها داده شده از اقتدار شخص یسوع ناشی می شود (ر. ک ۱۶:۱۸؛ ۱۸:۱۹).

^x- متی که در انجیل مرقس، لاوی پسر حلفی و در انجیل لوقا، لاوی نامیده شده نامش در فهرست رسولان آمده است (مت ۱۰:۳؛ مر ۳:۸؛ لوقا ۱:۱؛ اع ۱:۱۳)؛ ولی چیزی درباره زندگی او ذکر نمی کنند. ضمناً از دوران قدیم کسانی درباره هویت متی و لاوی یا لاوی پسر حلفی اظهار شک کرده و در نسبت دادن نخستین انجیل به متی تردید بیشتری داشته اند.

^y- منظور از خانه نه خانه یسوع بلکه خانه متی می باشد (ر. ک لوقا ۲۹:۵).

^{۱۰}- در مورد کلمه «گناهکاران» ر. ک ۵:۴۶ توضیح r.

نمی زند زیرا تکه و صله جامه را می کشد و پارگی بدتر می شود.^{۱۷} همچنین شراب تازه را در مشکهای کهنه نمی ریزند و گرنه مسلمان^{۱۸} مشکها دریده شده و شراب می ریزد و مشکها از بین می رود، بلکه شراب تازه را در مشکهای نبو می ریزند و هر دو نگاه داری می شوند^{۱۹} ».

خراجگیران و گناهکاران می خورد؟^a » ۱۲ ولی او چون شنید گفت: «توانندان b نیستند که به پرشک نیاز دارند بلکه مریضان.^{۱۳} پس رفته و یاد گیرید که معنای این چیست: «آنچه من می خواهم رحمت است نه قربانی^c» زیرا من نیامده ام تا عادلان را فراخوانم بلکه گناهکاران را. »

شفای زن مبتلا به خونریزی و زنده شدن دختر یک سرشناس (مقس ۵: ۴۳-۲۱؛ لقا ۸: ۴۰-۵۶)

۱۸ در حالی که به آنان چنین می گفت
اینک رئیسی پیش آمده در برابر او سجده
کرده می گفت: «دخترم همین الان مرده ولی
بیا و دستت زرا بر او بگذار و زنده خواهد
شد.»^{۱۹} و یسوع قیام کرده به دنبال او
می رفت، همچنین شاگردانش.^{۲۰} و اینک
زنی که دوازده سال خونریزی داشت از لاو^{۲۱}
بشت سر نزدیک شده حاشیه^k رداش، را

بحث درباره روزه، نو و کنه

۱۸:۱۱
۱۲:۱۸
۴ آنگاه شاگردان یو حنا^d نزد او آمده
گفتند: «چرا ما و فریسان روزه می‌گیریم و
شاگردان توروزه نمی‌گیرند؟»^{۱۵} و بیسون
به ایشان گفت: «آیا ساقدوش‌های داماد^e
تا زمانی که داماد^f با ایشان است می‌توانند
در ماتم باشند؟ روزهایی فرا خواهد رسید
که داماد از آنان گرفته خواهد شد^g و آن
وقت روزه خواهند گرفت.^h ۱۶ و هیچکس
تکه بارجۀ نشسته را به حامه‌ای کهنه و صله

۸- در دنیای مشرق زمین و مخصوصاً در فلسطین غذا خوردن بر سر سفره بهترین فرست براي مشارك مرمدمن بود. يسوع با پذيرفتن دعوت فردی گناهکار يعني کسي که ناپاک است به همراه تعداد زيادي از گناهکاران، برخلاف مقررات اساسی کاهنان بهود رفتاري م، كد خود را جون فري ناپاک و گناهکار نشان م داد.

b- تحت الكلمة الفظى: نير و مدنان. کلمه ارامی *beri'a* که کلمه یونانی از آن اقتباس شده به معنی اشخاص سالم نیز به کار رفته است. جانانکه در لو ۳۱:۵ به این مفهوم آمده است.

۵- این نقل قول از هوچ ۶:۷ در ۱۲:۷ نیز آورده شده است. در هر دو مورد اصولاً فربانی کردن در آداب مذهبی محکوم نمی‌شود ولی وابستگی به رسم زندگی مذهبی به اندازه‌ای که فرمان اصلی «رحمت» نادیده گرفته شود محکوم می‌گردد.

d- یوچنا. در پیرامون یوچنا تمیید دهنده جمعیتی از اینسانداران تشکیل شده بود، جمعیتی که پس از مرگ او (۱۱:۲؛ ۱۴:۲؛ ۱۴:۲) لوانی است.

e- تحت المفظي: بسنان حجنة، ر. ك. مزرا ١٩ توضيح ٢.
f- معمولاً داماً به عنوان نساد خنا به كار برده شده (اش ٤:٥٤-٨:٤-٦٢-٦١:١٠:٦١-٥:٤-٣:٣١-٢:٢-١٦:٤-٣:٣) و در

تفسیر نمادهایی که یهودیان از غزل غرها می‌کنند. کاهی این کلمه نماد مسیح پادشاه است (مز ۴:۵-۷؛ ر. ک عبر ۱:۸) و در اینجا برای خود بیسوع است (مت ۱:۲۵، ۵، ۰؛ یو ۲:۹؛ مکا ۱:۱۸؛ ر. ک ۲-قرن ۲:۱۱).

g- احتمالاً اشاره به مرك بسوي است.
h- ر.ك ۱۶:۶ توضیع k- حفظ شامانند نم که به اتفاق نتیجه زدن از اینجا می باشد تعلیمه جاد

-**کلمه «دست»** با صورت مفرد، در عهد جدید مورد استفاده ایجاد شده و ممکن است در اینجا عبارت شخص خود سمع باشد.
- کلمه «دست» با صورت مفرد، در عهد جدید مورد استفاده ایجاد شده و ممکن است در اینجا عبارت شخص خود سمع باشد.

k-یوسوپ همانند هر یهودی مؤمن حاشیه ای به رادی خود داشته است (ر.ک اعدام ۳۸۱-۱۳۸۱؛ تث ۲۲۴؛ ۱۰۲). فریسان به سبب غریب و به منظمه، تظاهر به یزدگرد گردیدند و می خواستند که این را بخوبی معرفی کنند.

مکرور و بد متصور سایر په مدل‌های حاسوبه روزایی سود را پہم بر می‌گردید (جیت، ۲۰۱۷). در این حاسوبه همچو عین متصوی به دلار

آمدند و او به آنان گفت: «آیا ایمان دارید که من قدرت دارم این کار را بکنم؟» ایشان به او گفتند: «آری ای خداوند!» آنگاه چشمانشان را لمس کرده گفت: ^{۲۹}_{۳۴:۲۰} «برابر ایمانتان برای شما انجام شود.» ^{۲۸:۱۵}_{۱۳:۸} ^{۳۰} و چشمانشان باز شد و یسوع با تندی به آنان گفت: «توجه کنید! کسی این را نداند.» ^{۳۱}_۹ ولی ایشان همین که بیرون رفته شایعه آن را در سراسر آن سرزمین پراکنده کردند.

شفای یک لال دیوزده (لوقا ۱۱:۱۱-۱۵)

^{۳۲} چون بیرون می آمدند اینک لال ^{۳۵:۳۲:۷}_{۲۵:۱۷:۹} دیوزده ای را به حضورش آوردند. ^{۳۳}_{۱۴:۱۱} و چون لو رانده شد لال به حرف در آمد و جمعیت به تحسین درآمده می گفتند: «هرگز چنین مر ^{۱۲:۲} چیزی در اسرائیل پدیدار نشده است!» ^{۳۴}_{۲۴:۱۲} ولی فریسیان می گفتند: «به وسیله رئیس ^{۲۲:۳}_{۱۵:۱۱} دیوها است که دیوها را می راند.»

لمس کرد. ^{۳۱}_{۲۱} زیرا با خود می گفت: «اگر فقط رداش را لمس کنم نجات خواهم یافت.» ^{۳۲}_{۲۲} یسوع برگشته اورا دید و گفت: «ای دختر! اعتماد داشته باش! ^{۱۶:۳}_{۱۶:۳} ایمان تورا نجات داده است.» و آن زن همان ساعت نجات یافت. ^{۳۳}_{۲۳} و یسوع به خانه رئیس رسیده که هیاهو می کردند و نوازنده گان نی و انبوه مردم را دیده ^{۳۴}_{۱۱:۱۱} گفت: «کنار بروید زیرا دخترک نمرده بلکه خوابیده است» ^m_{۲۷:۹} و ایشان او را ریشخند می کردند. ^{۳۵}_{۲۷:۹} چون انبوه مردم به مر ^{۳۱:۳}_{۲۷:۹} بیرون رانده شدند، او داخل شده دست وی را گرفت و دخترک قیام کرد. ⁿ_{۲۶} و شایعه آن در سراسر آن سرزمین پراکنده شد. ^{۳۶}_{۱۱:۱۵} توضیح: ۵

شفای دو کور

^{۳۷} و چون یسوع از آنجا می گذشت دو کور به دنبال او رفتهند و فریاد زنان گفتند: «به ما رحم کن! ای پسر داود!» ^{۲۸}_P وقتی یسوع به خانه رسید کوران به سوی او پیش

می رفت که نماد آسمان و یادآور فرمانهای خدا بود و بدین سبب آن را گرامی می داشتند (ر.ک ۱۴:۳۶؛ ۱۱:۱۵ توضیح: ۵). ^{۳۶:۶}_{۵:۶} ل:۴).

۱- فعل sozein که معمولاً به معنی نجات دادن می باشد (۱۰: ۲۲: ۲۴؛ ۱۳: ۲۴؛ اع: ۴۷: ۲؛ ۱۶: ۱۲: ۴؛ ۳۰: ۱۶) بیانگر رابطه نزدیکی است که بین نجات انسان و سلامتی او وجود دارد. نمونه این عبارت در انجیلها به فراوانی آمده است (مر: ۱۰: ۵۲؛ ۴۲: ۱۸؛ ۱۹: ۱۷) و می توان مفهوم آن را چنین در ک کرد: ۱- ایمان تورا آماده کرده تا نجات یابی. ۲- ایمان تورا نجات داده چون تو را در ارتباط با من که مسبب نجات هستم قرار داده است. ۳- ایمان تو عامل نجات تو شده است.

۱-R.ک ل:۵۲ توضیح: u.

۲-R.ک ل:۷ توضیح: v.

۳- تقاضوتی که انجیل متی در این مورد با انجیلها مرقس و لوقا دارد این است که منبع انتشار خبر را ذکر نکرده است. ^v_P- پسر داود. عنوانی که عامه مردم به مسیح موعود می دادند و این نخستین باری است که آن را به یسوع می دهند (ر.ک ۵: ۲۰؛ ۳۰: ۹؛ ۳۱: ۹؛ ۱۵: ۱۵ توضیح: g).

۴- با اینکه این روایت با شفای نابینایان اریحا ارتباط دارد (مت: ۳۴: ۲۰-۲۹) اما پیش از متی وجود داشته است زیرا برخلاف تمایلی که متی دارد در این روایت یسوع به شفا یافتنگان شدیداً دستور رازداری می دهد. احتمالاً دستور منع اشاعه خبر به دلیل آن است که نابینایان اریحا یسوع را به عنوان پسر داود تحسین می کردند (۲۷).

۵- متی به جهت بیان بخشیدن به معرفی و ارائه سخنان و اعمال مسیح (۳۴: ۹-۲۵؛ ۴: ۲۵-۳۴) روایتی می آورد که مجدداً در ۱۲: ۲۲-۲۴ ذکر می نماید. احتمالاً می خواهد تفرقه ای را که در نتیجه فعالیت یسوع به وجود آمده است اعلام نماید (ر.ک ۴۰: ۷؛ ۴۰: ۳-۴).

رسالت دوازده تن

(مرقس ۳:۱۶-۱۶؛ لوقا ۱۴:۶)

- ۱۰ ^۱ یسوع دوازده شاگرد خود را مرت ۷:۶
فراخوانده به آنان اقتدار بر ارواح نپاک داد تا آنها را راند و هر بیماری و ناتوانی را شفا دهند.^۷
- ۱۱ اینک نام‌های دوازده رسول^w:
اول شمعون که پطرس نامیده شد بـ ۲۱-۴۰:
و برادرش آندریاس^x و یعقوب [پسر] زبدي و برادرش یوحنا، فیلیپس و برتولماء، توما و بـ ۴۳:
متی خراجگیر، یعقوب [پسر] حل甫ی و تدی^y، ^۴ شمعون

یسوع و جماعت بی‌شبان

(مرقس ۶:۶، ۳۴؛ لوقا ۱۰:۲)

- ^{۳۵} و یسوع تمام شهرها و روستاهای درمی نوردید در حالی که در کنیسه هایشان آموزش می داد و انجیل ملکوت را ندا داده و هر نوع بیماری و ناتوانی را شفا می داد.^۸
- ^{۳۶} چون جمعیت را دید بر آنان ترحم نمود زیرا خسته و کوفته مانند گوسفندانی بودند که شبان نداشتند.^t آنگاه به شاگردانش گفت: «محصول^u فراوان است ولی کارگران اندک. ^{۳۸} پس از خداوند محصول خواهش کنید تا کارگرانی برای محصول خود بفرستد.»

- متی با ذکر خلاصه فعالیت یسوع که آیات ۲۳:۴-۲۵ را به یاد می آورد فصل جدیدی می‌تبینی بر دستوراتی که به مناسبت مأموریت رسولان داده شده را آغاز می‌نماید (۱۵-۵:۱۰). ضمناً توصیه‌هایی را که در اوضاع و موارد دیگر داده شده به این دستورات می‌افزاید (۴۲-۱۶:۱۰).

t - ۱- پاد ۱۷:۲۲. متی طرز رفتار یسوع را ذکر می‌نماید که خود را فرستاده‌ای بسوی گوسفندان گم شده اسرائیل می‌داند (مت ۱۵:۶؛ ۲۶:۶؛ ۱۰:۱۹). همین پادآوری در مر ۳۴:۶ در مورد واقعه ازدیاد نانها آمده است. در اینجا معنی مأموریت شاگردان را می‌رساند که عبارت از ترحم شبان نیکو است. یسوع آنچه را که عهد عتیق انتظار دارد به انجام می‌رساند (حراق ۲۳:۳۴؛ زک ۷:۱۳).

u - تصویر معمولی داوری نهایی در زمان آخر است (ر. ک مت ۱۲:۳ توضیح u). در اینجا محصول مربوط به زمان خود یسوع است (ر. ک مر ۴:۳؛ ۲۹:۴؛ یو ۳۵:۳۷-۳۷): داوری به وسیله مأموریت یسوع و شاگردانش انجام می‌شود (ر. ک مت ۱۰:۱۵) زیرا ملکوت خدا فرا رسیده است (مت ۲:۳؛ ۱۷:۴؛ ۷:۱۰).

v - راند ارواح نپاک و شفا دادن مربوط به قدرت واحدی هستند. بیماری نشانه‌ای از فرمانروایی شیطان و گناه است و شفا دادن نشانه بیرونی بر شیطان (ر. ک مت ۱۷:۷).

w - دوازده رسول: این اصطلاح که در عهد جدید تقریباً منحصر به فرد است (ر. ک اع ۱:۲۶؛ مکا ۴:۲۱) ترکیبی است که از پیوستن دو عنوان حاصل شده و نخستین شاگردان یسوع را با این عنوانین مشخص می‌کردد: در بعضی موارد آنان را با عنوان دوازده خوانده اند (ر. ک مت ۱۴:۲۶) و در موارد دیگر رسولان نامیده اند (ر. ک لو ۶:۱۳؛ تو پیش ۵:۳۰). رسول به معنی فرستاده و برابر ریشه اصلی کلمه سامی، دقیقاً نیاینده و سفیر مختار می‌باشد (به ۱:۱۰؛ ۴:۰ تو پیش u توجه نمایید). ضمناً عدد دوازده با تعداد قبایل اسرائیل تطبیق می‌نماید (ر. ک مت ۹:۲۸؛ ۱۹:۲۸). بنابراین اگر کمتر از ۱۲ باشند از دیدگاه یهودیان، قوم جدید خداوند ناقص می‌بود (ر. ک اع ۱:۱۷ تو پیش ۷).

x - صورت اسامی رسولان که در انجیلهای متی، مرقس، لوقا و نیز در اعمال رسولان ذکر شده با یکدیگر تفاوت دارند مخصوصاً در ترتیب تولی سه نامی که پس از پطرس آمده است. به احتمال قوی ترتیب اسامی رسولان همان است که در انجیل متی و لوقا ۱۴:۶ روایت شده است. در مر ۱۷:۳ پیش از نام آندریاس نام پسران زبدي ذکر گردیده که با پطرس گروه سه نفری شاگردان ممتاز را تشکیل می‌دهند (مت ۱۷:۱؛ ۲۶:۳؛ ۳۷:۲۶؛ مر ۵:۳۷). در اع ۱۳:۱ نام یوحنا پیش از نام یعقوب و بلافصله پس از پطرس آمده است و این احتمالاً به دلیل نقش مهمی بوده که وی در کلیسای اولیه داشته است.

y - تدی. نسخه‌های معتبر قدیمی انجیل متی در مورد نام این رسول تفاوت دارند. در بعضی از آنها نظری بیشتر نسخه‌های خطی انجیل مرقس «تدی» ذکر شده: در تعداد زیادی از نسخه‌ها لبی (lebbe) یا لبه (lebbebee) «ملقب به تدی» نوشته شده و بعضی دیگر «یهودا پسر یعقوب» (لو ۱۶:۶) یا «یهودای غبور» نوشته اند. ساده‌ترین راه حل این است که در هر یک از سه انجیل نظری در مورد نام یازدهمین رسول اختلاف دارند: به نوشته‌متی «لبی»، مرقس او را «تدی» نامیده و لوقا «یهودا پسر

بخشید، جذامیان را پاک گردانید، دیوها را برانید. رایگان دریافت کرده اید، رایگان بدھید.^۹ نه زر فراهم آورید نه سیم، نه پول خرد در کمر بند هایتان.^{۱۰} نه خورجین برای راه، نه دو ردا، نه پاپوش، نه لوقا^{۱۱} چوبیدستی، زیرا کارگر سزاوار خوارک خود است.^{۱۱} در هر شهر و روستائی که وارد می شوید جویا شوید در این محل چه کسی شایسته است^f و تا وقتی که عزیمت می کنید در آنجا بمانید.^{۱۲} چون به خانه وارد می شوید بر آن سلام کنید.^{۱۳} اگر خانه شایسته باشد آرامش شما بر آن آید و

غیور^z و یهودای اسخربوطی^a همان کسی که او را تسليم خواهد کرد.

(مرقس ۶:۷-۸؛ لوقا ۹:۲-۵؛

ر.ک لوقا ۱۰:۳؛ ۱۲-۳:۱۰)

^۵ این دوازده [تن] را یسوع با دستورهای زیر فرستاد^b: «راه امتها را در پیش نگیرید و در هیچ شهر سامریان^c وارد نشوید.^۶ ترجیحاً به سوی گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل بروید.^۷ در راه خود ندا دهید که فرمانروائی آسمانها خیلی نزدیک است.^d ^۸ بیماران را شفا دهید، مردگان را قیام

یعقوب» ذکر کرده است. و انگهی کمتر احتمال دارد این اسمی مختلف فقط به یک نفر تعلق داشته باشد زیرا سه نام مذکور نامهای سامی هستند (در آن دوران اگر کسی نامهای متعددی داشت معمولاً نامهای او یهودی و یونانی یا رومی بوده است مانند شائلو و بولس). به هر صورت روایتی که با این اعتبار تعداد رسولان را دوازده ذکر کرده و حفظ نموده است فقط درباره نام یکی از ایشان تردید دارد. در مورد توما ر.ک یو ۱۶:۱۰ توضیح^۹.

- تحتاللطفی: کنعانی. آوانویسی کلمه ای آرامی به معنی وفادار (غیور) که به غیوران اطلاق می شده است. غیوران فرقه ای از یهودیان ملی گرای دینی بودند که با اشغال رومیان شدیداً مخالفت می کردند. ممکن است شمعون پیش از آن که یسوع را ملاقات نماید جزو یکی از این گروهها بوده باشد.

- a- اسخربوطی. برای این کلمه تفسیرهای مختلفی پیشنهاد شده است: ۱) موطن او kerioth است (ر.ک هو ۱۵:۲۵؛ عا ۲:۲۵). این کلمه در صورتی که آن را از ریشه و ازه ای آرامی بگیریم به معنی دروغگو می باشد که صفتی توهین آمیز است که بعد از خیانت به او داده شد. ۲) هرگاه کلمه sicarius را با الفبای سامی بنویسند برابر لاتینی-ze lot (غیور) می باشد (خستنا zelot هم توصیف یهودا و هم شمعون است). با توجه به تفسیر اخیر می توان دریافت که یهودا به یسوع خیانت کرد زیرا یسوع دیدگاه غیوران را نپذیرفت (ر.ک ۲۷-۲۴:۱۷).

- b- کلمه رسول به معنی فرستاده و رسالتی که بر عهده دارد از یک فعل مشتق شده است (ر.ک مخصوصاً ۱۰:۱۶، ۱:۴۰؛ ۱۵:۲۴). در کنیسه یهودیان فرستادگان رسمی را می شناختند و درباره آنان این اصل پذیرفته شده بود که فرستاده برابر فرستنده است. در مت ۱:۱۵ و مخصوصاً در انجیل یوحنا یسوع خود را به عنوان فرستاده پدر یا رسول پدر معرفی می نماید (یو ۳:۳۴، ۱۷:۳؛ ۳:۱۷-۳۶:۵؛ ۳:۱۸؛ وغیره).

- c- سامریان. پس از سقوط سامری در سال ۷۲۱ پیش از میلاد، سامریان متسلک از تبار گونگون معد مخصوص به خود داشتند که بالای کوه جرزم قرار داشت (یو ۴:۲۰). یهودیان، سامریان را حقیر می شمردند چنان که آنان نیز یهودیان را پست می دانستند. در این مأموریت که اولین مأموریت رسولان است گویا یسوع این شکاف عیق را پذیرفته ولی در جاهای دیگر این موضوع را زیر سؤال می برد (لو ۱۰:۳۰-۳۷؛ یو ۴:۴۸-۳:۳۷) و پس از رستاخیز این شکاف را از بین می برد (ر.ک آع ۸:۱).

- d- ر.ک ۲:۳ توضیح^h

- e- متی در اینجا اشاره به حقی می کند که ربی ها می توانستند در بعضی شرایط از هدایای پیروان خود زندگی کنند (ر.ک ۱-۹:۶؛ ۱:۱۴-۱؛ ۵:۱۸-۱:۱). در لو ۷:۷-۱۰ ذکر شده است: کارگر سزاوار مزد خود می باشد (ر.ک اع ۳۱:۱۸؛ دیداکه ۱:۱۳) «هر پیامبر راستین که بخواهد نزد شما بماند مستحق غذای خود است و نیز هر معلم مانند کارگر سزاوار غذای خود می باشد.»

- f- یعنی اگر شخص شایسته ای وجود دارد. لوقا اضافه می کند: «از خانه ای به خانه ای نروید.»

- g- طرز سلام دادن یهودیان عبارت از آرزوی صلح و آرامش است (shalom) چنان که در بسیاری از نسخه های خطی به تقلید از لو ۰:۵ اضافه شده: آرامش بر این خانه باد! همچنان که در آیه بعدی نیز ذکر شده است.

نداشته باشید چه و چگونه بگوئید. زیرا در آن ساعت آنچه باید بگوئید به شما داده خواهد شد.^{۲۰} درواقع شما نیستید که سخن خواهید گفت بلکه روح پدر شما است که در شما سخن خواهد گفت.^{۲۱} برادر برادر خود را به مرگ تسليم خواهد کرد و پدر فرزند خود را و فرزندان علیه والدین خود میکند.^{۶:۷} برخواهند خاست و آنان را به مرگ خواهند سپرد.^{۲۲} و به خاطر نام من منفور همگان خواهید شد ولی کسی که تا پایان پایداری کند او نجات خواهد یافت.^{۹:۲۴}

^{۲۳} چون در شهری به شما جفا کنند به دیگری فرار کنید زیرا آمین به شما می‌گوییم شهرهای اسرائیل را تمام خواهید کرد^k که پسر انسان آمده باشد.^{۲۴} شاگرد برتر از استاد نیست و نه برده بالاتر از خداوند^{۲۵} خود.^{۲۵} شاگرد کافی است مانند استادش شود و برده مانند خداوندش. اگر ارباب خانه را بعلزبول^۱ خوانده اند چقدر بیشتر افراد خانه اش را!

^{۲۸-۲۷:۱۶}
^{۳۷،۳۰،۲۷:۲۴}
^{:۴۴،۳۹}
^{:۳۱:۲۵}
^{:۶۴:۲۶}
^{:۲۶:۱۳}
^{:۶۲:۱۴}
^{:۲۶:۹}
^{:۸:۱۸}
^{:۳۰:۱۷}
^{۲۷:۲۱}

لو ۱۰:۱۰-۱۲ اگر شایسته نباشد آرامش شما به سوی شما باز گردد.^{۱۴} اما کسی که شما را نپذیرد و سخنان شما را گوش ندهد، چون از آن خانه یا از آن شهر بیرون می‌آید گرد و خاک پاهایتان را بتکانید.^{۱۵} آمین! به شما می‌گوییم در روز داوری برای سرزمین سدوم و عموره قابل تحمل تر خواهد بود تا برای این شهر.^{۲-۶:۲}
ل ۱۰:۱۲:۱۱
پید ۱۸:۱۹-۲۰:۲
برای ۷:۶

مأموریت توأم با جفا

(مرقس ۱۳:۹؛ ۱۲:۲۱؛ لوقا ۱۹-۲۱)

لو ۳:۱۰ اینک شما را چون گوسفندان به میان گرگان می‌فرستم پس مانند مارها هوشیار و آغ ۱۲:۱۰:۲۱ چون کبوتران ساده باشید.^{۱۶}
روم ۱۹:۱۶ از انسانها بر حذر باشید زیرا شما را به سانه‌درین ها^۱ تسليم خواهند کرد و در ۱۳:۱۴:۲۱ کنیسه‌های خود شما را تازیانه خواهند زد.^{۱۷}
۱۸ و نزد رهبران و پادشاهان به خاطر من برای شهادت به ایشان و امتها برده خواهید شد.^{۱۹} چون شما را تسليم کنند پروای آن

-h این عمل نشانه رویگردنی می‌باشد (ر.ک اع ۱۳:۵۱) که مرسوم دوران قدیم بود که به معنای نبردن چیزی با خود از شهری یا محلی که شایستگی ندارد و در اینجا شایستگی پذیرش انعیان ندارند.

-i فقط در این مورد است که در عهدجدد کلمه سانه‌درین های کوچک محلی است که از بیست و سه نفر بزرگان کنیسه تشکیل می‌شده است. این محاکم در مواردی که مربوط به سانه‌درین مرکزی اورشلیم نبود عمل می‌کردند (ر.ک ۲۲:۵ توضیح X: ۵۹:۲۶). این صحنه‌های خشونت‌آمیز در کنیسه‌روی می‌داده که محل مخصوصی برای این منظور داشتند. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی سانه‌درین های محلی اهمیت شایانی یافتند و شاید متی به این دوران اشاره می‌نماید.

-j مقاومت تا آخرین لحظه (ر.ک ۱۳:۲۴) که در ملاء عام و رسماً در برابر همه قوم انجام شود (۱۴:۲۴) گواه بر آن است که داری خدا و تجربه های زمان آخر هم اکنون آغاز شده است.

-k این جمله اشاره به فعالیت رسانی شاگردان در اسرائیل دارد که پیشگویی می‌شود طولانی یا کوتاه خواهد بود یا اشاره به آن است که شاگردان به سبب تعقیب و شکنجه از شهری به شهر دیگر فرار خواهند کرد. در مورد آمدن پسر انسان احتمالاً منظور این نیست که به هنگام ویران شدن اورشلیم در سال ۷۰ میلادی می‌آید و نه آمدن شکوهمندانه او در روز تجلی یا رستاخیز، بلکه منظور آمدن شکوهمندانه او در آخر زمان می‌باشد. یسوع مانند پیامبران عهدتعیق وقایعی را که در آینده رخ می‌دهد به صورت زمان قریب الوقوع اعلام می‌کند (ر.ک مر ۱:۹ توضیح ۷).

-l در مورد بعلزبول ر.ک ۲۴:۱۲ توضیح ۵.

خواهم کرد^{۳۳} ولی کسی که در برابر انسانها لو۹:۲۶-تیمو۲:۲ مرا انکار کند من هم در برابر پدرم که در آسمان‌ها است او را انکار خواهم کرد.

شمشیر به جای آرامش (لوقا ۱۲: ۵۱-۵۳)

^{۳۴} «خيال نکنید که من آمده‌ام تا آرامش را بر روی زمین بیاورم. من نیامده‌ام آرامش را بیاورم بلکه شمشیر را.^{۳۵} زیرا من برای جدا کردن مرد بر ضد پدرش و دختر بر ضد مادرش و عروس بر ضد مادر شوهرش آمده‌ام.^{۳۶} و دشمنان انسان افراد خانه او خواهند بود.^۱

انکار خویشتن برای پیروی از یسوع (مرقس ۸: ۳۴-۳۵)

لوقا ۱۴: ۲۶-۲۷؛ ۹: ۲۷-۲۸

^{۳۷} «کسی که پدر یا مادرش را بیش از تث^{۹:۳۳} من دوست دارد شایسته من نیست و کسی

از هیچ مترسید

(مرقس ۸: ۳۸؛ لوقا ۹: ۲۶؛ ۱۲: ۲)

مر۴: ۲۲-کو۸: ۱۷

^{۲۶} «پس از آنان مترسید زیرا هیچ پوشیده‌ای نیست که آشکار نگردد و هیچ پنهانی نیست که شناخته نشود.^{۲۷} آنچه در تاریکی به شما می‌گوییم آن را در روشنایی بگویید و آنچه به گوش می‌شنبید آن را بر روی بامها ندا دهید.^{۲۸} و هیچ از آنان مترسید که جسم را می‌کشدند ولی نمی‌توانند ⁿ جان را بکشند. بیشتر از آن کس بترسید که می‌توانند هم جان و هم جسم را در جهنم تباہ کند.^{۲۹} مگردو گنجشک به فلسفی^۰ فروخته نمی‌شوند؟ و یکی از آنها بدون [اجازه] پدر شما^p به زمین نخواهد افتاد.

^{۳۰} اما شما، حتی موهای سرتان هم شمرده شده است.^{۳۱} پس مترسید! شما از انبوه گنجشکان برتر هستید.^{۳۲} پس هر آن که در مکا^{۳:۵} برابر انسانها مرد اقرار کند^۹ من هم در برابر پدرم که در آسمان‌ها است او را اقرار

m- شاید در اینجا یسوع یکی از ضرب المثل‌های شایع بین مردم را گرفته است که می‌گوید: عاقبت همه چیز روشن می‌شود، ولی آن را تعییر داده است. بدین معنی که ساعت (ساعت ملکوت: ۷:۱۰) فرا رسیده تا آنچه یسوع به شاگردانش مکشوف کرده است به همگان اعلام شود. نخستین کسانی که به آنان خطاب می‌شود افراد خاندان اسرائیل می‌باشند (۶:۱۰) ولی در اینجا از ترکیب عبارت برمی‌آید که محدودیتی وجود ندارد و به تمام آدمیان اعلام می‌گردد.

n- جان. کلمه psyche که در اینجا جان ترجیمه شده اغلب به معنی زندگی است (مت ۳۹:۱۰؛ ۳۹:۱۶-۲۵:۱۶). در اینجا متن و جان را از هم متمایز می‌سازد (لو ۱۲: ۴-۵) فقط از جسم سخن می‌گوید). ضمناً متن جان را با زندگی یکی نمی‌داند زیرا می‌بایست دو نوع زندگی را از هم متمایز سازد که هیچ جا چیزی نکرده است. جسم ابزاری است که آدمی بوسیله آن فکر خود را بیان می‌کند، اما جان اصلی است که او را در ارتباط با خدا، سرچشمه حیات قرار می‌دهد.

o- فلس کوچکترین بخش پول رومی بوده است (ر.ک ۲۶:۵).

p- تحت اللفظی: بدون پدرتان. به طوری که از ترکیب جمله برمی‌آید منظور از این اصطلاح یا این است که خدا در هنگام مرگ شاگردان دور نخواهد بود (مرگی که علت با عامل آن مشخص نشده است) با اینکه بدون اراده خدا شاگردان به خاطر انجیل نخواهند مرد و مرگ آنان حادثه‌ای بشمار نخواهد آمد بلکه معنی خاصی نخواهد داشت.

q- منظور شهادت تا پای جان می‌باشد (۳۱-۲۶: ۱۰؛ ر.ک لو ۹: ۱۰-۱۲)؛ یعنی سرنوشت خود را به سرنوشت یسوع پیوستن. منکر شدن (۳۳: ۱۰) یسوع عبارت از این است که بگویند من این مرد را نمی‌شناسم (۳۴: ۲۶)، یسوع به کسانی که او را منکر می‌شوند خواهد گفت: من شما را نمی‌شناسم (۱۲: ۲۵؛ ۲۳: ۷) ولی با این همه پطرس را بخشدید (یو ۱۵: ۲۱-۱۹). بر عکس کسانی که طرفدار او هستند یعنی در ملاعه عام و در عمل خود را شریک و وابسته به او اعلام کرده‌اند، یسوع آنان را در برابر پدرش از آن خود اعلام خواهد نمود.

r- ر. ک میک ۶: ۷.

عنوان عادل می‌پذیرد اجر عادل^۷ را دریافت خواهد کرد.^{۴۲} کسی که به یکی از این کمترین‌ها^۷ به عنوان شاگرد فقط یک پیاله آب خنک برای نوشیدن بدهد آمین به شما می‌گوییم اجر خود را از دست نخواهد داد.»

۱۱ ^{۱:} پس هنگامی که یسوع دستورهای ^{۵۳:۱۳-۲۸:۷}
^{۱:۲۶-۱:۱۹} خود را به دوازده شاگردش به پایان رسانید روانه شد تا در شهرهایشان آموزش داده ندا دهد.^۸

پرسش یوحنا و پاسخ یسوع (الوقا) (۳۵-۱۸:۷)

۲ یوحنا که در زندان اعمال مسیح را ^{۳:۱۴}
^{۲۴:۳} شنیده بود شاگردان خود را نزد او فرستاد تا ^{۲۴:۳}
^{۲۴:۳} به او بگوید: «آیا تو همان کسی هستی که

که پسر یا دختر خود را بیش از من دوست دارد^۹ شایسته من نباشد.^{۳۸} و کسی که صلیب خود را برندارد و به دنبال من نیاید لوح^{۱۷}: شایسته من نباشد.^{۳۹} کسی که جان خود را بیابد^{۱۲} آن را از دست خواهد داد و کسی که جان خود را به خاطر من از دست دهد آن را خواهد یافته.

هر که شما را می‌پذیرد مرا می‌پذیرد
(مرقس ۴۱-۳۷:۹؛ لوقد ۴۸:۹؛
^{۲۰:۱۳} یوحنا ۱۶:۱۰)

^{۴۰} «هر که شما را می‌پذیرد مرا می‌پذیرد و هر که مرا می‌پذیرد آن کسی را می‌پذیرد که مرا فرستاده است.^{۴۱} هر که پیامبری را به عنوان پیامبر می‌پذیرد اجر پیامبر را دریافت خواهد کرد و هر که عادلی را به

- کلمه philein به معنی «دوست داشتن» با کلمه agapan (۴۳:۱۵؛ ۱۹:۱۹؛ ۳۷:۲۳؛ ۱۹:۱۹-۳۹) به معنی محبت در انجیل نظیر یکی نیست. کلمه philein در انجیل متی دارای مفهوم منفی است (۵:۶؛ ۶:۲۳). این گفتار که در لوح ۲۶:۱۴ لحن شدیدتری دارد نشان می‌دهد که وابستگی‌های خانوادگی هر چند صحیح و مشروع باشند ممکن است در راه کسانی که می‌خواهند به دنبال یسوع بروند مانع بشمار آیند (۱-قرن ۷-۲۶).^t

- اصطلاح مشابهی در ۱۸:۵ آمده است. این نظریه که «فرستاده با فرستنده برابر است» برای یهودیان به خوبی شناخته شده بود. اگر رسول (apostolos) (به یک معنی برابر فرستنده (apostellein) است، این موضوع به دلیل شخصیت او نیست بلکه به سبب مأموریت، وظیفه یا گفتاری است که بوسیله یسوع و بوسیله خدا از طریق یسوع به او محلول گردیده است. بنابراین قبول و پذیرش رسول مفهومی بیشتر از مهمان نوازی دارد و به معنی توجه به سخن و اطاعت از کلام فرستادگان یسوع است.

- کلمات پیامبر و عامل که در اینجا آمده در ۷:۱۳ و ۲۹:۲۳ نیز به یک قیاس آمده‌اند. این واژه‌ها به فرهنگ عهد عتیق و آیین یهود دوران یسوع تعلق دارند. از این کلمات می‌توان درک کرد که منظور یا اشاره به پیامبران یا عادلانی می‌باشد که در جامعه مسیحیان قرن اول میلادی به این عنوان شناخته می‌شدند یا اینکه بیشتر محتمل است که این کلمات به جای «شما» (آیه ۴۰) آمده و منظور خطاب به رسولان است: بنابراین برابر پیامران و عادلان عهد عتیق می‌باشند.

- احتمالاً منظور رسولان هستند (مفهومی که از مر ۴۱:۹ استنباط می‌شود) یا اینکه اشاره به تمام شاگردان به عنوان شاهدان ملکوت خدا است (این معنی با تصریح: «به عنوان شاگرد» نشان داده شده است) یا اینکه بیشتر محتمل است در بین جمیعت پیروان، کوچکترین و محروم‌ترین و شاید بینوارترین آنان به سبب جفا باشد (در ۱۸:۵-۱۰ کلمه کوچکان بیشتر به این معنی است ولی مربوط به شرایط زندگی در جامعه مسیحیان است و موضوع جفا مطرح نیست).

- در اینجا نتیجه گیری قسمتی است که از ۳۵:۹ تا ۴۲:۱۰ ادامه دارد و آغاز قسمت دیگری است که شرح می‌دهد واکنش یوحنا (۱۹-۲۰:۱۱)، اهالی جلیل (۲۰:۱۱-۲۴) و واکنش فریسیان (۱:۱۲-۴۵) در برابر یسوع چه بوده است زیرا به وسیله گفتارها (۵:۷-۱:۵) و به وسیله اعمال (۸:۱-۹:۳۴) خود را به عنوان مسیح معرفی کرده است.

خانه های پادشاهان هستند.^۹ اما برای چه بیرون رفتید؟ تا پیامبری را مشاهده کنید؟ آری به شما می گویم و حتی بیش از یک پیامبر.^{۱۰} این همان کسی است که درباره اش نوشته شده است: اینک من خروج:^{۲۰} ملا:^{۳۳} ملا:^{۱:۳} باید بیاید^{۱۱} یا بایستی در انتظار کس دیگری باشیم؟»^{۱۲} و یسوع در پاسخ به آنان گفت: «بروید به یوحنان آنچه را می شنوید و مکا:^۸ مکا:^{۴:۱} اش:^{۱۸:۴۲} می نگرید نوید دهید:^{۱۳} کوران می نگرند و لنگان راه می روند، جذامیان پاک می شوند و کران می شونند و مردگان قیام می کنند و به درماندگان نوید داده می شود^{۱۴}:^{۱۵} و خوشابه آن که درباره من دیچار لغزش نشود^{۱۶}.»^{۱۷}

در حالی که اینان می رفتند یسوع به انبوه مردم درباره یوحنان آغاز سخن نموده گفت: «چرا به صحرا بیرون رفته اید؟ آیا برای مشاهده شاخه نی که در باد لرزان است؟^{۱۸} اما برای چه بیرون رفتید؟ برای مشاهده مردی که لباس فاخر پوشیده است؟ اینک کسانی که لباس فاخر دارند در

باید بیاید^{۱۸} یا بایستی در انتظار کس عیر:^{۱۹} اع:^{۴:۱} ملا:^{۱:۱۵} باید بیاید^{۱۹} یا بایستی در انتظار کس دیگری باشیم؟»^{۲۰} و یسوع در پاسخ به آنان گفت: «بروید به یوحنان آنچه را می شنوید و اش:^{۱۸:۴۲} می نگرید نوید دهید:^{۱۳} کوران می نگرند و لنگان راه می روند، جذامیان پاک می شوند و کران می شونند و مردگان قیام می کنند و به درماندگان نوید داده می شود^{۱۴}:^{۱۵} و خوشابه آن که درباره من دیچار لغزش نشود^{۱۶}.»^{۱۷}

در حالی که اینان می رفتند یسوع به انبوه مردم درباره یوحنان آغاز سخن نموده گفت: «چرا به صحرا بیرون رفته اید؟ آیا برای مشاهده شاخه نی که در باد لرزان است؟^{۱۸} اما برای چه بیرون رفتید؟ برای مشاهده مردی که لباس فاخر پوشیده است؟ اینک کسانی که لباس فاخر دارند در

-y «آن کسی که باید بیاید» عنوان مسیح موعود است (ر.ک ۱۱:۳: یو ۲۷:۲۷). بین رفتار آن داور که یوحنان از پیش اعلام کرده (۱۲-۱۱:۳) و رفتار یسوع (باهاي ۹-۸) به قدری فاصله وجود دارد که سؤال مطرح شده کاملاً بجا است: حتی اگر هدف این سؤال واداشتن یسوع به عمل باشد.

-z پاسخ یسوع ترکیبی از متنون کتاب اشیاع است: ۱۹:۲۶ (درباره مردگان)، ۱۸:۲۹ (ناشنوایان)، ۶-۵:۳۵ (ناشنوایان و لنگان)، ۱:۶۱ (مزدبه بینوایان)، در مت ۱:۵ نشان داده شده که چگونه یسوع این پیشگویی ها را به انجام می رساند یعنی نجات خدا عطا شده است (ر.ک لر ۱۰: ۱۸-۱۹).

-a (ر.ک ۲۹:۵ توضیح e). تضمیم گیری برای پیروی از یسوع یا مخالفت با او منجر به داوری می شود (ر.ک ۱۰: ۳۳-۳۲:۱). در اینجا تقریباً ملکوت و یسوع یکسان هستند.

-b ملکوت با یسوع گشایش یافته و یوحنان در آستانه آن باقی مانده است. مابین یوحنان و یسوع همراه با شاگردانش فاصله ای عمیق وجود دارد به خاطر تازگی مطلقی که یسوع آورد.

-c دو تفسیر مهمتر این عبارت به شرح زیر است: (۱) برابر لو ۱:۳۴ که از شاگردان دعوت می شود کوشش کنند تا از در تنگ وارد شوند و با توجه به لو ۱:۱۶ که هر کس نیروی خود را به کار می اندازد تا در ملکوت وارد شود، در اینجا منظور شدت عمل عادلان یا شدت عمل ملکوت آسمانها است که راه خود را باشد عمل باز می کند. این تفسیر که با استفاده از انجیل لوقا است فقط با قسمت اول این آیده در انجیل متی نماید زیرا کلمه زورمندان همواره در توصیف دشمنان و برای محاکومیت آنان استفاده می شود. (۲) بنا بر این بیشتر محتمل است که منظور یسوع مخالفان او باشد که از ورود مردم به ملکوت جلوگیری می کنند زیرا با آمدن او ملکوت، زور و شدت عمل را بر می انگیرد. حتی بعضی تصور می کنند می توان گفت این مخالفان چه کسانی هستند: مثلاً غیوران که می خواهند ملکوت را به وسیله اسلحه برقرار کنند یا نیروهای شیطانی که مدعی هستند بر دنیا سلطه دارند و بدین طریق آن را از دست عادلان خارج کنند.

-d یوحنان به عنوان پیشگام آمده است تا دوران عهد عتیق را به کمال رساند. وی جانشین آخرین پیامبران یعنی ملاکی می باشد و آخرین نبوت اورا به تحقق می رساند وقتی که گفته است: «اینک به سوی شما الیاس پیامبر را می فرستم...» (ملا: ۲۳:۱۱:۱۴). ر.ک مت

بر توای خورزین، وای بر توای
بیت صیدا^h زیرا اگر اعمال مقتدرانه ای که

در شما انجام شده در صور و صیدون^{ash}
می شد از مدت‌ها پیش زیر پلاس و خاکستر^{حرق}
تویه کرده بودند.^{۲۲} و انگهی به شما زک^{۲۳}
می گوییم در روز داوری برای صور و صیدون استر^{۲۴}

قابل تحمل تر خواهد بود تا برای شما.

^{۲۳} و توای کفرناحوم!

آیا تا به آسمان افراسته خواهی شد؟^{ash}
به وادی مردگان نزول خواهی کرد،

زیرا اگر اعمال مقتدرانه ای که در تو پیدا^{۲۸-۲۴:۲۴}
انجام شد در سده بود امروز هنوز^{۶:۲۷}
اینجا می بود.^{۲۴} همچنین به شما می گوییم^{۱۰:۱۵}

که در روز داوری برای سرزمین سده قابل
تحمل تر خواهد بود تا برای تو).

پدر و پسر (لوقا ۱۰:۲۱-۲۲)

^{۲۵} در آن وقت یسوع به سخن درآمده

گفت: «تورا سپاس می گوییم ای پدر! ای طو^{۸:۵}
خداآنده آسمان و زمین زیرا این را از^{۱۲:۴}
حکیمان و عاقلان پنهان داشته و به بچه ها^{۱-۲۶:۲۹}

مر^{۹:۱۱-۱۳} بپذیرید این همان الیاس است که باید
باید^e.^{۱۵} هر که گوشها دارد بشنود.^{۱۶} این

نسل را به چه کسی می توانم تشبيه کنم، به
مانند کودکانی است که در میدان ها نشسته
به سوی دیگران فرباد برآورده می گویند:

^{۱۷} برای شما نی زده ایم

و شما نرفصیده اید!

نوحه سرایی کرده ایم

و شما سینه نزده اید.

^{۱۸} در واقع یوحنا آمده است که نه

می خورد و نه می نوشید و می گویند: او دیو

دارد^f!^{۱۹} پسر انسان آمده که می خورد و

می نوشد و می گویند: اینک مردی پرخور و

میخواره، دوست خراجگیران و گناهکاران!

لو^{۹:۲-۱۱} حکمت خدا به وسیله اعمالش، عدالت

شناخته شده است^g.

ماتم برای شهرهای جلیل

(متی ۱۰:۱۵؛ لوقا ۱۰:۱۲-۱۵)

آنگاه آغاز به نکوهش شهرهایی کرد
که در آنها بیشتر اعمال مقتدرانه اش انجام
شده بود زیرا توبه نکرده بودند.^{۲۱} «وای

e- ر. ک ملا^{۲۳:۳=۴:۴} (۴:۴)، از همین نبوت در مت^{۱۱-۱۳} یاد شده است، ر. ک ۱۷:۳ توضیح d.

f- این اصطلاح نظری^{۷:۲۰} معنی مجازی دارد و منظور این نیست که واقعاً دیوانه باشد.

g- در اینجا وقتی از حکمت این نسل سخن می گوید سه معنی می توان در نظر گرفت: (۱) مفهوم استهزا دارد زیرا اعمال این نسل، پذیرفتن یوحنان تعمید دهنده و سپس یسوع بوده است؛ (۲) منظور خود یسوع می باشد که حکمت خود خدا است (ر. ک ۱۲:۴-۲۴:۳) مشیت نجات بخش خدا که عادل شناخته شده است یعنی بر مبنای اعمال یوحنان تعمید دهنده و یسوع با وجود مخالفت این نسل پذیرفته و اعلام شده است که حق است (آیه ۱۶).

h- محلی که خورزین نامیده شده تا دوران نگارش عهدجدید ناشناخته بود و فقط در اینجا و در لو^{۱۰:۱۳} نامی از آن برده شده است. نام این شهر سه بار در تلمود ذکر شده و اوزبیوس مؤلف تاریخ کلیسائی (۲۶۵-۳۴۰) محل این شهر را در سه کیلومتری کفرناحوم تعیین کرده است. بیت صیدا شهری در مصب رودخانه اردن، در شمال دریاچه طبریه در ناحیه جولان است. این شهر در اوایل تاریخ میلادی به وسیله هیرودیس فیلیپس بازسازی شد و به نام جولیا خوانده می شد. در مورد عبارت «وای بر تو» ر. ک ۲۳:۱۳ توضیح ز.

i- زیر پلاس و خاکستر بودن نوعی اقرار و اعتراف در ملاء عام است که به وسیله آن خود را گناهکار اعلام می کنند (ر. ک ۲۶:۶؛ یون ۳:۵-۸).

چیدن خوشه‌های گندم

(مرقس ۲: ۲۸-۲۳؛ لوقا ۶: ۵-۱)

۱۲ در آن وقت یسوع در یک روز سبتⁿ از میان کشتزارها می‌گذشت. شاگردان او گرسنه شدند و شروع به کندن سنبله‌ها و خوردن آنها کردند. فریسیان با دیدن این به او گفتند: «اینک شاگردان تو کاری می‌کنند خروج ۱۰: ۲۰». به ایشان که در روز سبت مجاز نیست.^۰ به ایشان گفت: «آیا نخوانده اید که داود و قتنی گرسته بود چه کرد، او و همراهانش؟^۱ چگونه در خانه خدا وارد شد و چگونه نان‌های تقدیمی را خوردن که خوردن آنها برای او و همراهانش مجاز نبود بلکه فقط برای کاهنان؟^p یا در تورات نخوانده اید

آشکار کرده‌ای! آری! ای پدر، زیرا خوشنودی تو چنین بوده است.^k همه چیز به وسیله پدرم به من سپرده شده و هیچکس پسر را نمی‌شناسد مگر پدر و هیچکس پدر را نمی‌شناسد مگر پسر و کسی که پسر بخواهد بر او مکشوف گردداند!^۲

یوغ مرا بر خود گیرید

ای همه شما که زحمت می‌کشید و زیر بار خم می‌شوید به سوی من آید و من به شما آرامش خواهم داد.^۳ یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا من قبلباً نرم خو و فروتن هستم و شما برای جانهای از خود آرامش خواهید یافت.^m زیرا یوغ من سهل و بار من سبک است.^۴

۷- چنین به نظر می‌رسد که لحن این عبارت بیش از آن که نظیر کتب حکمت عهدتیق و با بنی‌امم، بنی‌یهودیه^۵ ارتباط داشته باشد بیشتر مانند کتاب دانیال لحن مکافشه‌ای دارد. در حالی که حکماً نتوانسته بودند خواب نبیوکدنصر را تعبیر کنند (دان ۱۳:۲)، راز بر دانیال مکشوف گردید زیرا از خدای آسمان استغاثه کرده بود (۱۸:۲)؛ و خدا را که به او حکمت عطا کرده بود ستایش نمود (۲۳:۲). در اینجا صحبت از ملکوتی است که خدا بر پا کرده است (۴۴:۲). به نظر متی در اینجا منظور از بجهه‌ها شاگردان هستند (مت ۱۰: ۴۲) که این چیزها (دان ۲۹:۲۹) یعنی راز ملکوت آسمانها (ر.ک مت ۱۱:۱۳) به آنان مکشوف شده است.

k- تحت اللفظی: در جلو تو خیرخواهی وجود دارد. این اصطلاح صدای پدر آسمانی را به پاد می‌آورد که به هنگام تعیید یسوع شنیده می‌شود (۱۷:۳) همچنین نقل قول اش ۱:۴۲ را که در مت ۱۸:۱۲ آمده است.

۱- در ادامه مطالب آیه قبلی در این جا منظور از همه چیز ملکوت و اسرار آن است. باید گفت که این گفتار بیش از آن که با روایات کتب حکمت (بنی ۲۴ و ۵۱) یا کتابهای یونانی تطبیق نماید لحنی مکافشه‌ای دارد (دان ۴:۲۹-۲۸، ۷:۱۰-۲۷). ضمناً این گفتار یکی از سه موردی است که با ۳۷:۲۱ یسوع به طریق غیر مستقیم بیان می‌کند که ارتباطی نزدیک و منحصر به فرد با پدرش، خدا دارد (ر.ک مر ۱۴:۳۶؛ لو ۲:۳۶؛ ۴:۴۹؛ ۲:۲۴؛ یو ۲۰:۷).

m- تصویر یوغ در نوشته‌های عهدتیق از دیرباز شناخته شده بود (ار ۲:۵؛ ۲۰:۵؛ ۱۱:۲) و معمولاً در آینین یهود کنایه از شریعت خدا، اعم از کتبی یا شفاهی می‌باشد (بنی ۶:۴-۲۴؛ ۵:۱؛ ۳۰:۲-۲۷). این یوغ را همواره طافت فرسا احساس نمی‌کرددند، حتی در آینین یهود سخن از «شادی یوغ» بود (بنی ۵:۱؛ ۲۷-۲۶). در اینجا با توجه به همان نظری که در موضعه روی کوه آمده (بابهای ۵-۷) که با اعلام خوشبختی ملکوت خدا آغاز می‌شود، یسوع تفسیر نجات بخش خود را در مقابل قانون گرائی یهودیان قرار می‌داد زیرا وی در ضمن شریعتی که نوشده شادی ملکوت را به انسانها می‌دهد.

n- در اینجا بحث دیگری درباره مقررات روز سنت مطرح می‌شود (۱۲: ۱۲؛ ۱۳: ۱۰-۱۱؛ ۱۴: ۱-۱؛ ۱۷-۱۰؛ ۱۳: ۶-۵؛ یو ۵:۷؛ ۱۸-۱: ۱۹-۷-۶). یسوع در این مورد اقداری را که بر شریعت و مخصوصاً مقررات روز سنت دارد نشان می‌دهد و اعلام می‌نماید ریشه این اختیارات در عهدتیق و مخصوصاً در هو ۶: ۶ (ر.ک مت ۱۹: ۳؛ ۱۶: ۶) می‌باشد؛ معنی آیه ۸ همین است.

o- آنچه فریسیان سرزنش می‌کنند عمل دردیدن و رویدن نیست و نه انتراض آنان به خوردن خوشه‌های گندم بلکه کار کردن در روز سبت را که ممنوع می‌باشد سرزنش می‌نمایند زیرا به نظر کسانی که اجرای دقیق و مو به موی شریعت را می‌خواستند کنند چند خوشه گندم برابر عمل درو کردن بود (ر.ک خروج ۳:۲۱).

p- درباره این واقعه ر.ک ۱-۱: ۲۰-۲: ۲-۷ و درباره مقررات مذکور ر.ک لاو ۵-۹.

۱۲ باری چقدر ارزش انسان بیشتر از گوسفند است! بنابراین جایز است در روز سبت کار نیک کرد.^{۱۳} آنگاه به آن انسان گفت: «دستت را دراز کن!» و او آن را دراز کرد و مثل دیگری به حالت اول برگشته بهبود یافت.^{۱۴} وقتی فریسیان خارج شدند شورایی علیه او بربا کردند تا او را از بین ببرند.^۷

که در روز سبت کاهنان در معبد سبت را بی حرمت می دارند و مقصراً نیستند؟^۹ ^۶ باری به شما می گویم که در اینجا بزرگتر از معبد هست.^۷ اگر می دانستید [معنای] «من رحمت می خواهم و نه قربانی^۱» چیست، کسانی را که مقصراً نیستند محکوم نمی کردید.^۸ زیرا پسر انسان خداوند سبت است.»

یسوع خدمتگزار خدا

^{۱۵} یسوع چون این را دانست از آنجا کناره گرفت^w و بسیاری به دنبال او رفتند و همه را شفای داد.^{۱۶} آنان را ملزم نمود که او را نشناشند.^x ^{۱۷} تا آنچه اشعاری پیامبر گفته بود تحقق یابد وقتی می گوید:^y ^{۱۸} «اینک خدمتگزار من که برگزیده ام، محبوب من که خشنودی جان من است. روح خود را بر او خواهم گذاشت.

شفای مردی با دست خشکیده

(مرقس ۳:۶-۱:۳؛ لوقا ۶:۶-۱۱) ^۹ و آنجارا ترک کرده به کنیسه ایشان آمد.^{۱۰} و اینک مردی که دستی خشکیده^z ^{۱۱} داشت و از [یسوع] پرسیده گفتند: «آیا در روز سبت شفا دادن مجاز است؟» و این برای متهم کردن او می بود.^{۱۲} به ایشان ^{۱۳} گفت: «در بین شما کدام انسانی است که فقط یک گوسفند داشته و روز سبت در گودالی بیفتند نرود آن را گرفته بلند کند؟^{۱۳}

q- در مورد فعالیت مهمتر کاهنانی که وظیفه اجرای مراسم مذهبی روز سبت را دارند، ر. ک لاو:۲۴؛ ۸:۸؛ اعدا:۹.

r- ر. ک ۱۳:۹ توضیح.

s- تحتاللفظی: مفلوج، ر. ک ۱-باد:۱۳؛ مر:۳:۴؛ توضیح.

t- تحتاللفظی: پرسناری کرد، فعالیتی که در روز سبت من نوع است.

u- تحتاللفظی: قائم سازد، در زمان یسوع بنابر عقیده کاهنانی که قوانین را موبه مو و دقیقاً رعایت می کردند هرگاه کسی در

خطر مرگ باشد نمی توان مقررات روز سبت را رعایت نکرد و به کمک او شناخت و هیچ عمل و فعالیت پزشکی مجاز نیست و مخصوصاً حق ندارند چهارپایی را هم نجات دهند. در اینجا یسوع با توجه به کاری که روستائیان عملاً انجام می دادند در حالی که به نان خطاب می کنند استدلال می نماید: برای نجات یک گوسفند تردیدی به دل راه نمی دهند که از تعالیم استادان تخطی نمایند و بنابراین چقدر بهتر در ک می گند که یسوع با وجود نظریه رسمی کسی را معالجه نموده شفا دهد.

v- منظور تهیه وسایل یا انجام اقداماتی به منظور تباہ ساختن او است. شکی نیست که در اینجا اجتماعی پنهانی تشکیل شده که در آن توطنده می کنند و مجمعی رسمی نیست.

w- یسوع بر اثر فشار دشمناش «عقب نشینی می کند» (ر. ک ۱۳:۱۴ توضیح n). متن از طریق نبوت اشعیا در مورد خدمتگزار خدا، این رفتار یسوع را توجیه می کند.

x- تحتاللفظی: هویت او را علی نسازد، هویتی که بسیار فراتر از آن است که اظهار کند عامل این شفاهای می باشد.

y- این نقل قول که از اش ۴-۱:۴۲ است با متن عربی یا ترجمه یونانی هفتادتنان کاملاً تطبیق نمی کند، ممکن است متن دیگری استفاده کرده باشد یا از سخنه ای که در آن تغییراتی داده بودند و در محیط او متداول بوده است. ضمناً خادم مورد نظر وی هنوز آن خدمتگزار رنجوری نیست که در اش ۵:۳ او سخن به میان آمده بلکه می توان گفت خدمتگزاری «رازدار» است (ایه ۱۶ با دستور سکوتی که در آیه ۱۶ داده شده تطبیق می نماید). از سوی دیگر در اینجا نکته ای ذکر شده که به نظر متنی نکته ای اساسی است یعنی رسالت یسوع برای «امتها» (ایات ۱۸ و ۲۱).

شندند گفتند: «این یکی دیوها را بیرون نمی‌راند مگر به وسیله بعلزبول، رئیس دیوها^c.»^{۲۵} او افکار آنان را دانسته به آنان گفت: «هر مملکت که بر ضد خود تجزیه شود ویران است و هر شهر و خانه‌ای^d که بر ضد خود تجزیه شود پایدار نخواهد ماند.^{۲۶} و اگر شیطان را شیطان می‌راند بر ضد خود تجزیه شده است، پس چگونه مملکت او پایدار نخواهد ماند؟^{۲۷} و اگر من به وسیله بعلزبول دیوها را می‌رانم پسران^e شما به وسیله چه کسی آنها را می‌رانند؟ به این سبب ایشان داور شما خواهند بود.^f ولی اگر من به وسیله روح خدا دیوها را می‌رانم اع^{۲۸:۱۰} پس فرمانروائی خدا بهر شما فرارسیده است.^g یا چگونه کسی می‌تواند در خانه آن که توانا است داخل شده و اشیاء او را بر باید اگر قبل آن توانا^h را نبسته باشد؟ و آنگاه خانه اش را تاراج کند.ⁱ کسی که با

و او حق^z را به امت‌ها نوید خواهد داد،^{۱۹} مباحثه نخواهد کرد و فریاد برخواهد آورد و صدای او را کسی در میدان‌ها نخواهد شنید.^{۲۰}

^{۲۰} نی خرد شده را نخواهد شکست و فتیله‌ای را که هنوز دود می‌کند خاموش نخواهد کرد تا داوری حق را به پیروزی برساند^{۲۱} و امت‌ها به نام او امید خواهد بست.»

یسوع و بعلزبول (مرقس ۳:۲۰-۲۲؛ ۱۴:۲۳-۲۴)

^{۲۲} آنگاه دیوانه‌ای کور و لال را به حضورش آوردن و او را شفا داد به طوری که لال حرف می‌زد و می‌دید.^{۲۳} و تمام جماعت حیرت‌زده می‌گفتند: «آیا این پسر داود^b نیست؟»^{۲۴} فریسیان چون

- حق، تحت اللفظی: داوری (در یونانی *krisis* و در عربی *mishpat*). حق یا دین بحق، دینی که از وحی و بنابراین از داوری و مصادقی که خدا داده سرچشمه می‌گیرد و عبارت از دستوراتی است که خدای عدالت بر مبنای آنها روابط عهد خود را با آدمیان بنا نهاده است (پیدا: ۲۵:۱۸؛ تث: ۴:۶-۸).

- a- این مورد نظری^{۲۷:۹} است ولی در اینجا مرد دیوانه نایینا هم هست و می‌توان پرسید آیا برای خلاصه کردن دو معجزه‌ای است که در ۲۷:۹-۲۳ آمده است؟

- b- پسر داود، درباره این اصطلاح ر. ک ۲۷:۹. ۲۷:۶. فعالیت یسوع موجب تفرقه یهودیان می‌شود (ر. ک یو:۷:۱۱-۱۳؛ ۱۰:۱۳-۲۱).

- c- بعلزبول یا بعلزبوب (مر: ۳:۲)، سلطان شیاطین (۳:۳۴). ریشه این کلمه مورد بحث است. بعلزبوب رب النوع عقرون (ر. ک ۲:۱۰-۱:۲) یا ارباب (بعل) سرگین (کلمه اخیر به معنی پرستش بتھاست)، یا بعل مگس‌ها، به هر صورت یسوع را متهم می‌کنند که قادری بر شیاطین ندارد مگر به وسیله رئیس خود آنها و به این سبب در آیات ۲۵-۳۷ به آنها جواب داده است.

- d- کلمه^۱ یونانی که در این مورد بکار برده شده هم به معنی خانواده و خاندان است و هم امکان دارد به مفهوم ساختمان باشد (ر. ک ۲:۱۶-۵:۷-۲).

- e- پسران یعنی شاگردان فریسیان.
f- شاگردان فریسیان که اعمال بیرون راندن ارواح نایاک را انجام می‌دادند حق خواهد داشت استادان خود را که درباره یسوع متخصص بودند محکوم بدانند.

- g- در اینجا طرز مباحثه و استدلال وارونه شد و دیگر به صورت رقبت نیست بلکه جنبه مقابله و مخالفت دارد. یسوع با بیرون راندن ارواح نایاک نشان می‌دهد که دوران تازه‌ای با فرمانروایی خدا آغاز شده است: این امر نهاد تازه‌ای نیست بلکه ظهور ناگهانی عملی می‌باشد که همان عمل یسوع است و به تسلط شیطان پایان می‌بخشد (ر. ک لو:۱۰:۱۸).

- h- آن توانا. ر. ک اش: ۴:۲۵-۲۴؛ ۵:۳-۲:۲۵.

- i- پراکنده می‌سازد. این اصطلاح طرز رفتار شبان را به یاد می‌آورد (ر. ک ۱:۱۱؛ ۱۰:۱۰؛ ۵:۱۶؛ ۳:۲۱) که بیانگر

خوب خود چیزهای خوب بیرون می کشد و آدم بد از گنجینه بد خود چیزهای بد بیرون می کشد.^{۳۶} به شما می گویم هر سخن بی حاصل^m که آدمیان بگویند در روز داوری حسابش را خواهند داد.^{۳۷} زیرا از سخنانست عادل شناخته خواهی شد و از سخنانست محکوم خواهی گردید.

نشانه یونس
(متی ۱۶:۴-۱۶؛ مرقس ۸:۱۱-۱۲؛
لوقا ۱۱:۲۹، ۱۶:۳۲-۳۳)

^{۳۸} نگاه چند تن از کاتبان و فریسان به او خطاب کرده گفتند: «استاد! می خواهیم بتوانیم نشانه ایⁿ از تو ببینیم.»^{۳۹} او در پاسخ گفت: «نسل شیر و زنگار که در جستجوی نشانه ای است!... و نشانه ای به او داده خواهد شد مگر نشانه یونس پیامبر.»^{۴۰} زیرا همان گونه که یونس سه شبانه روز یون
در شکم ماهی بزرگ بوده است همچنین پسر انسان سه شبانه روز در قلب زمین

من نیست بر ضد من است و آن که با من می کند^{۴۱} جمع نمی کند پرآکنده می سازد.^{۴۲} به این سبب به شما می گویم هر گناه و هر کفرگوئی بر آدمیان بخشیده خواهد شد - تیمو^{۱۳}: ۱- ۳۲ و آن که سخنی علیه پسر انسان بگوید بر او بخشیده خواهد شد ولی کسی که علیه روح القدس سخن بگوید بر او بخشیده خواهد شد، نه در این جهان و نه در جهان آینده.^{۴۳}

سخنان و دلها

(متی ۷:۱۶-۱۷؛ لوقا ۶:۴۴-۴۵)

^{۳۳} «فرض کنید^k درخت خوب باشد میوه اش خوب است، یا فرض کنید درخت بد باشد میوه اش بد است زیرا درخت را از میوه^۱ می شناسند.^{۳۴} ای افعی زادگان! شما که بد هستید چگونه می توانید چیزهای خوب بگویید؟ زیرا زبان از فروزنی قلب سخن می گوید.^{۳۵} آدم خوب از گنجینه

رفتار خدا نسبت به قوم خود می باشد (اش ۴:۱۱؛ ۴:۱۸؛ ۳:۱۶، ۳:۱۳؛ ۳:۴) همچنین این عبارت را می توان «کسی که با من جمع نمی کند تلف می نماید» ترجمه کرد که در این صورت عمل کشاورزی را به یاد می آورد که محصول را برمی دارد (ر. ک ۲:۱۳؛ ۲:۲۴؛ ۲:۲۵).

۷- منظور از این گفتمان محکوم ساختن قطعی و بدون تجدید نظر نیست بلکه هشدار می دهد تا محکوم نشوند. ممکن است کسی راز پسر انسان را تشخیص ندهد و آن را نپذیرد ولی اگر عمل بیرون راندن ارواح نایاک را که بسیع در روح القدس انجام می دهد بد تعییر نماید عذری نخواهد داشت. قابل توجه است که برای بیان عمل خدا از فعل مجھول و بدون ذکر فاعل استفاده شده است. بالاخره این متن یادآوری می کند که خدا ارباب و صاحب اختیار عفو و بخاشایشی است که عطا می نماید.

^k- تحت اللفظی: بکنید. گاهی این عبارت را اشتباهآ« درخت را خوب راست گردانید» هم ترجمه می کنند ولی در زبان یونانی طرز بیان «فرض کنید» می باشد.

۸- در مورد میوه ر. ک ۷:۱۶ توضیح.

^m- تحت اللفظی: بدون تأثیر (ر. ک ۶:۲۰، ۲:۳). ترجمه دیگر: بی اساس یا بیهوده (ر. ک بع ۲:۲۰؛ ۱:۸- پطر ۱:۲).

ⁿ- این درخواست مطابق روایات یهود انجام می شود زیرا برابر روایات مزبور مسیح موعود بایستی نشانه هایی به انجام رساند تا در نظر قوم خود اعتبار یابد (ر. ک ۱- قرن ۲:۲۲؛ ۱:۱۶؛ ۳:۲۴، ۳:۳۰، ۲:۲۲؛ مت ۱:۱۶؛ ۱:۱۱؛ ر. ک ۲:۲۴، ۲:۲۲؛ ۱:۱۶؛ ۱:۱۱)، ولی درخواست فریسان از روی سوء نیت است و نشانه را با عمل خارق العاده یکی گرفته اند.

۹- این نشانه که با نشانه یونس تطبیق می کند ممکن است واقعه مرگ یسوع باشد یا رستاخیز یسوع که متی با ذکر سه روز و

می شوند و در آنجا خانه می کنند و واپسین این انسان بدتر از اول می شود. برای این ۲-بطری: ۲۰ نسل شریر چنین خواهد بود^۹.

خوشاوندان واقعی یسوع (مرقس ۳:۲۵-۳۱؛ لوقا ۸:۲۱-۱۹)

^{۱۳}:۵۵-۱۳:۳۶ در حالی که هنوز به جماعت سخن می گفت اینک مادرش و برادرانش^۱ در مرع^{۱۲:۲۰} بیرون ایستاده می خواستند با او حرف اع^{۱۴:۱} بزنند.^۷ کسی به او گفت: «اینک مادرت و برادرانت در بیرون ایستاده می خواهند با تو حرف بزنند^۸.» او در پاسخ به کسی که با او حرف می زد گفت: «مادر من کیست و برادرانم کیستند؟»^۹ و دست خود را به سوی شاگردانش دراز کرده گفت: «اینک مادرم و برادرانم^{۱۰}.» زیرا هر کس اراده پدرم را که در آسمان است انجام می دهد او برادر و خواهر من و مادر من است.

یونس^{۸:۵}-^۳ خواهد بود^{۱۱}. مردم نینوا به هنگام داوری با این نسل برخواهند خاست و اورا محکوم خواهند نمود زیرا آنان به ندای ۶:۱۲ یونس توبه کردند، در اینجا برتر از یونس ۲-تو^{۱۲:۹} است. ^{۱۲} ملکه جنوب به هنگام داوری با این نسل قیام خواهد کرد و اورا محکوم خواهد نمود زیرا او از اقصای زمین آمده بود تا حکمت سلیمان^P را بشنود، در اینجا برتر از سلیمان است.

هجوم مجدد روح ناپاک (لوقا ۱۱:۲۶-۲۴)

^{۱۳} «چون روح ناپاک از انسان بیرون آمد در جاهای بیابانی سرگردان است در حالی که آرامش می جوید و آن را نمی یابد.^{۱۴} آنگاه می گوید به خانه خود بازخواهم گشت، از آنجایی که بیرون آمده ام و چون می آید آن را خالی، جاروب شده و آراسته می یابد.^{۱۵} آنگاه می رود و هفت روح شریرتر از خود را با خود برداشته به آن وارد

سه شب از آن پاد می کنند یا به احتمال قوی تر منظور موعظه یسوع است که با موقعه یونس در نینوا مطابقت دارد (ر.ک ۱۲:۱۱=۳۲:۱۲).

p- ر. ک ۱-پاد ۱۰-۱:۱۰.

^۹- در این تمثیل کوچک که در این اوضاع ذکر شده (ر.ک لو ۱۱:۲۶-۲۴) که تا حدودی متفاوت است) احتمالاً اشاره به زیبایی روحی نیست که به وسیله مسیح پاک شده و مجدداً در گناه افتد است. هیچین منظور روح آدمی نیست که به سبب گناه از خدا «بری شده» و بنابراین به نظر شیاطین «زیبا» است بلکه اشاره به آخرین وضعیت این نسل شریر است (آیه ۴۵) که لحظه ای به وسیله یسوع «شفا یافته» (آیه ۱۵) ولی بزودی (در روز داوری نهایی؟ یا در هنگام نگارش انجل؟) به حالتی خواهد افتاد که بدتر از حالت قبل از دخالت او خواهد بود.

^{۱۰}- منظور از برادران در کتاب مقدس ممکن است هم به معنی فرزندانی باشد که از یک مادر هستند و هم به مفهوم بستگان نزدیک بکار برد شود چنان که امروزه هم در مشرق زمین معمول است (ر.ک پید ۱۳:۸؛ ۱۴:۱۶؛ ۱۵:۲۹؛ ۱۶:۱۴؛ ۱۷:۲۹؛ ۱۸:۱۰؛ ۱۹:۱:۱-تو ۲۲:۲۳).

^{۱۱}- این آیه در برخی از نسخه های خطی وجود ندارد.

^{۱۲}- این واقعه را متی بالفاصله پس از بحث و جدل با فریسیان (۴۵-۲۲:۱۲) ذکر کرده و در برابر آن بحثها این قسمت به عنوان نکته مشتبی به شمار می رود؛ زیرا یسوع با شاگردانش خانواده ای روحانی تشکیل می دهد که منشأ واحدی دارد که همان پدر آسمانی می باشد (ر.ک ۲۱:۷).

^{۱۳}- عبارت «در آن روز» ارزش آموزشی و تعلیمی دارد و بیانگر زمان معینی نیست.

آنچه خاک زیادی نبود و همان دم رشد
کردن زیرا خاک عمق نداشت.^۶ آفتات
طلوع کرده سوختند و چون ریشه نداشتند
خشک شدند.^۷ بعضی دیگر بر خارها
افتدند و خارها رشد کرده آنها را خفه
نمودند.^۸ بعضی دیگر بر زمین خوب افتادند
و شمردادند، یکی صد، یکی شصت و یکی
سی تا.^۹ تا هر که گوش^{۱۰} دارد بشنود.

۱۱:۱۵:۱۳:۳

چرا یسوع به مثل ها سخن می گوید
 (مرقس ۴: ۱۰-۱۲؛ لوقا ۹: ۱۰-۱۱)
 و شاگردان پیش آمد به او گفتند:
 «چرا به مثل ها با آنان سخن می گویی؟»
 اول به ایشان پاسخ داده گفت: «زیرا
 شناختن رازهای ملکوت آسمانها^c به شما
 داده می شود^b ولی به ایشان داده نشده

قرن ۱:۴
افس ۳:۳
کول ۲:۲
۳:۴

مثلاً ملکوت

(مرقس ٤:٨؛ لوقا ٤:٩)

۱۳- لوه: ۳۱: در آن روز ^۷ یسوع از خانه بیرون آمد و در کنار دریا نشست. ^۲ و جماعت بسیاری نزد او اجتماع کردند به طوری که سوار قایقی شده در آن نشست و جماعت در کرانه ایستاده بودند.

مذ، افسان

(موقیع، ۴-۹؛ لہقا ۲-۸؛ ۵-۸)

۳ و با آنان درباره چیزهای زیادی به مثل ها^۷ صحبت کرده می گفت: «اینک بذر افغان^۸ برای بذر افشاری بیرون آمد^۹. ۴ و چون بذر می افشناند [دانه هایی] در کنار راه افتادند^{۱۰} و پرنده گان آمده آنها را خوردند. ۵ و بعضی دیگر بر سرگلاخ افتادند که در

۷- متی در این باب مثل هایی را که درباره ملکوت آسمانها است یکجا جمع کرده است. این مثل ها فقط مقایسه ای نیستند که از زندگی روزانه گرفته شده باشند تا آموزشی را روشن کرده تشریح نمایند بلکه روایت هایی هستند که ترکیب جملات و کلمات آنها زندگی خود یسوع را به یاد می آورد و از این نظر می توان آنها را کنایا به شمار آورد. متی این مثل ها را به سه بخش تقسیم می کند که برطبق طرح ریز بنا شده اند: مثل / سوال درباره آن / توضیح مثل. دو بخش اول به این صورت می باشند: مثل بدرا فشان (۳:۹-۱۰، ۱۷-۱۰، ۲۳-۱۸)، مثل تلخ (۱۳: ۳۰-۲۴: ۳۷، ۳۶) ، بخش آخر (۴۰-۴۴) به این سوال یسوع که آیا همه اینها را فهمیده اید؟ (۵۱) و به نتیجه (۵۲) منتهی می شود. برطبق این طرح، مثل های دیگری (۳۱: ۱۳-۳۳) و نتیجه گیری کنهنی (۳۵-۳۴) افروزده شده است.

W- موضوع این مثل بیش از آن که آموزشی درباره تفاوت بین آغاز و پایان باشد (ر. ک ۳۱: ۳۳-۳۴) مربوط به بازدهی دانه بذر بر حسب زمین های مختلف است، به این معنی که سه نوع زمین بایر و زمینی خوب با سه نوع بازدهی مختلف نشان داده شده است. یسوع حادثه ای مربوط به آخر زمان را اعلام کرده می کوید دورانهای پایانی آغاز شده و برخورد بذر با زمین (زک ۱۲: ۶-۱۳) به وقوع پیوسته است. در این مورد دو تفسیر مهم وجود دارد: یکی این که با وجود شکستهای کنونی به ثمرة هایی اعتماد داشته باشید، در تفسیر دیگر دعوت می شود زمینی خوب و حاصلخیز باشید و بذر را که افاسانه دمی شود به شمر برسانید.

X- ممکن است متی در این عبارت تشابهی با آیه ۱ در نظر گرفته است، آنجا که می گوید: یسوع بیرون آمد.
 Y- در فلسطین در فصل کشت راههای رومانیایی را مشکل می توان از زمین های مزروعی تشخیص داد بنابراین طبیعی بود قسمتی از زمین ها در کتاب، او بیفتند و دندنگان که آنها را بودند، او را دیدند و حیندند.

^۵- اصطلاح رازهای ملکوت در نوشته های مکاشفه ای یهودیان زمان یسوع اصطلاحی معمول و آشنا بوده و ترتیبات پنهانی خدا را

دهم.^{۱۶} اما شما، خوشابه چشمانتان زیرا لو^{۲۴، ۲۳:۱۰} نگاه می‌کنند و گوشها^{تیان} زیرا^{لو۱۸:۱۹} می‌شنوند.^{۱۷} زیرا آمین به شما می‌گوییم بسیاری از پیامبران و عادلان می‌خواستند آنچه را شما نگاه می‌کنید ببینند و ندیدند و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند و نشنیدند.»

تفسیر مثل بذرافشان (مرقس ۴:۱۳-۲۰؛ لوقا ۸:۱۱-۱۵)

^{۱۸} «پس شما بشنوید مثل کسی را که بذر افشارنده است.^{۱۹} هر بار که کسی سخن ملکوت را می‌شنود و نمی‌فهمد، شریر آمده آنچه را در قلبش بذرافشانی شده است می‌ربایدⁱ و او کسی است که در

مر4:۲۵؛^{۱۲} زیرا به کسی که دارد خواهد داد و فراوان خواهد داشت ولی آن که ندارد حتی آنچه دارد از او گرفته خواهد شد.^d

^{۱۳} بدین سبب با ایشان با مثل‌ها سخن می‌گوییم زیرا با نگاه کردن نگاه نمی‌کنند و با شنیدن نمی‌شنوند و نمی‌فهمند.^e

^{۱۴} و برای ایشان پیامبری اشعیا تحقق می‌یابد وقتی می‌گوید^f: «با گوشاهای خود

خواهید شنید و نخواهید فهمید و با نگاه کردن، نگاه خواهید کرد و نخواهید دید.

^{۱۵} زیرا قلب این قوم سخت گردیده و گوششان سنگین شده است. و چشمان خود را بسته اند مبادا به چشمان خود ببینند و به گوشاهای خود بشنوند و به قلب خود بفهمند و توبه کنند و من آنان را شفا

برای زمان آخر تعیین می‌کرده است. در انجیلها این اصطلاح فقط در اینجا به کار برده شده و منظور از آن یا خود ملکوت می‌باشد (یعنی شناختن ملکوت به شاگردان عطا شده است)، یا این که منظور راز بیویع به عنوان افتتاح کننده ملکوت است؛ یا بالاخره با توجه به متنی که بالافصله بعد از این می‌آید ممکن است اسرار مربوط به حاصلیت ملکوت باشد که برابر مثل‌های این باب در ابتدا پنهان و مورد انکار بوده است.

^d- همین عبارت در ۲۹:۲۵ آمده و در آن مورد با شرایط مثل پیشتر تطبیق می‌نماید. در اینجا منظور از «کسی که دارد» شخصی است که در ایمان به یسوع شناخت ملکوت را دارا می‌باشد و به او باز هم شناخت کامل تری عطا خواهد شد. در ۲۹:۲۵

«کسی که دارد» خدمتگزار وفادار است که می‌تواند نتیجه کار خود را به اربابش تحويل نماید.

^e- در مر4:۱۲ آمده است: تا با نگریستن... ولی متنی می‌گوید: زیرا با نگاه کردن نگاه نمی‌کنند. چنین به نظر می‌رسد که این تفاوت در طرز بیان، عبارت انجیل مرقس را ملایم تر کرده و مسئولیت کوردلی را بر عهده آدمیان و نه بر خدا گذاشته است ولی متنی با نقل قول اش ۱۰-۹:۶ نشان می‌دهد که نوشه ای همان مفهوم اساسی نوشتۀ مرقس را دارد به این معنی که عدم تشخیص سر ملکوت در بیویع نایبناهی نسبت به این ملکوت را تشدید می‌کند. ورود به ملکوت یا عدم پذیرش در آن، بسته به این است که آموزش‌های مثلی بیویع را پذیرفته با آن را انکار کنند و در این مورد بی‌طرفی امکان پذیر نیست.

^f- اش ۶:۱۰-۹. با وجود تفاوت‌هایی که ممکن است بین ترجمه مت ۱۳:۱۴-۱۵ و اع ۲۸:۲۶-۲۷ به نظر بررسد بایستی توجه نمود که در هر دو مورد متن نوشتۀ یونانی اشعیا عیناً نقل شده است.

^g- ر. ک ل ۱۰:۱۰-۲۳؛ یو ۱۰:۲۷؛ ۱۰:۱۰-۱۲؛ پطر ۱۰:۱۲-۱۰.

^h- متنی واقعه‌ای را که در مثل به صورت نماد اعلام شده و شاگردان در زندگی خود مجددأ مطرح می‌کنند، به جای آنکه (همانند مرقس و لوقا) نتیجه اخلاقی بگیرد آن را به صورت تفسیر بیان می‌کند (۱۷-۱۶:۱۲) که مستلزم بازخوانی مجدد این متن با توجه به علم خداشناسی و اخلاق می‌باشد.

ⁱ- از هر کس می‌شنود... شریر می‌آید و می‌رباید. در این آیه دو فعالیت متواالی توصیف نمی‌شود بلکه علت فعالیت اولی (یعنی شنیدن و درک نکردن) را به وسیله فعالیت دوم (دخلت شریر) توضیح می‌دهد. «کسی است که... بذرافشانی شده»: این بیان عجیب، از اختلاط در تفسیر شفاهی این مثل در کلیسا قبیل از نگارش نهائی آن سرچشمه می‌گیرد که یا به انسانها با زمینه‌های مختلف خوب و بدی که سخن را می‌پذیرند یا به بذر خوب یا بدی که گاهی صد، گاهی شصت و گاهی سی ثمر می‌دهد تشبیه شده است. ر. ک ۱۳:۲۰-۲۲، ۲۳:۱۳.

گندم افشارند و رفت.^{۲۶} چون گیاه رشد کرد و میوه آورد آنگاه تلخه نیز پیدیدار شد.^{۲۷} بردگان صاحب خانه پیش آمدند به او گفتند: "خداؤندا! مگر بذر خوب در مزرعه ات نیفشاشه‌ای؟ پس از کجا تلخه دارد؟"^{۲۸} به آنان گفت: "دشمن این کار را کرده است." بردگان به او گفتند: "آیا می خواهی برویم آنها را برچینیم؟"^{۲۹} به ایشان گفت: "خیر! مبادا در برچیدن تلخه گندم را هم با آن از ریشه در آورید.^{۳۰} بگذارید هر دو با هم تا در رشد کنند و در وقت درو^۵ به دروکنندگان خواهم گفت اول تلخه را برچینید و برای سوزاندن آنها را دسته دسته کنید و اما گندم را در انبار من بگذارید."^{۳۱}

دانه خردل (مرقس ۴: ۳۰-۳۲؛ لوقا ۱۳: ۱۸-۱۹)

^{۳۱} برایشان مثل دیگری آورده گفت:

^{۳۰} «ملکوت آسمان‌ها مانند دانه خردلی است که انسانی گرفته در مزرعه اش می‌کارد.

کنار راه بذر افسانی شده است.^{۳۲} او که بر سنگلاخ بذر افسانی شده کسی است که سخن را می‌شنود و همان دم آن را با شادی می‌پذیرد^{۳۳} ولی در خود ریشه ندارد بلکه موقتی است و اگر مصیبت یا شکنجه‌ای به خاطر سخن فرار سد همان دم دچار لغزش می‌شود.^{۳۴} آن که در خارها بذر افسانی شده کسی است که سخن را می‌شنود و نگرانی این جهان و فربث ثروت، سخن را خفه می‌کند و بی‌ثمر می‌شود.^{۳۵} آن که بر زمین خوب بذر افسانی شده کسی است که سخن را شنیده و می‌فهمد، او ثمر می‌آورد: یکی صد، یکی شصت، یکی سی می‌دهد.»

تلخه

^{۳۴} و برای ایشان مثل دیگری آورده گفت^m: «ملکوت آسمان‌ها به انسانی می‌ماند که در مزرعه خود بذر خوب افسانه.^{۳۵} ولی به هنگامی که مردم خوابیده بودند دشمنش آمده بذر تلخهⁿ در میان

ـ با توجه به شکل فعلی که در زبان یونانی بکار برده شده این عبارت را می‌توان به دو نوع ترجمه کرد: آن که بذر افسانه است یا آن که بذر افسانی شده است. ترجمه اخیر ظاهرًا در ادبیات مکافه‌ای یهود شناخته شده بود (چهارم عزرا: ۸-۱۰).

^k- ر. ک قرن ۴: ۱۸؛ عبر ۱: ۲۵؛ مت ۷: ۲۶؛ غلا ۶: ۱۲.

^l- می‌توان به دو صورت ترجمه کرد: آن شخص بی‌ثمر می‌شود یا سخن خدا بی‌ثمر می‌شود.

^m- در این مثل فقط سخن از زمین خوب و حاصلخیز است و زمان را تا موسوم برداشت محصول ادامه می‌دهد. شاید به این وسیله در پاسخ به کسانی که نظری پوچننا تعمید دهنده (اش ۱۳: ۳۰ و ۳: ۱۲) را مقایسه کنید) بی‌صبر بودند اظهار می‌کند که زمان بینایی وجود دارد و دعوت می‌کند در انتظار داوری و پیروزی خدا صبر داشته باشد.

ⁿ- تلخه. کلمه‌ای که در زبان یونانی به کار رفته و تلخه ترجمه شده ا اسم جمع می‌باشد و منظور علف‌های هرز و مضر برای کشاورزی نظری گرنه، بوته خار، تبغ و غیره است (اش ۱۳: ۳۴؛ هو ۶: ۹). احتمال دارد در اینجا منظور علف هرز مخصوصی باشد که نام علی‌آن *loliolum* است. معمولاً علف‌های هرز را خشک کرده به عنوان مواد سوختی می‌سوزانند.

^o- برداشت محصول تصویری است که در کتاب مقدس، نماد داوری در روز آخر می‌باشد (ر. ک مت ۱۲: ۳ توضیح ^u: ۳۹: ۱۳؛ اش ۱۷: ۵؛ ار ۲۴: ۱۳؛ مکا ۱۴: ۱۴؛ ۲۰: ۲۰).

^p- نکته مهم در این مثل، تفاوتی است که بین کوچکی در آغاز امر و شکوه در پایان وجود دارد و موضوع رشد و نمو درخت در جزء فرعی گفته شده است (۳۲: ۱۳). این مثل از حرق ۱۷: ۲۳ (شاخه‌ای که بریده شده و درخت سرو باشکوهی می‌شود) و از دان ۹: ۱۸، (پرندگان آسمان) الهام گرفته است. درسی که از این مثل گرفته می‌شود منظمه‌ای از ایمان است: به این معنی که از خلل اولیل ناجیز یسوع که بسیار محققر است پایان پرجلال اورا دریابند.

باز خواهم کرد، چیزهایی که از بنیاد جهان پنهان بوده است بر ملا خواهم کرد.^t

توضیح مثل تلخہ

۳۶ آنگاه جماعت را ترک کرده به خانه
آمد و شاگردانش به سوی او آمده گفتند:

«مثل تلخه در مزرعه را برایمان روشن کن!»^{۳۷} وی در پاسخ گفت: «آن که بذر لوبه^{۳۸} خوب می‌افشاند پسر انسان است.»^{۳۹} مزرعه جهان است، بذر خوب پسران مملکوت هستند و تلخه پسران شریر^{۴۰} می‌باشند.

دشمنی که آن را افشارنده ابليس است،^{۴۱} فصل درو پایان جهان و درو کنندگان فرشتگانند.^{۴۲} پس همچنان که تلخه برچیده شده در آتش سوخته می‌شود به همین گونه در پایان جهان خواهد بود.

پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد و آنها از مملکوت او همه لغزش دهندگان و بی قانونان^{۴۳} را برخواهد حید. و آنان را در کوره آتش، خواهند

۳۲ این کوچکترین تمام بذرها است^۹ و لی چون رشد کرد در بین سبزی ها بزرگترین آنها است و درختی می شود به طوری که پرندگان آسمان می آیند و در شاخه هایش آشیانه می گیرند^{۱۰} »

خمر مایہ

(لوقا : ۱۳-۲۰)

^{۳۳} به ایشان مثل دیگری گفت: «ملکوت آسمان‌ها مانند خمیر مایه‌ای است که زنی آن را گرفته در سه پیمانه آرد پنهان می‌کند تا اینکه همه آن تخمر شود.^۸»

دلیلی دیگر برای سخن گفتن به
مثال‌ها

(۳۴-۳۳: ۴) مقصہ

۳۴ تمام این ها را یسوع به جماعت با
مثل ها گفت و بدون مثل چیزی به آنان
نمی گفت. ۳۵ تا آنچه پیامبر گفته بود تحقیق
مز ۷۷: ۲ یابد وقتی می گوید: «دهانم را به مثل ها

q- دانه خردل یا گیاه خردل گیاهی است که امکان دارد رشد کرده تا اندازه‌ای بزرگ شود ولی اینکه گفته شود خردل کوچکترین دانه بین تمام بذرها است مبالغه‌آمیز نیست، گرچه اصطلاح «کوچک به مانند دانه خردل» در زبانهای غربی ضرب المثل شده است، همچنین ذکر درخت، که بندگان در آن لایه‌های مگنتی بیند اغراق آمیز است.

نهاد است. همچنان می‌تواند در اینجا نیز برخواسته باشد که در خشان خواهد بود
بلکه این موضوع را به صورت فرض اعلام می‌نماید. ضمناً انتظار عمومی اسرائیل چنین بوده و در حزق ۲۳:۱۷ و دان ۴:۹،
نه: ذکر شده است.

۸- همان ترکیب کلام دستوری در ۲۵: به کار برده شده است. ر. ک توضیح (m). در اینجا به تفاوتی که بین آغاز و بیان در مثل دانه خرد تعلیم داده شده، فروپردن خمیر مایه و تغییر خمیر افروده می شود. نتیجه ای این مثل بر صبر در مدت زمان مابین گذاشتن خمیر مایه و نتیجه آن تأکید ندارد بلکه نکته مهم تفاوت بین مقدار جزئی خمیر مایه و توده زیاد خمیری است که تغییر م شود.

^۱- برخلاف نخستین دلیلی که برای ذکر مثل ها داده شده (۱۳:۱۰-۱۵) برابر این توضیح ثانوی روش آموزش به وسیله ممثل برای برآوردن اهمیت فرم و باشد.

^{۱۰}- یعنی فرزندان شیطان که اصطلاحات معمول در زبانهای سامی هستند (ر. ک مت ۲۷:۱۲؛ ۲۳:۱۵).

^۷ «بِإِيمَانٍ بِهِنْ سَتْ» یعنی یسوع نے میں بہی یہودیوں بند کے سامنے سُنْدَھِ اسرائیلی میں۔ اصطلاح «بِإِيمَانٍ بِهِنْ سَتْ» کے ضد شریعت موسیٰ، عمل، ممکنند (ز. ک ۲۳:۲۳؛ ۲۸:۲۴؛ ۱۲:۲۴؛ روم ۷:۴؛ ۷:۶؛ ۱۹:۶)۔

«بی‌قانونی» در مورد طرز فکر حقوقی در رفتار و انجام وظیفه است.

هر نوع [ماهی] جمع می کند.^x وقتی پر شد آن را به کرانه بالا می کشند و نشسته در میان سبدها هر چه خوب است برمی چینند ولی هر چه بد است دور می افکنند.^{۴۹} در پایان جهان چنین خواهد بود. فرشتگان خواهند رسید و شریران را از میان عادلان سوا خواهند کرد.^{۵۰} و آنان را در کوره دان:^۶
مت:^۳
۴۲:۱۳:۱۲:۸
۵۱:۲۴:۱۳:۲۲
۳۰:۲۵
۲۸:۱۳

نتیجه
^{۵۱} «آیا همه اینها را فهمیده اید؟»^z
 ایشان به او گفتند: «آر!»^{۵۲} به ایشان گفت: «بدین سبب هر کاتبی که شاگرد ملکوت آسمان‌ها شده مانند ارباب خانه‌ای است که از گنجینه خود [چیزهای] نو و کهنه بیرون می کشد.^a

افکنند، در آنجا گریه‌ها و فشردن دندان‌ها خواهد بود.^{۴۳} آنگاه عادلان در ملکوت پدرشان چون خورشید خواهند درخشید، هر دان:^{۲۲}
لو:^{۲۵}
که گوشها دارد بشنود.^{۲۳}
مت:^{۱۱:۱۵:۱۳:۹}
مر:^{۳۵:۱۴:۲۴}
مکا:^{۷:۷:۹:۱۳}

گنج پنهانی و مروارید

^{۴۴} «ملکوت آسمان‌ها مانند گنجی است که در مزرعه‌ای پنهان شده است. انسانی آن را یافته آن را پنهان می کند و با شادی می‌رود و هر آنچه دارد می فروشد و این مزرعه را می خرد.^{۴۵} باز ملکوت آسمان‌ها مانند فروشنده‌ای است که مروارید‌های زیبا می جوید.^{۴۶} چون مروارید بسیار گرانبهایی یافت، رفته هر چه داشته فروخت و آن را خرید.^w

تور ماهیگیری

^{۴۷} «باز ملکوت آسمان‌ها مانند تور ماهیگیری است که دریا افکنده شده

-W- این دو مثل را بدون توجه به اوضاع و شرایط مربوطه به چند طریق می توان تفسیر کرد: ارزش گنج و مروارید، خوشحالی از کنف آن، لزوم فروختن قیمتی چیز، موضوع آنچه پنهان بوده و کشف شده مهمترین نکته است و با شادی بیان می شود ولی در آغاز و پایان این مثل ها دو تهدید وحشت‌ناک ذکر شده (۱۳:۴۲-۴۳) که با شادی مذکور تناقض دارد و مثل ها را به صورت پند و موعظه‌ای در آورده که توصیه می کند همه چیز را بفروشد و به این شادی نائل شوند.

-X- این مثل (۴۷:۱۳-۴۸) مانند مثل تلحه تأکید می کند که اشخاص شریر و مردمان نیکوکار تازمان آخر با یکدیگر خواهند بود؛ ولی بر عکس در مورد صیر تأکید نشده (شاگردان دخالتی نکرده‌اند) بلکه تأکید در مورد تهدیدی است که نسبت به امور بی ارزش می باشد.

-y- این توضیح که مثل را به صورت تمثیل درمی آورد با همان کلماتی بیان شده که در توضیح مثل تلحه آمده است (۱۳:۴۰-۴۳) و در حالی که فقط سرنوشت اشخاص شریر را یادآوری می کند در مورد جنبه تهدید آمیز این مثل نیز تأکید می نماید به همان گونه که در ۷-۲۲:۷ دعوت می شود تعلیمات یسوع را جدی تلقی نمایند. ضمناً مثل های گنج و مروارید را کامل کرده و توصیه می کند به جای گریه، شادی را انتخاب کنند.

-Z- در مورد اهیت کلمه «فهمیدن» در انجیل متی ر. ک ۱۵:۱۰ توضیح.

-a- منظور از این کاتب که آگاه به ملکوت است ممکن است هر شتونده‌ای باشد که آموزش یسوع را فهمیده است (پذیرفتن این موضوع مستلزم آن است که تصور شود متی مخصوصاً به شتوندگان باسوسادی خطاب می نماید که نوشته‌های مقدس را خوانده و بررسی کرده‌اند)، امکان دارد منظور از کاتب آگاه خود انجیل نگار است (در این صورت چنین برمی آید که نویسنده نخستین انجیل کاتبی بوده که مسیحی شده است). منظور از گنجینه ممکن است آموزش سنتی کاتیان یهودی باشد که به وسیله ایمان به مسیح تجدید شده است، یا افکار و نظریات مندرج در عهد عتیق است که کاتب مسیحی آنها را به صورت «تحقیق یافته» ارائه کرده یا آموزش یسوع می باشد که در زمان نگارش انجیل کهنه شده و انجیل نگار آنها را به عنوان منبع مطالب کهن و جدید به جامعه خود ارائه و تقدیم می کند.

در آنجا به سبب بی ایمانی^f ایشان اعمال
مقتدرانه زیادی نکرد.

قتل یوحنای تعمید دهنده

(مرقس ۶:۲۹-۱۴؛
لوقا ۹:۷-۹؛ ۱۹:۳-۲۰)

۱۴ در آن وقت هیرودیس تیترارک^g
درباره یسوع شنید.^۲ و به اطرافیان
خود گفت: «این یوحنای تعمید دهنده است!
از میان مردگان قیام کرده و برای همین
قدرتها در او عمل می کنند».^۳ درواقع
هیرودیس به خاطر هیرودیا، زن برادرش^۴
فیلیپس^۱ یوحنای را بازداشت کرده او را در^۵ ۲۰:۱۸-۱۶؛
بند نموده به زندان افکنده بود.^۴ زیرا
یوحنای او می گفت: «برای تو جایز نیست
او را داشته باشی». ^۵ و با این که

یسوع رانده از ناصره

(مرقس ۶:۱۶-۶؛ لوقا ۴:۲۴-۲۶)

^{۵۳} پس چون یسوع این مثل‌ها را به پایان
رسانید از آنجا نقل مکان کرد^۴ و به
موطن^b خود آمد و به ایشان در
کنیسه‌های ایشان آموزش می‌داد به طوری که
بوی^{۱۵} حیرت کرده می‌گفتند: «این حکمت و
اعمال مقتدرانه از کجا به او می‌رسد؟^۲
لو ۲۳:۴ آیا او پسر آن نجار نیست؟ آیا مادرش
مریم نامیده نمی‌شود؟^۳ برادرانش^c یعقوب
و یوسف و شمعون و یهودا؟^۴ آیا
خواهرانش همگی نزد ما نیستند؟ پس همه
اینها از کجا به او می‌رسد؟^۵ و درباره
او دچار لغزش می‌شدند^d ولی یسوع به
ایشان گفت: «به هیچ پیامبری بی احترامی
نمی‌شود مگر در موطن و خانه خود».^۶ و

- موطن، کلمه‌ای که در زبان یونانی به کار برده شده به مفهوم مجموعه سرزمینهای پدران است (۲-۲۱:۸-۲۱؛ ۴:۴؛ ۴۴:۴) یا چنان که در اینجا به کار برده شده موطن اصلی یعنی شهر با دهکده‌ای که خانواده در آن اقامت گریده است. لو ۴:۲۴-۲۶ این نکته را در آغاز کتاب خود قرار داده تا آن را به صورت روایتی نمونه در آورد. در مورد نام ناصره ر. ک ۲۳:۲ توضیح.^a

c- در مورد کلمه «برادران» ر. ک ۱۲:۴۶ توضیح.^r
d- ر. ک ۲۹:۵ توضیح.^e

e- چنین به نظر می‌رسد که یسوع ضرب المثل با قسمتی از نوشته‌های مقدس را نقل می‌نماید (ر. ک لو ۴:۲۱؛ ۴:۴؛ ۴۴:۴) ولی هیچیک از این دو فرضیه اثبات نشده است. اگر این عبارت ضرب المثل باشد چنین نتیجه گرفته می‌شود که یسوع به اندازه‌ای انسان عادی است که از قانون روان‌شناسی که به تجربه ثابت شده یعنی «هیچ کس در موطن خود پیامبر نیست» بر کنار نمی‌باشد.

f- بی ایمانی فقط قسمتی از قدرت معجزه یسوع را (برخلاف مر ۵:۵) با عدم موقیت مواجه می‌سازد (ر. ک ۲:۱۴).

g- هیرودیس آنتیپاس پسر هیرودیس کبیر و مالتاکه و برادر آرکلانوس می‌باشد. وی پس از مرگ پدرش فرمانروایی بر جلیل و پیره را به عنوان میراث خود دریافت کرد. ر. ک لو ۷:۲۳، ۱۲. [تیترارک عنوان فرماندهان نواحی منصرفی از سوی روم که به چهار بخش تقسیم شده بود و هر بخش بر عهده یک فرمانده بود (از ترا=۴).]

h- تحت لفظ: معجزه‌ها در او عمل می‌کنند. متنی با ذکر مرگ یوحنای (۱۲:۳-۶) و سخنی درباره یسوع که ممکن است او یوحنای باشد که از مرگ برخاسته (۲:۱۴) شاید می‌خواهد آغاز قسمت دوم انجیل را که مربوط به مرگ و رستاخیر یسوع است اعلام نماید (۱۴:۲۰-۲۸). ولی در حقیقت قسمت دوم انجیل از ۱۶:۲۱ آغاز می‌گردد.

i- هیرودیا، دختر آریستوبول و بربریکی و زوجه هیرودیس فیلیپس بوده است (این شخص را نماید با هیرودیس تیترارک که از سوی رومیان حکمران بود اشتباه گرفت). هیرودیا بعداً به طریق غیرشرعی به ازدواج هیرودیس آنتیپاس در آمد. دخترش، سالومه با هیرودیس فیلیپس حکمران رومی ازدواج کرد.

j- قوانین یهود ازدواج بین بستگان نزدیک را منع می‌کرد (لاو ۲۰:۲۱). هیرودیس آنتیپاس برای ازدواج با دختر برادرش، همسر قبلی خود را که دختر حارث پادشاه نبطیه بود طلاق داده بود.

یسوع پنج هزار مرد را خوراک می دهد (مرقس ۶:۳۰-۴۴؛ لوقا ۹:۱۷-۲۱؛ یوحنا ۱:۱۵-۱۳)

یسوع این را شنیدهⁿ از آنجا با قایق، جدا به سوی صحراء کناره گرفت و جماعت که آن را شنیده بودند از شهرهای مختلف پیاده به دنبالش آمدند.^o و چون بیرون آمد^p جماعت بسیاری را دید و برآنان ترجم نمود و دردمدنشان را شفا داد.^q چون شب فرارسید^r شاگردان نزد او آمده گفتند: «اینجا صحراء است و هم اکنون وقت گذشته است، پس جماعت را روانه کن تا به روستاهای رفته برای خود خوراکی بخربند.»^s یسوع به ایشان گفت: «احتیاجی به رفتن ندارند، خودتان چیزی به ایشان بدهید تا بخورند.»^t به او گفتند: «در اینجا غیر از پنج نان و دو ماهی چیزی نداریم.»^u گفت: «آنها را اینجا نزد من بیاورید.»^v و پس از آن که به جماعت دستور داد بر روی سبزه زار دراز بکشند^w، پنج نان و دو ماهی را گرفته به

لو:۱؛ ۲۶:۷؛ ۷۶:۱؛ ۱۱:۹؛ ۲۶:۲۱؛ می خواست او را بکشد از جماعت می ترسید، چون او را پیامبر می دانستند.^k چون سالروز تولد هیرودیس شد، دختر هیرودیا در میان رقصید و هیرودیس را خوش آمد.^l لذا با سوگند متهد شد آنچه را بخواهد به او بدهد.^m و او تحت تأثیر مادرش گفت: «در اینجا سر یوحنا تعمید دهنده را ببروی یک سینی به من بده.»ⁿ پادشاه^o هر چند غمگین شد به علت سوگندهاش و میهمانان دستور داد آن را به او بدهند.^p و فرستاد تا سر یوحنا را در زندان ببرند.^q سرش بر روی سینی آورد و به دختر جوان دادند که برای مادرش برد.^r و شاگردانش پیش آمده جسد را برداشه دفن کردند و سپس آمده به یسوع خبر دادند.^s

- ر. ک مر:۶ ۱۵. در مورد واهمه ای که رؤسا از قوم دارند ر. ک مت:۲۱، ۲۶:۲۱. ۴۶.

- ۱- در حقیقت هیرودیس فقط تیترارک بود نه پادشاه (ر. ک ۱۴:۱).

- کلماتی که در پایان این قسمت آمده مختص روایت متی باشد و برای ارتباط آن با روایت بعدی است (ر. ک ۱۳:۱۴).

- همان گونه که یسوع پس از شنیدن اینکه یوحنا تعمید دهنده را به زندان افکده است (مت ۱۲:۴) از آن محل دور شد، وقتی از مرگ پیشگام که پیش بینی مرگ خودش بود اطلاع یافت دور شده به جایی دیگر رفت: زیرا هنوز زمان فرا نرسیده بود تا با فجاجع، شکنجه ها و مرگ خود روبرو شود (ر. ک مت:۱۵:۲۱؛ ۱۶:۴؛ یو:۸:۵۹؛ ۵۹:۱۱).

- ۰- یعنی در کناره دریاچه پیش می رفته و قایقی را که یسوع بر آن سور شده بود با نگاه تعقیب می کردند.

- p- تحت لفظی: از آنجا خارج شده. «ترجم نمود»، ر. ک ۳۶:۹.

- q- بنابر آنچه متی نوشته یسوع مطالب زیادی تعلیم نمی دهد (مر:۶ ۳۴:۶) و از ملکوت هم سخنی نمی گوید (لو:۹ ۱۱:۱) ولی در انجیل

متی خیلی روشن تر از انجیل لوقا و مخصوصاً انجیل مرقس ذکر شده است (مر:۸ ۳۴:۶ = لو:۹ ۲۳:۶؛ مر:۸ ۱۰:۱؛ ۱۱:۱) که یسوع از این تاریخ به بعد منحصراً به آموزش کسانی می پردازد که به دبیل او می آیند (۲۰: ۱۶-۱۳:۱۴).

- r- ر. ک مر:۶ ۳۵:۶ توضیح.

- s- ر. ک مر:۶ ۲۲:۱۴؛ یو:۶ ۲۳:۳۵. «به سوی آسمان نگریسته»، ر. ک ۴۱:۱۱. «دعای برکت خواند»، ر. ک ۲۶:۶.

مر:۸ ۷: «پاره کرد» یا « تقسیم کرد»، ر. ک اع ۲۴:۲.

به تنها یی به کوه بالا رفت. شب رسیده وی لو ۲۸:۹؛ ۱۲:۶ در آنجا تنها می بود.^{۲۴} قایق، در این موقع چندین استاد^a از خشکی دور شده تمام‌ا در گیر امواج بود زیرا باد مخالف می بود.^{۲۵} در پاس چهارم شب^b بر روی دریا راه رفته نزد ایشان آمد. شاگردان چون او را دیدند که بر دریا پیش می آید ترسان شده می گفتند: «شیخی است» و از ترس فریاد لو ۳۷:۲۴-۲۷. ولی همان دم [یسوع] به سخن درآمده به ایشان گفت: «شجاعت!^c من هشتم، مترسید.^d پطرس^e در پاسخ به او گفت: «خداؤندا! اگر تو هستی دستور بدی که برآبها نزد تو بیایم.»^f گفت: «بیا!» و پطرس از قایق پایین آمده، بر بلو ۷:۲۱

- متی روایت خود را به صورت ترتیب شام آخر (۲۶:۲۶) در آورده و در این امر خیلی بیشتر از لوفا و مخصوصاً مرقس عمل کرده است. در ذیل، عبارات و کلمات این روایت (باب ۱۴) با ترتیب شام آخر در باب ۲۶ مقایسه می شود:

مت ۲۶

یسوع نان را گرفت
و ...
دعای برکت خوانده
آن را پاره کرد،
سپس

آن را به شاگردان داده

او پیچ نان را گرفت
و ... و ...
دعای برکت خواند،
سپس
نانها را پاره کرده
آنها را به شاگردان داده

به علاوه متی بیشتر توجه را تنها به نانها معطوف ساخته است که پاره شده، توزیع گردیده و جمع آوری شده اند.
- شاید دو کلمه «خوردن» و «سیر شدن» (خروج ۱۲:۱۶) اشاره به خوراکی باشد (ر. ک مز ۷۸:۷؛ یو ۶) که در صحرا به قوم بنی اسرائیل داده شده بود (خروج ۴:۱۶؛ ر. ک ۱۳:۱۶).

- این مطلب در معجزهٔ لیشع ذکر شده (۲-پاد ۴:۲۴-۴۴) و در آجرا خادم بیامبر نقشی نظری نقش شاگردان یسوع شاگردان دارد.
- شاید این رقم اشاره به تعداد شاگردانی است که یسوع برگزیده و به آنان می آموزد تا به توده مردم گرسنه نان بدنهند (ر. ک ۲:۱۰؛ ۵:۱۱؛ ۱:۱۱؛ ۲۸:۱۹؛ ۲۰:۲۶؛ ۱۷:۲۰). در مورد سبدها ر. ک مز ۶:۴۳ توضیح *ل*.

- این نکته مایه تعجب است به این معنی که به نظر می رسد یسوع می خواهد به شور و شوق شاگردان که در یو ۶:۱۵ یادآوری شده خاتمه دهد.

- استاد واحد طول رومی و برابر ۱۸۵ متر بوده است. در بعضی نسخه ها آمده است: قایق در وسط دریا بود. لازم به یادآوری آست عرض دریاچه ۱۲ کیلومتر می باشد. «از خشکی»، تحتاللفظی: «از زمین». «درگیر امواج بود»، تحتاللفظی: «از امواج در عذاب بود».

- یعنی چهارمین و آخرین قسمت شب.
- در انجیل متی سه واقعه ذکر شده است که اختصاصاً مربوط به پطرس می باشد: یکی این واقعه است، دیگری مت ۱۶:۱-۱۳ (که در بخش بیان ایمان پطرس در قیصریه منظور شده) و بالاخره مت ۱۷:۲۲-۲۷ (موضوع برداخت عشیره ای که یهودیان به معبد می برداختند). از این پس توده مردمان مورد توجه نبوده و توجه معطوف به شاگردان می باشد (ر. ک مت ۱۴:۱۴ توضیح *q*) و در بیان آنان پطرس مورد توجه است که هم به بسب شک و تردیدش و هم از نظر ایمان، نتوءه شاگردان می باشد.

سوی آسمان نگریست و دعای برکت خواند، نانها را پاره کرده آنها را به شاگردان داد و شاگردان به جماعت.^t و ۲۰-۲-پاد ۴:۲۳-۴:۴۴ همه خوردن و سیر شدن^u و پاره های مانده^v را که دوازده سبد^w پُر می شد برداشتند. آنان که خوردن در حدود پنج هزار نفر، بدون زنان و کودکان بودند.

یسوع بر روی دریا راه می رود
(مرقس ۶:۴۵-۵:۵؛ یوحنا ۶:۱۶-۲۱)

^x ۲۲ و همان دم شاگردانش را ملزم کرد سوار قایق شده و در مدتی که او جماعت را روانه می کند به سوی کرانه دیگر بروند.
^y ۲۳ و چون جماعت را روانه کرد برای نیایش

بودند نزد وی آوردند.^{۳۶} و از او درخواست می کردند فقط بگذارد حاشیه رداش^e را لمس کنند و همه کسانی که آن را لمس کردن کاملاً نجات یافتنند.^f

مجادله دریاره سنت (مرقس ۷:۱-۷)

۱۵ آن گاه فریسیان و کاتیبانی^g از اورشلیم نزد یسوع آمده گفتند: «چرا شاگردان تو از سنت مشایخ^h تخلف می کنند، زیرا وقتی غذا می خورند دستهای خود را نمی شویند؟»ⁱ در پاسخ به ایشان لو ۳۸:۱۱ گفت: «و شما چرا به خاطر سنت خودتان از حکم خدا تخلف می کنید؟^j زیرا خدا گفته است: "به پدر و مادرت احترام بگذار" و آن کس که از پدر یا مادر^{مر: ۲۰؛ افس: ۲:۶} لوب ۸:۱۹ مز: ۱۰:۱۹ مز: ۱۹:۱۰ مز: ۱۹:۱۹

آبها راه رفته نزد یسوع آمد.^k ولی با دیدن باد^b ترسید و چون شروع به فرو رفتن می کرد فریاد کشید: «خداؤندا! مرا نجاتم ده.»^{۳۱} همان دم یسوع دست را دراز کرده او را گرفت و به او گفت: «ای کم ایمان! چرا شک کردی؟»^{۳۲} و چون سوار قایق مر ۳۹:۴ شدند باد فرو نشست.^{۳۳} کسانی که در قایق می بودند در برابر او سجده کرده گفتند: «به راستی تو پسر خدایی!^l»

شفا در جنیسارت (مرقس ۶:۵۲-۵۶)

۳۴ و پس از عبور از دریا در جنیسارت^d به خشکی درآمدند.^{۳۵} و اهالی آن محل با شناختن او فرستاده تمام آن مزر و بوم را خبردار کردند و تمام کسانی را که بدحال

b- در نسخه دیگری آمده است: باد شدیدی دید. «دیدن»، تحت اللطفی: «نگریستن».

c- این اظهارات که لحن کلمات آینین نیایش دارند (نظری فریاد پطرس در ۳۰:۱۴) در انجیل مرقس و انجیل یوحنا ذکر نشده است. احتمالاً بایستی آن را به واقعه نجات پطرس از دریا مربوط دانست: به این معنی که چون یسوع پسر خداست کسانی را که در قایق هستند و به نظر متی نماد کلیسا می باشند (ر.ک مت:۸:۲۳-۲۷) از ورطه مرگ و هاویه بیرون می کشد (ر.ک مز:۱۸:۱؛ ۱۷:۱؛ ۱۶:۳۲؛ ۱۴:۶؛ ۷:۱۴۴؛ ۷:۱۳).

d- همچنین می توان ترجمه کرد: به سوی جنیسارت. این محل در ساحل راست دریاچه، بین مجلد و کفرناحوم قرار دارد (مر:۶:۵؛ لوب:۵:۱).

e- در مورد حاشیه ردا، ر.ک ۹:۲۰ توضیح k.

f- در انجیلها اکثراً برای مقاهم نجات و شفا یافتن یک کلمه به کار برده شده است (ر.ک ۹:۲۲).

g- «فریسیان و کاتیبان». متنی اکثراً این دو گروه از یهودیان را در مخالفت با یسوع شریک قلمداد می کند (۲۰:۵؛ ۲۰:۱۲؛ ۳۸:۱۲؛ ۷-۲:۲۳)، همچنین کاتیبان را با سران قوم یا کاهنان بزرگ شریک می داند (۱۶:۱۱؛ ۱۱:۱۵). وانگهی اغلب کاتیبان، مخصوصاً پس از ویرانی معبد، مقارن زمانی که نسخه نهائی انجیل متی نگارش می یافت جزو فرقه فریسیان بودند. البته متی همواره از کاتیبان انتقاد نکرده است (۸:۱۹؛ ۱۳:۲؛ ۲:۲۳؛ ۵:۲؛ ۱۳:۸).

h- «سنت مشایخ»، مجموعه تفسیرها درباره تورات که در مدارس ریبی‌ها به طور شفاهی تدریس می شد و بعدها در رساله میشنا و سپس در تلمود ثبت گردید. این مطالب در مر:۸ «سنت انسانها» نامیده شده یا در مر:۷، ۹:۱۳، ۹:۱۵ و مت:۳، ۶:۱۵ سنت شما خوانده شده و یوسفوس «سنت پدران» نامیده است.

i- شستن دست‌ها قبل و بعد از صرف غذا احتمالاً جزو مقررات آئین مذهبی کهن اسرائیل بوده است (خروج ۳۰:۱۸-۲۱؛ ۶:۲-۲۱)، اجرای این دستور بدواً به کاهنان معبد اختصاص داشت. بعدها در دوران یسوع، بر اثر نفوذ عقاید پرهیز کارانه فریسیان به کلیه ایمانداران تعییم یافت. افراد فرقه قمران به جای این عمل تمام بدن خود را در حوض هایی می شستند که آثار آنها کشف شده است. نظر به اینکه مرقس (۷:۳-۴) مطالب خود را به کسانی خطاب می کند که کمتر با این رسوم آشنایی دارند لازم دیده آنها را برای شنوندگان خود تشریح نماید.

**پاکی و ناپاکی
(مرقس ۷:۶-۱۴؛ ۲۳:۱-۴)**

۱۰ و جماعت را به سوی خود خوانده به ایشان گفت: «گوش کنید و بفهمید.ⁿ ۱۱ نه آنچه به دهان وارد می شود انسان را آلوده می کند^o بلکه آنچه از دهان برمی آید^p ۱۲ این است که انسان را آلوده می سازد.» ۱۳ آنگاه شاگردان پیش آمدہ به او گفتند: «آیا می دانی که با شنیدن این سخن فریسیان دچار لغزش می شوند؟»^q ۱۴ پاسخ گفت: «هر کاشتنی که پدر آسمانی^r ۱۵ من نکاشته است^s ریشه کن خواهد شد. ۱۶ ایشان را واگذارید. اینسان کورانی^t ۱۷ راهنمای کورانند. و البته اگر کوری^{لو ۳۹:۶-۹؛ روم ۱۹:۲-۴} راهنمای کوری باشد هر دو در گودالی

بدگویی می کند گرفتار مرگ شود.^{۱۵} اما شما می گویید: "هر کسی به پدر یا مادرش بگوید: هر بهره ای که می توانستی از من ببری همان قربانی^k است."^{۱۶} او موظف به احترام پدر یا مادرش^۱ نخواهد بود و شما سخن خدا را به خاطر سنت خود باطل کرده اید.^۷ ای ریاکاران!^m اشعیا چه خوب در مورد شما پیامبری کرده است وقتی می گوید:

۱۷ این قوم مرا به زبان احترام می کند (یونانی) ولی قلبشان از من بسیار دور است.

۱۸ بیهوده مرا عبادت می کنند زیرا آموزش‌هایی که می دهنند احکام انسانها است.»

۱۹- نقل قول‌ها از خروج ۱۶:۵ و خروج ۱۷:۲۱ (ر.ک لاو ۹:۲۰) می باشد.
k- قربانی، هدیه ای که به خدا (حرق ۲۸:۲۰) و بعدها به خزانه معبد پرداخت می شده است (مت ۶:۲۷). به این طریق که جنبه شرعی و حقوقی دارد بیهودیان بولی را که بایستی برای امرار معاش والدین پیر با فقیر خود مصرف نمایند به خدا تخصیص می دادند ولی با توجه به اینکه حس وابستگی خانوادگی در بین بیهودیان خیلی شدید است اجرای این مقررات از دوران پیش از آمدن یسوع موجب انتقادهای شدید شده بود.

۲۰- در بعضی نسخه ها «یا مادرش» حذف شده است.
m- در مورد ریاکاران ر.ک ۲:۶ توضیح ۷.

n- فعل فهمیدن در انجیل متی اهمیت خاصی دارد. در حضور یسوع، در برابر اسرار ملکوت و به سؤالات روش و قاطعی که نظری این مورد مطرح می شود بایستی گوش فرا داد و آنها را دریافت (۱۳:۱۳، ۱۴:۵۱؛ ۱۶:۱۲). این فهمیدن بر اثر توجهی به دست می آید که نسبت به آموزش یسوع مبذول می گردد و تعهد به تبعیت از آموزش‌های جدیدی است که در اینجا موضوع آن درباره پاکی است.

۲۱- آلوده می کند یعنی ناپاک می سازد. از تعلیم درباره وضو و شست و شو (آیات ۱-۹) به بررسی مسئله کلی تر طاهر و نجس پرداخته می شود. این موضوع که در زمان یسوع در بین بیهودیان فلسطین نقش مهمی داشته است (ر.ک لاو ۱۱-۱۶) فقط در اینجا و در مر ۷:۲۳-۱۴ ذکر شده است. آیات ۱۲-۱۴ که مختص انجیل متی است احتمالاً در ابتدا مربوط به این روایت نبوده و انعکاس آنها را در لو ۹:۳۶ می توان یافت. یسوع در مقابل بیهودیان که به ملاحظات شرعی سعی می کرددند آدمی را از نجاستی که از پیرون می آید حفظ کنند نظریه تازه ای عرضه می کند: بدی در خود انسان است و آن چیزی که او را نجس می سازد، همان است که بر ضد براذر خود می گوید (آیه ۱۸) یا انجام می دهد (آیه ۱۹)، بنابراین پاکی شخص در ارتباط با دیگران آشکار می شود (ر.ک اع ۱:۲۸، ۱۴:۱۴، ۲۰، ۱۶:۹؛ روم ۱:۲۸، ۱۴:۱۴؛ افس ۴:۲۹؛ بع ۳:۶؛ لوق ۴:۲۴) توضیح n.

۲۲- دچار لغزش شدن. ر.ک ۲۹:۵ توضیح e.
q- این موضوع که خدا درخت می کارد در عهد عتیق با تصاویر درخت مو شرح داده شده است (اش ۵:۱-۷؛ حرق ۱۰:۱-۱۴؛ ۱۰:۱) همچنین ذکر شده که خدا برای شکوه خود درخت می کارد (اش ۶:۲۰-۲۲؛ ۶:۶-۱؛ ۳:۶-۱). این نکته نقش مهمی در عقاید فرقه قمران داشته چنانکه در مقررات آن فرقه ذکر شده بود: هنگامی که این چیزها در اسرائیل روی دهد شورای جمعیت به عنوان درختان جا ویدان در راستی استوار خواهد شد.

کنعانی^{۱۰} از این قلمرو بیرون آمده فریاد می‌زد: «خداوندا! ای پسر داود! بر من رحم کن، دخترم از دیوی به سختی رنج می‌برد.» مر.^{۳۹:۴۷-۴۸} لوه.^{۳۸:۱۸-۳۹} به او یک کلمه جواب نداد و شاگردانش پیش آمده از او تقاضا کرده می‌گفتند: «او را روانه کن!^{۱۱} زیرا پشت سر ما فریاد می‌زند.»^{۱۲} در پاسخ گفت: «من جز برای گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل فرستاده نشده‌ام.^{۱۳} اما او آمده در برابر شسجه کرده می‌گفت: «خداوندا! به من کمک کن.»^{۱۴} در پاسخ گفت: «خوب نیست که نان فرزندان را گرفته جلوی توله سگان انداخت.»^{۱۵} او گفت: «آری^{۱۶} ای خداوند! اما البته توله سگان خرد^{۱۷} لوه.^{۲۱:۱۶}

نانهای را که از سفره خداوندان می‌افتد می‌خورند.»^{۱۸} آنگاه یسوع به سخن درآمده گفت: «ای زن! ایمان تو عظیم است! آنچه می‌خواهی برای تو انجام شود!» و دخترش از آن ساعت شفا یافت.

خواهند افتاد.»^{۱۹} پطرس شروع به سخن کرده به او گفت: «این مثل^{۲۰} را برای ما توضیح بده.»^{۲۱} او گفت: «آیا هنوز شما نیز بی ادراک هستید؟^{۲۲} آیا درک نمی‌کنید هر چه به دهان وارد می‌شود از شکم گذشته به میز افکنده می‌شود؟^{۲۳} ولی آنچه از دهان خارج می‌شود از قلب بر می‌آید و این است که انسان را آلوده می‌کند.^{۲۴} زیرا استدللهای شریر، قتل‌ها، زناها، روسپی‌گریها، دزدیها، شهادتهای دروغ، کفرگوییها^{۲۵} از قلب بیرون می‌آید.^{۲۶} این است که انسان را آلوده می‌کند، ولی غذا خوردن با دستهای ناشسته انسان را آلوده نمی‌کند.»

ایمان زن کنunanی (مرقس ۷:۲۴-۳۰)

۲۱ و یسوع از آجبا بیرون شده به ناحیه صور و صیدون^{۲۷} رفت. ۲۲ و اینک زنی

۲۳- ر. ک مر.^{۷:۱۷} توضیح.^a

۲۴- این گونه «فهرست رذالت‌ها» با «فضایل» در آموذشهای فلسفی معمول آن دوران و در بین یهودیان رواج داشت و در عهد جدید از این فهرست‌ها فراوان آمده است (مثالاً روم.^{۱:۲۹-۳۰}؛ غال.^{۱:۱۹-۲۳}؛ بطر.^{۳:۴}). البته بایستی توجه داشت کلیه این امور خلاف، به عنوان فسادی که آثار آنها متوجه شخص باشد در نظر گرفته نشده‌اند بلکه به عنوان بدی بر ضد دیگران.

۲۵- عبارت «صور و صیدون» که در اینجا و در^{۲۱:۱} به کار برده شده از نظر علم خداشناسی نیز ارزشمند می‌باشد زیرا به مفهوم ملت‌های مشرک است و در بعضی اوضاع و احوال که در روایت ذکر شده از رسالت یسوع بهره مند خواهد شد.

۲۶- کنunanیان، فیینیقیان خود را به نام کنunanی می‌خوانندند. اصولاً در طول تاریخ مناطق مختلفی که کاملاً مشخص نمی‌باشند به نام کنunan خوانده شده‌اند مثلاً: سرزمین موعودی که اسرائیلیان کهن اشغال کردنده یا قبایل بومی که پیش از ورود اسرائیل در این سرزمین به سر می‌برند و بالآخره سرزمین فیینیقیه که در دوران یسوع کنunan نامیده می‌شوند. به هر صورت از محتوای این متن بر می‌آید که این زن مشرک بوده ولی این موضوع مانع از آن نبوده که سخنانی درباره یسوع شنیده باشد.

۲۷- این جمله را می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «درباره اش لطف کن» که البته چندان ترجمه خوبی نیست.

۲۸- پاسخ یسوع در این مورد انعکاس دستوری است که در^{۶:۱۰} داده شده است، یسوع با مقاومت اولیه خود در برابر تقاضای این زن می‌خواهد ایمان اورا عمیق تر سازد یا اینکه واقعاً خود را فرستاده‌ای می‌داند که در درجه اول به قوم اسرائیل خدمت نماید و هنگامی که در پایان امر درخواست زن مشرک را استثنائاً اجابت می‌کند به این وسیله اعلام می‌نماید که مشرکان هم پس از مرگ و رستاخیز او دسترسی به نجات خواهند داشت. تعداد زیادی از متون انجیل متی تفسیر اخیر را تأیید می‌کند (مثالاً^{۵:۸-۸:۲۱}؛^{۲۰-۲۱:۱۳-۱۴}). منظور از اصطلاح گوسفندگی‌کشده خاندان اسرائیل ممکن است تمامی قوم اسرائیل (ر. ک.^{۱۰:۶-۶}) یا گناهکاران قوم اسرائیل باشد (ر. ک.^{۱۲:۱۸}-^{۱۴:۱۴}).

۲۹- این کلمه را می‌توان «خواهش می‌کنم» ترجمه کرد (ر. ک. فی.^{۲۰:۳}). در این صورت آن زن تقدم قوم اسرائیل را در دسترسی و رستگاری نبایدیرفت و مجددًا تقاضای خود را تکرار می‌کند و بنابراین مفهوم روایت به کلی تغییر می‌نماید.

کافی داشته باشیم تا چنین جمعیتی را سیر کنیم؟^{۳۴} و یسوع به ایشان گفت: «چند تا نان دارید؟» گفتند: «هفت و چند ماهی^{۳۵} بود». و پس از آن که به جمعیت کوچک.^{۳۶} و پس از آن که به جمعیت دستور داد بر روی زمین دراز بکشند، هفت نان و ماهی‌ها را گرفت و شکرگزاری کرده آنها را پاره کرد و به شاگردانش می‌داد و شاگردان به جماعت. و همیگی خوردن و سیر شدند و پاره‌هایی که مانده بود جمع کردند: هفت سبد پُر!^{۳۷} باری آنان که خوردن، بدون حساب زنان و کودکان، چهار هزار مرد^{۳۸} بودند. و پس از روانه کردن جماعت سوار قایق شده به قلمرو مجلد^{۳۹} آمد.

نشانه‌های زمان

(مرقس ۸:۱۱-۱۳؛ متی ۱۲:۳۹-۴۱؛ متی ۱۲:۳۸-۴۰)

۱۶ لوقا ۱۱:۱۶، ۲۹؛ ۱۲:۵۴-۵۶؛ ۱۲:۱۶-۱۳:۱۱

و فریسان و صدو قیان پیش آمده برای اینکه او را به تجربه بگذراند از او درخواست کردن نشانه‌ای از آسمان^c نازل شده به ایشان نشان دهد. ^b وی در پاسخ آنان گفت: «شامگاه که رسید

شفا یافتن در کنار دریاچه (مرقس ۷:۳۱-۳۲)

۲۹ و یسوع آنجا را ترک کرده به کرانه دریای جلیل آمد و به کوه بالا رفته در آنجا نشست. ۳۰ و جماعت بسیاری به سویش آمده و لنگان، علیلان، کوران، للان و بسیاری دیگر را با خود داشتند و آنان را به پاهای او انداختند و آنان را شفا داد. ۳۱ بطوری که جماعت شگفت زده می‌بودند چون می‌دیدند للان حرف می‌زنند، علیلان بهبهود می‌یابند، لنگان راه می‌رونند و کوران می‌بینند^a و خدای اسرائیل را تجلیل کردند.

یسوع به چهار هزار مرد غذا می‌دهد (مرقس ۸:۱۰-۱۱؛ متی ۱۴:۲۱-۱۳:۱۴)

۳۲ یسوع شاگردانش را نزد خود فراخوانده گفت: «برای این جماعت به رحم آمده ام زیرا اکون سه روز است که نزد من مانده اند و چیزی برای خوردن ندارند و نمی‌خواهم آنان را روزه دار روانه کنم مبادا در راه ضعف کنند^b.» ۳۳ و شاگردان به او می‌گویند: «چگونه می‌توانیم در صحرا نان

y- ر. ک مت ۱۱:۴-۵. «چون می‌دیدند»، تحت اللفظی: «چون می‌نگریستند».

Z- این دومین روایت درباره ازدیاد نانها است و چند شافوت با روایت موردن ترجیح یسوع و نیز بر گرسنگی توده مردم تأکید شده است. در اینجا یسوع ابتكار عمل را دارد و دستور می‌دهد مردم بنشینند. ضمناً روش نگارش این روایت کمتر تحت تأثیر آینین سپاسگزاری است (از جمله دو بار از ماهی‌ها یاد شده) گرچه در ۱۵:۳۶ فعل یونانی- eu- charistein که به معنی سپاسگزاری می‌باشد به کار رفته است (ر. ک ۱- قرن ۱۱:۲۴). بعضی از منتقدان تصور می‌کنند این روایت در محیط یونانی گرایان نوشته شده است، ر. ک ۱۴:۲۰ توضیح ^w.

a- هفت. این رقم احتمالاً نمادی است تا تأکید شود معجزه کامل و بی نقص می‌باشد و بعضی تصور می‌کنند برای یادآوری هفت خادم یونانی تیار است که مأمور خدمت بر سر سفره‌ها خواهند بود (اع ۶:۲-۶). ر. ک مر ۸:۸ توضیح ^s.

b- مگдан. نظیر المانوتا که در مر ۱۰:۱ ذکر شده محلی نامعلوم می‌باشد. ضمناً در بعضی از نسخه‌ها مجده آمده است.

c- از آسمان. منظور از کلمات اخیر آن نیست که یسوع می‌تواند نشانه‌ای در آسمان ارائه نماید بلکه نشانه‌ای است که از آسمان بیاید یعنی خدا ظاهر کند تا موجب اعتبار یسوع در نظر قوم خود گردد (ر. ک مر ۸:۱۱). یسوع نشانه‌های بسیاری انجام می‌دهد ولی نه نشانه‌هایی که یهودیان مطلع انتظار داشتند و می‌پذیرفتند (ر. ک مثلاً مت ۱۱:۵).

آن را به خاطر نمی‌آورید؟ پنج نان برای پنج هزار نفر و چند سبید که برده اید؟^{۱۰} نه آن هفت نان را برای چهار هزار نفر و چند سبید که برده اید؟^{۱۱} چگونه درک نمی‌کنید؟ در مورد نانها نیست که به شما گفته ام از خمیر مایهٔ فریسیان و صدوقيان برحدزr باشید.»^{۱۲} آنگاه فهمیدند که نگفته بود از خمیر مایهٔ نانها برحدزr باشند بلکه از آموزش فریسیان و صدوقيان.

پطرس، یسوع را پسر خدا می‌داند
(مرقس ۸:۲۷-۳۰؛ لوقا ۹:۱۸-۲۱)
یسوع به ناحیهٔ قیصریهٔ فیلیپس^h آمده از شاگردانش سؤال کرده می‌گفت: «بنا به گفته مردم پسر انسانⁱ کیست؟»^{۱۳} گفتند: «برای بعضی‌ها یوحنا تعمید دهنده، برای بعضی دیگر الیاس، برای بعضی دیگر ارمیا یا یکی از پیامبران^j.»^{۱۴} به آنان گفت: «اما برای شما من کیستم؟»^{۱۵} شمعون پطرس به سخن درآمده گفت: «تو مسیح، پسر خدای زنده

می‌گویید هوا خوب است زیرا آسمان سرخ فام است.^۳ و صبح، امروز هوا طوفانی، زیرا آسمان سرخ و گرفته است.^d شما می‌دانید چهرهٔ آسمان را نیکوتر تشخیص دهید و نشانه‌های زمانها^e را نمی‌توانید.^۴ نسل شریر و زناکار که نشانه‌ای می‌جویند...! و هیچ نشانه‌ای جز نشانهٔ یونس^f به او داده نخواهد شد.» و آنان را ترک کرده رفت.

خمیر مایهٔ فریسیان و صدوقيان
(مرقس ۸:۱۴-۲۱؛ لوقا ۱۲:۱-۶)
و چون به کرانهٔ دیگر آمدند،^۵ شاگردانش فراموش کردن نان بیاورند.^۶ یسوع به ایشان گفت: «زنها! از خمیر مایه^g فریسیان و صدوقيان برحدزr باشید!»^۷ و ایشان با خود استدلال کرده می‌گفتند: «برای آن است که نان نیاورده ایم.»^۸ یسوع متوجه شده گفت: «چرا با خود بحث می‌کنید ای کم ایمانان! درباره این که نان ندارید؟^۹ هنوز درک نمی‌کنید و

d- در برخی نسخه‌های خطی مهم، قسمت دوم آیه ۲ و تمام آیه ۳ حذف شده است.
e- نشانه‌های زمانها. این اصطلاح به مفهوم نشانه‌های مخصوصی است که در روزهای آمدن مسیح موعود بددیدار می‌شود. با توجه به ترکیب جمله ممکن است منظور عجزه‌ها و نشانه‌هایی باشد که نشانه‌هایی باشد که نیازمند انجام دادنها و ازدید نان‌ها، ر. ک. ۱۱:۳-۵) یا اینکه منظور خود یسوع است که والاترین و برترین نشانه‌ها می‌باشد.

f- درباره اصطلاح «نشانه یونس». ر. ک. ۴۰:۱۲ توضیح ۰.

g- فقط متی خمیر مایه را به مانند تعلیمات فریسیان و صدوقيان ارائه می‌نماید (آیه ۱۲: ر. ک. ۱۲:۱؛ آیه ۱۲: ر. ک. ۱۱:۵) خمیر مایه هیرودیس). در آینین بهود تعبیر خمیر مایه به عنوان قسمت خوب یا قسمت بد شناخته شده بود (همچنین ر. ک. ۱-قرن ۵:۶-۸). منظور از خمیر مایه فریسیان و صدوقيان احتمالاً شخص آنان نیست بلکه نقش آنان به عنوان آموزگار و رهبر مردم است (ر. ک آیه ۱).

h- قیصریهٔ فیلیپس شهری است که در سال ۲ یا ۳ پیش از میلاد مسیح، هیرودیس فیلیپس به افتخار اغسطسوس امپراتور روم بنا کرد. این شهر در نزدیکی سرچشمه‌های رودخانه اردن قرار دارد و امروزه بنی یاس نامیده می‌شود.

i- پسر انسان. در مورد این عنوان یسوع ر. ک. مت ۲۰:۸ توضیح ۵.

j- فقط در انجیل متی نام ارمیا ذکر شده در صورتی که یهودیان دوران متی بازگشت ارمیا را به عنوان پیشگام مسیح موعود انتظار نمی‌کشیدند. به طوری که در روایات انجیل‌های نظریز ذکر شده یسوع، پیامبر بشمار آمده است (مت ۲۱:۱۱ توضیح f: مر ۶:۱۵؛ لو ۷:۱۶، ۳۹).

نخواهد داشت.^{۱۹} کلیدهای ملکوت آسمانها را به تو خواهم داد و آنچه را بر زمین ببندی در آسمانها بسته خواهد بود و آنچه را برمیان باز کنی در آسمانها باز خواهد شد.^{۲۰} آنگاه به شاگردان سفارش کرد به کسی نگویند که او مسیح است.

^{۹:۹}
^{۹:۱۷}

هستی^k.» ^{۱۷} یسوع به سخن درآمده به او گفت: «خوشابرنو! ای شمعون پسر یونا! زیرا تن و خون^۱ بر تو مکشوف نکرده بلکه پدرم که در آسمانها است.^{۱۸} و من به تو می‌گویم که تو پطرس^m [صخره]ⁿ هستی و بر روی این صخره کلیسا^{۱۹} خود را بنا خواهم کرد و درهای وادی مردگان^{۲۰} بر آن استیلا-

- فقط متی این عبارت را از زبان پطرس نقل کرده است، عبارتی که ریشه آن در عهد عتیق می‌باشد و با ایمان مسیحیت معنی کامل خود را کسب کرده است. در عهد عتیق عنوان پسر خدا در مورد فرشتگان، قوم پرگزیده، اسرائیلیان ایماندار و نیز در مورد سیح موعود به کار رفته است (سیح:۷؛ مز:۲-۴؛ ۸:۷؛ ۲۷:۸). و بیان می‌کند که ارتباط مخصوصی با خدا وجود دارد که بر پایه انتخاب او و مأموریتی است که به پسروان محول می‌سازد. مسیحیت اولیه از همان آغاز که اصول ایمان خود را بیان می‌کرد موضوع انتخاب توسط خدا و واگذاری مأموریت را بسط داده و درباره جنبه منحصر به فرد و قاطع خصیحت یسوع تأکید کرده است: به این معنی که یسوع با خدا ارتباط پدر فرزندی بی‌مانندی دارد و به او مأموریتی بی‌نظیر محول شده که نجات مردمان است (۱:۱؛ ۲:۱؛ ۳:۱؛ ۴:۱؛ ۵:۱؛ ۶:۱؛ ۷:۱؛ ۸:۱؛ ۹:۱).

- اصطلاح گوشت و خون به مفهوم تمام وجود آدمی است که در ضعف طبیعی خود در نظر گرفته شده است (بنسی:۱۴:۱-۲؛ قرنی:۱۵:۵؛ غلا:۱۶:۱). پطرس مکافه ای الهی دریافت کرده است (همین کلمه در ۱:۲۵-۲۷؛ غلا:۱۶:۱) و با اینکه یسوع این مکافه را کاملاً تأیید نموده معنایی در بردارد که بعداً پطرس نشان می‌دهد ژرفای آن را در کنکرده است (۲:۲۲؛ ۱۶:۲).

- پطرس ترجمه یونانی کلمه آرامی *kepha* (به معنی صخره) می‌باشد. در آن دوران و محیط این کلمه یونانی به عنوان اسم خاص و نام اشخاص به کار برده نمی‌شد. در نوشته‌های عهد جدید گاهی همان کلمه آرامی به خط یونانی نوشته شده است (کیفا: یو:۱:۴؛ قرن:۱:۱۲؛ غلا:۱۶:۱؛ وغیره).

- کلیسا که در زبان یونانی *ekklesia* گفته می‌شود احتمالاً ترجمه کلمه عبری *qahal* می‌باشد که به معنی جمعیت است (یا اینکه ترجمه کلمات *sod* و *edah*^a است که فرقه قمران به عنوان جمعیت برگزیدگان خدا در زمان آخر، خود را به این نام می‌خوانند). در اینجا کلمه کلیسا به معنی جمعیت جدیدی است که یسوع بنا می‌نهد و پطرس پایه آن بنا خواهد بود. اظهارات یسوع با نقش بر جسته ای که پطرس بنا بر مندرجات عهد جدید در نخستین روزهای کلیسا ایفا نموده است تطبیق می‌کند (۱:۱۷؛ ۱:۱۸؛ ۱:۱۹؛ ۱:۲۰؛ ۱:۲۱؛ ۱:۲۲؛ ۱:۲۳؛ ۱:۲۴؛ ۱:۲۵؛ ۱:۲۶؛ ۶:۶-۶:۷؛ ۲:۲۳؛ ۷:۷). کلیسا کاتولیک با توجه به این اظهارات معتقد است که جانشینان پطرس نیز وارث این تقدیم هستند در صورتی که به عقیده ارتدکس‌ها تمام اسفانی که ایمان حقیقی را ابراز می‌کنند در حوزه قلمرو خود به عنوان جانشین پطرس و سایر رسولان قلمداد می‌شوند. اما مفسران پرتوستان موقعيت و نقش ممتاز پطرس را در کلیسا اولیه می‌پذیرند ولی معتقدند که در مورد این اظهارات منظور یسوع فقط شخص پطرس بوده است.

یسوع قدرت بستن و باز کردن را به پطرس و عده می‌دهد که در آینین بهود به مفهوم معنی کردن و اجازه دادن است و مالاً اخراج از جمعیت مذهبی یا پذیرفتن مجده در آن می‌باشد. ملکوت خدا مانند وادی مردگان در روزه دار، بنا بر این تصویر کلیدهای ملکوت اشاره به اختیارات و اقتداری است که در آینین بهود بر پایه تفسیر قوانین بوده و در اینجا بیان و اقرار به این است که یسوع پسر خدا می‌باشد. و عده این اقتدار ابتدا به پطرس و سپس در متون بعدی به کلیه شاگردان یا مجمع رسولان داده می‌شود (۱۸:۱۸)؛ همچینین به شاگردان که دور هم جمع شده بودند داده است (یو:۲:۲۳). این اقتدار مخصوصاً در مورد بخشایش گناهان ظاهر می‌شود و ورود به ملکوت خدا را مقدور می‌سازد. بنا بر این اختیارات مذکور به نوعی مربوط و وابسته به کلیسا ای است که گرچه سیمای آن هنوز مشخص نشده ولی با توجه به قدرت کلیدهای معلوم می‌شود دارای نوعی نظام است.

- تحت اللطفی: درهای هادس. کلمه یونانی *sheol* به معنی جایگاه مردگان می‌باشد (ر.ک اعد:۱۶؛ ۳۳:۱۶). درهای هادس نشانه قدرت مرگ است (ر.ک ایوب:۳۸:۱۷؛ حک:۱۶:۱؛ ۱۳:۱۶)، هادس یعنی جایگاه مردگان نمی‌تواند اعضای جمعیت مسیحیان را که به وسیله یسوع دور هم جمع شده اند در مرگ نگاه دارد.

شایط پیروی از یسوع

(مرقس ۸:۳۴-۳۵؛ لوقا ۹:۱۰-۱۱)

آنگاه یسوع به شاگردانش گفت: «اگر

کسی می خواهد به دنبال من بباید بایستی خود را انکار کند و صلیب خود را برداشته به دنبال من بباید^۷. زیرا کسی که می خواهد جان خود^۸ را نجات دهد آن را از بین خواهد برد ولی کسی که جان خود را به خاطر من از دست بدده آن را خواهد یافت.^۹ و چه نفعی برای انسانی دارد اگر همه دنیا را بدست آورد ولی به جان خود صدمه بزند؟ یا این که انسان در عوض جان خود چه دارد بدده?^{۱۰} زیرا پسر انسان در شکوه پدر خود با فرشتگانش خواهد آمد و آنگاه به هر کسی برابر رفتارش خواهد

یسوع رنج و مرگ و رستاخیز خود

را اعلام می کند

(مرقس ۸:۳۲-۳۳؛ لوقا ۹:۲۲)

^{۱۱} از آن پس^p یسوع^۹ آغاز کرد به شاگردانش نشان دهد که بایستی به اورشلیم برود و از سوی مشایخ و کاهنان اعظم و کاتبان رنج بسیار بکشد و کشته شود و در روز سوم قیام کند.^{۱۰} و پطرس او را کنار کشیده شروع به سرزنش کرده گفت: «حاشا خداوند! این به تو فرانخواهد رسید.^{۱۱} ولی او برگشته به پطرس گفت: «برو، عقب من^t، ای شیطان! تو باعث لغزش من هستی^t زیرا اندیشه های تو از آن خدا نیست، بلکه از آن انسانها^{۱۲}.»

^p- عبارت «از آن پس...» که فقط در ۱۷:۴ آمده نشان می دهد که یسوع می خواهد رسمآ راز پسر انسان رنجور و شکوهمند را مکشوف سازد. سه بار اعلام رنجها، صلیب و رستاخیز یسوع (۱۶:۲۱؛ ۲۲:۲۳؛ ۲۰:۲۳-۲۱؛ ۲۰:۱۷-۱۹) به مراحل عزیمت یسوع به اورشلیم اشاره می کند (۲۰:۱۶؛ ۲۰:۲۱؛ ۲۰:۳۴).

^q- در بعضی نسخه ها «یسوع مسیح» نوشته شده که در انجیل فقط در مت ۱:۱۱-۱۸ و یو ۱:۱۷؛ ۱۷:۳ به کار برده شده است.

^r- در اعلام مصائب و صلیب یسوع، مرقس متن قدیمی تر روایت را حفظ کرده و متن بر طبق اصطلاحات و طرز سخن گفتن زمان خود تغییری در آن داده و به جای «یسوع پس از سه روز رستاخیز خواهد کرد» (مر ۸:۳۱) نوشته است: «در سومین روز» (ر.ک ۱-قرن ۱:۴؛ ضمناً متنی طرز بیان مرقس را در ۲۷:۶۳ می بذیرد). به نظر انجیل نگار اعلام هایی که یسوع درباره رنجها، صلیب و رستاخیز خود می کند بایستی مشیت الهی و اطاعت یسوع را در این وقایع تأیید نمایند و بنابراین سرنوشتی مقدر و حتی نبوده و واقعه ای اتفاقی نیستند. ضمناً متنی تهنا انجیل نگاری است که تکرار می کند یسوع این مطلب را به شاگردان خود خطاب کرده و یادآوری می نماید که اورشلیم محل عمومی رنجهاي او می باشد.

^s- «برو» (ر.ک ۱:۱۰ توضیح^۱). یسوع پیشنهاد پطرس را نمی بذیرد. «عقب من» به رسول امر می کند که جلو نایستد، بلکه مثل شاگرد از عقب بیاید.

^t- ر. ک ۲۹:۵ توضیح^۲.

^u- انسانها. موضوع اختلاف بین فکرهای خدا و نظریات انسان ریشه در عهد عتیق و آیین یهود دوران یسوع دارد.
^v- درباره کلمه به دنبال آمدن ر.ک ۴:۲۰ توضیح^۳. در اینجا یسوع با مفهوم سطحی و ظاهری «به دنبال آمدن» مبارزه می کند. به دنبال آمدن کمتر از خود را فدا کردن و صلیب خود را به دوش کشیدن نیست (در مورد این اصطلاح ر.ک مر ۸:۳۴ توضیح^۴).
^w- جان خود (ر.ک ۱:۱۰ توضیح^۵). در ترجمه یونانی کتاب مقدس نظری متن عبری آن اکثرأ به جای ضمایر شخصی من، تو، او کلمه جان به کار برده شده است (این کلمه در زبان عبری *nephesh* است که به یونانی *psyche* ترجمه می شود). بنابراین در اینجا می توان ترجمه کرد: کسی که بخواهد خود را نجات دهد. ضمناً در ۱۶:۲۴، در جمله «کسی که خود را انکار می کند» ضمیر شخصی به کار برده شده است.

در برابر ایشان تجلی یافت^c، صورت ش چون
خورشید درخشید، لباسهایش مانند نور
سفید شدند.^۳ و اینک موسی و الیاس بر
آنان پدیدار شدند در حالی که با او سخن
می گفتند.^d پطرس به سخن درآمده به
یسوع گفت: «خداوند، چه خوب است که
ما در اینجا هستیم.^e اگر بخواهی در اینجا
سه خیمه^f خواهم زد، یکی برای تو، یکی
برای موسی و یکی برای الیاس.»^۵ در حالی
که هنوز سخن می گفت اینک ابر درخشانی

داد^X. آمین به شما می‌گوییم که در اینجا
۲۳:۱۰ کسانی حاضر هستند که مرگ را نخواهند
۲۱:۰۶ چشید^۷ پیش از آن که آمدن پسر انسان را
با ملکوت‌ش پینند^Z ».

تجلی یسوع

(مرقس ٩:٩-٢٨:٩؛ لوقا ٩:٣٦-٣٧)

۱۷ بعد از شش روز^a یسوع، پطرس و
یعقوب و برادرش یوحنا را برداشت
آن را جدا با خود بر کوهی بلند^b برد. ۲ و

X- متنی برای اینکه نظریه اجر و پاداش شخصی را بیان کند مزد ۴:۲۸ یا ۱۳:۶۲ را نقل نموده است (ر.ک روم ۲:۶؛ ۲:۲) - تیمو ۱۴:۴؛ مکا ۲:۲۳؛ ۱۲:۲۰؛ ۱۲:۲۲). این نظریه که در عهد عتیق ریشه عمیق دارد (ار ۱۰:۱۷؛ ۱۴:۲۵؛ ۱۹:۳۲؛ حرق ۱۸:۳۰؛ هو ۱۲:۳؛ ایوب ۱۱:۳۴؛ امث ۱۲:۲۴؛ بنی ۱۱:۲۶؛ ۲۶:۱۶؛ ۱۴-۱۲:۱۶) در انجیل متنی متصمن دو توضیح و تفسیر جدید است: یکی اینکه بسوع، پسر انسان، همه را در روز آخر داوری خواهد کرد (۲۴:۳۵)، از سوی دیگر متنی مرتبیاً در مورد اهمیت کارهای خیر اصرار می کند، کارهای خیری که فقط به خاطر خدا انجام شود، خدایی که آن را به تو باز خواهد داد (۶:۱۸، ۶:۴).

y- «چشیدن مرگ» اصطلاحی در زبان سامی است: ر.ک لو:۲۷:۹؛ یو:۸:۵؛ عبر:۹:۲.
z- این گفتار یسوع به صراحت متضمن آن است که بعضی از معاصران یسوع نخواهند مرد پیش از آن که شکوه پسر انسان آشکار شود، یسوع مانند همه پیامبران اعلام می کند برای نسل او چه بیش خواهد آمد. ولی مشکل بتوان زمان این ظهرورا تعیین نمود. عده ای تصور کرده اند منظور ویران شدن اورشلیم است، بعضی دیگر آن را ظاهر شدن های یسوع پس از رستاخیز و برخی دیگر تحلیل یسوع به شمار آورده اند.

a- واقعه تجلی مسح موضوع رفتگ پسر انسان به اورشلیم را روشن می کند (ر.ک ۲۱:۱۶ توضیح p) و طبق روایتی که مربوط به قبل از نگارش انجیل های نظری است این واقعه در اورشلیم رخ داده است. خدا به شاگردان گه نمی توانند دریابند استادشان چه راهی را می خواهد پیروی کند (۲۲:۱۶) گوشه ای از جلال پسر خود را نشان داده آنان را وادر می کند به تعليمات او گوش فرا دهدند (ر.ک ۱۷:۵ توضیح h). متی دقت طرح اولیه را حفظ کرده و این روایت را به الهام مکافشه ای تعبیر می کند (ر.ک دان ۱:۱۰-۱۲) اما طبع روابط خاص از آن ذکر نمی کند (۲-بط ۱۷:۱۸-۱۹). در مورد دشی روز و ر.ک ۹:۲ توضیح W.

b- در اینجا محل واقعه به صورت کلی «کوهستان» تعیین نشده (مت ۱۴: ۲۳) بلکه گفته شده بر کوهی بلند، همچنان که در روایت وسوسه بیوو (۸:۴) یا در روایت مأموریت نهایی در جلیل ذکر شده است (۲۸: ۱۶). متی که محل دقیق این کوه را تعیین ننموده احتمالاً خواسته اعلام کند که ظهور نهایی نه بر کوه مقدس صهیون (مز ۶: ۶) بلکه بر کوه زمان آخر را روی خواهد داد که همه ملت‌ها به سوی آن را آورد و جمع خواهند شد (اش ۲: ۲-۳-۴: دان ۹: ۱۱-۱۶). چون بیوو در منطقه قیصریه فیلیپس عبور می‌کرد، به احتمال زیاد این کوه در مرز شمالی سرزمین فلسطین، کوه حرمون با ارتفاع حدود سه هزار متر بوده است.

جواب سوالات

d- موسی والیاس بیشتر از آنکه اولی نماینده تورات و دومی نماینده پیامبران به عنوان پیشگامان و شاهدان عهد جدید ظاهر می شوند. الیاس که مقرر بود پیشگام مسیح موعود باشد (ملا ۲۳:۳؛ ر.ک بنسی ۱۰:۴۸) در متنه که بعداً می آید با وحنا تعیین دهنده یکی دانسته شده (۱۷:۱۲) که به وسیله هیرودیس به قتل رسید (۱۴:۳-۱۲). ضمناً با ظهور الیاس (ر.ک مر ۹:۴ توضیح Z) موسی ظاهر می شود (ر.ک مکا ۱۱:۶-۳) که یهودیان صعود اورا به آسمان به مانند الیاس (۲-پاد ۱۱:۲) و صعود خونخ (پید ۵:۲) می دانند.

توضیح ۳۳: ۹ لو ک ر.

f- ممکن است اشاره به جشن خیمه‌ها باشد (خروج ۱۶:۲۳ توضیح n: لاو ۲۷:۲۳-۳۴؛ تث ۱۶:۱۳).

باید بساید؟»^{۱۱} او پاسخ داده گفت:
 «البته الیاس می آید و همه چیز را به حالت
 اول برخواهد گرداند.^{۱۲} باری به شما
 می گوییم که الیاس هم اکنون آمده است و او
 را نشناختند ولی هر چه خواستند با او
 کردند. همچنین پسر انسان نیز از سوی
 ایشان رنج خواهد کشید.^{۱۳} آنگاه
 شاگردان پی بردنده که وی از یوحنا تعمید^{۱۴}
 دهنده با ایشان سخن می گفت.

شفای مصروع (مرقس ۹:۲۹-۱۴:۶؛ لوقا ۹:۳۷-۴۳)

^{۱۴} و چون به نزدیک انبیوه مردم آمده
 بودند مردی به سوی او پیش آمده به زانوی
 او افتاد.^{۱۵} و گفت: «خداؤندا! بر پسر من
 ترجم نما چونکه ماه زده است^۱ و بدهال
 زیرا بارها در آتش یا بارها در آب می افتد.^{۱۶}
 او را نزد شاگردان آوردم و نتوانستند

آنان را به زیر سایه خود گرفت^۵ و اینک
 صدایی از ابرآمده می گفت: «این است
 پسر من، آن محبوب که همه از او
 خوشنودم. او را بشنوید.^۶»^۶ و شاگردان با
 شنیدن این، به روی درافتاده بسیار
 ترسیدند.^۷ و یسعی پیش آمده، آنان را
 لمس کرده گفت: «قیام کنید و مترسید!^۸
 و چون چشمها را بلند کردن کسی را
 ندیدند مگر خود یسعی را تنها.^۹ و چون از
 کوه پایین می آمدند یسعی به ایشان فرمان
 داده گفت: «تا هنگامی که پسر انسان از
 میان مردگان قیام نکند از آنچه دیده اید به
 هیچ کس چیزی نگویید.^۱

گفتگو درباره الیاس (مرقس ۹:۱۱-۱۳)

^{۱۰} و شاگردان از اسوال کرده گفتند:
 «پس کاتبان چه می گویند که اول الیاس

g- ابر نشانه تجلی خداوند است (ر. ک ۲-۷:۲-۸) چنان که در کوه سینا (خروج ۱۹:۶-۵:۲۴) و بر چادر اجتماعع (خروج ۳۴:۴-۳۵) و نیز بر روی معبد (۱-۱۰:۸-۱۲) دیده می شد. (ر. ک ۱۰:۳۵ توضیح ۱)

h- به هنگام تعمید (مت ۱۷:۳) صدایی از آسمان یسعی را به عنوان پسر (ر. ک ۷:۲) و خادم (اش ۱:۴۲) معرفی کرده بود. در واقعه تجلی بیش از هر چیز اورا به عنوان پیامبری تعیین می کند که همه قوم بایستی به او گوش فرا دهند (ر. ک ۲۲:۳-۴ اع ۱۵:۱۸ می باشد). در موقع تعمید، صدای آسمانی خطاب به یسعی بود و موقع تجلی به شاگردان و به وسیله آنان به «انبوه مردمان» خطاب می شود.

i- در نوشته های مکافثه ای، توصیه راز نگهداری در مورد آنچه از آسمان الهام می شود موضوعی عادی است (ر. ک دان ۹:۴-۱۲) این نکته را انجیل نظیر و مخصوصاً انجیل مرقس در مورد «سر مسیح موعود» تأکید کرده اند (مت ۸:۴؛ ۳۰:۹؛ ۳۰:۸؛ ۱۶:۲۰؛ ر. ک مر ۴:۳۴ توضیح p: دستور حفظ سکوت به دیوهای ۴:۳۴-۱۶:۲۰).

j- طبق روایتی بر اساس ملا ۳:۲۳، الیاس را پیشگام مسیح موعود می دانستند که بایستی قوم را در وحدت و وفاداری گرد هم آورده برای ملاقات با مسیح آماده نماید. در آیات ۱۲ و ۱۳ یوحنا تعمید دهنده به عنوان الیاس معرفی می شود که آمده و قومش اورا نیزدیرفته است. سرنوشتی واحد، یسعی و پیشگام او را به یکدیگر پیوند می دهد و مسلمان کاتبان این نکته را می دانستند و از این رو نمی توانستند هیچ عذر و بهانه ای داشته باشند.

k- در مورد اعلام های مربوط به رنجها و صلیب یسعی ر. ک ۲۱:۱۶ وی در اینجا ذکری از رستاخیز نمی شود (ر. ک آیه ۹). با این وجود عید گذار به یونانی paska و رنج کشیدن paskein می باشد. ممکن است در این اشاره ای باشد که مسیح با رنج خود به سوی پدر گذرا خواهد کرد.

l- چنین به نظر می رسد که منظور شخصی مصروع است. اصولاً در کشورهای غربی تقریباً تا آغاز دوران جدید تصور می کردند حمله بیماری صرع با مراحل مختلف قرص ماه (بدر، هلال و غیره) بستگی دارد. مرقس و لوقا از همان ابتدا این بیماری را مربوط به تأثیر روح پلید دانسته اند ولی متنی فقط پس از اینکه یسعی آنها را بیرون می راند وجود روح پلید را می پذیرد.

**یسوع بار دیگر رنج و مرگ و
رستاخیز خود را اعلام می کند**
(مرقس: ۹؛ ۳۰-۳۲؛ لوقا: ۴۵-۴۲)

۲۲ چون در جلیل دور هم گرد آمده بودند ۲۱:۱۶
یسوع بدیشان گفت: «به زودی پسر انسان
به دست انسانها تسلیم می گردد.^{۲۳} و او را
خواهند کشت و در روز سوم قیام خواهد
کرد.» و ایشان بسیار اندوهگین شدند.

یسوع و پطرس عشیره می پردازند

۲۴ چون به کفرناحوم رسیدند گیرنگان
عشیره^P نزد پطرس پیش آمده گفتند: «آیا خروج: ۲۸؛ ۱۳:۳۰-۲۶»
استاد شما عشیره نمی پردازد؟»^{۲۵} گفت:
«چرا» و وقتی [پطرس] به خانه وارد شد
یسوع پیشستی کرده گفت: «شمعون! چه
می پنداشی؟ پادشاهان زمین از چه کسی
عوارض یا خراج می گیرند؟ از پسران خود^۹
یا از بیگانگان؟»^{۲۶} چون گفته بود: «از
بیگانگان» یسوع به او گفت: «پس پسران

او را شفا دهند.»^{۱۷} یسوع در پاسخ گفت:
تث: ۳۲، ۵:۲۰ «ای نسل بی ایمان و منحرف! تا به کی با
شما باشم^m? تا به کی شما را تحمل کنم?
او را اینجا نزد من آرید.»^{۱۸} و یسوع او را
نهیب زد و دیو از او بیرون آمد که از آن
ساعت شفا یافت.^{۱۹} آنگاه شاگردان نزد
یوسف آمده جدا به او گفتند: «چرا ما
یو: ۴، ۵:۳؛ ۱۵:۲۸؛ ۸:۲۲؛ ۸:۱۳؛ ۱:۱۳-۱:۲۱»
نتوانستیم او را برانیم؟»^{۲۰} به ایشان گفت:
«به دلیل کم ایمانی شما. آمین، البته به
شما می گویم اگر به اندازه یک دانه خردل
۱-قرن ۱:۱۳ ایمان داشته باشید به این کوه می گویید: از
اینجا به آنجا برو و او خواهد رفت و هیچ
چیز برایتان غیر مقدور نخواهد بود.ⁿ^{۲۱} و
اما این نوع بیرون نمی رود جز به دعا و
روزه^۰.»

m- مشکل بتوان گفت خطاب این سخنان یسوع به پدر بیمار است که به او مراجعه کرده بود بلکه چنین به نظر می رسد که از ورای شاگردان خود و انبوه مردمانی که مخاطب او نبودند این مطالب را به تمام بی ایمانان خطاب می کند (ر. ک ۱:۱۱؛ ۱۶:۱۱). (۴۵-۳۹:۱۲).

n- فرد ایماندار می تواند به مانند خدا (اش: ۴:۴۰) کوهی را جابه جا کند (این کوه). متن روایت خود را صریحاً به صورت نصیحت درباره ایمان درآورده است؛ بدین معنی که گفتار یسوع را که در لو ۱۷:۶ در اوضاع دیگری است با تفاوت مختصری در اینجا وارد کرده است. از سوی دیگر مت ۲۱:۲۱ (ر. ک مر ۱۱:۲۲-۲۳) درباره همین گفتار را بدون ذکر دانه خردل آورده تا توجه را به این نکته جلب نماید که در دعا کردن تردیدی روا ندارند.

o- بعضی از منتقدان بر این باورند که این آیه اضافی است، نه بدان سبب که گواهی و تصدیق نشده بلکه برای هماهنگی با مر ۲۹:۹ بعداً در اینجا افزوده شده است. منتقدان دیگری به هیچ وجه این دلیل را نبیندیرفته و آن را به همین صورت حفظ می کنند. به نظر ایشان در روایاتی که پیش از انجیل نظری نقل می شده قسمت دوم آیه ۲۰ را در متنی که نزدیک به نوشته مرقس است وارد کرده اند. در مورد روزه ر. ک ۶:۱۶ توضیح k.

p- عشیره: مالیات پرداختی به معبد که مبلغ دو درهم یا نیم شیکل بوده است و کلیه اسرائیلیان ذکور، حتی آنانی که در خارج از فلسطین به سر می بردند موظف بودند سالی یک بار این مبلغ را برای هزینه های معبد پردازند. این مالیات به پول رایج یهودی پرداخت می شد و بدین گونه می توان حضور صرافانی را که در میدان جلو معبد مستقر شده بودند توضیح داد (یو: ۱۲:۲۱؛ ۱۵:۲۱).

q- منتظر از پسران پادشاهان زمین ممکن است خانواده آنان یا مجموعه ملت پادشاهان باشد. یسوع به عنوان عضو ملت اسرائیل یا بر طبق تفسیری که بهتر با اوضاع و احوال تطبیق می کند به عنوان پسر خدا، خداوند معبد است و می تواند مالیات نپردازد با این همه به دلیلی که در آیه ۲۷ توضیح داده شده مالیات خواهد پرداخت و پطرس هم در این عمل شرکت می کند.

این کودک^۷ پائین آورد، او در مملکوت ^{۲۰:۲۶-۲۷؛ ۴۳:۴-۵} آسمانها بزرگتر است.^۵ و کسی که به خاطر ^{۲۶:۲۲} نام من چنین کودکی را بپذیرد مرا ^{۴۰:۰؛ ۱۰:۰} می‌پذیرد.^w ^{۱۶:۱؛ ۲۰:۱۳}

بر حذر داشتن

(مرقس ۹: ۴۲-۴۸؛ لوقا ۱۷: ۲-۱)

^۶ «هر کس موجب لغزش یکی از این کوچکان شود^x که به من ایمان آورده اند به سود او باشد که سنگ آسیابی^y به دور گردنش آویخته در اعماق دریا غرق شود.^۷ وای بر دنیا^z از این لغزش‌ها!^a البته ناگزیر لغزش‌ها روی دهد، اما وای بر انسانی که لغزش بوسیله او روی می‌دهد.^۸ اگر دست تو یا پای تو تورا می‌لغزاند آن را بپُر و از خود دور انداز؛ برای تو بهتر است علیل یا لنگ که به زندگی وارد شوی^b تا اینکه با دو دست یا دو پایت به آتش ابدی

از آن آزاد هستند.^r ^{۲۷} ولی برای این که موجب لغزش^s آنان نشویم به دریا برو!
قلاب بینداز و اولین ماهی را که بالا بباید^t بگیر، دهانش را باز کن و یک سکه^t خواهی یافت. آن را بگیر و بابت من و تو به ایشان بده!»

در مملکوت چه کسی بزرگتر است؟

(مرقس ۹: ۴۶-۴۸؛ لوقا ۹: ۳۷-۴۶)

^{۱۸} ^۱ در آن ساعت شاگردان نزد یسوع آمده گفتند: «درواقع چه کسی در مملکوت آسمانها بزرگتر است؟» ^۲ و او کودکی را نزد خود خوانده، اورا در میان ایشان قرارداد. ^۳ و گفت: «آمین به شما می‌گویم اگر شما دگرگون نشوید و مانند کودکان^u نگردید به مملکوت آسمانها وارد نخواهید شد. ^۴ پس کسی که خود را مانند

r- پسران یعنی یسوع و شاگردانش شرعاً آزاد هستند که بر طبق اصولی که در ابتدای آیه ذکر شده مالیات نپردازند.

s- «سقوط» ر. ک ۲۹:۵ توضیح.

t- یک استاتر. واحد پول قدیم یونانی و برابر چهار درهم یعنی مالیاتی که دو نفر می‌بايست پردازند.

u- کودک (ترجمه کلمه یونانی paidion) که در ۲:۱۱؛ ۱۱:۱۱؛ ۱۶:۱۱؛ ۱۶:۱۶؛ ۱۳:۱۶ نیز به کار رفته است). این کلمه به مفهوم کودک خردسال نیست (شاید به استثنای ۱۹:۱۳-۱۴؛ ۱۹:۱۶ نیز به کار برده شده که می‌توان کودک خردسال ترجمه کرد. در اینجا موضوع مربوط به کودکی است که می‌تواند به ندای یسوع پاسخ دهد. ضمناً این کودک به عنوان نماد بی‌گناهی، پاکی و فضیلت اخلاقی ارائه شده و برخلاف اخلاقی اراده شدن یا ادعایی ندارد بلکه در وابستگی و تابعیت دیگران زندگی می‌کند).

v- دگرگونی به معنی بازگشت (مت ۷:۷ و توبه (لو ۶:۷).

w- در اینجا موضوع بحث تغییر داده شده بدین معنی که تا کنون شاگردان تشویق می‌شوند خود را بسانند کودکان کوچک شمارند و آنکه توصیه می‌شود کودکان را بپذیرند.

x- ر. ک ۲۹:۵ توضیح.

y- ر. ک مر ۴۲:۹ توضیح.

z- در اینجا و در ۸:۵؛ ۱۴:۵؛ ۱۳:۲۶ کلمه دنیا شامل مجموعه افراد بشر است و منظور طبیعت جهان و کیهان یا چنانکه در انجیل یوحنا ذکر شده بشریت در مقابل ظهور الهی نیست. بر این بشریت شیطان تسلط دارد (۴:۱-۱۱) و بنا بر این بیچاره است و در آن افراد کوچک ممکن است دچار لغزش شوند، البته در مورد شاگردان یسوع دیگر وضع بدین گونه نیست.

a- ر. ک ۲۹:۵ توضیح.

b- منظور از وارد شدن به زندگی در اینجا تولد و به دنیا آمدن نیست بلکه سهیم شدن در نجات و بهره گرفتن از زندگی جاویدان است. این کلمه در ۷:۲۵؛ ۲۹:۱۶؛ ۱۹:۱۴ نیز همین معنی را دارد.

کوه‌ها ره‌نمی کند تا برود و گمشدۀ را
جستجو کند؟^{۱۳} و اگر اتفاقاً آن را پیدا
کند، آمین به شما می‌گوییم به خاطر آن یکی
بیشتر خوشحال می‌شود تا به خاطر نود و نه
تایی که گم نشده‌اند.^{۱۴} همچنین خواست
پدر شما که در آسمان‌هاست آن نیست که
حتی یکی از این کوچکان از بین برود.^f

تفاهم برادرانه

^{۱۵} «اگر برادرت گناهی کرده^g برو و در لو^{۳:۱۷}
بین خودت و او در تنها‌ی او را سرزنش
کن، اگر به تو گوش بددهد برادرت را به
دست آورده‌ای.^{۱۶} اگر به تو گوش ندهد
باز با خودت یک یا دو نفر بردار تا همه^{۱:۱۳-۲:۱۷}
چیز با گفتن دو یا سه شاهد قرار گیرد.^{۱:۱۷}
^{۱:۱۷-۲:۱۷} اگر به ایشان گوش ندهد آن را به کلیسا

افکنده شوی.^۹ و اگر چشم تو تورا
می‌لغزاند، آن را برگن و از خود دور انداز:
برای تو بهتر است با یک چشم به زندگی
وارد شوی تا این که با دو چشم در جهنم
آتش افکنده شوی.

گوسفند گمشده

(لوقا ۱۵:۷-۱)

^{۱۰} «زنهر هیچیک از این کوچکان را
خوار مشمارید زیرا به شما می‌گوییم که
فرشتگان ایشان در آسمان مدام چهره پدرم
را که در آسمان‌ها است می‌نگرنند.^{۱۱} زیرا
پسر انسان آمده تا آنچه را از بین رفته بود
نجات دهد.^d ^{۱۲} چه می‌پندارید؟ اگر
انسانی صد گوسفند داشته باشد و فقط
یکی از آنها گم شود آیا نود و نه تا را بر

c- در اینجا فرشتگان به خدمت کوچکتران گمارده شده‌اند. این نظر در آینین یهود دوران یسوع وجود ندارد. ضمناً افراد حقیر و
کوچک در خور بزرگترین مراتب احترام هستند زیرا فرشتگانی که از آنان مراقبت می‌کنند در سلسله مراتب آسمانی بالاترین
مقام را دارند و می‌توانند در حضور خدا قرار گیرند، در صورتی که برای فرشتگان دیگر مجاز نیست.

d- این آیه در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی وجود ندارد، ر.ک لو^{۱:۱۹}.

e- در لو^{۴:۶} سخن از گوسفندی است که در انجیل متی موضوع گوسفندی است که گم شده است
(آیات ۱۲، ۱۳، ۱۴). لوقا درباره کسانی می‌اندیشد که از دست رفته‌اند و یسوع می‌آید تا آنان را نجات دهد در صورتی که
متی ظاهراً به اعضای حقیر و ناچیز جامعه (آیه ۱۰) می‌اندیشد که مسکن است به سبب تحقیر (آیه ۱۰) یا بر اثر سخت گیری
شدید (آیه ۲۱) که برآنان وارد می‌شود از دست بروند. در انجیل متی نظیر عقاید یهودیان معاصر او خطر گم شدن مخصوص
دوران آمدن مسیح می‌باشد و این گم شدن بیش از آنکه اخلاقی باشد جنبه عقیدتی دارد (مت ۱۱:۲۴، ۱۲:۲-۲:۲۶؛ تیمو^{۳:۱۳}).

f- ر.ک حرق^{۱:۱۱}؛ بیو^{۱:۱۱}؛ مکا^{۱:۱۲}؛ مکا^{۱:۹}؛ ۲۰:۱۹.

g- این عبارت را می‌توان به طریق دیگری ترجمه کرد که تعدادی از نسخه‌های خطی آن را تأیید می‌کنند: هرگاه برادر تو بر ضد
تو گناه کند (ر.ک لو^{۳:۱۷}). در مقررات فرقه قمران مطالی وجود دارد که قسمتی از آنها نظری مطالب آیات ۱۵ و ۱۷ است
ولی در حالی که مقررات فرقه مذکور سختگیر و غیر قابل انعطاف هستند چنین به نظر می‌رسد که این آیات به منظور آن است
که تعصّب مسیحیان را در اخراج و طرد فوری گناهکاران تقلیل دهد. در اینجا یسوع توصیه می‌کند پیش از آنکه موضوع به
تمام جماعت مسیحیان اطلاع داده شود بایستی گناهکاران را برادرانه و به تکرار نکوهش و اصلاح کرد. هرگاه کلمات «بر ضد
تو» که در تعدادی از نسخه‌های خطی وجود دارد به این آیه افزوده شود موضوع جنبه فردی و شخصی خواهد داشت که احتمالاً
درست نیست (ر.ک لا^{۱:۷}؛ تی^{۱:۱۷}؛ تی^{۱:۹}).

h- به دست آوردن. (همین فعل در ۱۶:۲۶ و مخصوصاً در ۱۶:۲۵ به همین مفهوم به کار برده شده است).
منظور این نیست که کسی را به عنوان دوست شخصی حفظ کرده یا او را به ایمان هدایت نمود بلکه یکی از اعضاء را که در
شرف ترک جماعت یا طرد از جماعت باشد حفظ کرد.

بار؟»^{۲۲} یسوع به او گفت: «به تو نمی‌گویم تا هفت بار بلکه تا هفتاد هفت بار.^m

بدهکار بی رحم

^{۲۳} «بنابراین ملکوت آسمانها مانند پادشاهی است که خواست حساب خود را با خدمتکارانشⁿ تسویه کند.

۲۴ هنگامی که شروع به تسویه می‌کرد، یکی را نزد وی آوردند که ده هزار تالان^۰ بدهکار بود.

۲۵ چون چیزی نداشت که باز دهد خداوند دستور داد او و زنش و فرزندانش و هر چه داشت بفروشند تا [بدهی] پس داده شود.

۲۶ خدمتکار به پاهای او افتاده در برابر شس سجده می‌کرد و می‌گفت: با من صبر کن و من همه را به تو پس خواهم داد.

۲۷ خداوند این خدمتکار را می‌گذاشت برود و بدهی او را بخشدید.

۲۸ این خدمتکار به لوازی^{۲۷} هنگام خارج شدن، یکی از هم قطاران خود را یافت که به او صد دینار^p بدهکار بود و

بگو، اگر به کلیسا^۱ نیز گوش ندهد در نظر تو مانند مشرک و خراج گیر باشد.^۲

۲۹ آمین به شما می‌گویم هر چه بزرگی^{۱۸} بینید در آسمان بسته خواهد شد و هر چه بزرگی^{۱۹} باز کنید در آسمان^k باز خواهد شد.

با هم دعا کنید

۲۰ «باز [آمین] به شما می‌گویم اگر دو نفر از بین شما برای درخواست هر چیز، بر روی زمین تفاهم کنند از جانب پدر من که در آسمانهاست برایشان انجام خواهد شد.

۲۱ زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من گرد آمده باشند آنجا در میان آنان من هستم.^۱

بخشش در بین برادران

(لوقا ۱۷:۴)

۲۲ آنگاه پطرس پیش آمده به او گفت: «خداوند! چند بار برادرم بر ضد من گناه کنید تا من بر او ببخشم؟ آیا تا هفت

۱- قدرت کلیدها که قبل^a به پطرس عطا شده بود (۱۹:۱۶) در اینجا به شنوندگان این کلام یعنی جماعت مسیحیان یا به گروه رسولان تفویض می‌شود. این آیه و ۱۸:۱۶ تنها آیاتی در چهار انجیل هستند که کلمه کلیسا ذکر شده است (ر. ک ۱۸:۱۶ توضیح n).

۲- یعنی: دیگر به ایشان مپرداز زیرا دیگر مسئول آنان نیستی. یا شاید فقط یسوع می‌تواند در این مورد کاری بکند.

۳- این گفتار یسوع اجازه‌ای برای جمیعت‌های کوچک و منزوی نیست زیرا از ترکیب عبارت بر می‌آید که این دو یا سه نفر در کلیسا (آیه ۱۷) یعنی جماعت واحد ایمانداران دور هم گرد آمده‌اند. از سوی دیگر هدف این کلمات یسوع آن نیست که وعده دهد در هر دعایی که به نام او بیان می‌شود حضور دارد (که نیازی به گفتن ندارد) بلکه هر نوع اقدامی را که در داخل کلیسا برای اصلاح دیگران و آشتبایی بین برادران انجام می‌شود تشویق کرده و آنان را از حضور خود مطمئن سازد.

۴- در نسخه دیگری آمده است: هفتاد و هفت بار. به هر صورت این عبارت به مفهوم بی نهایت است.

۵- در روایتهای کتاب مقدس این کلمه همواره به معنی خدمتکاران نیست بلکه در موارد زیادی افراد مهمی می‌باشد (۱-۱۳:۲-۲ پاد:۵:۶؛ مت:۱۳:۲۷-۲۰:۲۵).

۶- یک تالان یعنی ۶۰۰۰ دینار طبق مت ۶:۲۰ یک دینار طبق مت ۹:۲۰ دستمزد یک روز کار بوده و بنابراین یک تالان یعنی دستمزد ۲۰ سال کار. تمام مبلغی که سالانه به عنوان مالیات از استان یهودیه گرفته می‌شد معادل ۶۰۰ تالان بود. این ارقام نشان می‌دهند که خدمتکار در وضعیتی دشوار بوده و راه گریزی نداشته و خلاصی خود را تنها مدبون ترمیم ارباب خواهد بود (آیه ۲۷).

۷- وضعیت انسان در برابر خدا چنین است، ر. ک آیه ۳۳ و دینی که دیگران به ما دارند در مقابل دین ما به خدا ناچیز است.

۸- این مبلغ در مقایسه با مبلغ قبلی بسیار ناچیز است (ر. ک آیه ۲۴ توضیح o). در اینجا عدم تناسب بین این دو بدهی نشان داده شده است.

اردن^۱ آمد. ^۲ و انبوهر مردمان بسیاری به دنبال او آمدند و در آنجا آنان را شفای داد.
^۳ فریسان نزد او آمده برای اینکه او را به تجربه گذارند گفتند: «آیا جایز است به هر علتی زن خود را طلاق داد؟» ^۴ در پاسخ گفت: «آیا نخوانده اید که آفریدگار از آغاز آنها را نر و ماده آفرید؟ ^۵ و گفت به همین سبب مرد پدر و مادر را ترک خواهد افس:۵:۳۱ کرد و به زنش خواهد پیوست و آن دو یک قرن:۶:۱-۱۶ تزن خواهد شد! ^۶ به طوری که ایشان دیگر نه دو تن بلکه یک تن هستند. پس آنچه را خدا به هم پیوسته انسان از هم جدا نکند. ^۷ به او گفتند: «پس چرا موسی فرمان داده است طلاق نامه ای داده طلاق دهند؟» ^۸ به ایشان گفت: «به سبب سنگدلی شماست که موسی به شما اجازه داده زنان خود را طلاق دهید، ولی از آغاز چنین نبود». ^۹ به شما می گوییم کسی که زن خود را جز به سبب روسپی^{۱۰} طلاق گوید و با زن دیگری ازدواج کند زنا می کند.»

ازدواج و تجرد

^{۱۰} شاگردان به او گفتند: «اگر وضع مرد قرن:۷:۱-۲:۹ با زن چنین است ازدواج کردن سودی ندارد.» ^{۱۱} به آنان گفت: «همه این سخن را در ک نمی کنند مگر کسانی که به ایشان قرن:۷:۱-۱۰:۱۱

بر او دست انداخته او را خفه می کرد و می گفت: آنچه به من بدھکاری پس بده. ^{۱۲} پس هم قطارش به پاهای او افتاد و از او درخواست کرده می گفت: با من صیر کن و به تو پس خواهم داد. ^{۱۳} او نخواست بلکه رفت او را به زندان انداخت تا بدھی خود را پس دهد. ^{۱۴} هم قطارانش که آنچه انجام شده بود دیدند بسیار غمگین شدند و رفتند تا آنچه انجام شده بود برای خداوند خود بازگو کنند. ^{۱۵} آنگاه خداوندش اورا خوانده به او گفت: ای خدمتکار شریر! من تمام این بدھی را به تو بخشیدم ^{۱۶} چون که از من خواهش کرده بودی. ^{۱۷} آیا تو هم نمی بایست به هم قطار رحم داشته باشی چنان که من به تور حرم کردم؟ ^{۱۸} و خداوند او خشمگین شده او را به دژخیمان تسلیم کرد تا آن که هر چه به او بدھکار بود پس دهد. ^{۱۹} پدر آسمانی من نیز با شما به همین گونه رفتار خواهد کرد اگر هر کدام از شما برادرش را از صمیم قلب نبخشد.»

بر ضد طلاق

(مرقس:۱۰:۱۲-۱:۱۲؛ لوقا:۱۶:۱۸)

^{۱۹} ^۱ پس هنگامی که یسوع گفتارهای خود را به پایان رسانید از جلیل نقل مکان کرده به قلمرو یهودیه در ماوراء

- ۹- این کلمات که در مثل آمده یادآور کلمات پنجمین درخواست در دعای «ای پدر ما» می باشد.
- ۱۰- اطلاعات جغرا فیزی که در اینجا داده شده میهم است. بر طبق اعلام هایی که درباره مصائب و صلیب یسوع شده یسوع و شاگردانش منطقه جلیل را ترک کرده به سرزمین یهودا یعنی اورشلیم «گذر می کنند». برای این کار از سرزمین سامره عبور نمی نمایند بلکه در ابتدا از قسمت ماوراء اردن یهودا عبور کرده در اریحا از روختانه اردن گذشته و به سوی اورشلیم بالا می روند.
- ۱۱- این سؤال طرز اجرای قانونی را که در تث:۱:۲۴ ذکر شده است مطرح می سازد، مسئله ای که در مدارس ربی های یهود موضوع مباحثه های ظرف و دقیق بوده است.
- ۱۲- نقل قول از پیدا:۲:۵؛ ۲:۵؛ ۲:۲. ۲۴:۲-۱:۱۲
- ۱۳- فرمانی که آفریدگار داده حتی از فرامین موسی مهمتر و ارزشمندتر است.
- ۱۴- در مورد محدودیتهایی که متی ذکر کرده است ر. ک:۳۲:۵ توضیح h.

جوان ثروتمند

(مرقس ۱۰:۱۷-۳۱؛

لوقا ۱۸:۳۰-۳۰:۱۳)

۱۶ و اینک کسی نزد وی آمده گفت: «ای

استاد! چه نیکوئی باید بکنم تا زندگی

جاودانی^a داشته باشم؟»^{۱۷} به او گفت:«چرا درباره نیکوئی از من می پرسی^z? تنها

یکی نیکو است. اگر می خواهی به زندگی

وارد شوی فرمانها را رعایت کن.»^{۱۸} به او لاؤ

گفت: «کدامیں؟» یسوع گفت: «قتل روم ۹:۱۳

خواهی کرد، زنا نخواهی کرد، دزدی

خواهی کرد، شهادت دروغ نخواهی داد.

۱۹ به پدر و مادرت احترام بگذار^a و

همسایه خود را مانند خود محبت خواهی روم ۹:۱۳

نمود^b.^{۲۰} مرد جوان به او گفت: «همه

اینها را مراعات کرده ام، دیگر چه کم

دارم؟»^{۲۱} یسوع به او گفت: «اگرمی خواهی کامل^c شوی، برو اموال خود را

بفروش و به بینوایان بده و در آسمانها

ایع ۴:۵؛^{۲۲} بیو ۲:۲؛^{۲۳} لاؤ ۲:۳؛^{۲۴} مر ۴:۳؛^{۲۵}

۳۷-۳۴:۴

عطای شده است.^{۱۲} زیرا خواجهگانی هستند که از شکم مادر خود چنین زاییده شده اند و خواجهگانی هستند که به دست انسان خواجه شده اند و خواجهگانی که خودشان خود را به خاطر ملکوت آسمانها خواجه کرده اند. هر آن کس که می تواند در کنند در باید!^w!

یسوع و کودکان

(مرقس ۱۰:۱۳-۱۶؛ لوقا ۱۸:۱۵-۱۷)

۱۳ آنگاه کودکانی را نزد او آوردند تا دستهایش را برآنان بگذارد و دعا بکند و شاگردان آنان را نهیب زدند.^{۱۴} ولی یسوع گفت: «کودکان^x را بگذارید و مانع نشوید نزد من آیند زیرا ملکوت آسمانها از آن چنین کسانی است.»^{۱۵} و دستها بر ایشان گذاشته از آنجا رفت.

- یسوع درباره ازدواج تعلیماتی داده تا مقام و ارزش اولیه آن (که اراده پرورده گار است) مجدداً برقرار گردد و اکنون به این آموزشها گفتار مرموزی افزوده و اعلام می کند که بدون موہبیت خدا مفهوم آن در ک نمی شود (۱۱:۱۱-۱۵:۹). در این گفتار وضعیت تازه ای مشخص شده که بر اثر فرار سیدن ملکوت آسمانها به وجود می آید. ضمناً این گفتار انتقادی بر ازدواج نیست بلکه وضعیت استثنایی در ارتباط با زمان آخر می باشد و اجرایی در آن نیست: بدین معنی که بعضی از مردمان به اندازه ای مجذوب ملکوت آسمانها می شوند که ازدواج نمی کنند.

x- درباره کودکان ر. ک ۳:۱۸ توضیح u.

y- درباره این اصطلاح ر. ک ۸:۱۸ توضیح b. تمام این قسمت در بین دو بار یادآوری از زندگی جاودان (آیات ۱۶-۲۹) قرار گرفته است. این شیوه نگارش که موضوع اصلی کلام (در اینجا زندگی جاودان) در آغاز و پایان تکرار شود و تشریح مطلب را در بین آنها ذکر کنند روشنی است که «فن ادخال» نامیده می شود و متی این روش را خیلی می پسندد و به کار می برد.

z- اصولاً هر یهودی ایمانداری می باشد بداند که هیچ چیز به خودی خود نیکو نیست و فقط خدا می تواند تصمیم گرفته به وسیله قوانین خود نیکویی را به مردمان الهام کند ولی در این مورد شاید مخاطب یسوع در جستجوی نظریات والاتری است چنانکه در آن دوران غالباً نظریه این مردمان دیده می شد.

a- ر. ک خروج ۲۰:۲۰-۱۶؛ تث ۱۶:۵

b- ر. ک لاؤ ۱۸:۱۹، این نقل قول در این روایت مختص انجیل متی است.

c- کامل: این کلمه مختص روایت متی است (ر. ک ۴۸:۵). تعدادی از مفسرین در تفسیر این قسمت کامل بودن را فقط منحصر به همکاران نزدیک یسوع می دانند. در صورتی که بنا به تعبیر بیشتر مفسران منظور از کامل بودن توصیف هر کسی است که در بیرونی از یسوع قوانین را اجرا نماید (۱۷:۵).

بود؟»^{۲۸} یسوع به ایشان گفت: «آمین! به شما می‌گوییم که شما که مرا پیروی کرده‌اید، در آفرینش تازه^g هنگامی که پسر دان^{۱۴، ۱۰، ۹، ۷} انسان بر تخت شکوه خود بنشیند شما نیز^{۲۱:۲۰} بزرگداشت^{۲۱:۳۷} بر دوازده تخت خواهید نشستت تا دوازده^{۲۱:۳۷} میگان^{۲۱:۱۰} قبیله اسرائیل را داوری کنید.^h^{۲۹} و هر که خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا فرزندان یا کشتزارها را به خاطر نام من رها کند چندین برابر بیشتر دریافت خواهد کرد و وارث زندگی جاودان خواهد شد.^{۲۵:۱۰}^{۲۵:۱۶} بسیاری از نخستین‌ها واپسین و واپسین‌ها نخستین خواهند بود.ⁱ

کارگران یا زده‌های ساعت

۲۰ ^۱ «زیرا مملکوت آسمانها مانند

انسانی، ارباب خانه‌ای است که از

آغاز صبح بیرون شد تا کارگرانی برای^{۳۳، ۲۸:۲۱} طویله^{۱۵} تاکستان خود اجیر کند.^۲ با کارگران،

گنجی خواهی داشت، سپس آمده مرا پیروی کن.»^{۲۲} مرد جوان با شنیدن این مزء^{۱۱:۶۲} سخن بسیار اندوه‌گین شده برفت زیرا دارایی زیادی داشت.

۲۳ یسوع به شاگردان خود گفت: «آمین به شما می‌گوییم که ثروتمند^d مشکل وارد مملکوت آسمانها خواهد شد.^{۲۴} باز هم به شما می‌گوییم برای شتر آسان تر است از سوراخ سوزن^e بگذرد تا اینکه ثروتمندی وارد مملکوت خدا شود.»^{۲۵} شاگردان با شنیدن این، بسیار متوجه شده گفتند: «پس چه کسی می‌تواند نجات یابد؟»^{۲۶} یسوع ممکن است ولی برای خدا همه چیز امکان دارد.^f

۲۷ آنگاه پطرس به سخن درآمده به او گفت: «اینک ما همه چیز را گذاشته تو را پیروی کرده‌ایم، پس برای ما چه خواهد

d- ثروتمند. در مورد ثروتها حتی اگر از راه مشروع به دست آمده باشد انجیل چنین آموزش می‌دهند: ۱- یسوع به مردمان هشدار داده کسی که می‌خواهد به زندگی وارد شود ثروت مانعی در راهش خواهد بود. ۲- یسوع مقرر نکرده کسانی که به دنبال او می‌روند هر چه دارند از دست بدنهند، برخلاف فرقه اسینیان که کلیه نوآموzan خود را ملزم می‌کردند هر چه دارند به نفع جمعیت فرقه بدنهند. ۳- یسوع مردمان ثروتمند و کسانی را که موقعیت اجتماعی مهمی داشتند دوست داشته و آنان را به سوی خود خوانده است بدون اینکه آنان را ملزم کند از موقعیت خود چشم بپوشند.

e- احتمالاً اشاره به سوراخ کوچکی است که در سوزن خیاطی وجود دارد و نه اینکه منظور در کوتاهی باشد که در باروی شهر تعییه می‌کردند. این ضرب المثل کاملاً جنبه شرقی دارد و بایستی با توجه به وضعیت و ترکیب جمله تفسیر شود (ر. ک توضیح قبلی و مت:۵:۳ توضیح d). jamla به زبان آرامی هم به معنی شتر. به احتمال قوی ترجیمه سخن یسوع که به زبان آرامی گفته بود این است: آسان تر است که طناب از سوراخ سوزن بگذرد... و این تعبیر با حرفه ماهیگیران جلیلی که پیروان یسوع بودند بیشتر همانگی دارد.

f- ر. ک پیدا:۱۸:۱۴؛ ار:۳۲:۱۷؛ زک:۸:۶ ترجمه یونانی: ایوب ۲:۴۲

g- در نوشته‌های عهد جدید این کلمه فقط در اینجا و در تبیط ۵:۵ به کار برده شده است. ریشه این کلمه را در ادبیات مکافهه‌ای یهودیان می‌توان بازیافت و به مفهوم احیاء مجدد (و نه تجدید) بشیریت و جهان است که در پایان طرح کنونی جهان انجام خواهد شد. این تغییر و تحول کلی با داوری آغاز خواهد شد (ر. ک ۲۵:۲۱-۴۶) و مبنای ارزش‌های جدید را برقرار خواهد کرد.

h- چنین می‌نماید که یسوع به دوازده رسول و عده‌های دهد در داوری زمان آخر شرکت می‌کنند (ر. ک ۱-۲:۶؛ مکا:۴:۲)؛ تفسیر لوقا در این مورد متفاوت است (لو:۲۲:۳۰ توضیح t).

i- همین سخنان در ۱۶:۲۰ و لو:۳۰:۱۳ آمده است. برخلاف فرقه اسینیان که به افراد خود شکوه و عده داده و مردمان دیگر را محکوم به هلاکت می‌دانستند. یسوع معاصران خود را به دو طبقه تقسیم نمی‌کند بلکه هشدار و عده‌ای که می‌دهد مربوط به همه مردمان است.

واپسین‌ها فقط یک ساعت کار کردند و تو آنان را با ما برابر کرده‌ای، ما که سنگینی روز و گرمای سوزان را تحمل کرده‌ایم.^{۱۳} او به یکی از ایشان جواب داده گفت: "رفیق! من به تو بی انصافی نمی‌کنم. آیا با من قرار یک دینار نگذاشتی؟^{۱۴} مال خود را بگیر و برو! من می‌خواهم به این واپسین به اندازهٔ تو بدهم.^{۱۵} آیا اجازه ندارم با مال خود هر چه می‌خواهم بکنم؟ یا چشم تو بد است چون من خوب هستم؟"^{۱۶} بدین سان ^{۲۳:۶}
^{۲۲:۷}
^{۳۱:۱}
^{۳۰:۱۳} واپسین‌ها نخستین خواهند بود و ^{مر}

روزی یک دینار قرار گذاشت و آنان را به تاکستان خود فرستاد.^{۱۷} در حدود ساعت سوم بیرون آمد و دیگرانی را دید که بیکار در میدان ایستاده بودند.^{۱۸} و به آنان گفت: "شما هم به تاکستان بروید و آنچه عدالت است به شما خواهمنم داد."^{۱۹} ایشان رفتند. باز در حدود ساعت ششم و نهم بیرون آمد و همین را کرد.^{۲۰} در حدود ساعت یازدهم بیرون آمد، دیگرانی یافت که در آنجا بودند و به ایشان گفت: "چرا تمام روز را در اینجا بیکار ایستاده اید؟"^{۲۱} به او گفتند: "چون کسی ما را اجیر نکرده است." به ایشان گفت: "شما هم به تاکستان بروید."^{۲۲} همین که غروب فرا رسید، خداوند تاکستان به مباشر خود گفت: "کارگران را ^{لاز:۱۹}
^{۱۳:۱۹}
^{۱۵:۲۴} صدا کرده اجرت ایشان را بده. از واپسین‌ها شروع کن تا به نخستین‌ها.^{۲۳} و یازده ساعتی‌ها آمده هر کدام یک دینار دریافت کردند.^{۲۴} سپس نخستین‌ها آمده خیال کردند که بیشتر دریافت خواهند کرد و ایشان هم هر کدام یک دینار دریافت کردند.^{۲۵} چون دریافت کردند بر ضد ارباب خانه زمزمه کرده^{۲۶} می‌گفتند: "این

یسوع سومین بار رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می‌کند
(مرقس ۱۰: ۳۴-۳۲؛ ۱۸: ۳۴-۳۱)
یسوع به اورشلیم فراز می‌آمد،^{۱۷} چون ^{۲۲:۹} دوازده [تن] را جداگانه با خود برداشت و در راه به ایشان گفت:^{۱۸} «اینکه به اورشلیم فراز می‌آییم و پسر انسان به کاهنان اعظم و کاتبان تسلیم کرده خواهد شد و اورا به مرگ محکوم خواهند کرد. ارباب خانه زمزمه کرده^{۱۹} می‌گفتند: "این

ز- در اینجا احتمالاً مثل اصلی بیان یافته است. این مثل شاید نظری مثل‌های باب پنجم انجیل لوقا خطاب به فریسان است. یسوع نمی‌خواهد موضوع اراده مطلق را که با عدالت منافات دارد مطرح نمی‌کند بلکه می‌خواهد به فریسان نشان دهد که در برابر خداوند برتز و بالاتر از طرز پاداش بشری است که بر مبنای پرداخت اجرت می‌باشد و ما را دعوت می‌کند که در برابر بخشندگی محبت خدا حسادت نورزیم.

k- این سخنان که در جای دیگر و در وضعیت دیگری آمده (۳۰:۱۹) احتمالاً به مثل اصلی (آیه ۱۵) افزوده شده و منظور از آن تأکید بر نحوه توزیع پاداشها می‌باشد (۸:۲۰) و با وضعیت جدیدی که کلیسا‌ای متی داشته تطبیق می‌کند با علم به اینکه مشرکانی که دیرتر خوانده شده بودند پیش از یهودیان که در ابتدا دعوت شده‌اند آمده‌اند. این پاداش، نوعی حق‌الزمہ یعنی پاداش کار نیست که باید پرداخت نمود، بلکه بخشش رایگان است. نخستین‌ها قرارداد داشتند، بعدی هافقط یک قول شفاهی و آخری‌ها هیچ قولی هم نشانیده بودند. آیا در اینجا نوعی پیشرفت در ایمان و اطمینان دیده نمی‌شود؟ بنا براین برای مسیحیان تنها یک پاداش هست که خود مسیح می‌باشد. در بعضی نسخ خطی اضافه شده است: «زیرا بسیاری خوانده شده‌اند ولی اندکی برگزیده.» با توجه به این سخن که از ۱۴:۲۲ گرفته شده می‌توان پنداشت کسانی که در ابتدا خوانده شده بودند (یهودیان) مزد خود را نزدیرفتند و فقط کارگران ساعت یازدهم آن را قبول کردند.

آماده کرده است.»^{۲۴} و با شنیدن [این]^۱، ده [تن] دیگر بر آن دو برادر برآشته شدند.^{۲۵} یسوع ایشان را نزد خواهد گفت: «می‌دانید که رؤسای ملت‌ها بر آنان فرمانروایی می‌کنند و بزرگان اقتدار خود را بر آنان اعمال می‌نمایند.^{۲۶} در بین شما چنین نخواهد بود؛^{۲۷} ولی آن که در بین شما می‌خواهد بزرگ شود خادم شما^{۲۸} لوسیون^{۲۹} خواهد بود.^{۳۰} و آن که در بین شما می‌خواهد نخستین باشد بردۀ شما خواهد بود.^{۳۱} چنان که پسر انسان نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود^{۳۲} را به خاطر بسیاری فدیه دهد.^{۳۳}

دونفرکور در دروازه اریحا

(مرقس ۱۰: ۵۲-۴۶؛ لوقا ۱۸: ۴۳-۳۵)

^{۲۹} و چون از اریحا خارج می‌شدند بسیاری به دنبال او آمدند.^{۳۰} و اینکه دو کور که کنار راه نشسته بودند چون شنیدند^{۳۱}

۱- قرن ۴:۱۵، ۷:۲۴ او را مسخره کنند، او را تازیانه بزنند، به صلیب بکشند و در روز سوم قیام خواهد کرد.^۱

جاہ طلبی و خدمت

(مرقس ۱۰: ۴۵-۳۵؛ لوقا ۲۲: ۲۷-۲۵)

^{۲۰} آنگاه مادر^m پسران زبده با پسرانش نزد وی آمده او را سجده کرد تا از او چیزی درخواست کند.^{۲۱} به او گفت: «چه می‌خواهی؟» به او گفت: «بفرما این دو پسر من، یکی به راست تو و دیگری به چپ تو در ملکوت تو بنشینند.ⁿ»^{۲۲} عیسی در پاسخ گفت: «شما نمی‌دانید چه چیزی درخواست می‌کنید. آیا می‌توانید بنوشید یو ۱۱:۱۸ جامی^۰ را که من خواهم نوشید؟» به او گفتند: «می‌توانیم.^{۲۳}» به ایشان گفت: «جام مرا خواهید نوشید. اما برای نشستن به راست و به چپ من، اعطای آن از آن من نیست:^p بلکه برای آنانی است که پدرم

۱- در مقایسه با دو اعلام قبلی قبلاً مصائب و صلیب و رستاخیز یسوع (۱۱: ۱۶؛ ۲۳-۲۲: ۱۷؛ ۲۳-۲۱: ۱۷) این پیشگویی جزئیات دقیق تری در بردارد: مثلاً نقش مشرکان، تمسخر کردن، شلاق زدن و به صلیب کشیدن ذکر شده است.

m- در روایت مشابهی که در انجیل مرقس آمده (۱۰: ۳۵) سخنی از مادر پسران زبده نیست بلکه این دو نفر به تنها یی نزد یسوع می‌روند. وانگهی عبارت «شما نمی‌دانید...» که در آیه ۲۲ آمده با وضعتی که مرقس روایت کرده بهتر تطبیق می‌نماید و

n- می‌توان تصور کرد مرقس موضوع مادر پسران زبده را مطرح نساخته تا روایت ساده‌تر و پاسخ یسوع روش ترجله نماید.

p- این دو محل فقط جاهای تشریفاتی مجلس شمارنامی آیند بلکه نشستن در این دو محل بدان معنی است که در اقتدار کسی که فرمانروایی می‌کند شریک هستند (ر. ک ۲۸: ۱۹ توضیح h).

۰- نوشیدن جام اشاره به مصائب و مصلوب شدن یسوع است (ر. ک مت ۳۹: ۲۶؛ مر ۱: ۳۸؛ توضیح b).

p- در حقیقت یعقوب در حدود سال ۴۲ میلادی در اورشلیم شهید شد (اع ۲: ۱۲). به علاوه روایتی که بر مبنای این متن است و شهادت یوحنا را اعلام می‌کند مریوط به زمانی طولانی پس از تاریخ مذکور است. یسوع بدون اینکه به صراحت اعلام نماید می‌خواهد در خدمت پدرش و در خدمت مردم باقی بماند (همجین ر. ک ۳۶: ۲۴).

q- این عبارت را می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: از قدرت خود بر آنان سوء استفاده می‌کنند. با این همه منظور از این اعلام یسوع آن نیست که از ماهیت کلی قدرت سیاسی انتقاد نماید بلکه می‌خواهد به شاگردان نشان دهد که قدرت سیاسی نباید

سرمشت ایشان باشد. «فرمانروایی می‌کنند»، تحت اللطفی: «خداآوندی می‌کنند.»

r- فعل یونانی که در اینجا به صورت زمان آینده به کار رفته مفهوم فعل امر را دارد.

s- در مورد اصطلاح «فديه دادن» ر. ک ۲۸: ۲۶ توضیح u و مر ۱: ۴۵ توضیح f. بعضی از نسخه‌های خطی مطالبی نظری لوح ۱۰-۸: ۱۴ اضافه دارند.

به ایشان گفت: «به روستایی که در برابر شماست بروید و همان دم ماده الاغی را بسته خواهید یافت که کره الاغی با اوست. آنها را باز کرده نزد من آورید. ^۳ و اگر کسی به شما چیزی گوید بگوئید خداوند ^x به آنها نیاز دارد» و فوراً آنها را باز خواهد فرستاد. ^۴ این انجام شد تا آنچه پیامبر گفته بود تحقق یابد: ^۵ به دختر صهیون بگوئید اینکه پادشاه تو نزد تو می آید، نرمخو و سوار بر کره الاغ و بر کره حیوانی بارکش. ^۶ پس شاگردان رفتند و برابر آنچه عیسی به ایشان دستور داده بود کرده ^۷ ماده الاغ و کره الاغ را آوردند و بر آنها رداهای خود را گستردند و او بر آنها نشست. ^۸ انبوهی بسیار زیاد ^b رداهای خود را در راه گستردند؛ دیگران شاخه های درختان را بریده در راه می گستردند. ^۹ انبوهی که در جلو او می رفتند و آنان که

که یسوع عبور می کنند، فریاد برآورده می گفتند: «خداوندا، ای پسر داود^t، بر ما ترجم فرما!» ^{۱۰} مردم آنان را نهیب زدند تا خاموش شوند ولی ایشان بلندتر فریاد زده می گفتند: «خداوندا، ای پسر داود بر ما ترجم فرما!» ^{۱۱} و یسوع ایستاد و ایشان را فراخواند و گفت: «چه می خواهید برای شما بکنم؟» ^{۱۲} به او گفتند: «خداوندا، چشمان ما باز شود». ^{۱۳} ^{۱۴} یسوع به ترجم آمده چشمانشان را لمس کرد و همان دم بینای را باز یافتند و به دنبال او رفتند.

ورود مسیحایی به اورشلیم (مرقس ۱۱:۱۱-۱۲؛ لوکا ۱۹:۴۰-۴۱؛ یوحنا ۱۲:۱۶-۱۷)

^۱ و چون به اورشلیم نزدیک شدند ^{۲۱} به بیت فاجی ^v در کوه زیتون آمدند. آنگاه یسوع دو شاگرد را فرستاده ^w

^t- در مورد این عنوان یسوع ر. ک ۲۷:۹ توضیح p. «ترجم فرما» از اصطلاحات مربوط به نیایش کلیسا است و متی غالباً آن را بکار می برد.

^u- طبق مت ۱۱:۵ که نقل قول از اش ۱:۶۱-۳ است معنی تحتاللفظی شفای جسمانی مفهوم نمادین آن را که وصول به نور رستگاری است نفی نمی کنند. ضمناً در روایت یوحنا که مربوط به شفای کور مادرزاد است مفهوم نمادین کاملاً روشن است (یو ۶).

^v- بیت فاجی نام روستایی در دامنه شرقی کوه زیتون است (ر. ک مر ۱۱:۱؛ لو ۱۹:۲۹) که امروزه کفر الطُّور نامیده می شود. ذکر نام روستا در اینجا به منظور آماده کردن زمینه برای آیه ۲۱-۲۲ است که در آن درباره روستا صحبت می شود. ^w- نقل قولی که درباره تحقق یافتن (۱:۴-۵) ذکر شده نمودار نیت متی است، بدین معنی که می خواهد نشان دهد با ورود پیروزمندانه یسوع به اورشلیم پیشگویی زک ۹:۹ تحقق می پذیرد و شامل تهیه مقدمات (۳-۲۱)، ورود به اورشلیم (۶-۹) و اثری که بوجود آورده (۱۱-۱) می باشد.

^x- این مورد تنها جایی در انجیل متی است که یسوع خود را خداوند می نامد.

^y- تفاوتی که این متن با انجیل مرقس دارد این است که در آنجا مالک الاغ با تقاضای یسوع موافقت می کند.

^z- این نقل قول از زک ۹:۹ است که مقدمه آن تغییر یافته (و احتمالاً از اش ۱۱:۶۲) گرفته شده است. ضمناً در بعضی از نسخه ها تفاوت های جزئی وجود دارد (مثلاً نوشه شده: بر ماده الاغی و بر کره الاغی، کره حیوانی بارکش، به جای: حیوانی بارکش و کره ای که جوان است). این توضیحات توصیف طرز ورود مسیح یادشاه به شهر خویش می باشد و اولین توقف بر روی کوه زیتون انجام می گیرد (ر. ک زک ۴:۱۴). ضمناً ورود اوی مانند ورود ثروتمندان و قدرتمندان، سوار بر اسب انجام نمی شود بلکه بر روی همان مرکوب پدران اسرائیل (ر. ک پید ۱۱:۴۹؛ داور ۵:۱۰).

^a- متی که علاقمند است پیشگویی تحقق پذیرد توجهی به عدم احتمال این موضوع ندارد. برخی منتقدان این گونه تفسیر می کنند: یسوع بر روی لباسها نشست.

^b- تحتاللفظی: قسمت عمده انبوه جمعیت.

بیرون راندن فروشنده‌گان از معبد (مرقس ۱۱:۱۵-۱۱:۱۵؛

لوقا ۱۹:۴۸-۴۵؛ یوحنا ۱۳:۲۰-۱۶)

۱۲ و یسوع وارد معبد شده تمام آنانی را که در معبد خرید و فروش می‌کردند بیرون راند و پیشخوان های صرافان و همچنین نیمکت های کبوتر فروشان را واژگون کرد.^g ۱۳ و به ایشان گفت: «نوشته شده است: "خانه من خانه نیایش نامیده خواهد شد" ولی شما آن را غار دزدان می‌کنید.^h ۱۴ و کوران و لنگان در معبد نزد وی آمدندⁱ

۱۵:۲۱ به دنبال او می‌آمدند فریاد می‌کشیدند: ۱۳:۲۳ «هوشیانا^c به پسر داود! مبارک باد آن که لو ۱۳:۲۵ به نام خداوند می‌آید!^d هوشیانا در بالاترین [آسمانها].^e و چون وارد اورشلیم شد تمام شهر به لرزه درآمد^f می‌گفتند: «این کیست؟»^{۱۱} انبوه مردمان می‌گفتند: «این آن پیامبر، یسوع از ناصره جلیل است.^f»

c- هوشیانا. این کلمه اخیراً به صورت آوانویسی hosanna نوشته می‌شود (به معنی نجات بده! ر. ک مز ۱۱:۱۸، آیه ای که قبل از مبارک باد... آمده است). این کلمه در ابتدا فریاد و ندای دعوت بود (ر. ک ۲-۴:۱۳-۱۴، هوشیانا خطاب به پادشاه یهودیان) که مخصوصاً در هفتمین روز حشن خیمه‌ها این ندا را برآورده در حالی که شاخه‌های سیزرا تکان می‌دادند (همچنین به مناسبت موقعیت‌های دیگر ر. ک ۲-۶:۱۰-۷) سپس این کلمه احتمالاً در آینین یهود و به هر صورت در بین مسیحیان اولیه به صورت هلهله و تحسین درآمد که احیاناً مخاطب آن معین و مشخص بود.

d- در اینجا نیز (مانند ۳۹:۲۳) آیات ۲۵ الف و ۲۶ مز ۱۱:۱۸ نقل شده است. ضمناً در روایت رنج و برافرازی مسیح چندین بار از این آیات یاد می‌شود (ر. ک مت ۴۲:۲۱ که آیات ۲۳-۲۲ را نقل می‌کند). به همان گونه که یوحنا تعیید دهنده پیش‌بینی و احساس کرده بود (مت ۱۱:۱۱، ۱۱:۶-۲:۶) یسوع همان کسی است که می‌آید تا دوران مسیحیابی را آغاز نماید (حب ۲:۲ ترجمه یونانی؛ ر. ک عبر ۳۷:۱۰ که می‌گوید: خداوند به قفس خود درمی‌آید؛ ر. ک. قسمت بعدی).

e- فعلی که در مورد وقوع زمین لرزه به کار می‌رود؛ مت ۲۷:۵، ۵:۲۸؛ مکا ۶:۱۳ همان فعلی است که برای توصیف آمدن روز آخر بکار می‌رود. وقتی یسوع به عنوان مسیح پادشاه به اورشلیم وارد می‌شود شهر آشفته است چنان‌که به هنگام اعلام تولد او آشفته شده بود (۳:۲) زیرا زندگی یسوع واقعه‌ای عمومی به شمار می‌رود.

f- متی تنها انجیل نگاری است که گزارش می‌کند انبوه مردمان درباره یسوع چه می‌گویند (ر. ک ۳۳:۹، ۱۲:۲۳). یسوع را به عنوان پیامبر شناخته‌اند (ر. ک مت ۱۶:۱۴؛ ۱۵:۶؛ ۱۵:۱؛ ۱۶:۷؛ ۱۶:۳۹؛ ۲:۲۴) بدون اینکه به اصل و نسب او که از جلیل است اعتراض باشد چنان‌که در یو ۷:۵-۶ (ر. ک مت ۱۳:۱۳) ذکر شده است. ضمناً جامعه مسیحیان اولیه او را به چشم آن پیامبر می‌نگریستند (اع ۳:۲۲-۲۳ که تث ۱۸:۱۵ را نقل می‌کند؛ ر. ک مت ۱۷:۱۷ که تث ۱۸:۲۲-۲۳ را توضیح می‌پرسد؛ یو ۱:۶-۴؛ ۱۴:۷).

g- طرز رفتار یسوع را به چند نوع می‌توان تعبیر کرد: یکی این که عمل مقام و شخصیتی با اقتدار است که قربانی کردن ها را در معبد لغو می‌کند. دیگر این که عملی نمادین به نشانه پاکسازی معبد می‌باشد زیرا از موقعی که آنتیوخوس ایپیان (در سال ۱۶۷ پیش از میلاد) و پیپی (در سال ۶۳ پیش از میلاد) به معبد بی‌حرمتی کرده بودند یهودیان در انتظار تطهیر معبد بودند. بالاخره عمل یسوع را می‌توان اعتراض بر ضد زیاده روحی معاملات صرافان و سوداگران تعبیر نمود زیرا یهودیانی که از خارج می‌آمدند می‌توانستند بوسیله صرافان پول خود را عوض کرده با پول شرعی یهود، هدیه‌ای (مثلاً یک کبوتر) برای معبد خریداری کنند یا دو درهم عشیه مقرر را به معبد بپردازند. این صرافان و سوداگران در رواقه‌های صحن امتهای جای گرفته بودند.

h- یسوع نقش واقعی معبد را به آن برمی‌گرداند تا خانه دعا و نیایش باشد (اش ۵:۵-۷) نه اینکه مغاره دزدان و راهزنان شود (ارمیای نبی در ۱۱:۷ به معبد عتاب کرده و تهدید می‌نماید که بمناسد «شبلوه» منهدم می‌گردد).

i- اشخاص علیلی که بوسیله یسوع شفا می‌یابند یعنی نابینایان و لنگان (ر. ک ۴:۱۱) از همان نوع کسانی هستند که در آغاز فهرست علیلان در سفر لاویان ذکر شده و حق ندارند جزو کاهنان باشند (لاو ۲۱:۱۸) و همچنین از معبد طرد می‌شوند (۲-۲:۸).

۲۰ شاگردان دیده تعجب کرده گفتند:
 «چگونه درخت انجیر فوراً خشک شده است؟»^{۲۱} یسوع در پاسخ به ایشان گفت:
 «آمین! به شما می‌گویم اگر ایمان داشته‌اید،^{۲۲} باشید و شک نکنید نه فقط این را به درخت انجیر توانید کرد بلکه حتی اگر به این کوه بگویید: خود را برداشته به دریا بینداز، این انجام خواهد شد.^m و هر چه در دعا با ایمان درخواست کنید آن را دریافت خواهید کرد.»ⁿ

لو ۱:۱۷-۲:۶-۷؛ قرن ۱:۱۳-۱۴؛ ۱۹:۸

سؤال یهودیان درباره اقتدار یسوع (مرقس ۱۱: ۲۷-۳۳؛ لوقا ۲: ۲۰-۲۷)

۲۳ وارد معبد شده چون آموزش می‌داد، کاهنان اعظم و مشایخ قوم نزد وی آمده گفتند: «به چه اقتداری این را می‌کنی؟ⁿ و چه کسی به تو این اقتدار را داده است؟»^{۲۴} یسوع پاسخ داده به ایشان گفت: «من هم از شما فقط یک سخن می‌پرسم، اگر آن را به من بگویید من هم

و آنان را شفا داد^{۱۵} کاهنان اعظم و کاتبان چون می‌دیدند چیزهای شگفت انجام داده و کودکان را که در معبد فربیاد زده^{۹:۲۱} می‌گفتند «هوشیاننا به پسر داود» برآشتفتند.^{۱۶} و به او گفتند: «آیا آنچه را می‌گویند می‌شنوی؟» یسوع به ایشان گفت: «آری؛ مگر هرگز نخوانده اید: حمد و ثنای خود را به زبان بچه‌ها و شیرخوارگان گذاشته‌ای؟»^{۱۷} و ایشان را ترک کرده از شهر به سوی بیت عنیا^k خارج شد که در آنجا شب را گذرانید.

درخت انجیر بی‌ثمر

(مرقس ۱۱: ۱۲-۱۴؛ ۲۰-۲۵)

^{۱۸} بامدادان، هنگام بازگشت به شهر^{۶:۱۳} گرسنه شد.^{۱۹} و درخت انجیری در نزدیکی راه دیده به سوی آن آمد و در آنجا جز برگ چیزی نیافت و به او گفت: «از این پس تا ابد از تو میوه‌ای برنیاید!» و درخت انجیر همان دم خشکید.^۱

^j- نقل قول از مز ۸:۳. در کلیساي اوليه اين مزمور جزو «نوشته‌های مسيحاني» به شمار می‌آمد (مخصوصاً آيه ۵ مزمور؛ ر.ک عبر ۲:۸-۶:۲؛ قرن ۱:۱۵-۲۷؛ افس ۱:۳-۲۲؛ فی ۱:۳-۲۱؛ ۱-بطری ۲۲:۳). بنا بر اين ممکن است اين نقل قول اشاره به كل مزمور باشد و یسوع را به عنوان آن پسر انسان با تاج جلال و اكرام تعیین می‌کند (و نه بسر انسان به مفهوم عام يعني انساني که در مزمور ذکر شده است).

^k- بيت عنیا. روستایی است که در دامنه شرقی کوه زیتون و در نزدیکی جاده‌ای که از اورشلیم به اريحا می‌رود قرار دارد (مت ۶:۲۶؛ لو ۱:۳۸؛ ۵:۲۴؛ يو ۱:۱۱). امروزه اين محل العازريه نامیده می‌شود. در جريان جشن‌های بزرگ یهود زائرانی که به اورشلیم می‌آمدند عموماً شب را در خارج از دیوارهای شهر می‌گذرانیدند.

^۱- یسوع درخت انجیر را محکوم می‌کند زیرا میوه‌هایی را که می‌خواهد در آن نمی‌یابد. به هر صورت معنی این روایت مبهم است. ممکن است برگهای شاداب و درخشان درخت، نماد ساختمانهای زیبایی معبد باشند که به سبب بی‌حاصلی مذهبی محکوم هستند. این اتفاق شبيه همان واقعه‌اي است که عامل در قوم برگزیده روی داد. آن هنگام که مسیح به باتخت آمد تا میوه روحانی پیدا کند و هیچ نیافت و همین باعث محکومیت این شهر خواهد بود (مت ۲۳: ۳۷-۳۹؛ ر.ک ۱:۱۱-۲۳؛ توضیح ۸).

^m- این جمله در ۲۰:۱۷ هم آمده است (ر.ک توضیح n) و در آنجا با اوضاع و شرایط بیشتر تناسب دارد.

ⁿ- آيات ۲۲-۲۷ از سر نو به شوه بحث و جدل، موضوع قطعی اقتدار یسوع را مطرح می‌کند (ر.ک ۷:۲۹؛ ۶:۹؛ ۱۸:۲۸) و با کلماتی ادا می‌شود که به لحن خاص کتاب مقدس و سخنان یهودیان است: اقتدار او فردی و شخصی نیست که از خود او بوده و نظیر اقتدار شخصی استثنایی باشد بلکه اقتداری ناشی از منبع اصلی است. کاهنان سوال می‌کنند: چه کسی این قدر را به تو داده است؟ آیا خدا یا شیطان یا مردم داده‌اند؟ یا اینکه خودت آن را کسب کرده‌ای؟

اراده پدر را انجام داده است؟» به او گفتند: «نخستین». یسوع به ایشان گفت: «آمین! به شما می‌گویم که خراج گیران و روپیان پیش از شما وارد ملکوت خدا می‌شوند.^{۳۲} زیرا یوحنا در راه عدالت نزد شما آمد و به او ایمان نیاورده بود؛ اما خراج گیران و روپیان به او ایمان آوردند و شما با دیدن این هم بالاخره توبه نکردید تا به او ایمان بیاورید.

باغبانان یاغی (مرقس ۱۲:۱۲-۱:۱۲؛ لوقا ۲۰:۹-۱۹)

^{۳۳} «مثل دیگری گوش کنید. ارباب خانه‌ای بود که تاکستانی کاشت و آن را محصور کرد و در آنجا چرخشتی کند و برجی بنا نمود.^{۳۴} سپس آن را به باغبانانی اجاره داده و به سفر رفت.^{۳۵} وقتی فصل میوه نزدیک شد خادمان خود را نزد باغبانان فرستاد تا میوه‌هاش را بگیرند.^{۳۶} و باغبانان خادمان را گرفته، یکی را

به شما خواهم گفت به چه اقتداری این را برو: ۳۳:۶ می‌کنم.^{۲۵} تعمید یوحنا از کجا بود؟ آسمان^۵ یا از انسانها؟^۶ ایشان در بین خود استدلال کرده می‌گفتند: «اگر بگوییم از آسمان، به ما خواهد گفت پس چرا به او ایمان نیاورده؟^{۲۶} اگر بگوییم از انسانها، از مردم می‌ترسم زیرا همه یوحنارا پیامبر می‌دانند.^{۲۷} و به یسوع پاسخ داده گفتند: «نمی‌دانیم»، او نیز به ایشان گفت: «من هم به شما نمی‌گویم با چه اقتداری این را می‌کنم.»

دو پسر

^{۲۸} «چه می‌پنداشد؟ مردی دو فرزند داشت. نزد نخستین رفته گفت: "فرزنده امروز برو در تاکستان کار کن."^{۲۹} او پاسخ داده گفت: "نمی‌خواهم"^P؛ سپس پیشیمان شده^۴ رفت.^{۳۰} نزد دومی رفته همین را به او گفت و این یکی پاسخ داده گفت: "بله خداوند"^۱ و نرفت.^{۳۱} کدام یک از آن دو

۰- از آسمان یعنی از خدا (ر. ک آیه ۲۳ توضیح n)

p- در بعضی از نسخه‌های خطی ترتیب پاسخهایی که در آیات ۲۹ و ۳۰ داده شده متفاوت است.

q- همین کلمه در ۲۱:۲۲ و ۳:۲۷ به کار برده شده است.

r- بازسازی احتمالی از سرگذشت این مثل را می‌توان چنین تصور کرد: در گفتار یسوع هدف این مثل آینده تاکستان بوده (۴۱:۲۱، ر. ک مر ۱۲:۹) سپس در روایاتی که قبل از نگارش انجیل نظیر نقل می‌شده بیشتر بر سرنوشت پسر توجه شده و از این رو قسمتی از مز ۱۱۸ و اشاراتی از نوشته‌های مقدس افزوده شده است. بالاخره متن تصریح می‌کند که پیدا شدن قوم جدید (۴۳:۲۱) وابسته به سرنوشت یسوع است که سخن می‌گوید، همان کسی که بایستی کشنه شود ولی او قیام خواهد کرد. بنابراین اگر نمی‌خواهند در زیر سنگ زاویه خرد شوند بایستی جانب او را بگیرند. این مثل پس از مقدمه (۳۳:۲۱) از دو قسمت تشکیل می‌شود: صاحب تاکستان با وجود فرستاد مکرر خدمتگزاران و بالاخره پسر خود از شمرة تاکستان محروم می‌ماند (۳۹:۲۱-۳۴:۲۱). سپس تاکستان را به باغبانان دیگری می‌سپارد که برای او میوه خواهند آورد (۴۰:۲۱).

s- در نقل قول از اش ۲:۵ که از ترجمه یونانی پیروی شده توجه خواننده به علاوه مالک به تاکستان معطوف شده از اصل مطلب دور می‌شود و امکان دارد که این نقل قول به این صورت جزو مثل اولیه نبوده باشد (ر. ک لو ۹:۲-۱:۲).

t- متنی بر طبق روش خود تأکید می‌کند که بایستی تمامی محصول تاکستان و نه فقط یک قسمت از آن را تحويل داد (مر ۱۲:۲:۱۰، لو ۲۰:۱۰) و این موضوع طبق دیدگاه معمول متنی است (ر. ک مت ۷:۱۶-۲۰؛ ۱۲:۱۲-۲۰؛ ۳۳:۱۲-۲۰ با لو ۶:۴۳-۴۴). بدین طریق وفاداری نسبت به عهد معلوم می‌شود (ر. ک ۴:۴۳-۴۱:۲۱؛ ۳:۱:۲۱).

ضیافت عروسی (لوقا ۱۴:۱۵-۱۵:۲۴)

۲۲ ^۱ و یسوع به سخن درآمده باز به مثلاً ^۲ ایشان را خطاب کرده گفت: ^۳ «ملکوت آسمانها مانند انسانی، پادشاهی ^۴ است که ازدواج ^d پسرش را برپا کرد. ^۵ و خادمان خود را فرستاد تا خوانده شذگان ^e را به [ضیافت] ازدواج فراخواند و ایشان نمی‌خواستند بیایند. ^۶ باز خادمان دیگری فرستاده گفت: "به خوانده شذگان بگویید اینک ناهارم را آماده کرده‌ام. گاوها! من و پرواری‌ها! من ذبح شده و همه چیز آماده است. به [ضیافت] ازدواج بیایید." ^۷ اما ایشان به آن بی‌اعتنایی کرده رفته‌اند، یکی به کشتزار خود، یکی به

تجارت خود. ^۸ دیگران خادمان او را گرفته به ایشان توهین کرده و آنان را کشته‌اند. ^۹ پادشاه خشمگین شده لشکریان خود را فرستاد تا این قاتلان را به هلاکت رسانده شهرشان را به آتش کشند.^f ^{۱۰} آنگاه به خادمان خود گفت: "[ضیافت] ازدواج آماده است ولی خوانده شذگان شایسته نبودند. ^{۱۱} پس به سر راهها ^g بروید و تمام کسانی را که می‌باشد به [ضیافت] ازدواج دعوت کنید." ^{۱۲} و این بردگان به سر راهها بیرون شده تمام کسانی را که پیدا کردن، از خوب و بد جمع کردن و [تالار] ازدواج پر از میهمان شد. ^{۱۳} پادشاه برای مشاهده میهمانان وارد شده در آنجا مردی را دید که لباس [ضیافت] ازدواج ⁱ بر تن

^b- نظری مثلی که در اینجا روایت می‌شود فقط در انجیل لوقا وجود دارد (لو ۱۴:۱۶-۲۴) ولی متن این مثل در دو انجیل به اندازه‌ای متفاوت است که عده‌ای تردید دارند متشاً آنها از یک روایت باشد. با این همه و با تفاوت‌های موجود، مثل انجیل متی و انجیل لوقا یکی است و نکات انتقادی که در آنها ذکر شده یکی هستند. کلمات خاص انجیل متی یعنی پادشاه، ازدواج و پسر معنای مسیحی‌تر دارند و به شیاهت مثل باغبانان قائل، فرستادن بی در پی خادمین نشانگر تعداد پیامبران و رفتار قوم یهود نسبت به آنان است. ضمناً آیات ۱۱ تا ۱۳ که مختص انجیل متی است به دشواری با مطالب قبلی پیوستگی دارند اما آیه ۱۴ به عنوان نتیجه مثل بسیار بهتر با ۱۰-۱۱ تطبیق می‌کند تا ۱۱-۱۳.

^c- در عهد عتیق و در آیین یهود اکثر آز خدا به عنوان پادشاه صحتی می‌شود.

^d- تحت اللفظی: ازدواج‌ها. صورت جمع به این دلیل است که جشن‌های ازدواج چندین روز طول می‌کشید. اکثراً در کتاب مقدس، نظری این مورد، عروسی نماد مشارکت سرورآمیز و قطعی خدا با قوم خود می‌باشد (ر. ک مت ۱۲-۱:۲۵). در این مثل تکیه کلام در مورد پسر نیست بلکه امتناع نخستین میهمانان از قبول دعوت مورد توجه است.

^e- قبل از دعوت شده بودند و بایستی منتظر می‌مانندند تا به آنان خبر داده شود یعنی علامتی که به آنان علام می‌کرد جشن‌های عروسی آغاز می‌شود. عبارت «فراخواندن» که به صورت مکرر تکرار شده، همان عبارتی است که در خصوص پیروی شاگردان از عیسی استفاده شده است (ر. ک مت ۱۳:۹؛ ۲۱:۴؛ ۱۰:۱؛ ۱۳:۹).

^f- احتمالاً اشاره به ویرانی اورشیم به وسیله رومیان می‌باشد که در سال ۷۰ میلادی رُخ داد. در روایت مشابهی که در لو ۱۴:۲۱-۲۱ آمده این نکته وجود ندارد و می‌توان تصور کرد که آیات ۶ و ۷ انجیل متی بس از ویرانی اورشیم به این مثل افزوده شده یا اینکه اصولاً تمام پس از سال ۷۰ میلادی صورت نهائی به خود گرفته است.

^g- احتمالاً منظور چهارراهی نیست که در داخل شهر یا روستاها وجود دارد بلکه نقطه‌ای در خارج از شهر می‌باشد که جاده‌ها و کوره راههایی که از دهات می‌آیند در آنجا به یکدیگر می‌پیوندند. در اعد ۳۴-۴:۶-۷ این کلمه به معنی مرزهای یک منطقه به کار برد شده است. ضمناً این نکته جزوی تأکید می‌کند که آخرین دعوت به جشن‌های عروسی جنیه‌جهانی دارد.

^h- این جمله ممکن است اشاره به این باشد که در ملکوت، پیش از داوری نهایی، نیکان و بدان در کنار هم حضور دارند (ر. ک ۱۳:۳۷-۴۳) یا بیشتر محتمل است اشاره به فیض خدا باشد که همه مردمان و مخصوصاً گناهکاران را به شرکت در شادمانی ملکوت دعوت می‌نماید (ر. ک ۹:۹-۱۳).

آنچه می‌پنداری به ما بگو. آیا دادن خراجⁿ به قیصر مجاز است یا خیر؟»^{۱۸} یسوع که شرارت ایشان را درک می‌کرد گفت: «ای ریاکاران، چرا مرا به تجربه می‌گذارید؟^{۱۹} سکه خراج^۰ را به من نشان بدھید.» ایشان به او یک دینار نشان دادند.^{۲۰} و او به ایشان گفت: «این تصویر و این نوشته از کیست؟»^{۲۱} گفتند: «از قیصر.» آنگاه به ایشان گفت: «پس آنچه از آن قیصر است روم^{۲۲}:۱۳

رستاخیز مردگان
(مرقس ۱۲:۲۷-۱۸؛ لوقا ۲۰:۲۷-۲۸)
در آن روز صدو قیان که می‌گویند^{۲۳}
رستاخیز وجود ندارد^P نزد او آمده سؤال^{۲۴} اع:۲۳
کرده گفتند: «استاد، موسی گفته است:

نداشت.^{۱۲} و به او گفت: "رفیق، چطور بدون لباس [ضیافت] ازدواج وارد شده ای؟" آن مرد دهان خود را نگشود.^{۱۳} آنگاه پادشاه به خادمان گفت: "دستها و پاها اور را بیندید و او را ببرون بیندازید^{۲۰:۲۵؛ ۱۲:۸} در ظلمات خارج؛ در آنجا گریبه و فشار دندانها خواهد بود."^{۲۸:۱۳} زیرا بسیاری خوانده شده اند و اند کی برگزیده^k.»

پرداخت خراج به قیصر

(مرقس ۱۲:۱۳-۱۷؛ لوقا ۲۰:۲۶-۲۶)

آنگاه فریسیان رفته شور کردند تا او را با سخنی به دام اندازن.^{۱۶} و شاگردان خود و هیرودیسیان^۱ را نزد او فرستاده گفتند: «ای استاد، می‌دانیم که تو برق هستی و راه خدا^m را به حقیقت آموختش می‌دهی و در بند کسی نیستی زیرا به شخصیت انسانها توجهی نداری.^{۱۷} پس

۱- در مورد آیات ۱۱-۱۴ ر. ک ۱:۲۲ توضیح b. اکنون می‌توان پرسید آیا لباس عروسی در اینجا به عنوان نماد ایمان آمده یا شادی از وصول به نجات است یا اینکه نشانه عدالت می‌باشد یعنی نیکویی که متنی دائمآ درباره اهمیت آنها تأکید می‌نماید (۱۶:۵-۲۰؛ ۲۱:۷-۲۲)؟ وضع و ترکیب عبارت، تفسیر اخیر را توصیه می‌کند. دعوت خدا رایگان است ولی در عین حال الزاماً تردید ندارد.

۲- ر. ک ۱۲:۸ توضیح t.

۳- این آبه معماً گونه، احتمالاً اشاره به یهودیان نیست که در ابتدا به نجات دعوت شدند و اکنون با پذیرفتن مسیح طرد می‌شوند بلکه می‌توان گفت به سبب آیات ۱۱-۱۳ برضد کسانی است که از دعوت رایگان خدا سوءاستفاده می‌کنند و ملاً از ملکوت بیرون افکنده می‌شوند.

۴- ر. ک مر ۳:۶ توضیح g. هیرودیسیان یا طرفداران خاندان سلطنتی هیرودیس با رومیان موافقت داشتند و بنابراین با فرقه غیوران مخالف بودند. در صورتی که فرقه فریسیان حضور رومیان را به عنوان کیفر الهی به شمار می‌آوردند و در مورد پرهیز کاری شخصی تأکید می‌کردند (ر. ک مزاریم سلیمان).

۵- ایالت های تابع رم ملزم بودند غیر از مالیاتهای غیر مستقیم (عوارض راه (مت ۹:۹-۱۰)، حقوق گمرکی، مالیاتهای متعدد خراجی به امپراتوری روم بپردازند. مبلغ این خراج برای همه یهودیان به یک اندازه بود. فقط کودکان و کهنسالان از پرداخت آن معاف بودند. این خراج همچون نشانه شرم اور تبعیت قوم از روم به شمار می‌آمد. فرقه غیوران طرفداران خود را از پرداخت آن معنی کردند (ر. ک ۲:۲۳؛ روم ۷:۱۳).

۶- خراج [مالیات سرانه ای که یهودیان به اجبار به خزانه کشور اشغالگر روم می‌پرداختند. اگر حتی در جیب خود چنین سکه ای داشتند بدین معنی بود که نظام رومی را پذیرفته بودند].

۷- فرقه صدو قیان خود را محدود به قوانین مكتوب و مخصوصاً اسفار پنجمگانه (تورات) می‌دانستند و معتقد بودند که در آنها موضوع رستاخیز مردگان وجود ندارد. به طوری که از انشاء این آیه بر می‌آید عیسی و نویسنده انجیل بیشتر به محافل فریسیان علاقمند بوده اند.

^{۳۲} من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب^۱. او خدای مردگان نیست بلکه [خدای] زندگان^۷. »^{۳۳} و چون جماعت این را شنیدند از آموزش او حیرت ^۷ مردگان.
^{۱۳:}:۲۸:۵۴ میر

بیزرنگترین فرمان

(مرقس ۱۲: ۳۴-۲۸؛ لوقا ۱۰: ۲۵-۲۸) فریسیان که شنیدند دهان صدوقیان را بسته به دور هم گرد آمدند.^{۳۴} و یکی از ایشان که عالم شریعت بود برای اینکه وی را به تجربه بگذارد^{۳۵} از او سؤال کرد:^{۳۶} «ای استاد، در نورات کدام فرمان بزرگتر است؟»^{۳۷} به او گفت: «خداآوند، خدای خود را با تمام قلب و تمام روان و تمام ادراک^X خود محبت خواهی کرد.^{۳۸} همین است بزرگترین و نخستین فرمان.^{۳۹} دومی همانند آن است^{۴۰}: همسایه خود را بع^{۴۱} (یوش ۵: ۲۲-۶: ۵)

۸:۳۸ پیدا شد، برادرش به عنوان برادر شوهر، با همسر او ازدواج خواهد کرد و نسلی برای
برادرش قائم خواهد ساخت.^۹ باری در
بین ما هفت برادر بودند و اولی بعد از
ازدواج درگذشت و چون نسلی نداشت زن
خود را به برادرش گذاشت.^{۱۰} به همین
ترتیب دومی و سومی تا هفتمی، آخر از
همه، آن زن مرد.^{۱۱} پس در رستاخیز آن زن
متعلق به کدام یک از آن هفت خواهد بود؟
زیرا همگی او را داشته‌اند.^{۱۲} یوسوپ در
پاسخ به ایشان گفت: «شما خود را گمراه
می‌کنید چون نه نوشته‌های [مقدس] را
می‌شناسید و نه قدرت خدا را.^{۱۳} زیرا در
رستاخیز نه زن می‌گیرند و نه شوهر^{۱۴} بلکه
مانند فرشتگان^{۱۵} در آسمان هستند.^{۱۶} و
درباره رستاخیز مردگان، آیا آن کلامی را
که از خدا به شما اعلام شده نخوانده‌اید؟

۹- رسم ازدواج با بیوہ برادر بر مبنای تئی ۲۵:۵-۱۰ می باشد (ولی در لا ۱۸:۱۶؛ ۲۱:۰ ممنوع شده است) و چنین است که اگر شخصی فوت کند و از او فرزندی به جای نمانده باشد، برادرش بیوہ او را به زنی می گیرد و هدف از برقراری این مقررات آن بوده که نام شخص متوفی باقی مانده وارثی داشته باشد. این رسوم را ملتهای آشوری و «حتی ها» نیز می شناختند ولی از هنگامی که دختران نیز تو انتستد از ارت بهره مند شوند این مقررات اهمیت کمتری یافت (اعداد ۳۶). در اینجا کلمه anasta بکار رفته که در جواب سعدوقیان اشاره ای به رستاخیز است.

۸- تحت الفظیع: ازدواج نمی کنند (هنگامی که از مرد سخن می گویند) و به ازدواج داده نمی شوند (در مورد زنان).

۹- اصطلاح «مانند فرشتگان بودن» به هیچ وجه از اهمیت و ارزش ازدواج نمی کاهد (ر.ک ۱۹: ۳-۹) بلکه در اینجا فقط بدان مفهوم است که فرشتگان کاری خدمت خدا و سنتا، او ندارند (ر.ک ۱۸: ۱۰).

۷- برخلاف صدوقیان که موضوع زندگی پس از مرگ را مسخره می کردند خدا به زندگان علاوه‌مند است. چنانکه نقل قول خروج ۶:۳

نشنان من دهد: خدا به عنوان خدای پدران، خدای زنده ای که تاریخ زندگان را هدایت می کند بر موسی ظاهر شده است.

W- مت ۴۰-۳۵: ۲۲ یک قسمت از مجموعه روایتهایی است که درباره مجادله یسوع با مخالفانش می باشد. در آنجیل مرقس و لوقا جنبه جدلی این روایت‌ها کمتر است. در این قسمت از انجیل، تورات خلاصه شده و بدیع بودن این قسمت در یادآوری محبت به خدا و محبت به دیگران نیست که در عهد عینیک هم ذکر شده است (لاو ۱۸:۹-۱۹:۶؛ تث ۵:۶) بلکه در آن است که یسوع این دو را به یکدیگر نزدیک کرده و برای آنها به یک اندازه اهمیت قائل شده است و مخصوصاً در اینکه تمامی تورات را در این دو فرمان ساده و خلاصه کرده است.

y- شبهات این دو فرمان بدان معنی نیست که یکی هستند بلکه خاصیت و اهمیت مساوی دارند و بنابراین یکی از آن دو نباید جای دیگری را بگیرد چنان که گوئی محبت به همسایه، محبت به خدا را نیز در بردارد و بالعکس (با این همه ر.ک ۴۰:۲۵).

انتقاد از فریسیان
 (مرقس ۱۲:۳۸-۴۰؛
 لوقا ۱۱:۴۷-۵۲؛
 ۲۰:۲۰-۳۹)

آنگاه یسوع جماعت و شاگرانش را خطاب کرده گفت:^d «کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی^e نشسته‌اند.^f پس هر آنچه به شما گویند عمل کنید و مراجعات نمائید ولی برابر اعمال ایشان عمل نکنید.^g ملائکه ایشان عمل نکنید.^h زیرا می‌گویند و عمل نمی‌کنند.ⁱ بارهای سنگینی^j می‌بندند و بر دوش مردم می‌گذارند ولی خود نمی‌خواهند با انگشت آنها را حرکت دهند.^k تمام اعمالی را که انجام می‌دهند برای آن است که انسانها مشاهده کنند. زیرا حمایل‌های^l خود را پنهن و حاشیه‌های لباس^m خود را بزرگ اعدام کنند.ⁿ در ضیافت‌ها نخستین جای^o شما را ربی^p نخوانند زیرا فقط یک استاد

مانند خود^q محبت خواهی کرد.^r تمام روم ۱۰:۱۳ تورات و [کتابهای] پیامبران وابسته به این مت ۱۲:۷ دو فرمان هستند.

پسر داود و خداوند او
 (مرقس ۱۲:۳۷-۳۵؛ لوقا ۲۰:۴۱-۴۴)
 هنگامی که فریسیان دور هم گرد آمده بودند یسوع از ایشان سؤال کرده گفت:^s «در باره مسیح چه می‌پندرارید؟ او پسر کیست؟» به او گفته‌ند: «[پسر] داود».^t یو ۴۲:۷ به ایشان گفت: «پس چگونه داود در روح او را خداوند می‌خواند؟ چنان که گفت:^u ۲-سمو ۲:۲۳ اورا خداوند می‌خواند؟ ۱-قرن ۱۵:۲۵؛ عبر ۱۳:۱ دست] راست من بنشین تا آنگاه که دشمنان را به زیر پاها^v ایستاد.^w ۴۵ پس اگر داود او را خداوند می‌خواند چگونه پسر باشد؟»^x ۴۶ و هیچ کس نتوانست به او یک کلمه پاسخ دهد و از آن روز به بعد دیگر کسی جرأت نکرد از او سوالی بکند.^y

Z- عبارت «مانند خود» بدان معنی است که همسایه خود را باید کاملاً و از صمیم قلب محبت کرد. منظور این نیست که همسایه را به شرط اینکه اول خود را محبت کنیم دوست داشته باشیم، بلکه باید همسایه و خود را به عنوان موهبت خدا با فروتنی محبت کنیم. البته باید مسیح را بالاتر و بیشتر از هر چیز و هر کس محبت نمود (ر. ک ۲۴:۱۶).

a- در مورد مجموعه آیات ۴۱-۴۶ ر. ک مر ۱۲:۳۵ توضیح f.

b- یعنی در اختیار تو (ر. ک مز ۱۱:۱۰).

c- این آیه، نتیجه گیری سه مورد مجادله می‌باشد که قبل آمده است (ر. ک مر ۱۲:۳۴-۳۵؛ لو ۲۰:۴-۵).

d- انجیل نگار در باب ۲۳، گفتارهای یسوع را که در مورد مباحثه و جدل کلیساها او با کنیسه آن زمان مفید بوده یکجا جمع کرده است. لازم به یادآوری است که در آن دوران کنیسه از فرقه فریسیان تبعیت داشت. آچه در این باب می‌توان تشخیص داد از این قرار است: تصویری از کاتبان و فریسیان (۱۲-۱۱)، افسوس به حال آنان (۳۱-۳۲)، نکوهش (۳۲-۳۳) و بالآخره اعلام داوری سهمگینی که بر مخاطبان یسوع فراخواهد رسید (۳۴-۳۶).

e- کرسی موسی: یعنی اقتدار رسمی. یسوع اقتدار کاتبان را که اکنtra به فرقه فریسیان تعلق داشتند تصدیق می‌کند.

f- بارهای سنگین: اصطلاحی یهودی به معنی مجموعه احکام شرعاً که کاتبان نگهبان آنها بودند (ر. ک ۱۱:۳۰).

g- حمایل: کسی‌های کوچکی که گفتارهای اصلی تورات را نوشتند و در آنها جای می‌دادند (خروج ۱۱:۱۰-۱۳؛ ۱۶:۱۱-۱۱:۹-۶؛ ۲۱-۱۳:۹).

h- حاشیه‌های لباس: ر. ک ۲۰:۹ توضیح k. لباس یهودیان دارای حاشیه و ریشه بود ولی فریسیان برای ابراز تقویا در اندازه‌های حاشیه و ریشه‌های لباس خود مبالغه می‌کردند.

است، طلا یا آن قدسی که طلا را مقدس می کند؟^{۱۸} و اگر کسی به قربانگاه قسم خورد چیزی نیست، اگر کسی به قربانی که بر آن است قسم خورد ملزم می باشد.^{۱۹} ای کوران! کدام یک بزرگتر است، قربانی یا خروج^{۲۰} آن قربانگاهی که قربانی را تقدیس می گردد؟^{۲۰} پس هر که به قربانگاه قسم خورد به آن و هر چه برآن است قسم می خورد.^{۲۱} و هر که به قدس قسم خورد به قدس و آن که در آن ساکن است قسم می خورد.^{۲۲} و هر که به آسمان قسم خورد اش^{۲۳} به تخت خدا و او که برآن نشسته قسم اع^{۲۴} می خورد.^{۲۳} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! برای نعناع، شوید و زیره عشريه می پردازید^۰ و چیزی را که در تورات^{۲۷} وزنی عالی تر دارد یعنی عدالت، رحمت و میک^۶ ایمان^p را ترک می کنید. می بايست این را کرد و آن را ترک ننمود.^{۲۴} ای رهبران^{۱۵} کور!^{۲۴} که پشه را با صافی می گیرید و شتر را^{۱۶:۳۳} می بلعید.^{۲۵} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! که بیرون کاسه و بشقاب^{۷:۴} مر

دارید و همه شما برادر هستید.^۱ و در میان خود هیچکس را بر زمین «پدر» نخوانید زیرا پدر آسمانی شما یکی است.^{۱۰} شما را رهبر نخوانند زیرا رهبر شما یکی است یعنی مسیح.^{۱۱} بزرگترین در بین شما خادم^{۲۷:۲۶:۲۰} شما خواهد بود.^{۱۲} هر که خود را بالا می برد به پایین خواهد آمد و آن که خود را سرافکنده سازد برا فراشته شود.^{۱۳} وای بر شمال ای کاتبان و فریسیان ریاکار! ملکوت آسمانها را به روی آدمیان می بندید زیرا خود وارد نمی شوید و کسانی را که می خواهند وارد شوند نمی گذارید وارد شوند.^{۱۴} [...] وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! دریا و خشکی را می پیمایید تا یکی را نوگریوید سازید^۱ و چون شد او را دو بار برتر از خود پسر جهنم می سازید.^{۱۶} وای بر شما ای رهبران^{۱۴:۱۵} کور!^{۱۹:۲} که می گویید:ⁿ اگر کسی به قدس قسم خورد چیزی نیست، اگر کسی به طلاقی قدس قسم خورد ملزم می باشد.^{۱۷} ای ابلهان و ای کوران! کدام یک بزرگتر

^۱- این آیات شاگردان را منع نمی کند که خدمت استادی و تعلیم مذهبی را انجام دهند ولی مجاز نیستند اقتداری را که فقط به مسیح و خدا تعلق دارد غصب کنند.

^۲- تحت الفظی: بدیختی بر شما! این عبارت جنبه نفرین ندارد بلکه درد و رنجی شدید یا غیظ و نفرتی را بیان می کند که تا حد پیشگویی تهدید می رسد (ر.ک ۱۱:۲۱؛ ۱۸:۲۶؛ ۲۴:۲۶؛ ۲۴:۲۳).

^۳- در بعضی از نسخه های خطی در اینجا آیه ای اضافه شده که محتوای آن مر ۴۰:۱۲ و لو ۴۷:۲۰ را به یاد می آورد ولی برای اینجا مناسب نیست: «شما بدیخت هستید! ای کاتبان و فریسیان ریاکار! شما که اموال بیوه ها را می خورید و چنان نشان می دهید که مدت زیادی دعا می کنید، بدین سبب دچار شدیدترین محکومیت خواهید شد.»

^۴- مطلع از نوگرا شخص مشرکی بود که به آینین یهود می گرود و در اینجا مطلع گروبیدن به آینین یهود با رعایت دقیق موازن آن مطابق نظر فریسیان می باشد.

^m- تحت الفظی: او را شایسته جهنم می گردانید.

ⁿ- در آیات ۱۶ الی ۲۲ از اصل نذر کردن انتقاد نمی شود بلکه بر فتوای فریسیان ایراد می گیرد زیرا روش عبادت را ریاکارانه کرده اند و به جای آنکه تقوا در جهت اجرای فرمانهای اصلی شریعت باشد آن را به سوی دستورات فرعی سوق می دهند. معنی آیه ۲۳ چنین است.

^۵- فریسیان روش مرسوم پرداخت عشريه (ر.ک تث ۱۴:۲۲) را حتی به جزئی ترین محصولات زمین تعیین داده بودند.

بگریزید؟^{۳۴} بدین سبب اینک من پیامبران، حکیمان و کاتبان^۷ به سوی شما اع:۷-۱۵:۲۱-۱۵:۲۲ می فرستم. بعضی را گشته و مصلوب خواهید کرد و بعضی را در کنیسه هایتان تازیانه زده و آنان را شهر به شهر تعقیب.^{۱۰} خواهید کرد.^{۳۵} این گونه خون عادلانی که بر زمین ریخته شده، از خون هابیل عادل تا خون زکریا پسر برخیا^۸ که بین قدس و قربانگاه به قتل رساندید بر شما خواهد آمد.^{۳۶} آمین! به شما می گویم که این همه بر این نسل خواهد آمد.^۹

توبیخ اورشلیم (الوقا: ۱۳-۳۴؛ ۳۵-۳۶)

ای اورشلیم، ای اورشلیم، تو که پیامبران را می گشی و کسانی را که به سوی تو فرستاده شده اند سنگسار می کنی،^{۱۵:۲۱-۱۵:۲۲} بارها لخواسته ام فرزندان تو را جمع کنم همچون مرغی که جوجه هایش را به زیر بالهایش جمع می کند... و نخواستید.^{۱۶} اینک خانه شما برایتان متروک^{۱۷} طوطی:۸-۱۴:۹-۱۸:۷-۱۸:۶-۱۴:۴

را پاک می کنید در حالی که درون پراز محصول^۹ دزدی و ناپرهیز کاری است.^{۱۹:۴-۲۰} ای فریسی کور! اول درون کاسه^{۱۰} را پاک کن تا بیرون آن هم پاک شود.^{۲۱} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار!^{۱۱} به قبرهای آهک اندود^{۱۲} می مانید که از بیرون زیبا می نمایند ولی درون پراز استخوانهای مُردگان و هر گونه ناپاکی هستند.^{۲۲} همچنین شما نیز از بیرون در برابر انسانها عادل می نمایید اما در درون پراز ریا و بی قانونی هستید.^{۲۳} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! مقبره های پیامبران را می سازید و قبرهای عادلان را تزیین می کنید.^{۱۳} و می گویید: "اگر در دوران پدرانمان بودیم با ایشان در [ریختن] خون پیامبران شریک نمی شدیم."^{۱۴} بدین سان بر ضد خود شهادت می دهید که پسران قاتلان پیامبران هستید.^{۱۵} و پیمانه پدرانتان را پر می کنید.^{۱۶} ای ماران! ای افعی زادگان!^{۱۷:۳-۱۷:۷؛ ۱۲:۳-۱۲:۳} مگر می توانید از محکومیت جهنم

q- پراز محصول. با توجه به زبان یونانی «به دست آمده از» معنی می دهد.

r- در بعضی از نسخه های خطی اضافه شده است: و جام.

s- در فلسطین قبرها را با آهک به رنگ سفید درمی آوردن تا در شب مشهود باشند و با آنها برخورد نکنند و به این ترتیب مجبور نشوند رسوم تطهیر را به جا بیاورند.

t- چنین به نظر می رسد که یهودیان به یادبود نیاکان بزرگ خود که به وسیله مردم جفا دیده بودند بناهایی برای کفاره می ساختند.

u- این اصطلاح، استهزاً آمیز و احتمالاً منظور از آن مرگ عیسی می باشد.

v- یسوع با نام بردن از سه طبقه رؤسای روحانی یهود (کاهنان، کاتبان، لاوبان) (ر. ک ارج:۱۸:۱۸) اشاره به فرستادگان خودش می کند.

w- این دو جنایت نخستین و آخرین جنایاتی هستند که در کتاب مقدس عبری ذکر شده و احتمالاً یسوع از آن استفاده کرده است. زکریا در حقیقت پسر «یوشی» است (۲-۲۰:۲۰-۲۲) و در قدس به قتل رسید در حالی که هنوز خود را به قربانگاه نرسانده بود.

x- ر. ک ۲۳:۱۰ توضیح k.

y- طبق این اعلام، ظاهراً یسوع در مدت رسالت خود چندین بار به اورشلیم آمده است، چنانکه انجیل چهارم نیز این موضوع را تصدیق می کند.

z- در بعضی از نسخه های خطی کلمه «بیابان» وجود ندارد (ر. ک ارج:۱۲:۷) ولی به هر صورت مفهوم همان است (ار:۵:۲۲).

r. ک ۱۵:۲۴ توضیح n.

آغاز دردها

(مرقس ۵:۱۳؛ ۱۳-۵:۲۱؛ لوقا ۸:۲۱)

^a یسوع در پاسخ به ایشان گفت: «هوشیار باشید که کسی شما را گمراه نکند.^b زیرا بسیاری که نام من آمده خواهد گفت: "من مسیح هستم" و بسیاری را گمراه خواهد بود.^c از جنگها و از اخبار جنگها خواهد کرد.^d از جنگها و زنگران مشوید. زیرا این باشیستی انجام شود.^e اما هنوز پایان نیست.^f زیرا ملتی بر ضد ملتی و مملکتی بر ضد مملکتی برخواهد خاست، در جاهای قحطی‌ها و زمین لرزه‌ها^g روی خواهد داد.^h تمام اینها آغاز دردهای زایمان است.ⁱ آنگاه شما را به مصیبت^j دچار خواهند کرد و شما را خواهد گشت و به خاطر نام من منفور همه ملت‌ها خواهید شد.^k آنگاه بسیاری دچار لغزش خواهند شد^l و عده‌ای

گذاشته شده است.^m زیرا به شما می‌گویم دیگر مرا نخواهید دید تا این که بگویید: مبارک باد او که به نام خداوند می‌آید.ⁿ

اعلام ویرانی معبد

(مرقس ۱۳:۴-۱:۲۱؛ لوقا ۷:۵-۲۱)

^{۲۶} ^a و یسوع از معبد خارج شده می‌رفت که شاگردانش پیش آمدند تا بنای معبد^b را به او نشان دهند.^c او به سخن درآمده به ایشان گفت: «آیا همه اینها را می‌نگرید؟ آمین به شما می‌گویم در لوقا ۱۹:۴۴ اینجا سنگی بر سنگی نخواهد ماند که نابود نشود.^d چون بر کوه زیتون نشسته بود شاگردان در خلوت نزد او آمده به او گفتند: «به ما بگو، اینها کی خواهد شد؟ و نشانه آمدن تو^e و پایان زمان چه خواهد بود؟»^f

a- این عبارت که از مز ۱۱۸:۲۶ نقل شده فریاد شادی برای مسیح است (ر. ک مت ۲۱:۹ توضیح c) و ممکن است اشاره به رنج و صلیب یسوع و پایان رسالت او در میان مردم باشد مرگ و بازگشت پرشکوه او باشد.

b- معبد جدید اورشلم که در سال ۶۰ میلادی افتتاح گردید در زمان یسوع رو به اتمام بود (ر. ک یو ۲:۲۰).

c- کلمه parousia که در اصل یونانی به کار برده شده به معنی بازآمدن پسر انسان در پایان دنیاست. همین کلمه در ۲۷:۲۴، ۳۷:۳، ۳۹:۱- قرن ۱:۱۵-۲۳:۱-۲۳:۱-۱۹:۲-۱۹:۲ وغیره آمده است.

d- در دوران یسوع، موضوع نشانه‌های فراسیدن پایان جهان در میان یهودیان بسیار مطرح بود. در این باب سه موضوع کاملاً درهم آمیخته که عبارتند از: ویرانی اورشلم، پایان این دنیا و آمدن شکوهمند پسر انسان. یسوع هشدار می‌دهد که درباره این نشانه‌های پیش از بازآمدن پسر انسان، خود را نگران نکنند و اصرار می‌کند در انتظار آن هوشیار بمانند (۳۰:۲۴).

e- این فعل را می‌توان «فریقتن» یا «به اشیاه انداختن» نیز ترجمه کرد و جزو کلماتی است که در ادبیات مکافشه‌ای یهود به کار می‌رود و اشاره به جاذبه‌های مختلف می‌باشد (مثالاً جاذبه مسیحیت: مت ۲۴:۱۱، ۵:۲۴؛ جاذبه‌های شیطانی یا سیاسی: مکا ۲۰:۲۰؛ ۱۲:۹؛ ۱۳:۱۴؛ ۱۲:۲۰؛ ۱:۸؛ ۲:۲۶؛ ۳:۷).

f- ر. ک دان ۲:۲۸. این ضرورت (باید...) ارتباطی با قضا و قدر یا اقدامات بشري ندارد بلکه به اراده و مشیت الهی مربوط است.

g- این وقایع معمولاً در ادبیات مکافشه‌ای ذکر شده است (ر. ک ۲-توات ۱:۱۵؛ ۶:۲-۱۷، ۱۷:۶-۱۷).

h- یسوع تصویر دردهای زایمان را که در عهد عتیق به کار برده شده (اش ۸:۱۳؛ هوس ۱۳:۱۳ وغیره) ذکر می‌کند تا نشان دهد آنچه روی خواهد داد حتمی و اجتناب ناپذیر است. این عبارت را دقیق‌تر به دو گونه می‌توان تعبیر کرد که «ابتدا در دردها، پایان دنیا نیست (آنچه احتمالاً در اینجا مظور بوده) یا اینکه ابتدای پایان، در شرف وقوع می‌باشد.

i- منظور از این مصیبت‌ها که از مختصات زمان آخر است بیش از آن که رنجهای شخصی به خاطر انجیل (۲-قرن ۱:۴؛ ۲:۴؛ ۶:۴) یا وقایع سیاسی و اتفاقات کیهانی (مکا ۷:۱۴) باشد در اینجا به مفهوم جفای مسیحیان است (ر. ک مت ۱۳:۲۱).

دریابد^{۱۰}- آنگاه کسانی که در یهودیه هستند^P به کوهها بگریزند. آن کس که بر پشت بام است پایین نیاید تا چیزی از خانه بردارد.^{۱۸} و آن کس که در کشتزار^{۳۱:۱۷} است به عقب برنگردد تا را در خود را بردارد.^{۱۹} وای برآنانی که باردار خواهند بود و آنان که در آن روزها شیر خواهند داد.^{۲۰} دعا کنید فرار شما در زمستان یا در روز سبت^۹ نباشد.^{۲۱} زیرا در آن وقت مصیبت بزرگی خواهد بود چنان که از آغاز دنیا تا کنون نظری آن روی نداده است^r و دیگر بول^{۲:۲} مکا^{۷:۷}:

هرگز روی خواهد داد.^{۲۲} و اگر آن روزها کوتاه نشده بود هیچ آفریده ای نجات نمی یافتد^s ولی به خاطر برگزیدگان این روزها کوتاه خواهد شد.^t آنگاه اگر کسی به شما بگوید: اینک مسیح در اینجا

یکدیگر را تسلیم کرده و عده ای از یکدیگر نفرت خواهند داشت.^{۱۱} پیامبران دروغین^k بسیاری برخواهند خاست و بسیاری را گمراх خواهند کرد.^{۱۲} و چون بی قانونی افزون شود محبت تعداد زیادی به سردی خواهد گرایید.^{۱۳} ولی هر که تا پایان مقاومت کند نجات خواهد یافت.^{۱۴} و این نوبت مملکوت برای شهادت به همه ملت ها در تمام دنیا مسکون^۱ اعلام خواهد شد و آنگاه پایان فراخواهد رسید.^m

المصیبت عظیم

(مرقس ۱۳:۱۴-۲۳؛ لوقا ۲۱:۲۳-۲۴)

^{۱۵} «پس چون مشاهده کنید کراحت-مک^{۱-۵:۶}: ویرانگرⁿ که دانیال نبی گفته بود در مکان مقدس مستقر شده است -خواننده آن را

ج- ر. ک. ۲۹:۵ k- متی اکثراً از فعالیت پیامبران دروغین یاد می کند که از پایان قرن اول میلادی، کلیسا را آشفته کرده بودند (مت ۱:۷-۱۵).

ج- ر. ک. ۲۴:۴-۲۴:۲ k- ر. ک. ۱- ۴:۱۰ e-

۱- ر. ک روم ۱۰:۱۸. اعلام انجیل به غیریهودیان در اینجا به عنوان دلیل هستی جهان و تحقق تاریخ ارائه شده است.

m- یعنی پایان اوضاع کنونی و بیانی قطعی مملکوت خدا. همین کلمه با همین مفهوم در ۲۴:۶، ۲۲:۰ و ۲۴:۱۳ بکار رفته است.

n- تحتاللفظی: کراحت بیشروی بیابان. بیابان از یک دیدگاه چون دور از زندگی است، جایگاه شیطان محسوب می شود (مت ۱:۴ c). این اصطلاح در دان ۱۱:۱۲؛ ۳۱:۱۱؛ ۲۷:۹ مذکور است که مختص زمان آخر می باشد. در دوران کلیسا این کلمات در مورد شیطان یا ضد مسیح به کار برده شده یا به مفهوم

سبحانت ها و ارتادهایی است که مخصوص زمان آخر می باشد. این اصطلاح معنی وسعتی نیز دارد و به احتمال قوی اشاره به بی حرمتی به سرزمین موعود توسط اشغال ارتش روم و ناپاک ساختن معبد توسط فرقه غیوران است. ر. ک مر ۱۴:۱۳ W.

o- این جمله معتبره اهمیت کلاماتی را که قبل از ذکر شده است تأکید می نماید و نشان می دهد که این جمله نمی خواهد این اتفاقاتی را که برای همه قابل درک است توصیف کند بلکه به اینمان داران تعلیم می دهد که در دوران آینده فقط به اینمان ممکن باشند.

p- منتظر از «کسانی که در یهودیه هستند» اهالی یهودیه نیستند که در سال ۷۰ میلادی به هنگام تصرف اورشلیم در آنجا بودند یا یهودیانی که در موقع آمدن پسر انسان در یهودیه سکونت دارند بلکه منتظر پیروان یسوع یعنی مسیحیان به هنگام داوری نهایی می باشد. بنابراین کلمه یهودی مفهوم نمادین دارد و بدین معنی است که حتی سرزمین و عده (کلیسا؟) از داوری برگردان نخواهد بود.

q- ذکر روز سبت در اینجا مختص انجیل متی است و نشان می دهد که خطاب این آموزش به مسیحیان یهودی تبار بوده است.

r- ر. ک. ۱۲:۱- ۱:۱۲ t-

s- تحتاللفظی: هیچ تنی.

t- این موضوع در ادبیات مکافهه ای یهود آمده است (كتاب خوخ) و گفته می شود دوران ذلت و بدیختی نهایی کوتاه خواهد شد تا پای انجیل به برگزیدگان برسد (ر. ک آبه ۱۴) یا این که بتوانند از انهدام کامل بر کنار بیانند. بر طبق تفسیر دیگری که بیشتر محتمل است تمام بشریت به خاطر برگزیدگان از این فاجعه در امان خواهند ماند. ضمناً این برگزیدگان فقط منحصر به یهودیانی نیستند که مسیحی شده اند بلکه مسیحیانی که در سرتاسر دنیا برآکنده می باشند (مر ۱۳:۲۷). ر. ک مت ۵:۱۳-۱۳:۱۳.

خود را نخواهد داد و ستارگان از آسمان خواهند افتاد و قدرتهای آسمانها^w مغلط خرق^{۲۲:۳} بول^{۱۰:۱} مکا^{۱۵:۴} مکا^{۱۲:۶} حجی^{۲:۱۳} مکا^{۱۳:۱۰} زک^{۱۰:۱۴} مکا^{۷:۱۴} بسیار بر ابرهای آسمان می آید.^{۳۱} و^{۲۷:۱۶} فرشتگان خود را با کرنای بزرگ فرستاده و برگزیدگان او را از بادهای چهارگانه از^{۴:۱۳} کرانه ها تا کرانه های آسمان جمع خواهند کرد.^{۳۲} از درخت انجیر این مثل را بیاموزید. همین که شاخه اش نرم شد و برگها رویید می دانید که تابستان نزدیک است.^{۳۳} همچنین شما نیز وقتی همه اینها را ببینید بشناسید که او نزدیک به دروازه ها^b شده است.^{۳۴} آمین به شما می گویم که این نسل نخواهد گذشت پیش از آن که این همه انجام شده باشد.^c آسمان و زمین خواهند گذشت ولی^{۲۸:۱۶}

یا در آنجا است باور مکنید.^{۳۴} زیرا مسیح های دروغین^{۱۱:۵} و پیامبران دروغین قیام خواهند کرد که نشانه های بزرگ و کرامات انجام خواهند داد تا اگر ممکن می بود حتی برگزیدگان را گمراه سازند.^{۳۵} اینک از پیش به شما گفتم.

آمدن پسر انسان (مرقس ۱۳:۲۴-۲۴:۲۱)

لوقا ۱۷:۲۳-۲۴:۲۱، ۲۴-۲۳:۲۱-۲۵:۲۱

^{۲۶} «پس اگر به شما بگویند: اینک او در صحراست، بیرون نروید. یا اینک در مخفیگاه است باور مکنید.^{۲۷} زیرا به همان گونه که آذرخش از خاور می آید و تا باخترا می درخشد، آمدن پسر انسان به همین گونه خواهد بود.^{۲۸} هر جا که مردار باشد در آنجا کرکس ها جمع می شوند.^{۲۹} بلا فاصله پس از مصیبت این روزها، خورشید تاریک خواهد شد و ماه روشنایی

^{۱۱}- چنین به نظر می رسد که در این دورانهای آشفته تعداد مسیح های دروغین کم نبوده است (ر.ک اع ۳۶:۵ تبودا و یهودی جلیلی) در سال ۱۳۵ میلادی، پایان دومین جنگ یهود، کاهنی که سربرست کنیسه عقیبه بود اعلام کرد بار کوچبا مسیح موعد است).

^۷- درباره این ضرب المثل ر.ک لو ۱۷:۳۷-۳۸. آیات ۲۷ و ۲۸ فکر واحدی را بیان می کنند بدین معنی که هنکام آمدن پسر انسان هیچ شک و تردیدی نخواهد بود و بنابراین نباید نگران شده در این فکر بود که آمدن او در چه موقع و در چه شرایطی روی خواهد داد. البته کرکس به زبان یونانی، به معنی عقاب نیز هست. در این صورت آیا در اینجا به ارتضی روم که علامت عقاب داشتند اشاره شده است؟ ر.ک ایوب ۲۷:۳۹، ر.ک ایوب ۱۰:۱۰، ۳۴:۴. منظور از قدرتهای آسمانها، ستارگان و نیروهای آسمانی هستند. در محیط یهودیت دوران یسوع

این نوع کلمات جزو مجموعه اصطلاحاتی بود که در متون سنتی به کار برده می شد تا احساس کنند که دخالت نهایی خدا در تاریخ جنبه کهانی و قطعی دارد.

^X- این نشانه احتمالاً خود پسر انسان است.

^y- این اصطلاح در دان ۱۳:۱۴-۱۴:۱ آمده و مجدداً در مت ۶۴:۲۶ به کار برده می شود. اکثرآ در نوشته های عهد عتیق آمدن خدا و تحلى او بدین گونه نشان داده شده است (خروج ۱۶:۱۹-۲۰:۵؛ حرق ۴:۱؛ ۳:۱۰-۴:۳ و غیره).

^Z- طبق این مطالب که ترکیب ماهراه ای از متون عهد عتیق است (تث ۴:۳۰؛ زک ۱۰:۲؛ ۱۰:۱؛ ۱:۶؛ ۸:۸؛ ر.ک نح ۹:۱؛ حرق ۹:۳۷) و در مر ۱۳:۲۷:۱ هم آمده است اجتماع برگزیدگان در سرتاسر روی زمین انجام خواهد شد؛ این نکته که جنبه جهان گردایی دارد مورد توجه و علاقه متی است و با نظریه وینگی گرایی که برخی از فرقه های یهود نظری استیان مراءات می کردن تفاوت دارد.

^a- یعنی پسر انسان یا نشانه پسر انسان (ر.ک آیه ۳۰ X) یا استقرار قطعی پادشاهی خدا.

^b- یعنی: به دروازه های شهر. مانند پادشاهی که به شهر خود وارد می شود تا اقتدار قانونی خود را که مدتی نپذیرفته بودند در آنجا برقرار سازد اصطلاح ورود به دروازه معنای پیروزی را به همراه دارد.

^c- درباره این آیه ر.ک مر ۱۳:۳۰ h.

سخنان من البتہ نخواهند گذشت.
لو ۱۷:۱۶؛ ۱۸:۵

شما هم آماده باشید زیرا در ساعتی که
نمی پندارید پسر انسان می آید.

خدم وفادار (لوقا ۱۲:۴۲-۴۶)

^{۴۵} «کدام خادم وفادار و فهمیده‌ای است که خداوند بر اهل خانه قرار داده تا به آنان به موقع غذا بدهد. ^{۴۶} خوشبا بر این خادم! که چون خداوندش بیاید او را این چنین مشغول بیابد. ^{۴۷} آمین به شما می‌گویم او را بر تمام اموالش قرار خواهد داد. ^{۴۸} ولی اگر ^{۲۳، ۲۱:۲۵} خادم بد در قلب خود بگوید: "خداوند من دیر می‌آید." ^{۴۹} و شروع به زدن هم خدمتاشن بکند و با مستان بخورد و بنوشد. ^{۵۰} خداوند این خادم خواهد آمد در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که نمی‌داند. ^{۵۱} و اورا منقطع ساخته ^g و حق او را با ریاکاران خواهد داد^h، در جایی که صدای گریه و فشار دندانها باشد.

:۱۲:۸
۵۰:۴۲:۱۳
۱۳:۲
۵۱:۲۴
۳۰:۲۵

ده باکره

^۱ در آن وقت ملکوت آسمانها ^{۲۸:۱۳} **۲۵** مانند ده باکره خواهد بود که چراغهای خود را برداشته به استقبال داماد ^{۳۶، ۳۵:۱۲} بیرون رفندندⁱ. آنان پنج ابله و پنج فهمیده بودند. ^۳ و [دختران] ابله چون چراغهای خود

کسی آن روز را فی داند:
بیدار باشید!
(مرقس ۱۳:۳۴-۳۵؛ لوقا ۱۷:۲۶-۲۷) ^{۳۴-۳۵}

^{۳۶} اما درباره این روز و این ساعت، کسی نمی‌داند؛ نه فرشتگان آسمانها، نه پسر بلکه تنها پدر^d. ^{۳۷} روزهای نوح چنین بود و آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود. ^{۳۸} زیرا در روزهای پیش از طوفان مشغول خوردن و نوشیدن یا زن گرفتن یا شوهر کردن می‌بودند تا روزی که نوح به کشتی وارد شد ^{۳۹} و چیزی نداشتند تا طوفان آمد و همه را با خود برد، آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود. ^{۴۰} آنگاه از دو [مرد] که در کشتزار باشند یکی برگرفته و دیگری گذاشته خواهد شد. ^{۴۱} از دو [زن] که با دستاس آسیاب کنند یکی برگرفته و دیگری گذاشته خواهد شد. ^{۴۲} پس بیدار باشید چون نمی‌دانید خداوند^e شما چه روزی می‌آید. ^{۴۳} این را خوب بدانید: اگر صاحب خانه می‌دانست دزد در چه پاسی از ۱-تسا:۲:۲؛ ۲-پطر:۴:۳؛ ۳-پطر:۵:۱؛ ۴-پطر:۶:۲؛ ۵-پطر:۷:۱؛ ۶-پطر:۸:۲؛ ۷-پطر:۹:۱؛ ۸-پطر:۱۰:۲؛ ۹-پطر:۱۱:۲؛ ۱۰-پطر:۱۲:۲؛ ۱۱-پطر:۱۳:۲؛ ۱۲-پطر:۱۴:۲؛ ۱۳-پطر:۱۵:۲؛ ۱۴-پطر:۱۶:۲؛ ۱۵-پطر:۱۷:۲؛ ۱۶-پطر:۱۸:۲؛ ۱۷-پطر:۱۹:۲؛ ۱۸-پطر:۲۰:۲؛ ۱۹-پطر:۲۱:۲؛ ۲۰-پطر:۲۲:۲؛ ۲۱-پطر:۲۳:۲؛ ۲۲-پطر:۲۴:۲؛ ۲۳-پطر:۲۵:۲؛ ۲۴-پطر:۲۶:۲؛ ۲۵-پطر:۲۷:۲؛ ۲۶-پطر:۲۸:۲؛ ۲۷-پطر:۲۹:۲؛ ۲۸-پطر:۳۰:۲؛ ۲۹-پطر:۳۱:۲؛ ۳۰-پطر:۳۲:۲؛ ۳۱-پطر:۳۳:۲؛ ۳۲-پطر:۳۴:۲؛ ۳۳-پطر:۳۵:۲؛ ۳۴-پطر:۳۶:۲؛ ۳۵-پطر:۳۷:۲؛ ۳۶-پطر:۳۸:۲؛ ۳۷-پطر:۳۹:۲؛ ۳۸-پطر:۴۰:۲؛ ۳۹-پطر:۴۱:۲؛ ۴۰-پطر:۴۲:۲؛ ۴۱-پطر:۴۳:۲؛ ۴۲-پطر:۴۴:۲؛ ۴۳-پطر:۴۵:۲؛ ۴۴-پطر:۴۶:۲؛ ۴۵-پطر:۴۷:۲؛ ۴۶-پطر:۴۸:۲؛ ۴۷-پطر:۴۹:۲؛ ۴۸-پطر:۵۰:۲؛ ۴۹-پطر:۵۱:۲؛ ۵۰-پطر:۵۲:۲؛ ۵۱-پطر:۵۳:۲؛ ۵۲-پطر:۵۴:۲؛ ۵۳-پطر:۵۵:۲؛ ۵۴-پطر:۵۶:۲؛ ۵۵-پطر:۵۷:۲؛ ۵۶-پطر:۵۸:۲؛ ۵۷-پطر:۵۹:۲؛ ۵۸-پطر:۶۰:۲؛ ۵۹-پطر:۶۱:۲؛ ۶۰-پطر:۶۲:۲؛ ۶۱-پطر:۶۳:۲؛ ۶۲-پطر:۶۴:۲؛ ۶۳-پطر:۶۵:۲؛ ۶۴-پطر:۶۶:۲؛ ۶۵-پطر:۶۷:۲؛ ۶۶-پطر:۶۸:۲؛ ۶۷-پطر:۶۹:۲؛ ۶۸-پطر:۷۰:۲؛ ۶۹-پطر:۷۱:۲؛ ۷۰-پطر:۷۲:۲؛ ۷۱-پطر:۷۳:۲؛ ۷۲-پطر:۷۴:۲؛ ۷۳-پطر:۷۵:۲؛ ۷۴-پطر:۷۶:۲؛ ۷۵-پطر:۷۷:۲؛ ۷۶-پطر:۷۸:۲؛ ۷۷-پطر:۷۹:۲؛ ۷۸-پطر:۸۰:۲؛ ۷۹-پطر:۸۱:۲؛ ۸۰-پطر:۸۲:۲؛ ۸۱-پطر:۸۳:۲؛ ۸۲-پطر:۸۴:۲؛ ۸۳-پطر:۸۵:۲؛ ۸۴-پطر:۸۶:۲؛ ۸۵-پطر:۸۷:۲؛ ۸۶-پطر:۸۸:۲؛ ۸۷-پطر:۸۹:۲؛ ۸۸-پطر:۹۰:۲؛ ۸۹-پطر:۹۱:۲؛ ۹۰-پطر:۹۲:۲؛ ۹۱-پطر:۹۳:۲؛ ۹۲-پطر:۹۴:۲؛ ۹۳-پطر:۹۵:۲؛ ۹۴-پطر:۹۶:۲؛ ۹۵-پطر:۹۷:۲؛ ۹۶-پطر:۹۸:۲؛ ۹۷-پطر:۹۹:۲؛ ۹۸-پطر:۱۰۰:۲؛ ۹۹-پطر:۱۰۱:۲؛ ۱۰۰-پطر:۱۰۲:۲؛ ۱۰۱-پطر:۱۰۳:۲؛ ۱۰۲-پطر:۱۰۴:۲؛ ۱۰۳-پطر:۱۰۵:۲؛ ۱۰۴-پطر:۱۰۶:۲؛ ۱۰۵-پطر:۱۰۷:۲؛ ۱۰۶-پطر:۱۰۸:۲؛ ۱۰۷-پطر:۱۰۹:۲؛ ۱۰۸-پطر:۱۱۰:۲؛ ۱۰۹-پطر:۱۱۱:۲؛ ۱۱۰-پطر:۱۱۲:۲؛ ۱۱۱-پطر:۱۱۳:۲؛ ۱۱۲-پطر:۱۱۴:۲؛ ۱۱۳-پطر:۱۱۵:۲؛ ۱۱۴-پطر:۱۱۶:۲؛ ۱۱۵-پطر:۱۱۷:۲؛ ۱۱۶-پطر:۱۱۸:۲؛ ۱۱۷-پطر:۱۱۹:۲؛ ۱۱۸-پطر:۱۲۰:۲؛ ۱۱۹-پطر:۱۲۱:۲؛ ۱۲۰-پطر:۱۲۲:۲؛ ۱۱۹-پطر:۱۲۳:۲؛ ۱۲۰-پطر:۱۲۴:۲؛ ۱۲۱-پطر:۱۲۵:۲؛ ۱۲۲-پطر:۱۲۶:۲؛ ۱۲۳-پطر:۱۲۷:۲؛ ۱۲۴-پطر:۱۲۸:۲؛ ۱۲۵-پطر:۱۲۹:۲؛ ۱۲۶-پطر:۱۳۰:۲؛ ۱۲۷-پطر:۱۳۱:۲؛ ۱۲۸-پطر:۱۳۲:۲؛ ۱۲۹-پطر:۱۳۳:۲؛ ۱۳۰-پطر:۱۳۴:۲؛ ۱۳۱-پطر:۱۳۵:۲؛ ۱۳۲-پطر:۱۳۶:۲؛ ۱۳۳-پطر:۱۳۷:۲؛ ۱۳۴-پطر:۱۳۸:۲؛ ۱۳۵-پطر:۱۳۹:۲؛ ۱۳۶-پطر:۱۴۰:۲؛ ۱۳۷-پطر:۱۴۱:۲؛ ۱۳۸-پطر:۱۴۲:۲؛ ۱۳۹-پطر:۱۴۳:۲؛ ۱۴۰-پطر:۱۴۴:۲؛ ۱۴۱-پطر:۱۴۵:۲؛ ۱۴۲-پطر:۱۴۶:۲؛ ۱۴۳-پطر:۱۴۷:۲؛ ۱۴۴-پطر:۱۴۸:۲؛ ۱۴۵-پطر:۱۴۹:۲؛ ۱۴۶-پطر:۱۵۰:۲؛ ۱۴۷-پطر:۱۵۱:۲؛ ۱۴۸-پطر:۱۵۲:۲؛ ۱۴۹-پطر:۱۵۳:۲؛ ۱۵۰-پطر:۱۵۴:۲؛ ۱۵۱-پطر:۱۵۵:۲؛ ۱۵۲-پطر:۱۵۶:۲؛ ۱۵۳-پطر:۱۵۷:۲؛ ۱۵۴-پطر:۱۵۸:۲؛ ۱۵۵-پطر:۱۵۹:۲؛ ۱۵۶-پطر:۱۶۰:۲؛ ۱۵۷-پطر:۱۶۱:۲؛ ۱۵۸-پطر:۱۶۲:۲؛ ۱۵۹-پطر:۱۶۳:۲؛ ۱۶۰-پطر:۱۶۴:۲؛ ۱۶۱-پطر:۱۶۵:۲؛ ۱۶۲-پطر:۱۶۶:۲؛ ۱۶۳-پطر:۱۶۷:۲؛ ۱۶۴-پطر:۱۶۸:۲؛ ۱۶۵-پطر:۱۶۹:۲؛ ۱۶۶-پطر:۱۷۰:۲؛ ۱۶۷-پطر:۱۷۱:۲؛ ۱۶۸-پطر:۱۷۲:۲؛ ۱۶۹-پطر:۱۷۳:۲؛ ۱۷۰-پطر:۱۷۴:۲؛ ۱۷۱-پطر:۱۷۵:۲؛ ۱۷۲-پطر:۱۷۶:۲؛ ۱۷۳-پطر:۱۷۷:۲؛ ۱۷۴-پطر:۱۷۸:۲؛ ۱۷۵-پطر:۱۷۹:۲؛ ۱۷۶-پطر:۱۸۰:۲؛ ۱۷۷-پطر:۱۸۱:۲؛ ۱۷۸-پطر:۱۸۲:۲؛ ۱۷۹-پطر:۱۸۳:۲؛ ۱۸۰-پطر:۱۸۴:۲؛ ۱۸۱-پطر:۱۸۵:۲؛ ۱۸۲-پطر:۱۸۶:۲؛ ۱۸۳-پطر:۱۸۷:۲؛ ۱۸۴-پطر:۱۸۸:۲؛ ۱۸۵-پطر:۱۸۹:۲؛ ۱۸۶-پطر:۱۹۰:۲؛ ۱۸۷-پطر:۱۹۱:۲؛ ۱۸۸-پطر:۱۹۲:۲؛ ۱۸۹-پطر:۱۹۳:۲؛ ۱۹۰-پطر:۱۹۴:۲؛ ۱۹۱-پطر:۱۹۵:۲؛ ۱۹۲-پطر:۱۹۶:۲؛ ۱۹۳-پطر:۱۹۷:۲؛ ۱۹۴-پطر:۱۹۸:۲؛ ۱۹۵-پطر:۱۹۹:۲؛ ۱۹۶-پطر:۲۰۰:۲؛ ۱۹۷-پطر:۲۰۱:۲؛ ۱۹۸-پطر:۲۰۲:۲؛ ۱۹۹-پطر:۲۰۳:۲؛ ۲۰۰-پطر:۲۰۴:۲؛ ۲۰۱-پطر:۲۰۵:۲؛ ۲۰۲-پطر:۲۰۶:۲؛ ۲۰۳-پطر:۲۰۷:۲؛ ۲۰۴-پطر:۲۰۸:۲؛ ۲۰۵-پطر:۲۰۹:۲؛ ۲۰۶-پطر:۲۱۰:۲؛ ۲۰۷-پطر:۲۱۱:۲؛ ۲۰۸-پطر:۲۱۲:۲؛ ۲۰۹-پطر:۲۱۳:۲؛ ۲۱۰-پطر:۲۱۴:۲؛ ۲۱۱-پطر:۲۱۵:۲؛ ۲۱۲-پطر:۲۱۶:۲؛ ۲۱۳-پطر:۲۱۷:۲؛ ۲۱۴-پطر:۲۱۸:۲؛ ۲۱۵-پطر:۲۱۹:۲؛ ۲۱۶-پطر:۲۲۰:۲؛ ۲۱۷-پطر:۲۲۱:۲؛ ۲۱۸-پطر:۲۲۲:۲؛ ۲۱۹-پطر:۲۲۳:۲؛ ۲۲۰-پطر:۲۲۴:۲؛ ۲۲۱-پطر:۲۲۵:۲؛ ۲۲۲-پطر:۲۲۶:۲؛ ۲۲۳-پطر:۲۲۷:۲؛ ۲۲۴-پطر:۲۲۸:۲؛ ۲۲۵-پطر:۲۲۹:۲؛ ۲۲۶-پطر:۲۳۰:۲؛ ۲۲۷-پطر:۲۳۱:۲؛ ۲۲۸-پطر:۲۳۲:۲؛ ۲۲۹-پطر:۲۳۳:۲؛ ۲۳۰-پطر:۲۳۴:۲؛ ۲۳۱-پطر:۲۳۵:۲؛ ۲۳۲-پطر:۲۳۶:۲؛ ۲۳۳-پطر:۲۳۷:۲؛ ۲۳۴-پطر:۲۳۸:۲؛ ۲۳۵-پطر:۲۳۹:۲؛ ۲۳۶-پطر:۲۴۰:۲؛ ۲۳۷-پطر:۲۴۱:۲؛ ۲۳۸-پطر:۲۴۲:۲؛ ۲۳۹-پطر:۲۴۳:۲؛ ۲۴۰-پطر:۲۴۴:۲؛ ۲۴۱-پطر:۲۴۵:۲؛ ۲۴۲-پطر:۲۴۶:۲؛ ۲۴۳-پطر:۲۴۷:۲؛ ۲۴۴-پطر:۲۴۸:۲؛ ۲۴۵-پطر:۲۴۹:۲؛ ۲۴۶-پطر:۲۵۰:۲؛ ۲۴۷-پطر:۲۵۱:۲؛ ۲۴۸-پطر:۲۵۲:۲؛ ۲۴۹-پطر:۲۵۳:۲؛ ۲۵۰-پطر:۲۵۴:۲؛ ۲۵۱-پطر:۲۵۵:۲؛ ۲۵۲-پطر:۲۵۶:۲؛ ۲۵۳-پطر:۲۵۷:۲؛ ۲۵۴-پطر:۲۵۸:۲؛ ۲۵۵-پطر:۲۵۹:۲؛ ۲۵۶-پطر:۲۶۰:۲؛ ۲۵۷-پطر:۲۶۱:۲؛ ۲۵۸-پطر:۲۶۲:۲؛ ۲۵۹-پطر:۲۶۳:۲؛ ۲۶۰-پطر:۲۶۴:۲؛ ۲۶۱-پطر:۲۶۵:۲؛ ۲۶۲-پطر:۲۶۶:۲؛ ۲۶۳-پطر:۲۶۷:۲؛ ۲۶۴-پطر:۲۶۸:۲؛ ۲۶۵-پطر:۲۶۹:۲؛ ۲۶۶-پطر:۲۷۰:۲؛ ۲۶۷-پطر:۲۷۱:۲؛ ۲۶۸-پطر:۲۷۲:۲؛ ۲۶۹-پطر:۲۷۳:۲؛ ۲۷۰-پطر:۲۷۴:۲؛ ۲۷۱-پطر:۲۷۵:۲؛ ۲۷۲-پطر:۲۷۶:۲؛ ۲۷۳-پطر:۲۷۷:۲؛ ۲۷۴-پطر:۲۷۸:۲؛ ۲۷۵-پطر:۲۷۹:۲؛ ۲۷۶-پطر:۲۸۰:۲؛ ۲۷۷-پطر:۲۸۱:۲؛ ۲۷۸-پطر:۲۸۲:۲؛ ۲۷۹-پطر:۲۸۳:۲؛ ۲۸۰-پطر:۲۸۴:۲؛ ۲۸۱-پطر:۲۸۵:۲؛ ۲۸۲-پطر:۲۸۶:۲؛ ۲۸۳-پطر:۲۸۷:۲؛ ۲۸۴-پطر:۲۸۸:۲؛ ۲۸۵-پطر:۲۸۹:۲؛ ۲۸۶-پطر:۲۹۰:۲؛ ۲۸۷-پطر:۲۹۱:۲؛ ۲۸۸-پطر:۲۹۲:۲؛ ۲۸۹-پطر:۲۹۳:۲؛ ۲۹۰-پطر:۲۹۴:۲؛ ۲۹۱-پطر:۲۹۵:۲؛ ۲۹۲-پطر:۲۹۶:۲؛ ۲۹۳-پطر:۲۹۷:۲؛ ۲۹۴-پطر:۲۹۸:۲؛ ۲۹۵-پطر:۲۹۹:۲؛ ۲۹۶-پطر:۳۰۰:۲؛ ۲۹۷-پطر:۳۰۱:۲؛ ۲۹۸-پطر:۳۰۲:۲؛ ۲۹۹-پطر:۳۰۳:۲؛ ۳۰۰-پطر:۳۰۴:۲؛ ۳۰۱-پطر:۳۰۵:۲؛ ۳۰۲-پطر:۳۰۶:۲؛ ۳۰۳-پطر:۳۰۷:۲؛ ۳۰۴-پطر:۳۰۸:۲؛ ۳۰۵-پطر:۳۰۹:۲؛ ۳۰۶-پطر:۳۱۰:۲؛ ۳۰۷-پطر:۳۱۱:۲؛ ۳۰۸-پطر:۳۱۲:۲؛ ۳۰۹-پطر:۳۱۳:۲؛ ۳۱۰-پطر:۳۱۴:۲؛ ۳۱۱-پطر:۳۱۵:۲؛ ۳۱۲-پطر:۳۱۶:۲؛ ۳۱۳-پطر:۳۱۷:۲؛ ۳۱۴-پطر:۳۱۸:۲؛ ۳۱۵-پطر:۳۱۹:۲؛ ۳۱۶-پطر:۳۲۰:۲؛ ۳۱۷-پطر:۳۲۱:۲؛ ۳۱۸-پطر:۳۲۲:۲؛ ۳۱۹-پطر:۳۲۳:۲؛ ۳۲۰-پطر:۳۲۴:۲؛ ۳۲۱-پطر:۳۲۵:۲؛ ۳۲۲-پطر:۳۲۶:۲؛ ۳۲۳-پطر:۳۲۷:۲؛ ۳۲۴-پطر:۳۲۸:۲؛ ۳۲۵-پطر:۳۲۹:۲؛ ۳۲۶-پطر:۳۳۰:۲؛ ۳۲۷-پطر:۳۳۱:۲؛ ۳۲۸-پطر:۳۳۲:۲؛ ۳۲۹-پطر:۳۳۳:۲؛ ۳۳۰-پطر:۳۳۴:۲؛ ۳۳۱-پطر:۳۳۵:۲؛ ۳۳۲-پطر:۳۳۶:۲؛ ۳۳۳-پطر:۳۳۷:۲؛ ۳۳۴-پطر:۳۳۸:۲؛ ۳۳۵-پطر:۳۳۹:۲؛ ۳۳۶-پطر:۳۴۰:۲؛ ۳۳۷-پطر:۳۴۱:۲؛ ۳۳۸-پطر:۳۴۲:۲؛ ۳۳۹-پطر:۳۴۳:۲؛ ۳۴۰-پطر:۳۴۴:۲؛ ۳۴۱-پطر:۳۴۵:۲؛ ۳۴۲-پطر:۳۴۶:۲؛ ۳۴۳-پطر:۳۴۷:۲؛ ۳۴۴-پطر:۳۴۸:۲؛ ۳۴۵-پطر:۳۴۹:۲؛ ۳۴۶-پطر:۳۵۰:۲؛ ۳۴۷-پطر:۳۵۱:۲؛ ۳۴۸-پطر:۳۵۲:۲؛ ۳۴۹-پطر:۳۵۳:۲؛ ۳۵۰-پطر:۳۵۴:۲؛ ۳۵۱-پطر:۳۵۵:۲؛ ۳۵۲-پطر:۳۵۶:۲؛ ۳۵۳-پطر:۳۵۷:۲؛ ۳۵۴-پطر:۳۵۸:۲؛ ۳۵۵-پطر:۳۵۹:۲؛ ۳۵۶-پطر:۳۶۰:۲؛ ۳۵۷-پطر:۳۶۱:۲؛ ۳۵۸-پطر:۳۶۲:۲؛ ۳۵۹-پطر:۳۶۳:۲؛ ۳۶۰-پطر:۳۶۴:۲؛ ۳۶۱-پطر:۳۶۵:۲؛ ۳۶۲-پطر:۳۶۶:۲؛ ۳۶۳-پطر:۳۶۷:۲؛ ۳۶۴-پطر:۳۶۸:۲؛ ۳۶۵-پطر:۳۶۹:۲؛ ۳۶۶-پطر:۳۷۰:۲؛ ۳۶۷-پطر:۳۷۱:۲؛ ۳۶۸-پطر:۳۷۲:۲؛ ۳۶۹-پطر:۳۷۳:۲؛ ۳۷۰-پطر:۳۷۴:۲؛ ۳۷۱-پطر:۳۷۵:۲؛ ۳۷۲-پطر:۳۷۶:۲؛ ۳۷۳-پطر:۳۷۷:۲؛ ۳۷۴-پطر:۳۷۸:۲؛ ۳۷۵-پطر:۳۷۹:۲؛ ۳۷۶-پطر:۳۸۰:۲؛ ۳۷۷-پطر:۳۸۱:۲؛ ۳۷۸-پطر:۳۸۲:۲؛ ۳۷۹-پطر:۳۸۳:۲؛ ۳۸۰-پطر:۳۸۴:۲؛ ۳۸۱-پطر:۳۸۵:۲؛ ۳۸۲-پطر:۳۸۶:۲؛ ۳۸۳-پطر:۳۸۷:۲؛ ۳۸۴-پطر:۳۸۸:۲؛ ۳۸۵-پطر:۳۸۹:۲؛ ۳۸۶-پطر:۳۹۰:۲؛ ۳۸۷-پطر:۳۹۱:۲؛ ۳۸۸-پطر:۳۹۲:۲؛ ۳۸۹-پطر:۳۹۳:۲؛ ۳۹۰-پطر:۳۹۴:۲؛ ۳۹۱-پطر:۳۹۵:۲؛ ۳۹۲-پطر:۳۹۶:۲؛ ۳۹۳-پطر:۳۹۷:۲؛ ۳۹۴-پطر:۳۹۸:۲؛ ۳۹۵-پطر:۳۹۹:۲؛ ۳۹۶-پطر:۴۰۰:۲؛ ۳۹۷-پطر:۴۰۱:۲؛ ۳۹۸-پطر:۴۰۲:۲؛ ۳۹۹-پطر:۴۰۳:۲؛ ۴۰۰-پطر:۴۰۴:۲؛ ۴۰۱-پطر:۴۰۵:۲؛ ۴۰۲-پطر:۴۰۶:۲؛ ۴۰۳-پطر:۴۰۷:۲؛ ۴۰۴-پطر:۴۰۸:۲؛ ۴۰۵-پطر:۴۰۹:۲؛ ۴۰۶-پطر:۴۱۰:۲؛ ۴۰۷-پطر:۴۱۱:۲؛ ۴۰۸-پطر:۴۱۲:۲؛ ۴۰۹-پطر:۴۱۳:۲؛ ۴۱۰-پطر:۴۱۴:۲؛ ۴۱۱-پطر:۴۱۵:۲؛ ۴۱۲-پطر:۴۱۶:۲؛ ۴۱۳-پطر:۴۱۷:۲؛ ۴۱۴-پطر:۴۱۸:۲؛ ۴۱۵-پطر:۴۱۹:۲؛ ۴۱۶-پطر:۴۲۰:۲؛ ۴۱۷-پطر:۴۲۱:۲؛ ۴۱۸-پطر:۴۲۲:۲؛ ۴۱۹-پطر:۴۲۳:۲؛ ۴۲۰-پطر:۴۲۴:۲؛ ۴۲۱-پطر:۴۲۵:۲؛ ۴۲۲-پطر:۴۲۶:۲؛ ۴۲۳-پطر:۴۲۷:۲؛ ۴۲۴-پطر:۴۲۸:۲؛ ۴۲۵-پطر:۴۲۹:۲؛ ۴۲۶-پطر:۴۳۰:۲؛ ۴۲۷-پطر:۴۳۱:۲؛ ۴۲۸-پطر:۴۳۲:۲؛ ۴۲۹-پطر:۴۳۳:۲؛ ۴۳۰-پطر:۴۳۴:۲؛ ۴۳۱-پطر:۴۳۵:۲؛ ۴۳۲-پطر:۴۳۶:۲؛ ۴۳۳-پطر:۴۳۷:۲؛ ۴۳۴-پطر:۴۳۸:۲؛ ۴۳۵-پطر:۴۳۹:۲؛ ۴۳۶-پطر:۴۴۰:۲؛ ۴۳۷-پطر:۴۴۱:۲؛ ۴۳۸-پطر:۴۴۲:۲؛ ۴۳۹-پطر:۴۴۳:۲؛ ۴۴۰-پطر:۴۴۴:۲؛ ۴۴۱-پطر:۴۴۵:۲؛ ۴۴۲-پطر:۴۴۶:۲؛ ۴۴۳-پطر:۴۴۷:۲؛ ۴۴۴-پطر:۴۴۸:۲؛ ۴۴۵-پطر:۴۴۹:۲؛ ۴۴۶-پطر:۴۵۰:۲؛ ۴۴۷-پطر:۴۵۱:۲؛ ۴۴۸-پطر:۴۵۲:۲؛ ۴۴۹-پطر:۴۵۳:۲؛ ۴۵۰-پطر:۴۵۴:۲؛ ۴۵۱-پطر:۴۵۵:۲؛ ۴۵۲-پطر:۴۵۶:۲؛ ۴۵۳-پطر:۴۵۷:۲؛ ۴۵۴-پطر:۴۵۸:۲؛ ۴۵۵-پطر:۴۵۹:۲؛ ۴۵۶-پطر:۴۶۰:۲؛ ۴۵۷-پطر:۴۶۱:۲؛ ۴۵۸-پطر:۴۶۲:۲؛ ۴۵۹-پطر:۴۶۳:۲؛ ۴۶۰-پطر:۴۶۴:۲؛ ۴۶۱-پطر:۴۶۵:۲؛ ۴۶۲-پطر:۴۶۶:۲؛ ۴۶۳-پطر:۴۶۷:۲؛ ۴۶۴-پطر:۴۶۸:۲؛ ۴۶۵-پطر:۴۶۹:۲؛ ۴۶۶-پطر:۴۷۰:۲؛ ۴۶۷-پطر:۴۷۱:۲؛ ۴۶۸-پطر:۴۷۲:۲؛ ۴۶۹-پطر:۴۷۳:۲؛ ۴۷۰-پطر:۴۷۴:۲؛ ۴۷۱-پطر:۴۷۵:۲؛ ۴۷۲-پطر:۴۷۶:۲؛ ۴۷۳-پطر:۴۷۷:۲؛ ۴۷۴-پطر:۴۷۸:۲؛ ۴

دیگری دو، به دیگری یک، برابر شروت هر کدام داد و به سفر رفت.^{۱۶} همان دم آن که پنج تالان دریافت کرده بود آنها را به کار انداخت و پنج [تالان] دیگر سود برد.^{۱۷} همچنین آن که دو تالان داشت دو تالان دیگر سود برد.^{۱۸} آن که یک تالان دریافت کرده بود رفته زمین را کند و پول خداوندش را پنهان کرد.^{۱۹} پس از مدتی دراز خداوند این خادمان آمد و حساب خود را با ایشان تسویه نمود.^{۲۰} آن که پنج تالان ۲۳:۱۸ دریافت کرده بود پیش آمده پنج تالان دیگر ارائه کرده گفت: "ای خداوند، این پنج تالان که به من سپرده بودی. اینک پنج تالان دیگر که سود برده ام."^{۲۱} خداوندش به او گفت: "آفرین ای خادم خوب و وفادار! برای چیز اندک وفادار بوده ای؛ تو ۱۰:۱۶^{۲۲} لو را بر چیز بسیار قرار خواهم داد؛ در شادی خداوند وارد شو."^{۲۳} همچنین آن که ۴۷:۲۴ دو تالان دریافت کرده بود پیش آمده گفت: "خداوند این دو تالان که به من سپرده بودی. اینک دو تالان دیگر که سود برده ام."^{۲۴} خداوندش به او گفت: "آفرین ای خادم خوب و وفادار! برای چیز اندک وفادار بوده ای، تو را بر چیز بسیار قرار خواهم داد؛ در شادی خداوند وارد شو."^{۲۵} همچنین آن که تنها یک تالان دریافت کرده بود پیش آمده گفت: "ای خداوند، تو

را برداشتند روغن با آنها برنداشتند.^۳ ولی [دختران] فهمیده در روغن دانها روغن با چراغ خود برداشتند.^۴ چون داماد دیر کرد همه چرت زده به خواب رفتند.^۵ در نیمه شب فریادی برخاست: "اینک داماد! به استقبالش بیرون شوید."^۶ آنگاه همه باکره‌ها قیام کردند و چراغهای خود را آراستند.^۷ [دختران] ابله به [دختران] فهمیده گفتند: "از روغن خود به ما بدھید چون چراغهای ما خاموش می‌شود."^۸ [دختران فهمیده] پاسخ دادند: "البته برای ما و شما کافی نخواهد بود. بهتر است بروید برای خود از فروشنده‌گان بخرید."^۹ چون ایشان رفتند بخند داماد آمد و آنان که آماده بودند با او به عروسی وارد شدند و مکا ۹:۷:۱۹ در بسته شد.^{۱۰} سرانجام دیگر باکره‌ها نیز آمدند و گفتند: "خداوندا، خداوندا، برای لو ۲۷:۲۵:۱۳ ما باز کن."^{۱۱} ولی او پاسخ داده گفت: "آمین به شما می‌گویم که نمی‌دانم شما که هستید."^{۱۲} پس بیدار باشید! زیرا شما آن مر ۴:۳۵:۱۳ روز و ساعت را نمی‌دانید.^{۱۳} ک. لو ۴:۱۲

مثل تالان‌ها

(لوقا ۱۹:۱۲-۲۷)

^{۱۴} «این همانند مردی است که عازم سفر شده خادمان خود را خواند و اموالش را به ایشان سپرد.^{۱۵} به یکی پنج تالان^m، به

- ج- پایان این مثل نظیر ۲۳:۷ و در انجیل لوقا نظیر ۱۳:۱۳-۲۵:۲۷-۲۷:۷ می‌باشد.
- k- اگر دستور بیداری به معنی آن است که نخواهد، این عبارت به مثل اصلی افزوده شده زیرا همه دختران به خواب رفته بودند
- ۱- این مثل که در طی آن رفتار خدمتگزاران خوب و بد توصیف می‌شود نظیر مثل خدمتگزار وفادار است (۵۱-۴۵:۲۴). اما وفاداری که از خادمان انتظار می‌رود منحصر به آن نیست که آماده باشد با در صورت تأخیر خداوند که در اینجا ذکر نشده رفتار خوبی داشته باشد بلکه بایستی تالان هایی را که به آنان سپرده می‌شود برابر اهمیت آنها به شمر برسانند. بتایران محتوای مثل با آموزشی که بعداً می‌آید کاملاً ارتباط دارد (۲۶-۳۱:۲۵). ضمناً لوقا مثلی را که درباره قنطرهای روایت کرده (۲۷-۱۲:۱۹) ممکن است از منبعی نزدیک به این مثل گرفته باشد.
- m- تالان، واحد پول طلا. هر تالان معادل دستمزد ۶۰۰۰ روز کار بوده است، ر. ک. ۰۲۴:۱۸.
- n- به این نکته عجیب توجه نمایید که مبلغ مهمی را که سپرده بود «چیز اندکی» توصیف می‌کند.

۳۱ «چون پسر انسان با شکوه خواهد آمد و تمام فرشتگان با او، آنگاه بر تخت شکوه خود خواهد نشست.^۹ ۳۲ و تمام ملت‌ها در برابر او جمع خواهند شد و آنان مکا:۲۱؛ ۱۱:۲۰؛ ۱۵:۵؛ ۱۴:۱۵؛ ۱۵:۱۵-۱۶ سوا را از یکدیگر سوا خواهد کرد همچون زک:۵؛ ۱۷:۳۴ شبانی که گوسفندان را از بُزها^{۱۰} سوا می‌کند. ۳۳ و گوسفندان را به راست خود و حرق:۱۷؛ ۱۲:۳۲ بُزها را به چپ خود قرار خواهد داد. ۳۴ آنگاه پادشاه به آنان که در راست او هستند خواهد گفت: "بیایید ای برکت یافتگان از پدرم و ملکوت را که از بنیاد جهان برای شما آماده شده است به اirth دریافت کنید.^{۱۱} ۳۵ زیرا گرسنه بودم و به من لو:۲۲:۳۰ خوراک دادید، تشنه بودم به من نوشیدنی اش:۱۸:۷۵ دادید، بیگانه بودم و مرا پناه دادید.

۳۶ برخene، و مرا پوشانیدید، بیمار، و مرا عیادت کردید، در زندان بودم و نزد من آمدید.^{۱۲} ۳۷ آنگاه عادلان به او پاسخ داده خواهند گفت: "خداؤندا کی تو را گرسنه دیده ایم تا به تو خوراک داده باشیم یا تشنه تا به تو نوشیدنی داده باشیم؟^{۱۳} کی تو را

را می‌شناسم که انسان سختی هستی، در ۳۷:۴ جایی که نکاشته‌ای درو می‌کنی و جایی که نپراکنده‌ای جمع می‌کنی.^{۱۴} و ترسیده رفتم و تالان تو را در زمین پنهان کردم. اینک مال توست اینچاست.^{۱۵} ۲۶ خداوندش در پاسخ او گفت: "ای خادم بد و بی قید، تو می‌دانستی که من در جایی که نکاشته‌ام درو می‌کنم و در جایی که چیزی نپراکنده‌ام جمع می‌کنم.^{۱۶} پس می‌باشد پول مرا نزد صرافان می‌گذاشتی و چون برمی‌گشتم آنچه را که مال من است با بهره اش باز می‌یافتم.^{۱۷} پس آن تالان را از او برداشته به آن که ده تالان دارد بدهید.^{۱۸} زیرا به هر که دارد داده خواهد شد و او به فزونی خواهد داشت^{۱۹} ولی آن که ندارد حتی آنچه دارد از او گرفته خواهد شد.^{۲۰} اما خادم بی فایده، او را به بیرون ظلمت بیندازید؛ در جایی که صدای گریه و فشار دنداها باشد.^{۲۱}

داوری

- ۰- بسوع تصمیمی را که در آیه ۲۸ ذکر شده است به وسیله ضرب المثلی توجیه نموده و بدین وسیله هم شدت محکومیت و هم بخشش لایتناهی خدا را نشان می‌دهد.
۱- ر. ک ۱۲:۸ توضیح.^t

۹- این نوشته مثل نیست بلکه تشریح پیامبرانه داوری نهایی می‌باشد. پسر انسان در «شکوه» خود (۲۷:۱۶؛ ۲۸:۱۹) همچون پادشاه می‌آید تا همه ملت‌ها را داوری کند و رفتار آنان را بر مبنای اعمال ترجم آمیزی که نسبت به نیازمندان انجام داده اند ارزیابی نماید. آنگاه به آنان اظهار می‌کند که اعمال و رفتارشان مفهوم عمیقی داشته که نبی دانسته‌اند. در اینجا یسوع آموزش‌هایی را که در بابهای ۲۴-۲۵ داده شده است تکمیل نموده آنچه را قبلاً فقط به شاگردان گفته بود (۱۰:۱۰؛ ۱۸:۵) به تمام آدمیان تعمیم می‌دهد و خود را تمام بیچارگانی که برادرانش به شمار می‌روند یکی می‌داند. بعضی معتقدند منظور از «کوچکتران» بیرون ستمدیده بسوع می‌باشد که غریب‌سنجان به آنان کمک کرده‌اند.

۱۰- معنی کلمه بونانی همین است (ر. ک خروج ۱۲:۵؛ لاو:۵؛ لوا:۱۰؛ لوا:۱۵).

۱۱- اعمالی که بسوع آنها را تمجید می‌کند همان اقدامات پرهیزکارانه‌ای هستند که در آینین یهود و عهد جدید ستوده شده‌اند: تغذیه گرستگان (۱۰:۱۰؛ لوا:۳؛ ۱۱:۱؛ ۱۴:۱؛ ۱۴-۱۲:۱؛ ۱۴-۱۳:۳-۱؛ ۲۰:۱؛ ۱:۱۶؛ ۳-۱؛ ۴۲-۴۰:۱۰؛ ۳۳:۱۱-۱۲:۱؛ ۱۴-۱۳:۱؛ ۱۰:۱؛ ۱۰:۱؛ ۱۳:۲؛ کول:۴؛ ۱:۱۰؛ ۱-۱۵:۲؛ بعیر:۴؛ ۱:۱۳؛ ۱:۱۰؛ ۱؛ ۱۴:۱؛ ۱۴-۱۵:۲)، عیادت بیماران (لو:۵۴-۵۳:۹؛ ۳۶:۹؛ ۳۹:۳)، عیادت بیماران (لو:۱۰:۱؛ ۱۰:۱؛ ۱۴:۵؛ ۳۵:۳؛ بعیر:۱۶-۱۵:۲)، در اینجا تقاضتی که با دستورات آینین یهود وجود دارد بسوع از تربیت یتیمان و از تدفین مردگان چیزی نمی‌گوید (ر. ک ۲۶:۱۰؛ توضیح d)، ولی ملاقات زندانیان را افروزد است (ر. ک ۲-تیمو:۱۶-۱۸؛ بعیر:۳؛ ۱۳:۳).

زندان دیده ایم و به تو خدمت نکرده ایم؟"
۴۵ پس در پاسخ ایشان خواهد گفت: "آمین به شما می گویم همین قدر که به یکی از اینها که کوچکترین هستند نکرده اید به من نکرده اید."^{۴۶} و ایشان به کیفر ابدی خواهد رفت ولی عادلان به زندگی ابدی.

دان: ۲:۱۲
بوی: ۲۹:۵

توطئه بر ضد یسوع (مرقس ۱:۱۴-۲:۲؛ لوقا ۲:۱-۲؛ یوحنا ۱:۱۱-۴:۷)

^۱ باری^{۱۱} چون یسوع همه این سخنان^۷ را به پایان رسانید به شاگردانش گفت: "می دانید دو روز دیگر [جشن] گذر فرا می رسد"^۸ و پسر انسان تسليم کرده می شود^۹ تا مصلوب گردد". خروج ۱:۱۲-۷:۱۹.
^{۱۰} آنگاه لا کاهنان اعظم و مشایخ قوم در حیاط کاهن اعظم به نام قیافا^{۱۰} اجتماع^{۱۱} و با هم^{۱۲} مشورت کردند که یسوع را به حیله دستگیر

بیگانه دیده ایم تا پناه داده باشیم یا برخنه تا تو را پوشانیده باشیم؟^{۱۳} کی تو را بیمار یا در زندان دیده ایم تا نزد تو آمده باشیم؟^{۱۴} و پادشاه به ایشان پاسخ داده خواهد گفت: "آمین به شما می گویم همین قدر که به یکی از این کوچکترین ها که برادران من امث: ۱۷:۱۹؛ هستند چنین کرده اید، به من کرده اید".^{۱۵}

^{۱۶} آنگاه به آنان که در چپ او هستند نیز خواهد گفت: "ای ملعونان، از من دور شوید! به آتش ابدی که برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده است.^{۱۷} زیرا گرسنه بودم و به من خوارک ندادید؛ تشنه بودم و به من نوشیدنی ندادید.^{۱۸} بیگانه بودم و مرا پناه ندادید؛ برخنه، و مرا نپوشانیدید؛ بیمار و در زندان و مرا عیادت نکردید.^{۱۹} آنگاه ایشان نیز پاسخ داده خواهند گفت: "خدواندا، کی تو را گرسنه یا تشنه یا برخنه یا بیگانه یا بیمار یا در

^{۱۰}- ملاحظه کنید آموزش مشابهی که در ۱:۱۰ آمده فقط خطاب به شاگردان یعنی «کوچکان» بوده (در صورتی که در اینجا برای همه آدمیان صفت «کوچکترین ها» به کار برد شده است). همچنین به جای اصطلاح «به عنوان شاگرد» (۴:۲-۱۰) عبارت «که برادران من هستند» ذکر شده و این امر نه برای آن است که عنوان برادر (که در ۴:۲۵ ذکر نشده) فقط منحصر به شاگردان باشد بلکه تا ارتباط هر فرد نیازمندی را با یسوع اعلام کند. بالاخره حرف اشاره «این» که در ۴:۲۵ کلمه تأکیدی وزائد است در آیه ۴:۲۱ ارزش واقعی دارد و به آیه قبلی ارجاع می دهد.

^{۱۱}- تحت لفظ: و چنین روی داد، وقتی که... (ر. ک ۱:۱۱؛ ۳:۱۱؛ ۷:۲۸؛ ۷:۱۹).

^{۱۲}- این «سخنان» (جمع logos) را انجیل نگار اساساً از نظر عملی در یک جای مجموع کرده است (ر. ک ۲:۷-۷؛ ۷:۲۸).

^{۱۳}- یسوع دیگر در برابر تهدید عصب نشینی نمی کند (ر. ک ۱:۱۲-۱۵؛ ۱:۱۴-۱۳). بلکه با سرنوشتی که مستقیماً پیشگویی می کند روبرو می شود. ضمناً با ارتباط دادن با عید فصح یهودیان به سرنوشت خود معنی و مفهوم می دهد (ر. ک ۱:۱۴ توضیح k).

^{۱۴}- فعلی که در اینجا به کار رفته به صورت زمان حال می باشد در صورتی که قبلاً در اعلام رنج مسیح فعل آینده به کار رفته بود (۱:۱۷-۲:۲۲؛ ۲:۲۰-۱۸؛ ۷:۱۷) و بنابراین رنج و مرگ با این سخن یسوع آغاز می شود و می توان چنین ترجمه کرد: «بدانید که...» و به

این ترتیب ارتباط بین عید فصح و مصلوب شدن را نشان داد. کلمه «تسليم کردن» که معمولاً به معنی بدی به کار برد شده (۴:۱۷؛ ۱۰:۱۷؛ ۱۰:۲۵؛ ۵:۲۵) در اینجا که سخن از رنج و مرگ مسیح است به صورت فعل مجهول می باشد (۱:۱۷-۲:۲۲).

^{۱۵}- و از این طرز ترکیب عبارت که قبیلی است چنین برهمی آید که خدا پرس خود را به آدمیان تسليم می کند (روم ۴:۲۵؛ ۲:۱۸-۱۰). بعداً تأکید خواهد شد که یسوع شخصاً خود را تسليم نمود تا مرا نجات دهد (غلای ۰:۲۰؛ افس ۵:۲).

^{۱۶}- این تغییر موضوع از نظر ترتیب وقوع حوادث ارزشی ندارد ولی از لحاظ علم الهی دارای اهمیت است (ر. ک مز ۱:۳-۱:۴). شورای یهودیان احتمالاً همان است که یوحنا در ۱:۱۱-۴:۵ ذکر کرده و تاریخ تجمع آنان را بیش از یک هفته قبل از عید

فصح تعیین نموده است.

^{۱۷}- به همان گونه که یوحنا در ۱:۱۱-۴:۱۸ و ۱:۱۸-۴:۱۴ ذکر کرده، متی نقش قیافا، داماد حنا را در این وقایع صریحاً یادآوری و نمایان می کند (لو ۳:۲؛ یو ۱:۱۸-۱۳). این شخص از سال ۱۸ تا ۳۶ میلادی کاهن اعظم یعنی رئیس کل مقامات مذهبی یهود و رئیس دادگاه عالی یهود (ساندھرین) بوده است. متی بعضی از مشایخ قوم را نیز در این وقایع شریک کاهنان اعظم قلمداد کرده، یعنی

دارید^e؛ ولی مرا همیشه ندارید^f. ۱۲ چون با تث ۱۱:۱۵ پاشیدن این عطر بر بدن من، درواقع به منظور تدفین من کرده است. ۱۳ آمین به شما می‌گویم در تمام جهان^g آنچه را این زن نیز کرده است به یاد او گفته خواهد شد.»

خیانت یهودا

(مرقس ۱۴:۱۰-۱۱؛ لوقا ۲۲:۲۲-۳:۶) ۱۴ آنگاه یکی از آن دوازده [تن] به نام یهودای اسخربوطی^۱ نزد کاهنان اعظم رفت^h ۱۵ گفت: «به من چه خواهید داد و من او را به شما تسلیم خواهم کرد.» ایشان برایش سی سکه نقره وزن کردنداⁱ. ۱۶ و از آن پس در بی فرستی بود تا او را تسلیم کند.^k

مز ۱۴:۳۱ کرده بگشند. ^۵ ولی می‌گفتند: «نه در زمان جشن^a، تا هیاهوئی در قوم ایجاد نگردد.»

تدهین در بیت عنیا

(مرقس ۱۴:۹-۳: ۱۲؛ یوحنا ۸-۱: ۱۲)

^۶ هنگامی که یسوع در بیت عنیا در خانه شمعون جدامی بود^b، ^۷ زنی نزد وی آمد که شیشه ای عطر گرانها داشت و چون او بر سر سفره بود^c آن را بر سرشن ریخت. ^۸ شاگردان با دیدن این برآشفته شده گفتند: «این اتلاف برای چیست؟^d زیرا می‌شد آن را خیلی گران فروخته به درماندگان داد.» ^{۱۰} یسوع دانسته به ایشان گفت: «چرا این زن را زحمت می‌دهید؟ حال آن که کار نیکی^e برای من انجام داده است. ^{۱۱} زیرا همواره درماندگان را با خود

شیک بعضی از اعضای سانه‌دیرین که در بین جامعه مذهبی یهود مشاغل عالی داشته‌اند (اع:۶). ضمناً توجه نمایید که در روایت رنج و مرگ یسوع، از فریسان صحبتی نمی‌شود.

a- این عبارت را می‌توان به دو گونه درک کرد: «در زمان عیید» یا «در میان مردمی که عید گرفته‌اند» ولی چون دستگیری یسوع در زمان عید روی داد تعییر دومی ارجحیت دارد.

b- متی همانند مرقس صحته تدهین بیت عنیا را در داخل روایت رنج یسوع آورده است، در حالی که در یو ۱۲:۸-۱:۸ این واقعه شش روز پیش از عید فصح روحی داده است. متی بدین وسیله نه فقط توئطه بر ضد یسوع را توصیف می‌کند (ر.ک ۱۶:۲۶؛ ۱:۶-۶) بلکه نشان می‌دهد که یسوع بر اوضاع مسلط بوده و به آینده انجیل اطمینان دارد (۱۳-۱۲:۲۶). در مورد شمعون ر.ک مر ۳:۳ توضیح^f.

c- تحت اللفظی: بر سر سفره دراز کشیده بود (ر.ک مر ۳:۱۴). روایت متی در این مورد ساده‌تر از روایت مرقس است و در آن نه نام عطر و نه موضوع شکستن عطردان ذکر شده است. در مورد شیشه عطر ر.ک لو ۳۷:۷ b

d- اقدام به تدفین مردگان جزو کارهای نیک مذهبی است که در دورانهای متأخر جزو فرایض مذهبی آیین یهود توصیه شده است (ر.ک طو ۱۷:۱۹؛ اع:۹:۳۶). به نظر ری ها تقاضی که این فرایض با پرداخت صدقه دارند در این است که مستلزم تهد و شخصی بوده و منحصراً مربوط به بینوایان و زندگان نبوده بلکه شامل مردگان ثروتمند نیز می‌شود (ر.ک مت ۴:۲۵-۳:۵؛ ۴:۴-۳:۴). توضیح^g: ۱۵:۴۲-۴:۴۷؛ اع:۸:۲).

e- افعال بونانی که در اینجا به کار برده شده زمان حال و به صورت مضارع می‌باشد یعنی عملی که تمام نشده و کماکان ادامه دارد. f- یسوع نظریه معمول آیین یهود را یادآوری می‌کند که بر طبق آن اعمال خیر برتر از صدقه دادن است. در این موقعیت عمل خیر تدهینی است که انجام آن بعداً مقدور نخواهد بود. ضمناً درباره وضعیت بینوایان نسبت به خودش قانونی مقرر نمی‌کند.

g- نوید. ر.ک مر ۱:۱. a

h- ر.ک مت ۴:۲۴. I

i- اسخربوطی. ر.ک مت ۱:۱۰. a

j- سکه خاص یهودیان که هر کدام ۱۱/۴ گرم وزن داشت. طبق خروج ۲۱:۲-۳۲ برای ارزش و خون بهای یک برده این مبلغ تعیین شده بود، شبان نیکورا به بهای ناچیزی تسلیم کرده‌اند (زک ۱۱:۱۲).

k- تسلیم کردن. ر.ک مت ۲:۲۶. x

معرفی خائن^۰

(مرقس ۱۴:۲۱-۲۱؛ لوقا ۲۲:۲۲؛ ۱۴:۲۲؛
یوحنا ۱۳:۲۱-۳۰)

شامگاه که فرار سید با دوازده [شاگرد] بر سر سفره نشست. ^۱ و چون [غذا] می خوردند گفت: «آمین به شما می گویم که یکی از بین شما مرا تسليم خواهد کرد.» ^۲ و ایشان به شدت غمگین شده تک تک شروع کردند به او بگویند: «خداؤندا، آیا من باشم؟» ^۳ پاسخ داده گفت: «آن که با من دست در سینی ^P خیس کند همان است که مرا تسليم خواهد کرد.

^۴ پسر انسان برابر آنچه درباره اش نوشته ^m مز ۲۲:۸، ^{۱۶:۱۸} اش شده می رود، اما وای بر آن مردی ^۹ که پسر اش ^{۵:۳}

آماده کردن سفره فصح

(مرقس ۱۴:۱۲-۱۶؛ لوقا ۲۲:۲۲-۷)

خروج ۱۴:۱۲ نخستین [روز] فطیر^۱ شاگردان نزد یسوع آمده گفتند: «کجا می خواهی جهت خوردن فصح ^m برایت آماده کنیم؟» ^{۱۸} وی گفت: «به شهر نزد فلانی بروید و به او بگویید: استاد می گوید وقت من نزدیک است ⁿ، در خانه تو فصح را با شاگردانم بر پا می کنم.» ^{۱۹} و شاگردان همان کردند که استادشان دستور داده بود و فصح را آماده کردند.

۱- فطیر. ر. ک مر ۱۴:۱۲. نخستین روز از هفت روزی که نان فطیر می خوردند و طبق انجیل نظیر برابر با ۱۵ ماه نیسان، اولین ماه سال قمری یهودیان است.

۲- فصح. این کلمه مفاهیم متعددی دارد: ۱- در اینجا با توجه به اوضاع تاریخی این روایت به مفهوم عید فصح یهودیان است. ۲- عید گذر یسوع مسیح که مسیحیان برگزار می کنند. ۳- و بنا بر این یگانه فصح یسوع که با صلیب و رستاخیز خود از این دنیا به سوی پدر گذر می کند. متخصصین در این مورد تفسیرهای مختلفی در نظر می گیرند: (الف) چنان که از انجیل نظیر برمی آید یسوع ضیافت عید فصح را بر طبق رسوم یهودیان برگزار کرده است ولی این نکته با اطلاعاتی که از انجیل یوحنا استنباط می شود متفاوت دارد و برابر اطلاعات مذکور یهودیان غذای عید فصح را در غروب روز جمعه صرف کردند (یو ۱۸:۲۸؛ ۱۹:۳۱، ۴۲). (ب) ممکن است عید فصح را برابر یک تقویم غیر رسمی (قسان) برگزار کرده باشد که در این صورت مرگ او با ذبح بره های قربانی همزمان بوده است (یو ۱۹:۳۶). (ج) یسوع که به دشواری می توانسته رسم یهودیان را پیش از موعد مقرر انجام دهد در طی شام وداع، ترتیب نیایش سپاسگزاری را مقرر کرده است و هرگاه مراسم عید یهودیان را به انجام می رساند بدین معنی نیست که مراسم دیگری به جای آن مقرر داشته بلکه با مرگ خود که جنبه قربانی شدن دارد آن را به تحقق رسانیده است. در این صورت باستی چنین فرض کنیم که انجیل نگاران ایمان خود را در مورد جشن گذر، با عید فصح یهودیان منطبق کرده اند. به هر صورت شام آخر یسوع در شرایط عید فصح یهودیان برگزار شده است.

۳- این عبارت از نظر علم الهی یادآور مشیت خداست که در وقت معین تحقق می بذیرد (ر. ک ۲۹:۸). در اینجا زمان مرگ و جلال یسوع است که نزدیک می شود و یوحنا با کلمه «ساعت» از آن یاد می کند (یو ۷:۳۰؛ ۱۳:۱). متی برخلاف مرقس علاقه ای به ذکر جزئیات ندارد (انتخاب قاصدان مخصوص، وضع سفره خانه، توصیف مالک منزل): خلاصه هیچ نکته ای ما را از موضوع شناخت مسیح منحرف نمی نماید. «فلانی»: اسم شخص و مکان ذکر نشده است. آیا چون در زمان نگارش انجیل، مسیحیان اورشلیم در خطر بودند و می باست اسم و مکان خاصی مخفی بیاند؟ (ر. ک ۱۴:۱۲).

۴- موضوع این روایت در سه مرحله پیش می رود: یسوع خیانت را اعلام می کند (۲۱-۲۲)؛ جمع شاگردان محدود می شود (۲۳-۲۴) و یهودا خود را آشکار می سازد (۲۵). بدین طریق یسوع که به خوبی می داند به کجا می رود خائن را معرفی می کند.

۵- سینی. سخن یسوع بدین معنی است: مردی که ظاهراً در بگانگی با دیگران زندگی می کند و شرکت در غذای سینی مشترک نشانه این یگانگی است تصمیم گرفته خیانت نماید (در مورد کاربرد این کلمه و درباره مز ۱۰:۴۱ که متی آن را ذکر نکرده ر. ک مر ۱۴:۲۰ توضیح ^c).

۶- در اصل یونانی این کلمه در ضدیت با «پسر انسان» آمده است. به هر صورت یسوع موقعیت فلاکت بار یهودا را بیان می کند (ر. ک ۱۳:۲۳ توضیح ^j) و ضمناً او را لعنت نمی کند و محکوم نمی سازد.

ایشان داد و گفت: «همه شما از آن بنوشید،^{۲۸} زیرا این خون من است، [خون] خروج ۸:۲۴؛ پیمان که به خاطر بسیاری برای بخاشایش زگی^{۲۹}: ۳۱:۴۱؛ ۱۱:۹؛ ۲۰:۹ عبر^۹ گناهان ریخته شده است.^{۳۰} به شما می‌گویم: از این پس دیگر از این محصول مو نخواهم نوشید تا آن روزی^۷ که با شما آن را در ملکوت پدرم تازه بنوشم.^{۳۱}»

اعلام انکار پطرس
(مرقس ۱۴:۳۱-۲۶؛ لوقا ۲۲:۲۲-۳۳؛ ۳۴-۳۳: ۳۱-۲۶)

۳۹ یوحا ۱۳: ۳۸-۳۷؛
۳۰ و پس از خواندن سرودها^X به سوی
کوه زیتون بیرون شدند.^{۳۱} آنگاه یسوع به
ایشان گفت: «امشب همه شما درباره من

انسان بوسیله او تسلیم می‌شود! برای آن مرد بهتر می‌بود زاییده می‌شد.^{۲۵} یهودا که او را تسلیم می‌کرد جواب داده گفت: «ربی^۳، آیا من باشم؟» به او گفت: «خود گفتی.»

شام آخر: برپایی آین سپاسگزاری
(مرقس ۱۴:۲۵-۲۲؛ لوقا ۲۲: ۲۰-۱۵)

۱-قرنطیان ۱۱: ۲۶-۲۳

۲۶ هنگامی که غذا می‌خوردند^۵ یسوع نانی را گرفت و [دعای] برکت خوانده آن را پاره کرد و به شاگردان داد و گفت: «بگیرید بخورید، این تن^۴ من است.»^{۳۲}

۱-قرن ۱۶: ۱۶ ۲۷ و جامی گرفته، شکرگزاری کرد و به

۲- عنوان ربی کلمه‌ای است که دشمنان یسوع خطاب به او بکار می‌برد (۴۹:۲۶؛ ۸:۲۳؛ ۷:۲۳)، اما شاگردان او را خداوند می‌گویند. تمام این آیه مختص انجیل متی می‌باشد.

۳- متی آینی کلیسايی را در روایت رنج و مرگ یسوع گنجانیده و بدین ترتیب نشان می‌دهد که یسوع مرگ خود را چگونه در ک می‌کرده است. این روایت به خاطر شکل آینین نیاشی خود دعوت می‌کند که اعمال یسوع را در طی آخرین شام او تکرار کنند.

بدین وسیله مرگ یسوع برروی صلیب فعالیت یافته و شام آخر پیشاپیش برگزار می‌گردد.

۴- تن. این گفтар را به سبب کلمات «بگیرید بخورید» نمی‌توان فقط مقایسه ساده‌ای به شمار آورد (به همان گونه که نان پاره شده، تن من نیز پاره خواهد شد). از سوی دیگر فعل «است» (که برابر آن در ترکیب عبارات زبانهای سامی وجود ندارد بلکه مفهوم آن مستتر است) برای بیان یکی بودن نان و تن کافی نیست. برای این که موضوع یکی بودن نان و تن دقیقاً روشن شود بایستی سخنانی که درباره نان و شراب گفته شده به کسی که آها را بیان کرده و به غذایی که در آن معنی این کلمات ابراز گردیده ارتباط داده شود. ضمناً بایستی شرايط و محیط صرف این غذا که در عید فصح بوده (ر.ک خون عهد با طبق لو ۲۰:۲۲ ل، عهد جدید) و اهمیت موضوع قربانی شدن (خونی که به خاطر بسیاری ریخته شده) در نظر گرفته شود.

۵- یسوع با ریختن خون خود بر روی صلیب، پیمانی را که در گذشته با ریختن خون قربانها معقد شده بود به اتمام می‌رساند (خروج ۸:۴-۲۴) و به طور ضمنی اعلام می‌کند بیمان جدیدی که پیامبران نبوت کرده بودند به تحقق پیوسته است (ار ۳۱: ۳۱-۳۴) و همچنین ارزش جهانی قربانی شدن خود را «به خاطر بسیاری» اعلام می‌کند، اصطلاحی که در زبانهای سامی به معنی مجموع آدمیان است (اش ۳:۳۵). متی به روایاتی که در انجیل نظیر آمده عبارت «برای بخاشایش گناهان» را افزوده تا تصریح کند چه مفهومی برای مرگ یسوع قائل است.

۶- روز آخر، ر.ک اش ۲۵:۶؛ مت ۸:۱۱؛ لو ۱:۱۳؛ ۱۵:۱۴؛ ۲۹:۱۴؛ ۱۶:۲۲؛ ۱۶:۱۴؛ ۹:۱۹ مکا ۹.

۷- در آیه ۲۹ که ضمیمه این روایت به شمار می‌رود و لوقا آن را قبل از روایت آینین نیاش ذکر کرده (لو ۲۲:۱۵-۱۸) متی وجود دارد که احتمالاً ارتباطی با آینین نیاش ندارد (ر.ک مر ۱۴: ۲۵؛ لو ۲۲: ۳۸-۲۴؛ یو ۱:۳۶-۳۴: ۲۲-۲۳) و نشان می‌دهد شام آخر یسوع هدف فرجامین را داشته و امیدواری قطعی به شرکت در خوان آسمانی را بیان می‌کند (ر.ک مت ۱:۸؛ مر ۱:۴؛ ۲۵:۱۴) . با در نظر گرفتن یکی از معانی شراب در کتاب مقدس (مز ۱۰:۴؛ غزل ۲:۱؛ هو ۴:۱۰...) و نیز معنای مسنتی روحانی (۱سمو ۱:۱۴؛ ار ۶:۲۳؛ اع ۱:۱۵؛ افس ۵:۱۸) و بالاخره اهمیت شراب در ضیافت ملکوت خدا (اش ۲:۲۵؛ ۶:۱۰؛ یو ۱:۲۰؛ لو ۲:۲۲) آیا می‌توان در نظر گرفت که شراب تازه‌ای که با شاگردانش در ملکوت خواهد نوشید، نماد روح القدس است؟

۸- مزامیر هلویا (مز ۱۱۳-۱۱۸) که با خواندن آهای غذای عید فصل به پایان می‌رسید.

زبده را برداشته غم و اضطراب او شروع شد.^{۱۷} آنگاه به ایشان گفت: «جان من تا مرن^{۱۸}:۳۸ به سرحد مرگ اندوهگین است^b، در اینجا بود^{۱۹}:۲۸-۹ به سرحد مرگ^{۲۰} اندوھگین است^b، در اینجا بود^{۲۱}:۵۱-۹ بمانید و با من بیدار باشید.»^{۲۰} و اندکی پیش رفته به روی افتاده^c دعا می کرد و عبر^{۲۲}:۵-۸ عیسی به او گفت: «ای پدر من! اگر ممکن است این جام از من بگذرد! اما نه چنان که من می خواهم بلکه چنان که تو.»^{۲۱} و نزد شاگردان آمده آنان را خوابیده یافت و به پطرس گفت: «پس نتوانستید حتی یک ساعت با من بیدار بمانید!^d بیدار باشید و دعا کنید تا در وسوسه وارد نشوید: روح^{۲۳}:۶ راغب است ولی تن ضعیف.^d^e»^{۲۲} باز بار دوم رفته دعا می کرد و می گفت: «ای پدر من، اگر ممکن نیست که بگذرد بدون اینکه آن را بنوشم، اراده تو انجام شود.^e»^{۲۳} و باز آمده آنان را خوابیده یافت زیرا چشمانشان سنگین شده بود.^{۲۴} و ایشان را گذاشته باز رفت و برای سومین بار دعا کرده همان سخن را گفت.^{۲۵} آنگاه نزد^۲-قرن^۲:۱۲

لغزش خواهید خورد^{۲۶} چنان که نوشته شده زک^{۲۷}:۱۳ است: «شبان را می زنم و گوسفندان رمه (مت^{۲۸}:۲۶-۲۷) پراکنده می شوند.^{۲۷} ولی پس از آن که قیام کردم پیش از شما به جلیل خواهم رفت.^{۲۸}»^{۲۸} پطرس به سخن درباره تو لغزش گفت: «حتی اگر همه درباره تو لغزش خورند من هرگز لغزش نخواهم خورد.^{۲۹}»^{۲۹} عیسی به او گفت: «آمین به تو می گویم همین امشب پیش از آن که خروشی بانگ^{۳۰}:۶-۹ زند تو مرا سه بار انکار خواهی کرد.^{۳۱}»^{۳۱} پطرس به او گفت: «حتی اگر بایستی با تو بمیرم تو را هرگز انکار خواهم کرد.^{۳۲}» و همه شاگردان چنین می گفتند.

در جتسیمانی

(مرقس^{۱۴}:۴۲-۳۲:۲۲؛ لوقا^{۲۲}:۴۰-۴۶)

^{۳۳} آنگاه یسوع با آنان به ملکی موسوم به جتسیمانی آمد و به شاگردان گفت: «در مدتی که برای دعا به آنجا می روم، در همین جا بنشینید.^a^b»^{۳۴} و با خود پطرس و دو پسر

y- مسیح که شاگردانش برعکس در انتظار پیروزی او بودند (۲۱:۲۰؛ ۲۲:۱۶) با مرگ خود سنگ لغزشی می شود که همگی با آن برخورد خواهند کرد (ر. ک ۲۹:۵). در اینجا یسوع زک^{۳۵}:۷ را نقل می کند.

z- در روایت های اناجیل نظری، سخنانی که فرشته در روز جشن گذر اعلام می کند (۱۷:۲۸) در اینجا گنجانیده شده تا اعلام لغزش شاگردان تعديل شود (۳۱:۶).

- مرقس با ذکر ساعت مسیح (مرقس^{۱۴}:۳۵) معنی روایت خود را روشن می سازد و تفاوت بین یسوع و شاگردان را نمایان ساخته است (مر^{۴۰}:۱۴). برعکس، متنی قبل از هر چیز جنین^c شناخت مسیح را در این صحنه در نظر می گیرد که عبارت از اطاعت مطلق مسیح (مت^{۴۲}:۲۶) و در درجه دوم نمونه دعا کردن به هنگام وسوسه می باشد (ر. ک لو^{۴۰}:۴؛ ۴۱:۲۲؛ ۴۶:۲۲-۲۳) توضیح e) و اگر سه بار دعا کردن ذکر شده برای آن است که شدت آن بادآوری شود (ر. ک لو^{۴۴}:۲۲).

b- یسوع در مقابل همان شاگردانی که قبلاً شاهد تجلی او بوده اند (۱۷:۹-۱۰) به چنان حالت افسردگی و اندوهی درمی آید که با مرگ برابر است (ر. ک ۱-۴:۱۹-۲۰) و همان حالت عادل رنجور می باشد (ر. ک مز^{۳۱}:۳۱، ۲۳:۶۱، ۳:۱۱۶). گفتار یسوع در اینجا مز^{۴۲}:۶ و یون^۴:۹ به زبان یونانی را به یاد می آورد.

c- منتظر این نیست که نقش بر زمین شده (مر^{۳۵}:۴) یا زانو زده (لو^{۴۱}:۲۲) بلکه به حالت پرستش درآمده است (ر. ک ۳:۱۷).

d- ر. ک مر^{۱۴}:۳۸ توضیح W. در مورد وسوسه ر. ک مت^{۱۳}:۶ و ز.

e- همان دعائی که پدر به ما تعلیم داده است، ر. ک ۱۰:۶.

یسوع بود دست بُرده شمشیرش را کشید و
برده کاهن اعظم را زد و از گوش او برید. بیو:۱۸؛ ۲۶:۱۰-۱۳
 آنگاه یسوع به او گفت: «شمشیر را
بعای خود برگردان زیرا همه کسانی که
شمشیر برگیرند به شمشیر هلاک شوند. مکا:۱۳؛ ۹:۶-۱۰
 یا می پنداری نمی توانم پدرم را بخوانم و
در دم بیش از دوازده فوج از فرشتگان را
حاضر گرداند! پس چگونه نوشه های
 مقدس انجام شود که بر طبق آنها
می بایست همچینین شود؟» در آن ساعت
 یسوع به جماعت گفت: «گویا بر ضد یک
راهن با شمشیرها و چماقها برای گرفتن
لو:۱۹:۴۷؛ ۲۱:۳۷؛ ۲۱:۲۰؛ ۱۸:۲۰
 من بیرون آمده اید! من هر روز در معبد
نشسته آموزش می دادم و مرا دستگیر
نکردید. » همه اینها فرار سید تا
نوشه های پیامبران تحقق یابد. آنگاه همه
زک:۱۳:۷؛ ۲۶:۳۱؛ ۱۶:۳۲
 شاگردان او را گذاشته گریختند.

یسوع در برابر سانه درین
(مرقس: ۱۴: ۵۳-۶۵؛ ۲۲: ۵۴-۵۶)-
 (۱۸: ۱۲-۶۳، ۵۵)
 آنانی که یسوع را دستگیر کرده بودند
او را نزد قیاقا، کاهن اعظم برندند k، جایی

شاگردان آمده به ایشان گفت: «دیگر
بخوابید و آرام بگیرید f. اینک ساعت
نzedیک است که پسر انسان به دست
گناهکاران تسلیم می شود. ۴۶ قیام کنید
لوقا: ۲۲: ۴۴-۴۶؛ ۹: ۷؛ ۲۴: ۴-۲۲؛ ۱۷: ۱؛ ۱۳: ۱؛ ۱۷: ۱؛ ۲۲: ۱۷
 برویم. اینک آن که مرا تسلیم می کند
نzedیک است.»

دستگیری یسوع (مرقس: ۱۴: ۴۳-۵۲؛ لوقا: ۲۲: ۴۷-۵۳؛ یوحنا: ۱۸: ۲-۱۱)

۴۷ هنوز سخن می گفت که اینک یهودا،
یکی از دوازده آمد و با او انبوه [مردمانی]
بسیار با شمشیرها و چماقها از نزد
کاهنان اعظم و مشایخ قوم. ۴۸ آن که او را
تسلیم می کرد نشانه ای داده گفته بود: «هر
که را ببوسم g، هم اوست. او را دستگیر
کنید. » ۴۹ و همان دم نزد یسوع آمده گفت:
«سلام، ربّی gg» و او را بوسه ای طولانی
داد. ۵۰ یسوع به او گفت: «رفیق، برای
همین اینجا هستی h.» آنگاه نzedیک آمده
دستها بر یسوع دراز کرده و او را دستگیر
کردن. ۵۱ و اینک یکی از کسانی که با

f- شاگردان که برای دعا کردن بیدار نمانده بودند نشان داده اند هنگامی که ساعت وسوسه فرامی رسد آمادگی ندارند. ضمناً عدم مقاومت و تسلیم شدن در برابر خواب بدین معنی است که از این پس از مبارزه بازیستاده اند.

g- در اینجا بوسه به هیچ وجه نشانه ای از محبت نیست بلکه سلامی است که به عنوان احترام به ربی ادا می شود. «سلام، تحت اللطفی: «شاد باش.»

h- این جمله اصطلاحی اختصاری و معمولی است که بایستی قبل از آن فعل امر: «بکن...» یا فعل دیگری که بیان پذیرفتن مشیت خداست گذاشته شود مثلاً: «تا تحقق یابد...» (ضمناً یسوع سلام و تعارف را کوتاه کرده و نشان می دهد که همه چیز را می داند و بر اوضاع مسلط است).

i- یسوع با استفاده از اصطلاحی که در نوشه های ربی ها تأیید شده اقتدار کاملی را که از پدر خود دریافت نموده و نیز اطاعت از اراده و مشیت الهی را بیان می کند.

j- احتمالاً منظور یکی از رؤسای دسته شورشیان نظیر بارا باس می باشد (یو: ۴۰: ۱۸)؛ در اینجا وضع عجیب و شگفت انگیزی پیش آمده است بدین معنی که با یسوع بمانند یکی از افراد فرقه غیوران رفتار می کنند و او را به این عنوان (۴۴، ۳۸: ۲۷). بین دوراهن به صلیب می کشند (۳۷: ۲۷).

k- احتمالاً متنی تنها حضور یسوع در برابر سانه درین در صبح روز بعد (لوقا: ۶۶: ۲۲) را با بازجویی شبانه در خانه هنای کاهن اعظم قبلی (یو: ۱۸: ۲۷-۱۲) ادغام کرده است.

خدای زنده سوگند می دهم به ما بگو آیا تو
مسيح، پسر خدا هستی؟»^{۶۴} يسوع به او ۱۷، ۱۶: ۱۶
گفت: «تو آن را گفتی، و نيز به شما
می گويم از اين پس پسر انسان را خواهيد
دید به دست راست قدرت نشسته^۵ و بر
ابرهاي آسمان می آيد.»^{۶۵} آنگاه کاهن ۳۰: ۲۴
اعظم رخت خود را دريده گفت: «کفر اعد^۶ مسو^۷: ۱۹-۲۰:
گفت P. ديگر چه نيازی به شاهدان داريم؟ عز^۸: ۳: ۹-۱۳:
همانا اكنون کفر را شنيدید!^{۶۶} چه از^۹: ۱۲: ۲: ۲۰:
می پنداريدي؟ در پاسخ گفتند: «مستوجب اع^{۱۰}: ۲۴-۲۵:
مرگ است.^۹» آنگاه به صورتش تُف لاو^{۱۱}: ۷: ۱۹-۲۰:
انداخته او را زدن، ديگران او را سيلی زده اش^{۱۲}: ۶:
می گفتند: «اي مسيح، برای ما پيامبرى
کن چه کسی تورا زده است؟»^{۱۳}

که کاتبان و مشايخ گرد آمده بودند.^{۵۸}
پطرس تا حیاط کاهن اعظم از دور به
دنبال او می آمد و به اندرون وارد شده با
نگهبانان نشست تا انجام را ببینند.^{۵۹}
کاهنان اعظم و تمام دادگاه در جستجوی
شهادتی دروغ بر ضد يسوع بودند تا او را به
کشن دهند.^{۶۰} و آن را نيافتند، هر چند
شاهدان دروغين زيادي پيش آمدند.
سرانجام دو نفر پيش آمدند^{۶۱} که گفتند:
«اين گفته است می توانم قدس خدا را
نابود کرده^m در سه روز آن را دوباره بنا
کنم.»^{۶۲} و کاهن اعظم برخاسته به او
گفت: «جوابي نمی دهی! اينها بر ضد تو
چه شهادت می دهند؟»^{۶۳} يسوع خاموش
ماندⁿ و کاهن اعظم به او گفت: «تورا به

۱- اعضای سانهدرین که قبلاً در خانه قیافا جمع شده بودند از همان ابتدای امر در جستجوی شهادتی دروغ بودند. بنا به نوشته متی (ر. ک مر ۱۴: ۵۵) محاکمه ای ساختگی آغاز می شود (ر. ک ۶۶: ۴۶ q) که حداقل باید دو نفر شهادت دهند.

m- در نوشته های عهد جدید هرگز يسوع نقش ویران کننده معبد را برای خود قائل نشده است (مت ۳: ۲-۲۴: ۲: ۱۹: ۲: ۱۹-۲۰: ۱۴: ۶). متی اختلاف معبد سنگی را که با دست آدمیان ساخته شده با معبدی که به دست آدمیان ساخته نشده باشد ذکر نمی کند، همچنان پیشگویی درباره رستاخیز يسوع را ذکر نمی نماید ولی مقام منحصر به فرد يسوع را یادآوری می کند که با کمال تهور، خود را مالک معبد (می توانم) خدا اعلام می نماید.

n- همچون خدمتگزار خدا که هرگز زبان نگشود (اش ۷: ۵-۳: ۸: ۱۴: ۳۲).

۰- يسوع به سؤال صريح و قاطع کاهن اعظم با همان کلماتی که در بیان ايمان پطرس آمده است (۱۶: ۱۶) پاسخی می دهد که نظیر مر ۱۴: ۶-۲۲ منحصر به کلمه «آری» نیست بلکه پاسخی غیر مستقیم است. يسوع نمی پذیرد که در مورد مسيح بودن خود در وضع مبهمی باقی بماند بلکه آمدن پسر انسان يعني شخصيت آسماني را اعلام می کند (دان ۱۳: ۷: ۱۱-۱۰: ۱: ۱۱: ۲: ۲۲: ۴۴: ۲۲: ۰).

p- گرچه يسوع صريحاً نام خدا را ذکر نکرده (بلکه با کلمه «قدرت» از او نام برده) پاسخ او را کفرآمیز قضاوت کرده اند زیرا مدعی مقامی برابر با خدا شده است. سکوت يسوع باعث می شود که دادگاه به بن بست برسد و کاهن اعظم را مجبور می کند به صورتی کاملاً رسمي از او جواب بخواهد و با فشار آوردن بر يسوع، راهی برای اين موضوع بیابد. يسوع با جوابی که عالم‌آ و عامدآ می دهد، دليلی برای محکومت خود به آنها می دهد.

q- حاضر شدن يسوع در برابر سانهدرین، که بوننا آن را ذکر نکرده، احتمالاً توجيه قانوني ندارد (شب هنگام). متی برخلاف مر ۱۴: ۶-۴ حکم واقعی داير به محکوميت را ذکر نکرده و لوقا نيز از آن سخنی نگفته است. حضور يسوع در برابر سانهدرین که به صورت محاکمه ای ساختگی درآمده بود اين حقیقت عمیق را بیان می کند که معاصران يسوع او را طرد می کردن زیرا ادعا می کرد مسيح و پسر خداست.

r- طبق انجيل های لوقا و يوحنا کسانی که به يسوع توهين می کنند نگهبانان هستند که چشم او را بسته اند و اين نكته در متی ذکر نشده است. متی اين صحنه را نفرت انگيزتر ساخته و اين عمل را به تمام اعضای دادگاه عالي يهود نسبت می دهد. در اين روایت از اش ۵: ۵-۷ الهام گرفته شده است.

تسلیم یسوع به پیلاطس
(مرقس ۱:۱۵؛ ۲:۲۱؛ لوقا ۲:۲۲؛ ۶:۶۶)
(یوحنا ۱:۲۳؛ ۱۸:۲۸)

^۱ بامدادان که فرا رسید تمام
۲۷ کاهنان اعظم و مشایخ قوم بر ضد
یسوع شورا کردند تا او را به کشتن دهند.^۷ مر^۶
^۲ او را بسته^w آوردند به پیلاطس
حکمران تسلیم کردند.

مرگ یهودا

آنگاه یهودا که او را تسلیم کرده بود^{۱۵، ۱۴:۲۶}
چون دید که محکوم شده است پشمیمان
شده سی سکه نقره را نزد کاهنان اعظم و
مشایخ قوم آورده گفت:^۴ «من گناه کرده و
خون بی گناهی را تسلیم کرده ام.» آنان
گفتند: «به ما چه؟ خودت ببین.»^۵ او^۵
سکه های نقره را در قدس اندادته، کنار
کشید و رفت خود را حلق آویز کرد.^x
کاهنان اعظم سکه های نقره را برداشت
گفتند: «چون خون بها است جایز نیست آن
را در خزانه گذاشت.^۶» پس شورا کرده،
کشتار کوزه گر را برای دفن خارجیان با آن
خریدند.^۷ بدین سبب این کشتزار تا به

انکارهای پطرس

(مرقس ۱۴:۶۶-۷۲؛ لوقا ۲۲:۵۶-۶۲)
(یوحنا ۱۸:۱۷، ۲۵-۲۷)

^{۶۹} پطرس بیرون، در حیاط نشسته بود^۸ و
کنیزی نزد او آمده گفت: «تو هم با یسوع
جلیلی بودی.»^{۷۰} اما او در برابر همه انکار
کرده گفت: «نمی دانم چه می گویی.»^{۷۱}
چون به طرف درگاه بیرون می رفت
[کنیز] دیگری او را دید و به کسانی که در
آنجا بودند گفت: «این یکی با یسوع
ناصری^t بود!»^{۷۲} و باز هم با سوگند انکار
کرد: «من این مرد را نمی شناسم.»^{۷۳}
^{۷۳} اندکی بعد آنان که در آنجا ایستاده
بودند نزدیک آمده به پطرس گفتند: «به
راستی تو هم از آنان هستی، وانگهی
گفتارت^۴ آشکار می کند.»^{۷۴} آنگاه با
نفرین شروع به قسم خوردن کرد: «من این
مرد را نمی شناسم.» و هماندم خرسوسی
بانگ زد.^{۷۵} و پطرس به یاد سخن یسوع
افتاد که گفته بود: «پیش از آن که خرسوسی
بانگ زند سه بار مرا انکار خواهی کرد.»^{۳۴:۲۶}
^{۳۴:۲۲} لوب^{۳۴:۲۲} و بیرون آمده به تلحی گریست.^{۳۸:۱۳}

- روابیت حضور یسوع در برابر سانهدرین که در بین دو قسمت از روایت مربوط به انکار پطرس آمده است (۵۸:۲۶، ۷۵-۶۹) خواننده را وادر می کند وضع خود را در برابر خداوند روشن نماید: زیرا در مقابل یسوع که شهادت می دهد پطرس ایمان خود را انکار می نماید.

- ر. ک ۲۳:۲ توضیح b.

- لهجه اهالی جلیل را نسبت به اهالی یهودیه از روی نکات جزئی مخصوصی که از نظر دستور زبان و طرز تلفظ داشتند می توانستند تشخیص دهند.

- بر طبق سیاست کلی دولت روم، حکمرانان آزادی عمل زیادی برای سانهدرین قائل بودند (ر. ک ۵:۵ توضیح x). سانهدرین در حدودی که دولت اشغالگر تعیین کرده بود زندگی مذهبی و سیاسی یهودیان را اداره می کرد. آیا در زمان یسوع سانهدرین مجاز بوده که حکم محکومیت به مرگ صادر کند و آن را به اجراء بگذارد؟ تا کنون تاریخ نگران نتوانسته اند در این مورد به توافق برسند. روایتهای انجیل با تقاوتهای قابل ملاحظه ای نشان می دهند که سانهدرین چنین اختیاری داشته ولی اجازه حکمران برای اجرای حکم ضروری بوده است.

- عین این عبارت در یو ۱۲:۱۶ آمده است. برابر انجیل یوحنای یسوع را از همان موقع بازداشت با بند بسته بودند ولی بر طبق انجیل نظیر وی را پس از محکومیت بستند.

- روابیت مرگ یهودا با آنچه در اع ۱۸:۱۹ ذکر شده دقیقاً تطبیق نمی کند و مفسرینی که خواسته اند این دو متن را با هم هماهنگ سازند موقوفیت چندانی نیافته اند.

- ر. ک مر ۱۱:۷ y

تعجب کرده بود.^{۱۵} در هر عید رسم حکمران بر این بود که یک زندانی را که مردم تقاضا می کردند آزاد کند.^{۱۶} در آن هنگام زندانی مشهوری به نام باراباس^e داشتند.^{۱۷} پس چون جمع شده بودند پیلاطس به ایشان گفت: «چه کسی را می خواهید برایتان آزاد کنم، باراباس^f یا یسوع مشهور به مسیح را؟»^{۱۸} زیرا می دانست که او را از روی حсадت تسلیم کرده اند.^{۱۹} چون بر مسند داوری نشسته بود زنش فرستاد به او بگویند: «بین تو و این عادل^g هیچ نباشد زیرا امروز در رویا به علت او رنج بسیار کشیده ام.»^{۲۰} ولی کاهنان اعظم و مشایخ، جماعت را وادار کردند که باراباس را درخواست کنند و یسوع را هلاک سازد.^{۲۱} حکمران به سخن درآمده به ایشان گفت: «از این دو کدام را می خواهید برایتان آزاد کنم؟» گفتند: اع^{۱۴:۳} «باراباس.»^{۲۲} پیلاطس به ایشان گفت: «پس یسوع را که مسیح می خوانند چه

امروز «کشتزار خون» نامیده شده است.^{۲۳} آنگاه آنچه ارمیای نبی گفته بود تحقق یافت: «وسی سکه نقره را گرفته اند؛ قیمت آن قیمت گذاری شده که پسران اسرائیل قیمت گذاری کرده اند؛^{۲۴} و آنها را برای کشتزار کوزه گر داده اند، برابر آنچه خداوند به من دستور داده بود.^{۲۵}

یسوع در برابر پیلاطس (مرقس ۱۵:۱۵-۲:۲۳؛ لوکا ۱۹:۲۸-۲۵؛ یوحنا ۱۸:۱۳-۲۵)

^{۱۱} یسوع در برابر حکمران ایستاد و حکمران از او پرسیده گفت: «آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟»^a یسوع گفت: «تو خود آن را می گویی.^b»^{۲۶} چون کاهنان اعظم و مشایخ او را متهم می کردند هیچ پاسخی نمی داد.^c آنگاه پیلاطس به او گفت: «این همه شهادت بر ضد خود را نمی شنوی؟»^d و به او هیچ پاسخی حتی یک کلمه نداد چنان که حکمران بی نهایت

اش: ۵:۷؛
مت: ۶:۲؛
۱:۲؛
لو: ۲:۲؛
۹:۹؛
۹:۹

Z- این قسمت نقل قولی تقریبی از زک ۱۱:۱۲-۱۲:۱۳ است که با عباراتی از اع:۱۸:۲-۱:۱۹؛ ۳:۳-۳:۳۲؛ ۲-۱:۱۹ تلقی شده است. انجیل نگار با دو نام «کشتزار کوزه گر» و «کشتزار خون» [معروف به حقل الدما] که احتمالاً در جامعه او این دو نام را می شناخته اند اعلام های پیامبرانه را در این متنون مختلف عهد عتیق یافته است.

a- مفهوم این سؤال را که پیلاطس از یسوع می کند نمی توان در ک کرد مگر بوسیله مطالبی که در لو ۲:۲۳-۱:۲۳ تصریح شده است و نشان می دهد که سانهدرین یسوع را به عنوان مدعی سلطنت متهم می کرده است.

b- این کلمات که در انجیل‌های متی، مرقس و لوقا مشترک هستند می توان به مفهوم مثبت در ک کرد: «تو آن را می گویی و حق داری». یهودیان در مورد مسیح موعود انتظار داشتند پادشاهی دادگر و آزادی بخش باشد: «خداآندا، بنگر و پادشاهشان پسر داد و را برانگیز» (مزامیر سلیمان ۱:۱۷).^e

c- درباره سکوت یسوع ر. ک ۲:۲۶-۵:۷.

d- رسم آزاد کردن یک زندانی در عید فصل مقوون به حقیقت می نماید ولی در هیچ جای دیگری ذکر نشده است. e- در بعضی نسخ نام این تبهکار یسوع باراباس ذکر شده ولی در اغلب نسخ خطی نام یسوع قبل از باراباس حذف شده چون نمی خواستند نام یسوع را برای باراباس بکار ببرند، هر چند این نام در آن زمان بسیار رایج بود.

f- باراباس به زبان آرامی به معنی «پسر پدر» است، یعنی پدرنش ناشناخته بود، ر. ک ۱۸:۴۰-۴:۳.

g- نمی توان گفت که همسر پیلاطس پیشاپیش مسیحی بوده است. این زن که بر اثر رویایی ناراحت و پریشان شده بود یسوع را به مفهوم یهودیان یا متی عادل نمی شمارد (یعنی کسی که به مشیت خدا و فادر باشد: ر. ک ۱:۱۹، ۵:۳، ۵:۴) بلکه او را به معنی یونانی کلمه «آدم خوب» می داند که در عین حال جال توجه و ناراحت کننده است.

سربازان^m نزد او جمع شدند. ^{۲۸} پس از اینکه لباس او را کنند روپوشی قرمز رنگⁿ بر او انداختند ^{۲۹} و تاجی از خار بافته بر سرش گذاشتند، و نیز با شاخه نی در دست راست او و در برابر او زانو زده او را مسخره کرده^۰ می گفتند: «درود، ای پادشاه یهودیان!» ^{۳۰} و بر او تُف انداخته، مر^۱ ^{۳۷:۱۱:۷} ^{۱۲:۹:۱۵} ^{۲۶:۱۸} ^{۳۸:۳۷:۲۳} ^{۳۹:۱:۸} ^{۲۱:۱۹:۳:۱۹} ^{۶:۵} نی را گرفته با آن بر سرش می زدند. ^{۳۱} و بعد از آنکه او را مسخره کردن روپوش را از او برگرفته دوباره لباسهایش را به او پوشانیدند. و او را بردندا تا مصلوب کنند.

^{۲۳} وی اظهار کرد: «او چه بدی کرده است؟» و ایشان بلندتر فریاد زده می گفتند: «مصلوب شود!» ^{۲۴} پیلاطس چون می دید هیچ فایده ای ندارد و بیشتر موجب هیاهو می شود آب خواست و در برابر مردم دست های خود را شسته گفت: «من از این خون بی گناه هستم^۱، خودتان ببینید.» ^{۲۵} و تمام قوم پاسخ داده گفتند: «خون او بر ما و بر فرزندان ما باد!» ^{۲۶} آنگاه باراباس را برایشان آزاد کرد و در مورد یسوع، پس از اینکه [دستور] داد او را تازیانه زند^k تسیل کرد تا مصلوب شود.

مصلوب شدن یسوع
(مرقس ۱۵:۲۱-۳۲؛ یوحنا ۱۶:۱۶-۲۴-۲۶؛
لوقا ۲۳:۴۳-۲۶؛ یوحنا ۱۹:۲۳-۲۶)

^{۳۲} چون بیرون می آمدند مردی قیروانی^p به نام شمعون را یافته او را وادر کردند صلیب او را بردارد. ^{۳۳} و چون به محلی به

یسوع به عنوان پادشاه یهودیان
تمسخر می شود
(مرقس ۱۵:۱۶-۲۰؛ لوقا ۱۱:۲۳-۲۴؛
یوحنا ۱۹:۲-۳)

^{۲۷} آنگاه سربازان حکمران، یسوع را با خود به داخل دیوانخانه^۱ برده، تمام دسته

^h- شکیجه صلیب که احتمالاً ریشه شرقی دارد در قوانین یهود ناشناخته بود و معمولاً رومیان آن را عامل می کردند.
ⁱ- طرز رفتار و سخنان پیلاطس در نظر کسانی که به نوشته های مقدس آشنا هستند مفهوم دقیقی می گیرد (ر. ک تث ۲۱:۸-۶).
^j- مز ۲۶:۶؛ ۱۳:۷-۸) بدین معنی که پیلاطس قصد دارد تمام مسئولیت وقایعی را که بعداً پیش می آید بر عهده یهودیان بگذارد.
^z- این اعلام یهودیان نیز ریشه در عهد عتیق دارد (سمو ۱:۱۳-۱۶؛ ۳:۵؛ ۵:۱؛ ۲:۹:۳؛ ۱:۶-۱۳) همچنین ر. ک (لو ۲۳:۲۸). یهودیان علاوه بر آنکه شاید موضعی سیاسی اتخاذ کنند مجبورند از نظر مذهبی یکی از این دو راه را پذیرند: یا در شخص یسوع، مسیح موعود را بشناسند یا به عنوان کسی که کفر می گوید مرگ او را تقاضا نمایند. ضمناً هر گونه یهود ستیزی که بر مبنای مطالب این آیه تصور شود چیزی جز انحراف و خطأ نیست.

^k- تازیانه زدن. تازیانه های رومیان دارای تکه های استخوان و قطعات سرب بوده است. محکوم به مرگ را پیش از به صلیب کشیدن تازیانه می زدند تا ضعف شده مدت زیادی کوتاه گردد. این نوع شکیجه که اصلاً منشأ رومی داشته ظاهراً در حدود دوران یسوع بوسیله یهودیان پذیرفته شده بود (ر. ک ۱۰:۱۷؛ ۲۳:۳۲) که در آنها کلمه یونانی که بکار برده شده یکی نیست؛ ر. ک اع ۴:۴؛ ۲۲:۴؛ ۱۹:۱۹).

^l- دیوانخانه [یا مقر حاکم رومی]. ر. ک مر ۱۶:۱۵ توضیح ۵.

^m- در مورد دسته سربازان. ر. ک مر ۵:۱۶ توضیح ۶.

ⁿ- منظور روپوش سرباز رومی است و این تعبیر از نظر تاریخی بیش از آنچه در مر ۱۵:۱۷ ذکر شده به حقیقت نزدیک است، زیرا پارچه ارغوانی مورد نظر مرقس گرانبهای تراز آن بوده که در چنین مورد و چنین جایی به کار برده شود.

^o- ر. ک ۲۷:۳۱. موضوع ریشخند و مسخره اکشرا در عهد عتیق دیده می شود: مرد عادل و مرد بینوا مورد سخریه و استهزای مردمان هستند (مز ۲۲:۸؛ ۴:۳؛ ۱۴:۲۷).

^p- قیروان. یکی از مهاجرنشین های یونانی در شمال آفریقا که تعداد زیادی از یهودیان در آنجا اقامت داشتند؛ ر. ک اع ۱:۲۰؛ ۱:۲۷؛ ۱۶:۲۷؛ مت ۲:۲۱؛ ۳۹:۲۱؛ عبر ۱:۱۳-۱:۱۳).

اسرائیل است! اگر هم اکنون از صلیب یو:۴۹:۱۲
پایین بیاید به او ایمان خواهیم آورد.
۴۳ خود را به خدا سپرده است، اگر [خدا]
به او علاقمند است او را رهایی دهد؛ زیرا
گفته است: "من پسر خدا هستم." یو:۱۸:۵
۴۴ همچنین راهزنانی که با او مصلوب شده ۳۶:۱
بودند او را ناسزا می گفتند.

مرگ یسوع
(مرقس ۱۵:۳۲-۳۹؛
لوقا ۲۳:۴۸-۴۴؛ یوحنا ۱۹:۲۸-۳۰)
۴۵ از ساعت ششم تا ساعت نهم^y سرتاسر
زمین را ظلمات فراگرفت. ۴۶ در حدود
ساعت نهم یسوع با صدای بلند فریاد
برآورده گفت: «الی، الی، لاما سبقتنی»^z
یعنی «خدای من، خدای من، چرا مرا رها
کرده ای؟»^{۴۷} بعضی از آنان که در آنجا
ایستاده بودند شنیده گفتند: «اینکی الياس

نام «جلبتا» یعنی محل جمجمه^۹ رسیدند،
۳۴ به او شرابی آمیخته به زرداب^r دادند تا
بنوشد و آن را چشیده نخواست بنوشد.
۳۵ پس از اینکه او را به صلیب کشیدند،
قرعه انداخته^s لباسهای او را تقسیم کردند.
۳۶ و در آنجا به نگهبانی او نشستند. ۳۷ و
تقصیر نامه او را بالاس سرش قرار دادند که
چنین نوشته بود: این است یسوع پادشاه
اش ۱۲:۵۳ یهودیان^t. ۳۸ آنگاه دو راهنزن^{۱۰} با او
مصلوب شدند، یکی به راست و یکی به
چپ. ۳۹ عابران بر ضد او کفر گفته با تکان
دادن سر^{۱۱}،^{۱۰} می گفتند: «تو که قدس را
نابود و در سه روزه دوباره بنا می کنی»^w،
خود را نجات بده، اگر پسر خدایی از
صلیب پایین بیا». ۴۱ همچنین کاهنان
بزرگ با کاتبان و مشایخ نیز او را ناسزا
می گفتند: «۴۲ دیگران را نجات داده است؛
خودش را نمی تواند نجات دهد! پادشاه

q- احتمالاً نه اشاره به جمجمه آدم ابوالبیشر (چنانکه اوریجن گفته) یا جمجمه اعدام شدگان، بلکه این نام به سبب شکل صخره‌ای است که شبیه جمجمه می باشد.

r- «هنگامی که کسی می بایست اعدام شود به او اجازه می دادند کندر حل شده در جام شراب را بنوشد تا از خود بی خود شود...»
بانوان محترم اور شلیم اجرای این وظیفه را بر عهده داشتند» (نقل از تلمود بابلی درباره سانهرین، ۴۳). متن اضافه بر این افروند زرداب را ذکر کرده که شراب را تاخ و غیر قابل شرب می سازد (ر. ک مز:۶۹:۲۲). زرداب مایعی لرج، تاخ، تهوع آور و زردرنگ است.

s- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: «تا سخن پیامبر تحقق یابد: لباسهای مرا بین خود تقسیم کرده اند و برای ردای من قرعه انداخته اند» (مز:۲۲:۱۹). احتمالاً این الحق از یو:۱۹:۲۴ گرفته شده است.

t- این کتبیه (به زبان لاتین titulus) جزو مقررات و ترتیبات مربوط به اعدام های رسی می بود. نگارش و انشاء کتبیه را که البتہ جنبه تمسخرآمیز دارد احتمالاً پیلاطس دستور داده بود (ر. ک یو:۱۹:۱۹-۲۲ که این قسمت را بیشتر تشریح کرده است).

u- راهنزن یا یاغی. در مورد این کلمه ر. ک ۵۵:۲۶ j.
v- ر. ک مز:۲۲:۸:۰۹:۲۵:۰۹ .m ۶۱:۲۶ .w ۲۰-۱۸:۹:۲۲: حک ۱۳:۲ .x

y- یعنی از ظهر تا ساعت سه عصر. این ظلمات (ر. ک خروج ۱:۲۲:۱:۸:۹:۱۰) که از لحظه صلیب سرتاسر زمین را فرا گرفته بود احتمالاً نمادی از داوری خداست. ضمناً می توان ترجمه کرد: «بر روی تمام مرز و بوم».

z- ر. ک مز:۲۲:۲. این فریاد، فریاد نومیدی نیست بلکه فریاد اندوه و اضطراب است زیرا با سخنانی از نوشته های مقدس خطاب به خدا گفته می شود. بعضی از مفسران با یادآوری اینکه همین مزمور ۲۲ با دعای توکل و اعتماد پایان می یابد جنبه واقعی این عبارت را مورد تأکید قرار می دهند.

تذفین یسوع

(مرقس ۱۵:۴۰-۴۷؛ لوقا ۲۳:۴۹-۵۶؛
یوحنا ۱۹:۲۸، ۲۵:۴۲-۴۳)

^{۵۵} در آنجا زنان بسیاری بودند که از دور ^{۳:۲۸} نگاه می کردند، هم آنان که از جلیل به دنبال یسوع آمده بودند تا به او خدمت نمایند.^{۵۶} از جمله مریم مجده و مریم مادر یعقوب و یوسف و مادر پسران زبدی.^{۲۰:۲۰} ^{۵۷} چون شب فرا رسید، مرد شروتمندی از اهالی رامه به نام یوسف که او هم شاگرد یسوع شده بود^{۵۸} وی به نزد پیلاطس رفته جسد یسوع را طلبید. پس پیلاطس ^{۲۳:۲۱} ^{۲۲:۲۳} دستور داد آن را باز پس دهنده.^{۵۹} و یوسف جسد را گرفته آن را در گفنه پاک پیچید؛ ^{۶۰} ^{۲۹:۶} و آن را در قبری نو که در صخره کنده بود نهاد؛ و سنگ بزرگی به در قبر ^{۲:۲۸} ^{۴:۳:۱۶} غلطانیده رفت.^{۶۱} در آنجا مریم مجده و مریم دیگر در مقابل قبر نشسته بودند.^{۱:۱۰} ^{۲:۱۰} ^{۲۵:۱۹}

را صدا می کند^a.^{۴۸} و همان دم یکی از ایشان دویده اسفنجی برداشت و آن را به سرکه آغشته کرده بر سر یک نی گذاشت و به او نوشانید.^{۴۹} ولی دیگران می گفتند: «بگذار ببینیم آیا الیاس می آید او را نجات دهد.»^{۵۰} یسوع باز به صدای بلند فریاد برآورد و روح^c را تسليم کرد.^{۵۱} و اینک خروج ۳۵-۳۱:۲۶ پرده قدس^d از بالا تا پایین به دو قسمت شکافته شد و زمین متزلزل گردید و صخره ها شکافتند.^{۵۲} و قبرها باز شدند و اجساد بسیاری از مقدسین که خوابیده بودند قیام کردند^{۵۳} و پس از قیام او، از قبرها خارج شده به شهر مقدس وارد شدند و به تعداد زیادی از مردمان ظاهر گردیدند.^{۵۴} سنتوریون و کسانی که با او یسوع را نگهبانی می کردند با دیدن زمین لرزه و آنچه انجام شده بود، بسیار ترسیده گفتند: «به راستی، این پسر خدا بود.»^{۱۹:۲۲} ^{۲:۱۱} ^{۲:۲۱} ^{۵:۴}

- در مورد انتظار برای الیاس طبق نوشته های مکافنه ای یهودیان ر. ک ۱۰:۱۷ توضیح ز.

- سرکه. آشامیدنی ای که سربازان رومی با آن به خوبی آشنا بودند. در اینجا اشاره به مز ۶۹ به این عمل جنبه غیر انسانی می دهد در صورتی که شاید چنین نبوده است (ر. ک یو ۱۹:۲۸-۲۸:۲۲).

- در اینجا منظور از روح، نه روح القدس است و نه آن روح که طبق تفکر یونانی در برابر جسم مادی انسان قرار دارد و خدا به انسان داده است (ر. ک لو ۲۳:۴۶؛ یو ۱۹:۳۰ m). بلکه منظور روح زندگی به معنایی است که در عهد عتیق آمده است (پید ۱۸:۳۵؛ بنسی ۲۳:۳۸؛ حک ۱۴:۱۶).

- منظور پرده ای است که صحن جلو معبد را از معبد جدا می کرد (در این صورت مرگ عیسی دسترسی مشرکان را به حضور خدا مقدور می سازد) یا پرده ای که قدس را از قدس الاقدس مجزا می سازد (در این صورت با مرگ یسوع دوران کاهنان عهد عتبیق یا بیان می یابد. در این معنی ر. ک ۱۹:۱۰؛ ۲۰:۱۰). نیز به این معنی که قدس الاقدس معبد از بین رفته و جای آن را تن مسیح گرفته است (ر. ک یو ۱۹:۲۰ e). در هر صورت با توجه به ترکیب عبارات نمی توان یکی از این سه تفسیر را ترجیح داد.

- شرح و تفصیلاتی که در آیات ۵۱-۵۳ مذکور می شود (در روایات، فرا رسیدن روز داوری نهایی را اعلام می کردند (عا ۳:۸؛ اش ۱۹:۲۶؛ حرق ۱۲:۳۷؛ دان ۱۲:۲).

- این جمله را می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «که او هم شاگردی یسوع را کرده بود» یا اینکه: «از آموزش یسوع تعلیم یافته بود» (همین فعل در مت ۱۳:۵، ۲۱:۵، ۱۹:۲۸ به کار برده شده است). بیشتر گمان می رود که این شخص اصلاً اهل آریاته بوده که از شهرهای ناحیه یهودیه در شمال شرقی «لده» می باشد که یا اصالتاً از آن شهر می آمده یا موقعی که مصلوب را دیده به اورشلیم وارد می شده است. در هنگام دفن مسیح، هیچ کدام از رسولان حضور نداشتند. قبل از این متنی مرتب درباره آنان صحبت می کرد و حال فرصتی بیش آمده تا به زنانی اشاره کند که از قبل یسوع را پیروی و خدمت می کردند.

گذاشتند و از حفاظت مدفن خاطر جمع شدند.

یسوع دیگر در قبر نیست
(مرقس ۱۶:۸-۱؛ لوقا ۲۴:۱۱-۱؛ یوحنا ۱:۲۰، ۱۸-۱۱)

پس از سبت، به هنگام شروع

۲۸ روشنایی^k روز اول هفته، مریم مجده و مریم دیگر^۱ آمدند تا از مدفن بودند که دیدن کنند.^m و اینک زمین لر زه عظیمی روی دادⁿ زیرا فرشته خداوند^۰ از آسمان فرود آمده پیش آمد، سنگ را غلطانیده بر آن نشست.^۳ منظر او مانند آذرخش و لباسش همچون برف سفید بود.^۴ نگهبانان در برابر او ترسان شده بر خود لرزیدند و اع:۱۰

نگهبانی مقبره

۶۲ فردای آن روز یعنی پس از تدارک^۵ [عید]، کاهنان اعظم و فریسان نزد پیلاطس گردآمده گفتند^۶: «خداوندا، به یادمان آمد که این گمراه کننده وقتی هنوز زنده بود گفت: بعد از سه روز قیام می کنم.^j»^{۶۴} پس دستور بد که مدفن تا روز سوم به طور مطمئنی محافظت شود مبادا شاگردانش بیایند و او را بذردند و به قوم بگویند از میان مردگان قیام کرده است؛ آخرین گمراهی که از اولی بدتر خواهد بود.»^{۶۵} پیلاطس به ایشان اظهار کرد: «این هم نگهبان، بروید هر طور می خواهید بکنید تا خاطر جمع شوید.»^{۶۶} پس آنان رفته سنگ را مهر و موم کرده، نگهبان

g- تدارک. این کلمه در مورد روز جمعه به کار برده می شد که در آن روز یهودیان برای سبت تهیه و تدارک می دیدند.

h- آیات ۶۶ تا ۶۲ که مختص انجیل متی است انعکاسی از جدال بین یهودیان و مسیحیان می باشد. منتظر آن نیست که قیام یسوع ثابت شود بلکه پاسخی به اعتراض یهودیان است که می گفتند جسد او دزیده شده است.

i- یعنی کسی که مردمان را به اشتباه می اندازد.

j- اشاره به اعلامهای مربوط به رجیسیو و رستاخیز اوست که انجیل نگاران نوشتند. چنین به نظر می رسد در موقعی که متى انجیل خود را می نوشت محافل یهودی از این موضوع اطلاع داشته اند.

k- این اصطلاح احتمالاً اشاره به پیدا شدن ستاره غروب است که آغاز شب آن روز جدیدی را اعلام می نماید (ر. ک لو ۵۴:۲۳) و موقع فرار سیدن شب است. برخلاف انجیل دیگر که به طلوع آفتاب اشاره می کنند، متی طبق تقویم یهودیان، از آغاز شب آن روز یعنی بعد از غروب آفتاب اشاره می کند. در هر دو تعمق موضوع شروع هفته جدید و از این رو خلقت جدید است.

l- احتمالاً مادر یعقوب و یوسف (۵۶:۲۷).

m- این زنان مقدس نه برای تدهین جسد (مر ۱:۱۶) بلکه برای دیدار (زیارت) مقبره می آیند. ممکن است آداب و رسوم یهودیان که به زیارت قبر مقدسان می رفتهند بر این روایت تأثیر کرده باشد؛ ضمناً با توجه به علاقه ای که نسبت به محل قبره ابراز می شود (۶:۶ بیایید ... بنگرید) می توان این فرضیه را تأیید نمود.

n- در روایات، زمین لر زه یکی از علائم ظهور الهی است (ر. ک خروج ۱:۱۸؛ ۷:۱۱؛ ۲۶:۱۲؛ ۲۶:۲۶؛ مت ۳۵:۲۷ توضیح e).

[قانون ایمان رسولان اعلام می کند: او به هاویه فرورفت.» باید یادآوری نمود که یهودیان چگونه عاقبت مردگان را تصور می کردند (مت ۱۸:۱۶؛ لو ۱۶:۰؛ مز ۲۳:۱۱؛ y:۱۲:۱۱؛ امت ۱۱:۸۸؛ ای ۱۲:۱۶). مردگان در عالم زیرزمین در تاریکی و فراموشی کامل بودند، بدون هیچ امیدی که از آنها به بالا برگردند و بدون ارتباط با خدا و زمین زندگان. این زندان نمی توانست مسیح، کلمه زنده را در بند نگاه دارد. او زنجیرها را گسسته عادلان را آزاد می سازد (افس ۴:۹؛ ۷:۶؛ ۱۹:۳ و x). این تعمق بر پیروزی مطلق یسوع و لرزیدن دنیا ی کهنه برای شروع خلقت تازه، در کلیساها شرق اهمیت خاصی دارد.]

o- در اینجا فرشته ای نیست که مأمور باشد واقعه شگفت انگیزی را توضیح دهد (ر. ک ۲۸:۵) بلکه فرشته خداوند است (ر. ک پید ۱۱:۱۱-۱۵؛ خروج ۳:۶-۲؛ ۲:۲۲) و با اقتدار خداوند سخن می گوید (۵:۲۸؛ ۷:۲؛ ر. ک ۱:۲۰).

را که انجام شده بود به کاهنان اعظم خبر دادند.^{۱۲} اینان با مشایخ جمع شده مشورت کردند.^{۱۳} نقره کافی به سریازان داده ۶۴:۲۷ گفتند: «شب هنگام شاگردانش آمده چون خوابیده بودیم او را ربودند.^{۱۴} و اگر حکمران این را بشنود ما او را قانع خواهیم کرد و برای شما جای نگرانی نخواهد بود.»^{۱۵} آنان نقره را گرفتند و برابر آنچه به ایشان تعلیم داده بودند رفتار کردند و این سخن^۷ تا به امروز در بین یهودیان شایع شده است.

يسوع قيام کرده شاگردانش را به مأموریت می فرستد

اما یازده شاگرد، به جلیل بر کوهی^w ۳۲:۲۶ ۱۰:۷:۲۸ که یسوع برای ایشان تعیین کرده بود رفتند.^{۱۶} و او را دیده سجده نمودند ولی بعضی شک کردند.^x و یسوع پیش آمده این سخنان را به ایشان گفت: «هر

چون مردگان شدند.^۵ فرشته به سخن درآمده به زنان گفت: «ترسان نباشید؛ می دانم که یسوع مصلوب را می جویید.^۶ او در اینجا نیست زیرا همان گونه که گفته بود،^۹ قیام کرده است؛ بیایید جایی که او را گذاشته بودند بنگرید.^۷ و زود رفته به شاگردانش بگویید که از مردگان قیام کرده است؛ و اینک پیش از شما به جلیل رفته و در آنجا او را خواهید دید. اینک به شما گفت!»^۸ و آنان، شتابان از قبر رفته با ترس و شادی بزرگ دویدند تا آن را به شاگردانش مژده دهند.^t و اینک یسوع به آن زنان برخورده گفت: «شادمان باشید!» زنان نزدیک رفته پاهای او را گرفتند و در برابر ش سجده کردند.^s آنگاه یسوع به آنان گفت: «مترسید، بروید به برادران من^t مژده دهید که به جلیل برونده... در آنجا^{۱۶:۷:۲۸} مرا خواهند دید.»^{۱۱} چون می رفتد اینک بعضی از نگهبانان به شهر آمده تمام آنچه

p- متی برخلاف روایت‌های جعلی و تصویرات عامیانه، یسوع را در حال قیام و برخاستن از مرگ توصیف نمی نماید بلکه با روش نگارش ادبیات مکافنه‌ای آثار عمل خدا را از اهله می کند.

q- آنچه یسوع اعلام می کند در وهله اول وعده ملاقات در جلیل نیست (مر ۷:۱۶) بلکه درباره خود رستاخیز است. این موضوع در بشارتهای خاص کلیسای اولیه (مصلوب شده... از مرگ برخاسته) بیشتر دیده می شود (ر. ک اع ۲۳:۲-۴، ۳۶، ۱۰:۴...).

r- این نکته با روایت مر ۱۶:۸ تفاوت دارد.

s- «شادمان باشید» ر. ک لو ۱:۸ توضیح Z. «پاهای او را گرفته...» زنان با این عمل نمی خواهند معاینه کنند که آیا یسوع تنی دارد بلکه امیدواری خود را ابراز کرده (ر. ک ۲-۲۷:۴-۲۷) احترام و ستایش خود را نشان می دهند (مت ۲:۲، ۱۱:۸:۲).

t- در انجیلها ذکر «برادران من» در مورد شاگردان فقط در اینجا و در یو ۲۰:۱۷ دیده می شود، جائی که یسوع بر مریم مجده بپدیدار می گردد.

u- این عبارت، در انجیل متی متدال و معمول است: ۱۲:۱۴، ۲۲:۱۵، ۲۲:۱۷، ۲۲:۱۵-۱۴. این روایت که در دفاع از مسیحیت است شایعه‌ای را که یهودیان در زمان متی رواج داده بودند تکذیب می نماید (ر. ک مت ۲۷:۶۲-۶۶) و نشان می دهد که حتی اگر می توانستند چنین تصویری بکنند ربودن جسد عمالاً روی نداده است.

w- بر کوهی در جلیل که تعیین آن غیر ممکن است ولی متی آن را احتمالاً نزدیک به کوهی که در وسوسه یسوع ذکر شده (۸:۴) یا کوهی که بر آن تجلی کرد (۱۷:۱) می داند.

x- تذکر درباره اینکه شک کرده بودند موجب شگفتی است، زیرا پس از پرستش شاگردان ذکر شده و از سوی دیگر چنان که معمولاً در طرح عادی روایت‌های پدیدار شدن مسیح دیده می شود (لو ۴:۳۷-۴۴، ۲۷:۲۰-۲۵، ۱۶:۱۱، ۱۳:۱۱-۱۴) این نکته با شناختن خداوند هماهنگ ندارد. بدین سبب بعضی از مفسرین این عبارت را توضیحی الحاقی می دانند که

آموزش دهید که هر آنچه به شما دستور یو^{۲۳:۱۴} آدم رعایت کنند. و اینک هر روز تا حجی^{۱۳:۱} بی^{۲۴:۱۷} یو^{۲۹:۳۹} انجام زمان من با شما هستم^b.^{۳:۲۴}

اقتداری در آسمان و بر زمین به من داده شده است.^y^{۱۹} پس رفته همه ملت‌ها را شاگرد سازید^z و آنان را به نام^a پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید.^{۲۰} به ایشان

به روایت ملاقات خداوند زنده با شاگردانش اضافه شده است و این ملاقات نوعی «ظهور الهی» است نظیر آنچه در مورد اعلام زمان آخر در دان^{۱۴:۷} گفته شده. ضمناً این عبارت را می‌توان ترجمه کرد: ایشان که شک کرده بودند (و این تردید درباره یسعی نیست بلکه درباره سخنان زنان است).

- آن کسی که بر کوه وسوسه، تسلط بر سلطنت‌های دنیا را از ابلیس نپذیرفته بود (۱۰:۹-۱۰) صریحاً اعلام می‌کند که آن را از خدا دریافت کرده است. (ر. ک دان^{۳:۷}: به پسر انسان اقتدار، افتخار و سلطنت داده شد و تمام اقوام، ملت‌ها و زبانها او را پرستش کردند): و حتی بیشتر از این، در اینجا سخن از «زمین و آسمان» است چنان که اعتقاد کلیسای اولیه بر این بود (اع^{۱۳:۳۳}: روم^{۱:۴}; فی^{۲:۵-۶}; ۱-تیمو^{۱:۱۶}).

- یا اینکه: «رفته از تمام ملت‌ها شاگرد بسازید» (ر. ک^{۸:۲}: ۱۳:۹؛ ۱۰:۱؛ ۱۳:۹؛ ۴:۱۱؛ ۶:۱۰؛ ۶:۲۷؛ ۶:۶۶؛ ۷:۲۸؛ ۷:۷). در اینجا منظور از ملت‌ها منحصر به مشرکان نمی‌باشد بلکه یهودیان را نیز در بر می‌گیرد (ر. ک^{۹:۲۴}: ۱۴؛ ۲۳:۲۵؛ ۳۲:۲۵). اقدام یسعی با رفاری که در دوران زندگی زمینی خود داشته (۱۰:۵-۶، ۲۳:۱۵؛ ۲۴:۱۵) تفاوت دارد و حال پیشگویی را به تحقق می‌رساند (اش^{۶:۴۲}: ۶:۴۹؛ ۲۰-۱۸:۴۵).

- وقتی گفته می‌شود: «به نام...» بدین معنی است که رابطه‌ای شخصی (ر. ک^۱-قرن^{۱:۱۳}: ۱۰:۲؛ ۱۰:۲) بین کسی که تعمید می‌یابد با پدر، پسر و روح القدس برقرار می‌گردد؛ ذکر «سه گانه مقدس» از همان آغاز در کلیسای اولیه شناخته شده بود (۱-قرن^{۱:۱۲}-۵:۲-قرن^{۱:۱۳}).

- طبق کتاب دیداکه ذکر این عبارت در آئین کلیسای اولیه مرسوم بوده است.

b- یسعی برخاسته از مرگ با این کلمات به چهره و عده حضور الهی در عهد عتیق اشاره کرده و آن را به تحقق می‌رساند (خروج^{۱:۱۲-۳}: ار^{۱:۱}: اش^{۴:۱}: ۱۰:۵؛ می^{۴:۳}: مت^{۱:۲۳}). او نه فقط فراهم آورنده موهبت‌های مخصوص است (لو^{۴:۲۴-۲۸}: یو^{۲:۲۰-۲۲}) و حضور مداوم خود را اطمینان می‌دهد (مت^{۱:۱۸}: ۲۰) بلکه یاری مؤثر «هر روزه» را نیز حتی در موقعی که تحت جفا باشند فراهم می‌کند. بدین گونه این حضور مشابه حضور روح مدافع است که متون یوحنای قبلاً به آن اشاره کرده بودند (یو^{۱:۱۶-۷}: ۱۱:۱۶؛ ر. ک^{۱-۲:۱۰}).

